

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین
علیهما السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.
لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام
گردیده است.

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی

نویسنده: محمد امینی گلستانی.

تقدیم. جوانان عزیز که به سن بلوغ رسیده و براساس قانون طبیعت، در صدد ازدواج و تشکیل خانواده و ریختن فونداسیون زندگی هستند امیدوارم با مطالعه دقیق این کتاب، و با به کار بستن دستورات آن، خوشبختی و آینده سرشار از کامیابی خود را تضمین و از ندامت و پشیمانی بعدی، بیمه نمایند انشاء الله آمین.

محمد امینی گلستانی

تقدیر و تشکر

روایت از رسول خدا ﷺ آمده است آن حضرت فرمود: هرکس مخلوق را تشکر نکند، خدا را هم شکر گزار نخواهد بود، بنابراین، از همسر گرامی و همسر و همسفر خوشی ها و ناخوشی های دوران زندگی ام حاجیه خانم «عفت عرفانی» کمال تشکر و قدر دانی را دارم که با جسم و جان رنجور و ناتوان، وسایل رفاه و آرامش خاطر مرا فراهم نمود، تا این اثر و سایر اثرهایم را به پایان برسانم، از خدای توانا به احترام مقدسین درگاهش، برای او و تمام مریضها، شفای عاجل و کامل مسئلت می نمایم.

محمد امینی گلستان

بخش یکم آداب ازدواج و راهنمائی‌های آن

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيد الأنبياء و المرسلين محمد بن عبد الله ﷺ و على أهل بيته الطيبين الطاهرين سيما ولده بقیة الله الأعظم و خليفته في أرضه و حجته على خلقه حجة بن الحسن عجل الله تعالى فرجه الشريف، روى و أرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء، و العنة الدائمة الأبدية على أعدائهم أجمعين من الان الى لقاء يوم الدين

پیشگفتار

در این زمان‌ها که مردم دچار مشکلات گوناگون گردیده و با گرفتاری‌های روز افزون، دست و پنجه نرم می‌کنند و غم‌ها و غصه‌ها، هر روز با رنگ جدید، به زندگی افراد جامعه، حمله ور شده و راه باز می‌کند و با الوان مختلف، افراد بشر را دچار سر در گمی، می‌نماید در این موقعیت سؤالی پیش می‌آید که آیا در این بحران‌ها چه باید کرد و باید چه تدبیری اندیشید؟! جواب این است اولاً باید در تمام مراحل زندگی به خدا پناه برد و حل مشکلات را از او درخواست نمود، و ثانیاً می‌دانیم که قسمت اعظم این ناملایمات از ناحیه همسران، نسبت به یکدیگر و با اشتباهات تصمیمات اولیه زندگی پیش می‌آید که پیامدش گریز از ازدواج و سرپیچی از تشکیل خانواده و رو آوردن به راههای ناسالم می‌گردد، بنابراین بر هر صاحب قلمی فرض و واجب است تا آنجا که برایش امکان دارد،

از دانسته‌ها و تجربیات خود، استفاده کرده با نوشته‌های خود، اقشار مختلف مخصوصاً قشر جوان را، راهنمایی نموده و با ارائه برنامه‌های صحیح و متنوع سالم، آنها را به آینده درخشان امیدوار ساخته و به زندگی سعادت‌مند و خوشبختی، دلگرم نمایند؛

علیهذا، اینجانب با استعانت از درگاه ایزد منان وظیفه خود دانستم به اندازه فهم و برداشت خود، کتابی را فراهم آورم که جوانان عزیز را در امر ازدواج و تشکیل خانواده موفق و ایده‌آل، راهنمایی نموده و سعادت و شیرین‌کامی را در تمام مراحل زندگی از خدای رؤف و مهربان برایشان، درخواست نمایم انشاءالله آمین.

در این کتاب سعی کرده‌ام از آیات قرآن و اخبار رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام که از منبع وحی و مصدر آسمانی، به دست ما رسیده است، مدد گرفته و از کلمات بزرگان، استفاده نمایم تا بیشتر قرین موفقیت و رستگاری باشد.

چون تعدادی از روایات مذکور در فصل‌های مختلف کتاب، دارای مطالب مشترک با فصل دیگر و با هم ارتباط کامل داشت، و برای اینکه جامعیت خبر و بافت حدیث صدمه نخورده و از بین نرود، از تقطیع آنها صرف نظر گردید تا مفید فایده بیشتر شود، لذا لازم است کتاب را از ابتدا تا انتها مطالعه نموده و از مجموع آنها، راه درست را انتخاب نموده و زندگی را شروع کرد.

در این کتاب سعی بر اختصار و از اطاله کلام، پرهیز شده است بدینجهت فقط نمونه‌هایی از اخبار مربوط به هر فصل آمده است تا حجم کتاب به صورت سبک در دست عزیزان قرار گیرد.

کلمات و جمله‌های میان پارانتر () از مؤلف است و به عنوان توضیح بیان گردیده است.

این کتاب مکمل کتاب «والدین دوفرشته جهان آفرینش» از همین مؤلف، می‌باشد، در صورت امکان عزیزان آن کتاب را به دست آورده و اطلاعات خود را تکمیل نمایند زیرا مطالب رفتار با اولاد و اهل و عیال و حقوق آنها و حقوق پدر و مادر که همان زوجین است، در آن کتاب مشروحاً بیان گردیده است. در باره روایات این کتاب از نظر رجالی، بررسی به عمل نیامده ولی سعی شده است از کتاب‌ها و مأخذ مورد قبول، نقل شود لذا اگر مطلبی به نظر خوانندگان محترم، سنگین و یا قابل قبول نباشد، به مصدرش رجوع و صحت و سقم آن را، جویا باشید.

این کتاب دارای چهاربخش است اگرچه بیشتر بخش‌ها باهم ارتباط دارد.

1 - آداب ازدواج و راهنمایی‌های زندگی.

2 - رفتار در خانواده.

3 - آداب معاشرت و مباشرت.

4 - قسمتی از منهیات.

که هر یک از این بخش‌ها دارای فصل‌های متعدد می‌باشد

مقدمات ازدواج

ابتدائاً لازم می دانم تعدادی از آیات مبارک مربوط به ازدواج را، از نظر خوانندگان گرامی را بگذرانم و سپس به اصل موضوع کتاب بپردازم

آیات

اشاره

پیش از ورود به اصل مطلب و تفسیر و توضیح آیات مربوطه لطفاً روایت ذیل را که قسمتی از حدیث مفصل است، با دقت بخوانید، تا مفهوم آیات برایتان روشن و از ماجرای خلقت انسان آگاه و مطلع شوید.

زرارة بن أعین، از ابي عبدالله عليه السلام ضمن حدیثی فرمود: **إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ آدَمَ مِنْ طِينٍ ثُمَّ ابْتَدَعَ لَهُ حَوَاءَ فَجَعَلَهَا فِي مَوْضِعِ النَّقْرَةِ الَّتِي بَيْنَ وَرْكَيْهِ، وَ ذَلِكَ لِكَيْ تَكُونَ الْمَرْأَةُ تَبَعاً لِلرَّجُلِ، فَقَالَ آدَمُ: يَا رَبِّ مَا هَذَا الْخَلْقُ الْحَسَنَ الَّذِي قَدْ آنَسَنِي قَرْبَهُ وَالنَّظَرَ إِلَيْهِ؟! فَقَالَ اللَّهُ: يَا آدَمُ هَذِهِ أُمَّتِي حَوَاءُ أَفْتَحِبُّ أَنْ تَكُونَ مَعَكَ تَوَّاسِكًا وَتَحَدِّثُكَ، تَكُونَ تَبَعاً لِأَمْرِكَ؟**

فقال: نعم يا ربّ ولك بذلك على الحمد والشكر ما بقيت، فقال الله عزوجل: فاخطبها إليّ، فإنها أمتي، وقد تصلح لك أيضا زوجة للشهوة، وألقى الله عليه الشهوة وقد علمه قبل ذلك المعرفة بكلّ شيء، فقال يا ربّ فإنني أخطبها إليك فما رضاك لذلك؟ فقال الله عزوجل:

رضای آن تعلّمها معالم دینی، فقال: ذلک لک علیّ یارب إنّ شئت ذلک لی، فقال اللّهُ عزّوجلّ: وقد شئت ذلک وقد زوجتکها فضّمّها إلیک. همانا خدای عزّوجلّ آدم را از گل آفرید سپس برایش حوا را ابداع نمود (و به وجود آورد) و او را در میان انتهای دو ران آدم قرار داد تا (از نظر خلقت) زن تابع مرد شود، پس آدم گفت: ای خدا این آفریده زیبا چیست؟! که نزدیک بودن و نگاه کردن به او مرا مأنوس (و مشغول) نمود؟! خداوند فرمود: ای آدم این کنیز من حوا است، آیا دوست داری با تو باشد و مونس و هم صحبت توشود و پیرو امر تو باشد؟! عرض کرد: بلی ای خدای من و برای تو در ذمه من باشد سپاس گذاری و تشکر تا زنده هستم، خدای عزّوجلّ فرمود: او را از من خواستگاری نما زیرا او کنیز من است و حتماً به صلاح توست که جفت شهوت (و عشق) تو باشد؛

خداوند به (وجود) آدم شهوت را انداخت (و عشق را ایجاد نمود البته) قبلاً به او تمام اشیاء را مورد شناخت قرار داده (وفهمانده بود)؛

(آدم) گفت: ای خدا من او را از تو خواستگاری می نمایم رضایت (و نظر تو در این باره) چیست؟! خدای عزّوجلّ فرمود: رضایت من (و مهریه او) آن است که معالم دین مرا به او یاد دهی، عرض نمود این به گردن من ای خدا، اگر تو می خواهی پس خدای عزّوجلّ فرمود: من این را می خواهم و (در مقابل این مهریه) او (حوا) رابه تو تزویج کردم به خودت بچسبان (و به آغوش بکش).¹

این ازدواج مبارک سبب ازدیاد نسل بنی آدم و باعث عمران و آبادی کره زمین گردید؛

و از این پیوند میمون فرستادگان خدا و جانشینان آنها: قدم به عرصه وجود گذاشت و روز به روز جریانهای بی شمار دیگر متولد شد و پیدا گردید.

خدای متعال این زن جوان را از وجود خود آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ پدید آورد بلی از دنده چپ آدم ^{«2»} از استخوان یا مغز آن آفریده شد که آزمایش‌های علم روز ثابت کرده است از میان تمامی اعضای بدن جانداران، برای «شبهه سازی»، مغز استخوان مناسب تر و بهتر جواب می دهد پس این بده بستان‌ها و تحویل و تحول‌ها، حوای جوان و مادر بشریت را، به دنیا تحویل داد و همت او را در آرمیدن کنار آدم جوان، و آرامش و سکون آدم در سپری کردن عمر پر بها را در آغوش پرمهر و محبت حوا قرار داد به گونه‌ای که زن شوهر خود را در مواقع زیاد، به همه عزیزانش ترجیح می دهد.

حالا به لحن کلمات و تعبیرهای پرمعنای تعدادی از آیات قرآن دقت نمایید که نیازی به توضیح بیشتر نباشد.

1 - (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ). و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می کنند. ^{«1»}

2 - (وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ). خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد ... ^{«2»}

3 - (وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا) و کسی است که از آب، انسانی را آفرید، سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد) و پروردگار تو همواره توانا بوده است. ^{«3»}

4 - (جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا) . و از جنس

شما همسرانی برای شما قرار داد و جفتهایی از چارپایان آفرید ... «4»

5 - (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا

زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ ..) . «5»

ای مردم از (مخالفت) پروردگارتان: بپرهیزید. همان کسی که شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق نمود؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت (و پراکنده نمود) ...

6 - (خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا ...) «6»

او شما را از یک نفس آفرید؛ و همسرش را از (باقیمانده گل) او به وجود آورد؛ ...

7 - (وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ

لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ) و اوست که شما را از یک نفس آفرید (و شما دو گروه هستید) بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل) و بعضی نا پایدار؛ ما آیات خود را برای کسانی که می فهمند: تشریح می کنیم. «7»

8 - (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا)

او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. «1»

9 - (وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا) و شما را به صورت جفتهها آفریدیم. «2»

دستور ازدواج

آیات گذشته، کیفیت آفرینش دوزوج را، بیان فرمود، اما آیه‌های مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده را ذیلاً بخوانید.

10 – (فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنِي وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ) پس با زنان پاک ازدواج نمائید دو یا سه یا چهار همسر. «3»

11 – (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ (۳۲) وَلَيْسَتَعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ).

مردان و زنان بی همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز می‌سازد، خداوند گشایش دهنده و (به حالات بندگان) آگاه است. و آنها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت (و پاک دامنی را) پیشه کنند تا خداوند آنانرا با فضل خود، بی نیاز سازد. «4»

ترغیب به ازدواج آسان

از آغاز سوره مبارکه «نور» تا به این آیه، راههای حساب شده مختلفی برای پیش‌گیری از آلودگی‌های جنسی مطرح شده است، که هر یک از آنها تأثیر به‌سزائی در پیش‌گیری یا مبارزه با این آلودگی‌ها دارد.

در آیات مورد بحث نیز به یکی دیگر از مهمترین طرق مبارزه با فحشاء که ازدواج ساده و آسان، و بی‌ریا و بی‌تکلف است، اشاره شده، زیرا این نکته مسلم است که برای برچیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرائز وارد شد، و به تعبیر دیگر هیچگونه مبارزه منفی بدون مبارزه مثبت مؤثر نخواهد افتاد.

لذا در نخستین آیه مورد بحث می‌فرماید: مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید، و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ).

ایامی جمع ایّم (بر وزن قیّم) در اصل به معنی زنی است که شوهر ندارد، سپس به مردی که همسر ندارد نیز گفته شده است، و به این ترتیب تمام زنان و مردان مجرد در مفهوم این آیه داخلند خواه بکر باشند یا بیوه.

تعبیر «انکحوا» (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمکهای مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسأله ازدواج، و بالأخره پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست؛

خلاصه مفهوم آیه به قدری وسیع است که هر گونه قدمی و درمی و سخنی در این راه را شامل می‌شود.

بدون شک اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در همه زمینه‌ها به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است.

اهمیت این مساله تا به آن پایه است که در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: أفضل الشفاعات أن تشفع بين اثنتين في نكاح حتى يجمع الله بينهما:

بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجی‌گری کنی، تا این امر به سامان برسد!

در حدیث دیگری از امام کاظم موسی بن جعفر علیه السلام می‌خوانیم: ثلاثة يستظلون بظل عرش الله يوم القيامة، يوم لا ظل الا ظله رجل زوج أخاه المسلم او أخدمه، او كتم له سرّاً سه طایفه‌اند که در روز قیامت در سایه عرش خدا قرار دارند، روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست: کسی که وسائل تزویج برادر مسلمانش را فراهم سازد، و کسی که به هنگام نیاز به خدمت، خدمت‌کننده‌ای برای او فراهم کند و کسی که اسرار برادر مسلمانش را پنهان دارد! و بالأخره در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم: هر گامی انسان در این راه بر دارد و هر کلمه‌ای بگوید، ثواب یکسال عبادت در نامه عمل او می‌نویسند (کان له بكلّ خطوة خطوة خطأها، او بكلّ كلمة تكلم بها في ذلك، عمل سنة قيام ليلها و صيام نهارها).¹ و از آنجا که یک عذر تقریباً عمومی و بهانه همگانی برای فرار از زیر بار ازدواج و تشکیل خانواده مسأله فقر و نداشتن امکانات مالی است قرآن به پاسخ آن پرداخته می‌فرماید: از فقر و تنگدستی آنها نگران نباشید و در

ازدواجشان بکوشید چرا که اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنها را از فضل خود بی نیاز می‌سازد (**إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ**).

و خداوند قادر بر چنین کاری هست، چرا که خداوند واسع و علیم است (**إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ**).

قدرتش آنچنان وسیع است که بینه عالم هستی را فرا می‌گیرد، و علم او چنان گسترده است که از نیات همه کس مخصوصا آنها که به نیت حفظ عفت و پاکدامنی اقدام به ازدواج می‌کنند آگاه است، و همه را مشمول فضل و کرم خود قرار خواهد داد.

در این زمینه تحلیل‌های روشنی داریم، و همچنین روایات متعددی که در آخرین بحث و در لابلای این کتاب خواهد آمد.

ولی از آنجا که گاه با تمام تلاش و کوشش که خود انسان و دیگران می‌کنند، وسیله ازدواج فراهم نمی‌گردد و خواه و ناخواه انسان مجبور است مدتی را با محرومیت بگذراند، مبدا کسانی که در این مرحله زندگی قرار دارند، گمان کنند که آلودگی جنسی برای آنها مجاز است، و ضرورت چنین ایجاب می‌کند، لذا بلا فاصله در آیه بعد دستور پارسائی را هر چند مشکل باشد به آنها داده می‌گوید: و آنها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت و پاکدامنی پیشه کنند، تا خداوند آنان را به فضلش بی نیاز سازد (**وَلَيْسَتَّعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ**).

نکند در این مرحله بحرانی و در این دوران آزمایش الهی تن به آلودگی در دهند و خود را معذور بشمرند که هیچ عذری پذیرفته نیست، بلکه باید قدرت ایمان و شخصیت و تقوا را در چنین مرحله‌ای آزمود.

نکته‌ها:

1 - ازدواج یک سنت الهی است

گر چه امروز مسأله ازدواج آنقدر در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیده شده که به صورت یک جاده صعب العبور یا غیر قابل عبور برای جوانان در آمده است، ولی قطع نظر از این پیرایه‌ها، ازدواج یک حکم فطری و هماهنگ قانون آفرینش است که انسان برای بقاء نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی احتیاج به ازدواج سالم دارد.

اسلام که هماهنگ با آفرینش گام بر میدارد نیز در این زمینه تعبیرات جالب و مؤثری دارد، از جمله حدیث معروف پیامبر ﷺ است: «تناکحوا، و تناسلوا تکثروا فانى أباهى بکم الأمم یوم القیامه و لو بالسقط:» ازدواج کنید تا نسل شما فزونی گیرد که من با فزونی جمعیت شما حتی با فرزندان سقط شده در قیامت به دیگر امتهای مباحات می‌کنم! و در حدیث دیگر از آن حضرت می‌خوانیم «من تزوج فقد أحرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الباقی» کسی که همسر اختیار کند نیمی از دین خود را محفوظ داشته، و باید مراقب نیم دیگر باشد.

چرا که غریزه جنسی نیرومندترین و سرکش‌ترین غرائز انسان است که به تنهایی با دیگر غرائز برابری می‌کند، و انحراف آن نیمی از دین و ایمان انسان را به خاطر خواهد انداخت.

باز در حدیث دیگری از پیامبر ﷺ می‌خوانیم «شرارکم عزابکم» بدترین شما مجردان شمایند.

به همین دلیل در آیات مورد بحث و همچنین روایات متعددی مسلمانان تشویق به همکاری در امر ازدواج مجردان و هر گونه کمک ممکن به این امر

شده‌اند مخصوصا اسلام در مورد فرزندان مسئولیت سنگینی بر دوش پدران افکنده، و پدرانی را که در این مسئله حیاتی بی تفاوت هستند شریک جرم انحراف فرزندان‌شان شمرده است چنانکه در حدیثی از پیامبر ﷺ می‌خوانیم «من ادرك له ولد و عنده ما يزوجه فلم يزوجه، فأحدث فالإثم بينهما!» کسی که فرزندش به حد رشد رسد و امکانات تزویج او را داشته باشد و اقدام نکند، و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود، این گناه بر هر دو نوشته می‌شود! و باز به همین دلیل دستور مؤکد داده شده است که هزینه‌های ازدواج را اعم از مهر و سایر قسمت‌ها سبک و آسان بگیرند، تا مانعی بر سر راه ازدواج مجردان پیدا نشود، از جمله در مورد مهریه سنگین که غالبا سنگ راه ازدواج افراد کم در آمد است.

در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ می‌خوانیم «شوم المرثه غلاء مهرا» زن بد قدم زنی است که مهرش سنگین باشد.

و باز در حدیث دیگری که در ذیل حدیث فوق وارد شده می‌خوانیم «من شومها شدة مؤنتها» یکی از نشانه‌های شوم بودن زن آن است که هزینه زندگی (یا هزینه ازدواجش) سنگین باشد.

و از آنجا که بسیاری از مردان و زنان برای فرار از زیر بار این مسئولیت الهی و انسانی متعذر به عذرهایی از جمله نداشتن امکانات مالی می‌شوند در آیات فوق صریحا گفته شده است که فقر نمی‌تواند مانع راه ازدواج گردد، بلکه چه بسا ازدواج سبب غنا و بی‌نیازی می‌شود.

دلیل آن هم با دقت روشن می‌شود، زیرا انسان تا مجرد است احساس مسئولیت نمی‌کند نه ابتکار و نیرو و استعداد خود را به اندازه کافی برای کسب در آمد مشروع بسیج می‌کند، و نه به هنگامی که در آمدی پیدا کرد در حفظ و

بارور ساختن آن می‌کوشد و به همین دلیل مجردان غالباً خانه به دوش و تهی دستند! اما بعد از ازدواج شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می‌شود و خود را شدیداً مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسائل زندگی فرزندان آینده می‌بیند، به همین دلیل تمام هوش و ابتکار و استعداد خود را به کار می‌گیرد و در حفظ درآمدهای خود و صرفه‌جوئی، تلاش می‌کند و در مدت کوتاهی می‌تواند بر فقر چیره شود.

بی‌جهت نیست که در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌خوانیم «الرِّزْقُ مَعَ النِّسَاءِ وَالْعِيَالِ رُوزِي هَمْرَاهُ هَمْسَرٌ وَفَرْزَنْدُ اسْت.».

و در حدیث دیگری از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: مردی خدمت حضرتش رسید و از تهی دستی و نیازمندی شکایت کرد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «تَزَوَّجْ، فَتَزَوَّجْ فَوْسَعُ لَهُ» ازدواج کن، او هم ازدواج کرد و گشایش در کار او پیدا شد! بدون شک امدادهای الهی و نیروهای مرموز معنوی نیز به کمک چنین افراد می‌آید که برای انجام وظیفه انسانی و حفظ پاکی خود اقدام به ازدواج می‌کنند. هر فرد با ایمان می‌تواند به این وعده الهی دلگرم و مؤمن باشد، در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ سَاءَ ظَنُّهُ بِاللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «أَنْ يَكُونُوا فَقْرَاءَ يَغْنَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».

کسی که ازدواج را از ترس فقر ترک کند گمان بد به خدا برده است، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: اگر آنها فقیر باشند خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد.

البته روایات در منابع اسلامی در این زمینه فراوان است که در فصل‌های مختلف این کتاب اجمالاً خواهد آمد.

2 - منظور از جمله (وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ) چیست؟

قابل توجه اینکه در آیات مورد بحث به هنگامی که سخن از ازدواج مردان و زنان بی همسر به میان می‌آید به طور کلی دستور می‌دهد برای ازدواج آنان اقدام کنید، اما هنگامی که نوبت بردگان می‌رسد آن را مقید به صالح بودن می‌کند.

جمعی از مفسران (مانند نویسنده عالیقدر تفسیر المیزان و همچنین تفسیر صافی) آنرا به معنی صلاحیت برای ازدواج تفسیر کرده‌اند، در حالی که اگر چنین باشد این قید در زنان و مردان آزاد نیز لازم است.

بعضی دیگر گفته‌اند که منظور صالح بودن از نظر اخلاق و اعتقاد است چرا که صالحان از اهمیت ویژه‌ای در این امر برخوردارند، ولی باز جای این سؤال باقی است که چرا در غیر بردگان این قید نیامده است؟ احتمال می‌دهیم منظور چیز دیگری باشد و آن اینکه در شرائط زندگی آن روز بسیاری از بردگان در سطح پائینی از فرهنگ و اخلاق قرار داشتند بطوری که هیچگونه مسئولیتی در زندگی مشترک احساس نمی‌کردند، اگر با این حال اقدام به تزویج آنها می‌شد همسر خود را به آسانی رها نموده و او را بدبخت می‌کردند، لذا دستور داده شده است در مورد آنها که صلاحیت اخلاقی دارند اقدام به ازدواج کنید، و مفهومی این است که در مورد بقیه نخست کوشش برای صلاحیت اخلاقی‌شان شود تا آماده زندگی زناشویی شوند سپس اقدام به ازدواجشان گردد.

سؤال: حکم مقاربت در ایام عادت ماهانه چیست؟! (وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ

(جواب:

قُلْ هُوَ أَدَىٰ فَأَعْتَزُوا اللَّيْسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَظْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ) ¹

و از تو درباره حیض سؤال می‌کنند، بگو: چیز زیانبار و آلوده ایست از این رو در قاعدگی از زنان کناره‌گیری کنید؛ و با آنها نزدیکی ننمائید تا پاک شوند، و

هنگامی که پاک شدند از طریقی که خدا به شما فرمان داده است، با آنها آمیزش نمایند که خداوند توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست می‌دارد».

یعنی فقط در حال پاکی زنان: آمیزش جنسی داشته باشید نه در حالت ناپاکی و غیره ممکن است از آیه مبارکه، مفهوم وسیع‌تر و کلی‌تری استفاده کرد: یعنی بعد از پاک شدن نیز: آمیزش باید در چهار چوب فرمان خدا باشد: این فرمان می‌تواند فرمان تکوینی پروردگار یا فرمان تشریحی او باشد زیرا خداوند برای بقای نوع انسان:

جاذبه مخصوصی در میان دو جنس مخالف: نسبت به یکدیگر قرار داده و به همین دلیل آمیزش جنسی لذت خاصی برای هر دو طرف دارد ولی مسلم است، که هدف نهایی بقاء نسل بوده: و این جاذبه و لذت، مقدمه آن است بنابر این لذت جنسی باید: تنها در مسیر بقای نسل قرار گیرد: و به همین جهت استمناء و لواط و مانند آن: نوعی انحراف از این فرمان تکوینی و ممنوع است.

و نیز ممکن است مراد امر تشریحی باشد: یعنی بعد از پاک شدن زنان از عادت ماهانه: باید جهات حلال و حرام را در حکم شرع در نظر بگیرید. بعضی نیز گفته‌اند: مفهوم این جمله ممنوع بودن آمیزش جنسی با همسران از غیر طریق معمولی می‌باشد: ولی با توجه به اینکه در آیات قبل از آن سخنی از این مطلب در میان نبوده: این تفسیر مناسب به نظر نمی‌رسد.

(يَسْأَلُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ أَتَقْوُوا اللَّهَ
وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُوَيْبِشِرِ الْمُؤْمِنِينَ) «2»

در این آیه: اشاره زیبایی به هدف نهایی آمیزش جنسی کرده می‌فرماید: همسران شما محل بذرافشانی شما هستند (يَسْأَلُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ) بنابر این هر زمان بخواهید می‌توانید با آنها آمیزش نمائید (فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ)

در اینجا زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند: و این تشبیه ممکن است برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام درباره نیمی از نوع بشر چنین تعبیری کرده است در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته شده: در حقیقت قرآن می‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی نشان دهد که زن تنها وسیله اطفاء شهوت و هوسرانی مردان نیست: بلکه وسیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر: این سخن در برابر آنها که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوسبازی و کالا می‌نگرند:

هشدار می‌شود.

حرث مصدر است و به معنی بذرافشانی است و گاهی به خود مزرعه نیز اطلاق می‌شود.

آئی از اسماء شرط است و غالباً به معنی مَتی که به معنی زمان است استعمال می‌شود: و در این صورت آن را آئی زمانیه می‌گویند و گاهی نیز به معنی مکان است مانند آنچه در آیه 37 سوره آل عمران آمده: (قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنِّي لَأَكْفِيكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ) زکریا گفت ای مریم! این غذا (ی بهستی) را از کجا آورده‌ای؟ گفت از نزد خدا.

اگر آئی در آیه فوق زمانیه باشد: توسعه زمانی مسأله آمیزش جنسی را بیان می‌کند، یعنی در هر ساعتی از شب و روز مجاز هستیید و اگر مکانیه باشد، توسعه در مکان و چگونگی انواع آمیزش است.

این احتمال نیز وجود دارد که اشاره به هر دو جنبه باشد و به این ترتیب، دو همسر می‌توانند هر گونه و در هر زمان و مکان: از لذت جنسی بهره گیرند: (جز آنچه در قانون شرع ممنوع شده است).

سپس در ادامه آیه می‌افزاید: با اعمال صالح و پرورش فرزندان صالح: آثار نیکی برای خود از پیش بفرستید (وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ)

اشاره به اینکه هدف نهایی از آمیزش جنسی: تنهالذت و کامجویی نیست بلکه باید از این موضوع: برای ایجاد و پرورش فرزندان شایسته: استفاده کرد. و آن را به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای قیامت از پیش بفرستید: این سخن هشدار می‌دهد که باید در انتخاب همسر: اصولی را رعایت کنید که به این نتیجه مهم: یعنی تربیت فرزندان صالح و نسل شایسته انسانی منتهی شود.

در حدیثی نیز از پیامبر اسلام ﷺ می‌خوانیم که فرمود: اذا مات الإنسان انقطع أمله الا عن ثلاث: صدقة جاریة و علم ینتفع به و ولد صالح یدعوا له، هنگامی که انسان می‌میرد امید او جز از سه چیز قطع می‌شود: صدقات جاریه (اموالی که از منافع آن مرتبا بهره‌گیری می‌شود) و علمی که از آن سود می‌برند و فرزند صالحی که برای او دعا می‌کند. ¹

در حدیث دیگری از امام صادق ع می‌خوانیم که فرمود: لیس یتبع الرجل بعد موته من الأجر الا ثلاث خصال: صدقة اجراها فی حیاته فهی تجری بعد موته، و سنّة هدی سنّها فهی تعمل بها بعد موته، و ولد صالح یتغفر له، هیچ گونه اجر و پاداشی بعد از مرگ به دنبال انسان نمی‌آید مگر سه چیز: صدقه جاریه‌ای که در حیات خود فراهم ساخته و بعد از مرگش ادامه دارد (مانند بناهای خیر) و سنت هدایت‌گری که آن را برقرار کرده و بعد از مرگ او به آن عمل می‌کنند: و فرزند صالحی که برای او استغفار کند.

همین مضمون در روایات متعدد دیگری نیز وارد شده است: و در بعضی از روایات شش موضوع ذکر شده که اولین آنها فرزند صالح است.

به این ترتیب فرزندان صالح در کنار آثار علمی و تألیف کتابهای هدایت کننده و تأسیس بناهای خیر همچون مسجد و بیمارستان و کتابخانه قرار گرفته‌اند.

و در پایان آیه: دستور به تقوا می‌دهد و می‌فرماید: تقوای الهی پیشه کنید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد: و به مؤمنان بشارت دهید بشارت رحمت الهی و سعادت و نجات در سایه تقوا (وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ-
الْمُؤْمِنِينَ)

از آنجا که مسأله آمیزش جنسی: مسأله ای است مهم: و با پرجاذبه‌ترین غرایز انسان سر و کار دارد: خداوند در این جمله‌های آخر: مؤمنان را به دقت در این امر: و پرهیز از هر گونه گناه و انحراف: دعوت فرموده و به آنها هشدار می‌دهد که بدانید همگی به ملاقات پروردگار خواهید شتافت و تنها راه نجات ایمان و تقوای در سایه ایمان است.

نکته: دستور عادلانه اسلام در مورد عادت ماهیانه زنان

1 - اقوام پیشین در مورد زنان در عادت ماهیانه عقائد مختلفی داشتند: یهود فوق العاده سخت‌گیری می‌کردند و در این ایام به کلی از زنان در همه چیز جدا می‌شدند در خوردن و آشامیدن و مجلس و بستر: و در تورات کنونی احکام شدیدی در این باره دیده می‌شود.

و به عکس آنها مسیحیان هیچ‌گونه محدودیت و ممنوعیتی برای خود: در برخورد با زنان: در این ایام قائل نبودند: و اما بت پرستان عرب: دستور و سنت خاصی نزد آنها در این زمینه یافت نمی‌شد: ولی ساکنان مدینه و اطراف آن: بعضی از آداب یهود را در این زمینه اقتباس کرده بودند: و در معاشرت با زنان در حال حیض:

سخت‌گیری‌هایی داشتند: در حالی که سایر عرب‌چنین نبودند و حتی شاید آمیزش جنسی را در این حال جالب می‌دانستند و معتقد بودند اگر فرزندی نصیب آنها شود بسیار خون‌ریز خواهد بود: و این از صفات بارز و مطلوب: نزد اعراب بادیه‌نشین خون‌ریز بود.

2 - ذکر طهارت و توبه در کنار یکدیگر در آیات فوق ممکن است اشاره به این باشد که طهارت: مربوط به پاکیزگی ظاهر: و توبه اشاره به پاکیزگی باطن است.

این احتمال نیز وجود دارد که طهارت در اینجا به معنی آلوده نشدن به گناه بوده باشد یعنی خداوند: هم کسانی را که آلوده به گناه نشده‌اند دوست دارد و هم کسانی که بعد از آلودگی توبه کنند: و در زمره پاکان در آیند.

ضمناً اشاره به مسأله توبه در اینجا ممکن است ناظر به این باشد که بعضی بر اثر فشار غریزه جنسی نمی‌توانستند خویشتن‌داری کنند و بر خلاف امر خدا به گناه آلوده می‌شدند: سپس از عمل خود نادم شده و ناراحت می‌گشتند: برای اینکه راه بازگشت را به روی خود بسته نبینند و از رحمت حق مأیوس نشوند: طریق توبه را به آنها نشان می‌دهد. ^{«1»}

البته در قرآن کریم آیات مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و زندگی خانوادگی و همچنین پدر و مادر که اساس و بنیان خانه و خانواده هستند، زیاد است که ما به چند آیه فوق اکتفا نمودیم

طالبین اطلاعات بیشتر، به قرآن مجید و تفاسیر آن مراجعه نمایند

اخبار

اشاره

به همه افراد بشر، واضح و روشن است که خداوند عالم برای استمرار بخشیدن به بقای نسل انسان و حیوان، غرایز جنسی را در وجود آنها به ودیعت گذاشته و یک امر حیاتی و کلیدی قرار داده است که به سادگی نمی‌توان بحث در باره آن را نادیده گرفت، زیرا حفظ بافت و نظم جامعه به آن بستگی دارد و بدون آن، تداوم زندگی امکان پذیر نیست!

اگر نبود این غریزه بنیادین و پیامدهای آن از قبیل تشکیل خانواده و به دنیا آوردن اولاد و... کدام پدر به آن همه مشکلات تأمین معیشت و تهیه وسایل زندگی تن در میداد و کدام مادر آن همه زحمات طاقت فرسا را بجان می‌خرید و تحمل می‌کرد!

خدای حکیم علی‌الإطلاق در این نیروی قوی و طغیانگر، حکمتی بخرج داده است که به روشنی در می‌یابیم و بالعیان می‌بینیم، قوی‌ترین حیوان در هنگام غلیان این غریزه، در برابر جنس لطیف خود به نوعی اظهار عجز و لابه و ناتوانی و نرمش و از خود گذشتگی، نشان می‌دهد که آدمی را به تعجب وامی‌دارد مگر این حیوان درنده غرش کنان چند دقیقه پیش نیست که این گونه در مقابل جنس مخالف و ناتوان خود، از پنبه نرمتر و از حریر لرزنده‌تر و شکسته‌تر شده است!

در عالم انسان نیز قضیه بدین منوال بلکه به مراتب بالاتر و شگفت‌انگیزتر است! سفاک‌ترین و خونریزترین و مغرورترین آدمی هنگام تحریکات جنسی در برابر خواسته‌های آن، تسلیم گشته و برای فرو نشاندن و اطفای آن از هیچ رفتار متنوع (خواهش، تمنا، قهر، آشتی و در نهایت، اظهار عشق و سوز دل و دهها مسایل دیگر در برابر جنس مخالف خود) فروگذار نمی‌شود!

پس این گزینه یک ضرورت حیاتی برای انسان و حیوان است که هنگام نیاز، اگر خواسته‌های آن (مشروع یا نامشروع) بر آورده نشود یقیناً پیامدهای خطرناک و ناگواری (از قبیل از دست دادن تعادل روحی و جسمی و افسردگی و سرشکستگی و سرگردانی و ... در نهایت دیوانگی)، خواهد داشت.

شکی نیست برای رهائی از صدمات روحی و جسمی آن و همچنین به خاطر پایدار و پابرجا ساختن بقای نسل، باید آن را تغذیه کرد و ارضاء نمود! اما آنچه که مسلم است اگر مهار آن رها شود و آزاد گردد، نه از «تاک» نشان خواهد ماند و نه از تاک نشان، حاصلی جز نابودی جوامع بشری و گرفتار آمدن به بی بند و باری و نابودی شرافت‌های انسانی و متلاشی شدن خانواده‌ها و فرو رفتن در منجلاب تباهی و این دست و آن دست گشتن در دوران جوانی و ویلان و سرگردان ماندن در زمان پیری و ناتوانی، و ... نخواهد داشت؛

با توجه به گفتار فوق، بشر به همان اندازه که برای ارضاء آن گزینه باید جوابگو باشد، به همان اندازه در تحت کنترل در آوردن و هدایت کردن آن به راه صحیح و درست، مسئولیت دارد و باید برای حراست از خاندانها و خانواده‌ها و حفظ انسجامهای فامیلی و پدر و پسر و مادر دختری و ایلی و تباری و صدها فروع آن از قبیل شناخته شدن و ارث بردن و مردن و دفن شدن و ... قدم مثبت برداشته و کوشا باشد تا از عمر پربهای خود، بهره‌مند گردد.

بدینجهت شرایع آسمانی برای ریز ریز و نکته به نکته کیفیت استفاده و بهره برداری از مسیر درست آن، راهنمائی‌ها و تشویق‌ها کرده و در مقابل، مجازات‌های سنگین و قوانین جزائی خشونت بار، وضع نموده است، تا از افتادن در سنگلاخ هوا و هوس و فرو رفتن در باتلاق بی بند و باری جلوگیری نماید.

و همچنین برای آرام شدن و آرامش یافتن در برابر این نیرو، به ریزه کاری هائی پرداخته است که واقعاً مایه شگفتی و شایسته تفکر و تأمل می‌باشد، مانند روزها و ساعات و کیفیت کامجویی زن و مرد و آماده ساختن طرف مقابل برای همسوئی و تشویق به ازدیاد آن، تا از حلال خود اشباع شده و در فکر دیگران نباشد و صدها مسائل دیگر.

حتی در بعضی روایت از امام صادق علیه السلام وارد شده است که هنگام کام جوئی از زن «لاتنزو نزو الحمار» (بی مقدمه) مانند چارپایان نزدیکی نکنید!، زیرا اگر زن (در آن حال با سرخوردگی و بدون به دست آوردن آرامش)، جدا شود با غلام سیاهی هم روبرو گردد، خود را تسلیم و آرام خواهد نمود!! (اما اگر پس از آمادگی طرفین برای فارغ شدن، مسئله پایان یابد، با رضایت و خوشحالی از همدیگر جدا خواهند شد).

در کتابهای فقهی این مطالب و مسایل زناشوئی، فراوان آمده است که طالبین به آن کتابها از قبیل وسایل الشیعة: جواهرالکلام: بحار الأنوار: اصول کافی: تهذیب و استبصار و صدها کتاب دیگر در باب النکاح، مراجعه نمایند.

و نیز در باره روزهای ممنوع المقاربه (حیض، نفاس، احرام، روزهای ماه مبارک رمضان، ایلاء و بالأخرة ظهار) و مسائل بسیار دیگر، مورد بحث قرار گرفته است که به اطلاعات و بررسی زیاد نیاز دارد و ما نیز در این کتاب به بخش کوچکی از آن متعرض خواهیم شد

1 - توبیخ تجرد

خدای متعال با حکمت متعالیه خود، سنگ بنای زیبائی جهان و نظام احسن و اکمل را در وجود نر و ماده؛ بنا نهاده، و ادامه حیات و زیربنای زندگی را در وجود آفریده‌های مؤلّد و تولیدکننده استوار ساخته و برقرار نموده است.

هیچ موجود رشدکننده و ذیحیات پیدا نمی‌شود مگر اینکه از زوج و جفت یا به عبارت دیگر از پدر و مادر به وجود آمده‌اند؛ چنان که در قرآن کریم نیز به این معنا تصریح نموده و می‌فرماید: «منزّه است کسی که تمام زوج‌ها را آفرید، از آنچه که زمین می‌رویاند، و از خودشان و از آنچه نمی‌دانند».¹

با جمله (وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ) می‌فهماند که زوجها و جفتهای زیادی هست که هنوز دانش بشری به حیطه کشف فورمول وجودی آنها، راه پیدا نکرده و از وجود آنها اطلاع ندارد و از کشف آنها عاجز مانده است پس هر موجود زنده‌ای از نباتات و سبزیجات و حیوانات گرفته تا انسان صاحب عقل و خرد، باید از جفت و یا نر و ماده به وجود آید درست است موجودات تک یاخته‌ای و تک سلولی نیز یافت می‌شود اما کم و ناچیز!

برای روشن شدن مطلب فوق به فصل آیات که قبلاً از نظر مبارکتان گذشت مراجعه نمایید.

از محتوای گفتار پیشین نیز متوجه شدیم که انسان برای اطفای آتش غریزه جنسی خود، نیاز شدید به همسر و تشکیل خانواده دارد!

فرد مجرد یعنی مرغ بی آشیانه!؛ از حکمت‌های محیر العقول خداوند آفرینش نر و ماده و ایجاد محبت و عشق در میان آنها و تشکیل خانواده است؛

تا قانون ازدواج و تشکیل خانواده، در باره کسی و یا جامعه‌ای اجرا نشود؛ نر و ماده و دختر و پسر مرد و زن؛ همه ویلان و سرگردان و در جایی بند نمی‌شوند؛ نه آرامش روحی دارند و نه آرامش و سکون جسمی؛ خداوند در جاهای متعدد قرآن مجیدش به اهمیت این مطلب اشاره فرموده است که همسران شما مایه آرامش شما هستند نه تنها زیستن و ویلان بودن!¹ البته باید در انتخاب همسر و با چه کسی می‌خواهد پیوند زناشوئی ببندد و مال و اولاد خویش را در آینده به دست که بسپارد و .. دقت کامل نماید که ندامت و پشیمانی در پی نداشته باشد.

1 - محمد الأصم: از ابي عبد الله عليه السلام روایت کرده است: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

رذال موتاكم العزّاب. پست ترین مردگان شما عزبها (مجردها) هستند.²
 2 - محمد بن علی بن حسین گفت: روی آن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: أكثر أهل النار العزّاب. روایت شده است رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: بیشتر اهل آتش مجردها هستند.³

3 - شرار موتاكم العزّاب. بدترین مردگانتان مجردها هستند.⁴
 4 - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به مردی که نامش عکاف است فرمود: ألك زوجة؟ قال: لا يا رسول الله قال: ألك جارية؟ قال: لا يا رسول الله قال: أفأنت موسر؟ قال: نعم قال: تزوّج وإلّا فأنت من المذنبين.

آیا زن داری؟

گفت: نه ای رسول خدا؛

کنیز (برده) داری؟

نه ای رسول خدا؛

آیا ثروت (و امکان ازدواج) داری؟؛

بلی ای رسول خدا؛

(برو) ازدواج کن وگرنه تو از گناهکارانی «1»

5 - در روایت دیگر فرمود: تزوّج وإلّا فأنت من رهبان النصارى. ازدواج کن

و گرنه تو از راهبان نصارا هستی. «2»

6 - در روایت دیگر فرمود: تزوّج وإلّا فأنت من إخوان الشیاطین وگرنه از

برادران شیطان‌ها هستی. «3»

7 - و فرمود: شرارکم عزّابکم والعزّاب إخوان الشیاطین شرورترین شما

مجردهایتانند و مجردها برادران شیطانند. «4»

و فرمود: خیار امّتی المتأهلون و شرار امّتی العزّاب بهترین امت من متأهل‌ها

و بدترین امتم مجردها هستند. «5»

ابن فضال، از امام صادق، از پدرش از پدران بزرگوارش عليه السلام از پیامبر

صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

شرار امّتی عزّابها. بدترین امت من عزب‌های آنهاست. «6»

2 - نکوهش فرار از تزویج

در مقدرات الهی برای هر جنبنده‌ای و جاننداری: رزقی: تعیین گردیده است و از آسایشگاهها و محل زندگی آنها، اطلاع کامل دارد و هیچ موجودی از نظر قدرت او پنهان نیست، «¹» پس رزق هرکسی در هر جا باشد به او می‌رسد و سوخت و سوزی ندارد؛

با توجه به مطلب فوق آنان که از ترس نداری، تن به ازدواج نمی‌دهند: یا توکلشان به خدا کم و یا اساساً باور ندارند که خدا روزی رسان است و یا به مفهوم زندگی و فراز و نشیب آن، پی نبرده اند.

1 - حریر: از ولید بن صبیح: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: من ترك التزويج مخافة العيلة فقد أساء بالله الظنّ. هرکس ترک ازدواج کند به خاطر ترس از عیال باری و فقر و نداری، به یقین برخداید گمان است! (زیرا خداوند کفیل روزی زن و فرزندانست). «²».

2 - محمد بن جعفر، از پدرش، از پدرانش عليه السلام گفت: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: من ترك التزويج مخافة العيلة فقد ساء ظنه با الله عزّ و جلّ إن الله عزوجل يقول: (إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ). هرکس به خاطر ترس از نداری، ترک تزویج کند، گمان بد به خدای عزّ و جلّ برده، در حالی که خدای عزّ و جلّ (در قرآن) می‌فرماید: «اگر (ازدواج کنندگان) فقیر باشند، خداوند آنها را از فضل و کرم خود بی‌نیاز می‌سازد». «³».

3 - ابي بصير: از ابي عبد الله عليه السلام گفت: أتى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم شاب من الأنصار فشكا إليه الحاجة، فقال له: تزوّج، فقال الشاب: أنى لأستحيى أن أعود إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ، فلحقه رجل من الأنصار فقال: انّ لى بنتاً وسيمة، فزوّجها

إبّاه، قال: فوسّع الله عليه، فأتى الشاب النبي ﷺ فأخبره، فقال رسول الله ﷺ: يا معشر الشباب عليكم بالباه. جوانى از انصار پیش رسول خدا ﷺ شکایت کرد فرمود: آمد از نیاز مندی (و نداری خود) به رسول خدا ﷺ شکایت کرد فرمود: ازدواج کن! جوان گفت من حیا می‌کنم دوباره پیش رسول خدا ﷺ برگردم، مردی از انصار خود را به او رساند و گفت: من دختری (رسیده) و زیبا دارم (می‌خواهی او را به تو تزویج کنم؟! آری) پس به او تزویج نمود و خداوند به او وسعت داد (و زندگی‌اش بالا گرفت) جوان جریان را به اطلاع رسول خدا ﷺ رسانید حضرت فرمود: ای گروه جوانان بر شما باد لذت نفس (و ازدواج).^{«1»}

4 - إسحاق بن عمار گفت: قلت لأبي عبد الله ﷺ الحديث الذى يروونه (برویه) الناس حقّ أنّ رجلاً أتى النبي ﷺ فشكى إليه الحاجة فأمره بالتزويج ففعل، ثم أتاه فشكى إليه الحاجة فأمره بالتزويج حتى أمره ثلاث مرات؟ فقال أبو عبد الله ﷺ: هو حقّ، ثم قال: الرزق مع النساء والعيال. به ابی عبداللّه ﷺ گفتیم: حدیثی که مردم آن را روایت می‌کنند حقّ است که مردی پیش رسول خدا ﷺ آمد و از احتیاجش شکایت نمود و حضرت سه بار او را امر به ازدواج نمود؟! فرمود: (بلی) حق است سپس فرمود: (وسعت) رزق با زنان و عیال است.^{«2»}

5 - عاصم بن حمید گفت: نزد ابی عبد الله ﷺ بودم فأتاه رجل فشكى إليه الحاجة فأمره بالتزويج، قال: فاشتدّت به الحاجة فأتى أبا عبد الله ﷺ فسأله عن حاله فقال له:

اشتدّت بى الحاجة فقال: ففارق، ثم أتاه فسأله عن حاله؟ فقال: أثريت وحسن حالى، فقال أبو عبد الله ﷺ: إني أمرتك بأمرين أمر الله بهما، قال الله عزوجل (وانكحوا الايامى منكم - إلى قوله - والله واسع عليم) و قال: (ان يتفرقا يغن الله

کلاً من سعتہ). مردی پیش او آمد و از نیازمندی اش شکایت نمود، حضرت او را امر به ازدواج کرد (رفت و ازدواج نمود وضع زندگی اش بدتر شد) دوباره آمد و از شدت فقر شکایت نمود، حضرت از حالش پرسید؟ گفت: حالم وخیم تر شده است، فرمود از زنت جدا شو! رفت و جدا شد (بعد از مدتی برگشت) امام حالش را پرسید؟ گفت دارا شده‌ام و حالم خوب است، ابو عبدالله علیه السلام فرمود من هر دو دستور را از امر خدا به تو گفتم، آنجا که فرمود: به بیوه‌ها زن دهید تا خداوند وسعت دهنده و عالم است، و فرمود: «اگر از هم جدا شدند خداوند همه را بی نیاز می‌سازد.»³

6 - سعید بن هبة الله راوندی در (الخرایج والجرایح) از امام حسین علیه السلام ان رجلا استشاره فی تزویج امرأة، فقال: لا أحبّ ذلك، وکانت کثیرة المال وکان الرجل أيضا مکثرا، فخالف الحسین علیه السلام وتزوج بها فلم یلبث الرجل حتی افتقر، فقال له الحسین علیه السلام: قد أشرت علیک! الآن فخلّ سیبیلها، فإنّ الله یعوّضک خیراً منها، ثم قال: علیک بفلانة، فتزوجها فما مضی سنة حتی کثر ماله وولدت له ورأى منها ما یحبّ. مردی با او در باره ازدواج با زنی ثروتمند، مشورت نمود، مرد خود نیز مال زیاد داشت فرمود: من دوست ندارم، آن مرد با امام مخالفت نمود و با آن زن ازدواج کرد و در مدت کمی به فقر و نداری افتاد، حضرت به او فرمود: من به تو اشاره کردم (ولی تو نپذیرفتی) حالا او را رها کن خداوند بهتر از او را به تو عوض می‌دهد، سپس فرمود: بر تو باد فلان زن (آن شخص) با او ازدواج کرد یک سال نگذشت وضع مالی اش خوب شد و بچه به دنیا آورد و آنچه را که دوست داشت، به آن رسید!¹

3 - تشویق به ازدواج

در روایات اسلامی کمتر مطلبی پیدا می‌شود که مانند تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده: سخن گفته و اهمیت داده باشد: زیرا ازدواج زیر بنای زندگی و تحکیم جوامع بشری است: هر اجتماع و جامعه‌ای فاقد این نعمت و اجرای فرامین الهی در این مورد باشد روی سعادت و خوشبختی را ندیده و مزه آن را نخواهد چشید:

اساساً بدون ازدواج، اجتماعی وجود ندارد که بتوان به آن متکی شد و یا در باره آن سخن گفت!

قرآن مجید برای ازدواج کننده‌ها قاطعانه وعده بی نیازی را داده است که در فصل اول آیات بیان آن گذشت.

1 - از ابی جعفر ع از رسول خدا ص فرمود: ما بنی بناء فی الإسلام أحبّ الی من التزویج. هیچ بنائی در اسلام بنا نشده است برای من دوست داشتنی‌تر از ازدواج باشد. «2»

2 - امام باقر ع فرمود: ما بنی بناء فی الإسلام أحبّ الی الله عزّ و جلّ من التزویج در اسلام بنائی بنا نشده است که به خدای عز و جل دوست داشتنی‌تر از ازدواج باشد. «1»

3 - ابی عبدالله ع از رسول خدا ص فرمود: «من تزوّج (فقد) أحرز نصف دینه «2»

(فلیتّق الله فی النصف الآخر «3») الباقی هرکس ازدواج کند نصف دینش را نگهداشته، پس از خدا بترسد در (حفظ) نصف باقی. «4»

- 4 - قال الصدوق: وقال رسول الله ﷺ: اتخذوا الأهل فإنه أرزق لكم رسول خدا ﷺ فرمود: متأهل شوید ازدواج روزی شما را بیشتر می‌کند «5».
- 5 - در کتاب (الخصال) باسند خود از علی ؑ در حدیث الأربعمائة فرمود تزوجوا فإن التزويج سنة رسول الله ﷺ، فانه كان يقول: من كان يحب أن يتبع سنتي فإن من سنتي التزويج، واطلبوا الولد، فإنني مكاثر بكم الأمم غداً، وتوقوا علي أولادكم من لبن البغي من النساء والمجنونة فإن اللبن يعدي. ازدواج کنید همانا ازدواج سنت رسول خدا ﷺ است و می‌فرمود: هر کس دوست دارد به سنت من تبعیت کند، از سنت من ازدواج است، فرزند طلب نماید من فردا به سبب شما به امت های دیگر مباحات می‌کنم، و اولاد خود را از شیر زنان زناکار و دیوانه نگهدارید، زیرا شیر اثر گذار است. «6»
- 6 - محمد بن مسلم: از أبي عبدالله ؑ گفت: امیرمؤمنان ؑ فرمود: تزوجوا فان رسول الله ﷺ قال: من أحب أن يتبع سنتي فإن من سنتي التزويج. ازدواج کنید چون رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس دوست دارد پیرو سنت من شود، از سنت من ازدواج است. «1»
- 7 - محمد بن محمد (شيخ مفيد در (المقنعة) گفت: رسول الله ﷺ فرمود: من أحب أن يلقي الله طاهراً مطهراً فليلقه بزوجة. هر کس دوست دارد خدا را پاک و مطهر ملاقات کند، او را بازوجة ملاقات نماید. «2»
- 8 - وقال: قال النبي ﷺ: ركعتان يصليهما متزوج أفضل من رجل عذب يقوم ليله ويصوم نهاره. و باز فرمود: دو ركعت نماز متأهل بهتر است از نماز مجرد که شب تا صبح قیام کند و روزش را هم روزه بگیرد. «3»
- 9 - ابن القداح از أبي عبد الله ؑ فرمود: جاء رجل إلى أبي ؑ فقال له: هل لك من زوجة؟ قال: لا، فقال أبي: ما أحب أن لي الدنيا وما فيها وأنني بت

ليلةً وليست لي زوجة، ثم قال: الركعتان يصلِّيهما رجل متزوج أفضل من رجل أعزب يقوم ليله ويصوم نهاره. ثم أعطاه أبي سبعة دنانير ثم قال: تزوج بهذه. ثم قال أبي: قال رسول الله ﷺ: اتَّخَذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزَقَ لَكُمْ إِمَامٌ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مردی پیش پدرم آمد، پدرم به او فرمود آیا زن گرفته‌ای؟! گفتم: نه، پدرم فرمود: من دوست ندارم تمامی دنیا مال من شود، اما من یک شب بدون زن بخوابم! سپس فرمود: دو رکعت نماز زن دار بهتر است از نماز مجرد که شب تا بامداد قیام و روزه را روزه بدارد؛ سپس پدرم هفت دینار به او داد و فرمود: (برو) با این (پول) ازدواج کن سپس پدرم گفتم: رسول خدا ﷺ فرمود:

زن بگیرد زیرا این کار روزی را زیاد می‌کند. «4»

10 - و فرمود: رکعتان يصلِّيهما المتزوج أفضل من سبعين ركعة يصلِّيها غير متزوج. دو رکعت نماز متأهل از هفتاد رکعت غیر متأهل افضل است. «5»

11 - امام صادق عليه السلام فرمود: رکعتان يصلِّيهما المتزوج أفضل من سبعين ركعة يصلِّيها عزب

دو رکعت نمازی که متأهل بخواند بهتر از هفتاد رکعت مجرد است. «1»

12 - در روایت فریقین آمده رسول خدا فرمود: «النَّكَاحُ سُنَّةٌ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» ازدواج سنت من است هر کس از سنت من دوری جوید از من نیست. «2»

13- رسول خدا ﷺ فرمود: يا معشر الشباب من استطاع منكم الباه فليتزوج فإنه أغض للبصر و أحصن للفرج و من لم يستطع فليصم فإن الصوم له وجاء» ای گروه جوان‌ها هر کس می‌تواند، ازدواج کند زیرا ازدواج پوشاننده

چشم و نگهدارنده اندام جنسی است، اگر توان ازدواج نداشتید، روزه بگیرید چون روزه بازدارنده است. ³

14 - رسول خدا ﷺ فرمود: من بركة المرأة سرعة تزويجها. از برکت زن زود تزویج نمودن (و زود شوهر کردن) اوست. ⁴

15 - جميل بن دراج، گفت: أبو عبدالله (عليه السلام) فرمود: ما تلذذ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِلَذَّةِ أَكْثَرِ لَهْمٍ مِنْ لَذَّةِ النِّسَاءِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ ثُمَّ قَالَ: وَإِنْ أَهْلَ الْجَنَّةِ مَا يَتَلَذَّذُونَ بِشَيْءٍ مِنَ الْجَنَّةِ أَشْهَى عِنْدَهُمْ مِنَ النِّكَاحِ لَا طَعَامٌ وَلَا شَرَابٌ. مردم لذت نبرده است در دنیا و آخرت که لذتش بیشتر از لذت زنان باشد، و آن است (معنای) فرموده خدای عز و جل «برای مردم زینت داده شده است دوست داشتن شهوات از زنان و فرزندان» تا آخر آیه سپس فرمود: و همانا اهل بهشت لذتی نمی برند در بهشت که گواراتر باشد نزد آنها از نکاح، نه خوردنی و نه آشامیدنی (یعنی هیچ یک از اینها مانند نکاح لذت بخش تر نخواهد بود). ⁵

16 - راوندی: باسند خود از موسی بن جعفر، از پدرانش علی بن ابی طالب از پیامبر ﷺ فرمود:

ما من شاب تزوج في حادثة سنه إلا عجم شيطانه يا ويله يا ويله عصم مني ثلثي دينه، فليتنق الله العبد في الثلث الباقي. نیست جوانی که در نوجوانی ازدواج نماید مگر اینکه شیطانش فریاد زند وای بر او وای بر او از (شر) من دو سوم دینش را حفظ نمود پس بنده در یک سوم باقیمانده از خدا بترسد. ¹

17 - رسول خدا ﷺ فرمود: الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَخَيْرُ مَتَاعِهَا الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ. دنیا متاع است و بهترین متاعش زن صالحه است. ²

18 - رسول خدا ﷺ فرمود: زَوْجُوا أَيَامَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي
أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيُزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ. بی زنهايتان را زن دهيد
زيرا خداوند آنها را در اخلاقشان، زيبا نمايد و در روزی هایشان وسعت دهد و
مروّتشان را زياد نمايد. ³

4 - نهی از ترک ازدواج!

بعضی از زنها و مردها، به گمان تقرب جستن به خدا و به خاطر فراغت خاطر وو ...

از ازدواج صرف نظر کرده ترک تزویج می نمایند!، غافل از اینکه این عمل بر خلاف رضای خدا و خواسته اسلام و مبارزه با طبیعت است، زیرا خدائی که «نر و ماده» را آفریده، برای آنها لازم کرده است که غریزه جنسی خود را خاموش نمایند ولی نه از راه نامشروع بلکه آن گونه که خداوند دستور داده است، پس رهبانیت مخصوصاً ترک تزویج برای زن و مرد، اگر بتواند خود را از حرام نگاهدارد، مکروه و در غیر این صورت حرام قطعی می باشد! به روایات ذیل دقت نمائید.

1 - رساله محکم و متشابه از تفسیرالنعمانی: از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می نماید فرمود:

جماعتی از اصحاب، زنها و خوردن روز و خوابیدن شبها را بر خود حرام نمودند، ام سلمه این جریان را به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبرداد، حضرت به سوی آن اصحاب رفت و فرمود: انى آتى النساء و آكل بالنيهار و انام بالليل فمن رغب عن سنتي فليس مني و أنزل الله تعالى: «لا تحرموا طيبات ما أحل الله لكم و لا تعتدوا انه لا يحب المعتدين* و كلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً و اتقوا الله الذى أنتم به مؤمنون» فقالوا يا رسول الله انا حلفنا على ذلك فأنزل الله: «لا يؤاخذكم الله باللغو فى أيمانكم» الى قوله «ذالك كفارة أيمانكم اذا حلفتهم واحفظوا أيمانكم» من با زنها مباشرت دارم و روزها می خورم و شبها می خوابم پس هرکس از سنت من دوری جوید، از من نیست و خدای عزوجل (این آیات را)

نازل نمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید؛ و از حد تجاوز ننمایید زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد» و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید و (از مخالفت) خداوندی که به او ایمان آورده‌اید، پرهیزید، گفتند: ای رسول خدا ما برای این کار قسم خورده‌ایم! پس خداوند نازل نمود: «خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده (و خلاف سنت الهی) مؤاخذه نمی‌نماید؛ (تا فرمود:) این است کفاره سوگندهایتان اگر قسم خورده‌اید و سوگندهای خود را حفظ نمایید» (تا آخر آیه).^{«1»}

2 - ابی‌یعفور از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: نهی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ النَّسَاءُ أَنْ يَتَّبِلْنَ وَ يَعْطَلْنَ أَنْفُسَهُنَّ مِنَ الْأَزْوَاجِ. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نهی نمود زن‌ها را که خود را منقطع نمایند و از ازدواج معطل نمایند!^{«2»}

3 - زنی به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ وارد شد و گفت: أصلحك الله اني امرأة متبتلة فقال، ما التبتل عندك؟! قالت لا أتزوج! قال: و لم؟ قالت: ألتمس بذلك الفضل فقال: انصرفي، فلو كان ذلك فضلاً لكانت «فاطمة» أحقَّ به منك أنه ليس أحديسبقتها الى الفضل. خدا تو را اصلاح نماید من زنی «متبتله» هستم! فرمود: پیش تو (منظور از) تبتل چیست؟

گفت: (یعنی) ازدواج نمی‌نمایم! فرمود: چرا؟ گفت: با این کار فضیلت (و شرافت) می‌جویم! فرمود: منصرف شو، اگر این کار فضیلت داشت «فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ» از تو پیش قدم می‌شد زیرا کسی از فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ برای کسب فضیلت، سبقت نمی‌کند (و پیشی نمی‌گیرد).^{«3»}

4 - دعائم الإسلام از رسول خدا ﷺ انه نهى عن التبتل و نهى النساء أن يتبتلن و يقطن أنفسهن من الأزواج. رسول خدا ﷺ از محروم ساختن خود و زنها را از انقطاع از ازدواج، نهی نموده است. «1»

5 - راهنمایی ناتوانان از ازدواج!

در جوامع بشری، خیلی‌ها هستند که با این وضع تورّم و چشم و هم چشمی‌ها و خودنمائی‌ها و نبود کار و مسکن وو ... به ازدواج تن در نمی‌دهند و یا قدرت آن را ندارند، کار به جایی رسیده است که زندگی مجردی را به این گونه ازدواج‌ها ترجیح می‌دهند و غرایز جنسی خود را از بازار آزاد، اشباع می‌کنند و یا می‌سوزند و می‌سازند؛

حالا اگر کسی دارای ایمان و دین قوی باشد، آیا برای رفع این مشکل در صورت امکان، با «ازدواج موقت» خود را آرام کند یا راه دیگری نیز برای مهار کردن خود وجود دارد؟!، به راهنمایی‌ها و صلاح دید روایات ذیل دقت نمایید.

1 - مردی پیش رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا ﷺ لیس عندی طول فانکح النساء فالیک أشکوا العزوبه فقال: وفّر شعرجسدک و ادم الصیام، ففعل فذهب مابه من الشبق من امکان ازدواج ندارم و (از ناراحتی‌های مجرد نیز) برایت شکایت می‌کنم فرمود: اندام (جنسی ات) را پریشان نما (و تراش) و روزه را ادامه ده، پس این کار را کرد، تا (آتش) غریزه جنسی اش خاموش شد. «2»

2 - اسماعیل بن زیاد از ابی زیاد از امام صادق از علی علیه السلام فرمود: ما (أ) کثر شعر رجل قطّ الا قلت شهوته به یقین موی مردی زیاد نگشت مگر اینکه شهوتش کم شد. «3»

3 - رسول خدا ﷺ در باره کسی که قدرت ازدواج ندارد فرمود: ... و من لم یستطع فلیصم فان الصوم له وجاء» .. اگر توان ازدواج نداشتید، روزه بگیرید چون روزه بازدارنده است. «1» به فصل بعدی نیز توجه نمایید.

6 - واسطه گری میان دو جوان!

انسان در دوران زندگی اش، با فیصله دادن و آشتی برقرار نمودن میان دو یا چند نفر سر و کار دارد یعنی این اقدام با زندگی آدمیان عجین شده است، اگر درکارهای خدایسندانه سعی و کوشش نماید، در دنیا محبوب خدا و خلق خواهد شد و در آخرت مستحق پاداش و اجر مهمی خواهد گردید؛ پس اگر کسی در میان خانواده‌ها رفت و آمد نماید و سعی و کوشش بخرج دهد که امر ازدواج دو جوان سر بگردد و بهم برسند، خداوند او را در روز قیامت در پناه خود گرفته و امنیت خواهد بخشید.

1 - امام صادق از امیرمؤمنان علیه السلام «أفضل الشفاعات ان تشفع بين اثنين في نكاح حتى يجمع الله بينهما» بهترین واسطه گریها، واسطه بودن در ازدواج دو نفر است تا خداوند میان آنها را جمع نماید. ²

2 - امام کاظم علیه السلام فرمود: «ثلاثة يستظلون بظل عرش الله يوم القيامة يوم لا ظل الا ظله، رجل زوج أخاه المسلم، أو أخدمه، أو كتم له سرّاً» سه نفر روز قیامت در زیر سایه عرش خدا قرار می‌گیرند روزی که سایه‌ای غیر از آن نخواهد بود، 1 - مردی که برادر مسلمانش را (زن دهد و) تزویج نماید، 2 - یا او را به خدمتی وادارد (یا خدمتکار دهد که کارهای او را انجام دهد)، 3 - یا سرّ او را پنهان نماید. ³

3 - سماعة بن مهران از ابی عبدالله علیه السلام فرمود: أربعة ينظر الله اليهم يوم القيامة من أقل نادماً أو أغاث لهفاناً أو أعتق نسمة أو زوج عزباً چهار نفرند خداوند در روز قیامت (به آنها با رحمت) نظر نماید، هرکس نادمی را برگرداند (کسی که در معامله یا درباره چیزی پشیمان شود آن را پس دهد)، یا به فریاد

گرفتاری برسد، یا برده‌ای را آزاد نماید، یا مجردی را زن دهد (و واسطه سرگرفتن ازدواج او شود).^{«1»}

4 - امام صادق فرمود: من زوج أعزب كان ممن ينظر الله عز وجل إليه يوم القيامة. هرکس مجردی را زن دهد از کسانی می‌شود که خدای عز و جل در قیامت به او نظر (رحمت) نماید.^{«2»}

5 - در روایت عبدالله بن سلیمان نوفلی آمده است در حدیث طولانی امام صادق عليه السلام به عبدالله نجاشی نوشت، حدیث کرد مرا پدرم از پدرانش عليه السلام از علی عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: و من زوج أخاه المؤمن امرئة يأنس بها و تشد عضدها و يستريح بها، زوجته الله من الحورالعین و آنسه بمن أحببه من الصديقين من أهل بيت نبيه صلى الله عليه وآله وسلم و اخوانه و آنسهم به. و هرکس به برادر مؤمنش زن دهد که با او انس گیرد و بازوانش را محکم نماید (در شداید یاور او شود) و با او آرام گیرد، خداوند از حورعین او را تزویج نماید و با راستان از اهل بیت پیغمبر صلى الله عليه وآله وسلم و برادرانش، او را مأنوس نماید و آنها را هم با او مأنوس کند.^{«3»}

6 - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: «من عمل في تزويج بين مؤمنين حتى يجمع بينهما زوجة الله عزوجل ألف امرئة من الحور العين كل امرأة في قصر من در و ياقوت، و كان له بكل خطوة خطاها او بكل كلمة تكلم بها في ذلك عمل سنة قام ليها و صام نهارها و من عمل في فرقة بين امرأة و زوجها كان عليه غضب الله و لعنته في الدنيا و الاخرة و كان حقاً على الله ان يرضخه بألف صخرة من نار و من مشى في فساد ما بينهما و لم يفرق كان في سخط الله عزوجل و لعنته في الدنيا و الاخرة و حرم عليه النظر الى وجهه» هر کس در تزویج میان مؤمنان کاری کند تا آنها را بهم برساند، خدای عز و جل به او هزار نفر از زنان حورعین

تزویدج نماید، هر زنی در قصری از درّ و یاقوت باشد، و به هر گامی که در این راه برداشته، یا حرفی که زده است، ثواب یک سال عبادت که روزهایش روزه و شب هایش عبادت کرده باشد را، می دهد؛

وهرکس سعی کند میان زن و شوهرش جدائی بیفکند، غضب خدا و لعنتش در دنیا و آخرت بر او خواهد بود، و شایسته است خداوند او را با هزار سنگ آتشین سنگ باران نماید (و بکوبد)، و هرکس در بهم زدن میان آنها، قدمی بردارد اما موفق نشود که آنها را جدا کند، در غضب خدای عزّ و جلّ و لعنت او در دنیا و آخرت بوده و بر او دیدن وجه خدا را، حرام خواهد نمود. ¹»

7 - رسول خدا ﷺ فرمود: من عمل فی تزویج حلال حتی یجمع الله بینهما زوجة الله من الحور العین، وکان له بكل خطوة خطاها وکلمة تکلم بها عبادة سنة. هرکس در تزویج حلال کار کند تا میان آنها را جمع نماید (و بهم رساند) خداوند از حوریان ممتاز، برای او تزویج و به هر قدمی (در اصلاح این کار) برداشته و به هر کلمه ای زده، عبادت یک سال می نویسد. ²»

8 - از علی علیه السلام فرمود: وأفضل الشفاعات أن یشفع بین اثین فی نکاح حتی یجمع شملهما. و بهترین میانجی گری آن است که برای ازدواج (میان دو نفر) وساطت نماید تا آنها را بهم رساند. ³»

7 - سه چیز بی حساب

در تشکیلات خداوندی، همه چیز حساب و کتابی دارد و محاکمه‌ای!، پس انسان باید خود را برای پاسخ گوئی به سؤالات مأمورین الهی آماده ساخته و بگونه‌ای خود را از دست بازجویان روز قیامت برهاند اما در این میان در باره سه چیز بازجویی نخواهد شد!

1 - علی بن رئاب از حلبی، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: ثلاثة أشياء لا يحاسب (الله عليها) عليهن المؤمن: طعام يأكله، وثوب يلبسه، وزوجة سالحة
تعاونه ويحصن بها فرجه. سه چیز برای مؤمن محاسبه نخواهد شد،

1 - طعامی که می خورد؛

2 - لباسی که می پوشد؛

3 - همسر سالحه‌ای که یاور او باشد و ناموس او را پاسداری نماید و خود را از شهوات نفسانی مهار کند، (زیرا این‌ها ضروریات زندگی است که خداوند متکفل آنهاست).¹

8 - آرامش مؤمن

در زندگی دنیای مادی ما، برای فرد فرد انسان‌ها آرامش و راحتی فکر، از آرزوهای مهم و شرط اصلی آن است زیرا در غیر این صورت: زندگی برایش معنا و مفهومی نخواهد داشت! از جمله آرامش بخش‌ها سه چیز است.

1 - سعید (شعیب) بن جناح: از مطر مولى معن: از أبى عبد الله عليه السلام فرمود: ثلاثة للمؤمن فيها راحة: دار واسعة تواری عورته وسوء حاله من الناس، وامرأة سالحة تعينه على أمر الدنيا والآخرة، وابنة يخرجها إما بموت أو بتزويج. سه چیز مایه آرامش مؤمن است،

1 - خانه وسیع که آبروی خود و بدی حالش را از مردم بپوشاند؛

2 - و همسر سالحه که کمک او باشد در کارهای دنیا و آخرتش؛

3 - دختری که از خانه بیرون فرستد یا با مرگ و یا با عروسی (که آبروی خود را نگه داشته و از غم او بیاساید).^{«2»}

2 - حسن (بن حسن)، از مادرش فاطمه دختر امام حسین از پدرش حسین بن علی، از پدرش علی بن ابی طالب عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: من اعطى أربع خصال فقد اعطى خير الدنيا والآخرة وفاز بحظه منهما: ورع يعصمه عن محارم الله، و حسن خلق يعيش به فى الناس، وحلم يدفع به جهل الجاهل، و زوجة سالحة تعينه على أمر الدنيا والآخرة به هرکس چهار خصلت داده شده، همانا خیر دنیا و آخرت به او داده شده و در هردو آن به حق خود رسیده است،

الف خویشتن داری که او را از حرام‌های خدا نگهدارد؛

ب اخلاق نیکو که با آن با مردم زندگی نماید؛

ج حلمی که با آن جهالت نادانان را (از خود) دور سازد؛

د - همسر شایسته‌ای که به کار دنیا و آخرت او کمک نماید. «1»

3 - حسین بن علوان، از امام صادق، از پدرانش عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: حسن البشر نصف العقل، والتقدير نصف المعيشة، والمرأة الصالحة أحد الكاسبين خوشروئی نصف عقل و اندازه‌گیری نصف معیشت و زن صالحه یکی از کسب‌کنندگان (یعنی وجودش سبب جلب روزی و برکت زندگی) است. «2»

4 - در کتاب دعوات راوندی: از ربیعة بن کعب گفت: شنیدم پیامبر صلى الله عليه وآله می فرمود من اعطی خمساً لم یکن له عذر فی ترک عمل الاخرة: زوجة صالحة تعینه علی أمر دنیا و آخرته، وبنون أبرار، و معیشة فی بلده، و حسن خلق یداری به الناس، وحب أهل بیتی. به هرکسی پنج چیز داده شود، دیگر برای ترک عمل آخرت عذری برایش باقی نمی‌ماند؛

1 - همسر شایسته‌ای که او را برای کارهای دنیا و آخرت، یاری رساند؛

2 - و فرزندان نیکوکار؛

3 - و (وسیله کسب) معیشت او در شهرش باشد؛

4 - و اخلاق نیکو که با آن با مردم مدارا داشته باشد؛

5 - و دوست داری اهل بیت من عليهم السلام. «3»

ازدواج با چه کسانی

اشاره

زمانی که شخصی تصمیم گرفت برای خودش همسری اختیار نماید، چه دختر یا پسر و چه مرد و چه زن، باید خیلی هوشیار باشد و بداند که تا پایان عمر می‌خواهد با که زندگی کند و مادر یا پدر بچه هایش: که خواهد بود و با کدام خانواده افت و خیز خواهد کرد چون یکی از مشکلات مهم و قابل توجه زندگی، انتخاب همسر و همسر شایسته و لایق، و مادر و یا پدر بچه هاست، باید بداند که یک نسل را تا ابد الدهر، می‌خواهد روی چه بنیان پی ریزی و بالای چه فونداسیون، بنا نماید، پس هیچ وقت اسیر هوا و هوس و غرایز جنسی زود گذر و سپری شونده نباشد! زیرا نسل ادامه می‌یابد و ماندگار است و پایان ناپذیر.

و می‌دانیم که اصالت و نجابت در انتخاب همسر، حرف اول را می‌زند و شرط اول زندگی و تشکیل خانواده است، پس در انتخاب شریک زندگی، شتاب زده نشوید تا دچار اشتباه شوید، در این باره به روایات ذیل دقت نمایید

1 - رسول خدا ﷺ چه فرمود؟!

1 - در کتاب‌های شیعه و سنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است، النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، خِيَارُهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي الْإِسْلَامِ، إِذَا فَقَهُوا ^{«1»} (إِذَا تَفَقَّهُوا ^{«2»}) النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، مَنْ كَانَ لَهُ أَصْلٌ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَلَهُ أَصْلٌ فِي الْإِسْلَامِ ^{«3»} النَّاسُ مَعَادِنٌ، فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ، خِيَارُهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، خِيَارُهُمْ فِي الْإِسْلَامِ إِذَا فَقَهُوا. فرمود: مردم معدنهائی همانند معادن زر و سیم، هستند خوبان آنها در جاهلیت، خوبانند در اسلام اگر بفهمند و هوشیار باشند، و هر کس در جاهلیت أصالت داشت، در اسلام نیز اصیل است؛ و همچنین در خیر و شر (خوبی و بدی)، مانند معادن مختلف هستند. ^{«4»}

این حدیث، علاوه بر اینکه، از احادیث علمی مورد قبول شیعه و سنی است، خیلی از مسائل و پیش آمدهای گوناگون زندگی را برای ما، معنا می‌کند، باز از رسول خدا ﷺ روایت شده است «إِذَا سَمِعْتُمْ بِجَبَلٍ زَالٍ عَنِ الْمَكَانَةِ فَصَدِّقُوا وَإِذَا سَمِعْتُمْ بِرَجُلٍ زَالٍ عَنِ خَلْقِهِ فَلَا تَصَدَّقُوا فَإِنَّهُ يَصِيرُ إِلَى مَا جَبَلَ عَلَيْهِ»

«اگر شنیدید کوهی از جایش زایل (و برکنده) شده است باور کنید، اما اگر شنیدید مردی (و آدمی) از اخلاق (و نهاد خود) دست برداشته است، باور نکنید!! زیرا او بر نهاد و طبیعت خود بر می‌گردد!!» ^{«1»}

2 - ابی عبد الله عیسیٰ فرمود: قام النبی ﷺ خطیباً فقال: أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي كَأَمِّكُمْ وَخَضِرَاءُ الدِّمَنِ قَيْلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَا خَضِرَاءُ الدِّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنبِتِ السُّوءِ. رسول خدا ﷺ بلند شد و سخنرانی کرد و فرمود: ای مردم مبادا به خضراء دِمَنْ نزدیک شوید (و به سراغ آن روید) گفتند: ای

رسول خدا خضراء دمن چیست؟! فرمود: زن زیبا در رویشگاه (و خانواده) بد.

«2»

3 - محمد بن أبی طلحة: از امام صادق: از پدرانش عليه السلام از رسول الله صلى الله عليه وآله قال للناس: اياكم وخضراء الدمن، قيل: يا رسول الله وما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسنة في منبت السوء. به مردم فرمود: مبادا به خضراء دمن نزدیک شوید (و به سراغ آن روید) پرسیدند ای رسول خدا خضراء دمن چیست؟! فرمود: زن زیبا در رویشگاه (و خانواده) بد (که طبعاً به اصل ونسبش می رود).

3»

2 - بهترین بانوان

در میان انسان‌ها کسانی هستند که دارای امتیازات فراوان و از هم نوعان خود ممتاز و پرارزش و بهترینند، در مقابل آنها افرادی هم هستند که همیشه از قافله عقب و هیچ خیر و برکتی در وجود آنها پیدا نمی‌شود و بدترینند. در سؤال از بهترین زنان و بدترین آنها، ممکن است هرکسی نظری را اظهار و پاسخی فراخور برداشت و اطلاعات خود: ابراز دارد: حالا ببینیم روایات در این باره در فصل بعدی (باب پرهیز از چه کسانی) و در فصل (بدترین زنان) چه می‌گویند!

1 - جابر بن عبدالله گوید: نزد رسول خدا ﷺ بودیم فرمود: ألا أخبرکم بخیر نساءکم، الولود الودود السّتیرة العفیفة العزیزة فی أهلها الذّلیلة مع بعلمها المتبرّجة مع زوجها الحصان مع غیره الّتی تسمع قوله و تطیعه فاذا خلا بها بذلت له ما أراد منها و لم تبدل کتبدل الرّجل.

آیا به شما خبر دهم بهترین زنانتان را؟!، زاینده، دوست دارنده، باحجاب، پاک دامن، در خانواده‌اش عزیزه، با شوهرش ذلیله، با شوهر خود نما و دریده، با بیگانه خود نگهدار، زنی که گفته شوهر را می‌شنود و اطاعت می‌نماید، هرگاه با شوهر خلوت کرد، هرچه دلبخواه اوست به او می‌بخشد، و مانند مردان با او رفتار نمی‌کند (بلکه رفتارهای زنانه و تحریک کننده انجام می‌دهد و ..). «1»

2 - سکونی: از ابی عبدالله علیه السلام گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: أفضل نساء أمتی أصبحهن وجهاً وأقلهنّ مهراً. بهترین زنان امت من، زیبارویان و کم‌مهران آنها است. «2»

3 - شیخ صدوق فرمود: وروی آن من بركة المرأة قلّة مهرها، ومن شوّمها كثرة مهرها. و روایت شده است از برکت زن کمی مهر و شومی او در زیادی مهر اوست. «3»

4 - سلیمان جعفری: از ابي الحسن الرضا عليه السلام گفت: امير مؤمنان عليه السلام فرمود: خير نساءكم الخمس، قيل: وما الخمس؟ قال: الهينة اللينة المواتية التي إذا غضب زوجها لم تكتحل بغمض حتى يرضى، وإذا غاب عنها زوجها حفظته في غيبته فتلك عامل من عمال الله، و عامل الله لا يخيب. بهترین زنان شما پنج (گروه) است، پرسیدند پنج (گروه) کدامند؟! فرمود: خوش رفتار و نرم خو و شوهر داری که اگر شوهرش عصبانی شد تا راضی شدن شوهرش، سرمه نکشد (و آرایش نکند) و زمانی که شوهرش از او غایب شود، (ناموس) او را محافظت نماید پس همچون زنی کار گزاری از کارگزاران خداوند است و کارگزار خدا هیچ وقت ضرر نمی بیند (و مایوس نمی شود). «1»

5 - فرمود: وجاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقال: ان لي زوجة إذا دخلت تلقنتني، وإذا خرجت شيعتني، وإذا رأتنى مهموماً قالت لي: ما يهّمك إن كنت تهتمّ لرزقك فقد تكفّل لك به غيرك، وإن كنت تهتمّ بأمر آخرتك فزادك الله همّاً، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: إن الله عمّالاً و هذه من عمّاله لها نصف أجر الشهيد. مردی پیش رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم آمد و گفت: من زنی دارم هر وقت داخل (خانه) می شوم به استقبالم می آید و اگر خارج شوم بدرقه ام می کند، و اگر مرا غمگین ببیند می گوید: اگر برای روزی ات نگرانی، آن را غیر تو (یعنی خدا) متکفل شده است، و اگر برای آخرتت فکر می کنی خداوند آن را زیاد کند (و موفق باشی)؛ رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: همانا برای خداوند عمّال هائی (در زمین) هست این هم یکی از آن هاست و برای او نصف پاداش شهید است. «2»

6 - یعقوب احمر: از محمد بن مسلم: از اَبی جعفر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: اَتی رجل رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يستأمره في النكاح، فقال: نعم انكح و عليك بذوات الدین تربت یداک، و قال: انما مثل المرأة الصالحة مثل الغراب الأعصم الذی لا یکاد یقدر علیه، قال: وما الغراب الأعصم؟

قال: الأبیض إحدى رجلیه مردی به محضر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمد در باره ازدواج از او اجازه می خواست، فرمود: بلی (حتماً) ازدواج کن، و به سراغ دین داران برو تا دستانت نمناک شود (و خیر و برکت بینی)؛ فرمود: زن صالحه مانند غراب اعصم، سخت گیر می آید (و کمیاب و کم پیدا است!)؛ پرسیدند غراب اعصم چگونه است؟

فرمود: یک پایش سفید باشد. «3»

7 - جمیل بن دراج: از اَبی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: خیر نسائکم التی ان غضبت أو اغضبت قالت لزوجها: یدی فی یدک لا اکتحل بغمض حتی ترضی عنی قال: وكان النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یقول فی دعائه: اللهم انی أعوذ بک من ولد یكون علیّ رباً و من مال یكون علیّ ضیاعاً، و من زوجة تشینی قبل أوان مشیی، و من خلیل ماکر الحدیث. زنان خوب شما آن است که اگر مردش از او ناراحت شود یا او را عصبانی نماید، به او می گوید: دست من در دست تو است (و من در اختیار توأم)، آرایش نمی کنم تا از من راضی شوی! و پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در دعایش می گفت: خدایا من به تو پناه می برم از (شر) فرزندی که برای من بزرگی کند (و مایه شرمندگی من شود)، و از مالی که سبب ضایع شدن من باشد، و از (شر) همسری که مرا زود هنگام پیرم کند، و از دوست حیله گر (که مرا با مکر و نیرنگ های خود بفریبد و ضایع نماید، تا آخر حدیث). «1»

8 - ورام بن ابي فراس در كتابش گفت: امام عليه السلام فرمود: ما اعطى أحد شيئاً خيراً من امرأة صالحة إذا رآها سرته، وإذا أقسم عليها أبرته وإذا غاب عنها حفظته (في نفسها و ماله) به کسی چیزی بهتر از زن صالحه، داده نشده است که هر وقت او را ببیند شاد شود و اگر برای او (به خاطر چیزی قول دهد و) سوگند بخورد، به او وفا نماید، اگر از او غایب شود، نگهبان (ناموس و مال) او باشد. «2»

9 - سکونی از ابی عبدالله عليه السلام فرمود: من سعادة المرء الزوجة الصالحة. از خوش بختی مرد (داشتن) زن صالحه است. «3»

10 - صفوان بن یحیی: از ابی الحسن علی بن موسی الرضا عليه السلام فرمود: ما أفاد عبد فائدة خيراً من زوجة صالحة إذا رآها سرته وإذا غاب عنها حفظته في نفسها و ماله. هیچ کس (در زندگی) فائده‌ای نبرده است که بهتر از زن صالحه باشد، هر وقت او را ببیند شاد نماید: اگر از او غایب شود، نگهبان (ناموس و مال) او باشد. «4»

11 - حنان بن سدیر: از پدرش: از ابی جعفر عليه السلام فرمود: قال رسول الله صلى الله عليه وآله إن من القسم المصلح للمسلم أن تكون له امرأة إذا نظر إليها سرته، وإن غاب عنها حفظته، وإن أمرها أطاعته. رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: از قسمت (و نصیب) صالح برای مرد مسلمان آن است که زنی داشته باشد، هر وقت به او نگاه کند شاد شود، و اگر از او غایب گردد، حفظش نماید، و اگر به او امری کرد، از او اطاعت نماید. «1»

12 - محمد بن مسلم: از ابی عبد الله عليه السلام فرمود: من بركة المرأة خفة مؤنتها (وتيسير ولدها)، ومن شومها شدة مؤنتها وتعسير ولدها (ولادتها). از برکت زن سبک بودن مؤنة و آسان زائیدن اوست و شومی اش زیادی مخارج و سخت‌زائی اوست. «2»

13 - امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله در حدیثی که سؤال نمود

چه چیزی برای زنان بهتر است، فاطمه عليها السلام گفت:

خير للنساء (ألا يرين الرجال ولا يراهن الرجال) فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنها مني. برای زنان بهتر آن است (بهترین زنان آنست) که نه آنها مردان (نامحرم) را ببینند و نه آنها مردان نامحرم را، پس رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: او (فاطمه) از من است. ³ در فصل‌های بعدی روایات مناسب این فصل می‌خوانید

3 - تاج کرامت بر سر!!

درهرکاری از کارهای دنیا، اگر خوشنودی و رضای خدا و خویشی و خویشاوندی، در نظر گرفته شود، خداوند او را در آن کار شیرین کام و کامیاب گرداند و در زندگی هر دو جهان تاج عزت و کرامت بر سرش نهد و عمر خود را در میان مردم آبرومندانه به سر برده و سپری می‌کند چون خداوند همیشه به دوستان و خواهانش عزت دهد و آبرو بخشد، مثلاً دختری در هم خونان خود وجود دارد اما کمی از جمال ظاهری بی بهره است، با او برای رضای خدا و به احترام همخونی، ازدواج نماید، خداوند به یقین او را در طول عمر رهایش نمی‌سازد و باعزت و خوشبختی زندگی می‌کند.

1 - محمد بن علی بن حسین گفت: علی بن حسین سید العابدین علیه السلام فرمود: من تزوج الله و لصلة الرحم توجه الله بتاج الملك (والكرامة). هرکس به خاطر خدا و به احترام رَحِم (و خویشاوندی) ازدواج کند، خداوند با تاج ملک و کرامت او را تاجدار می‌نماید. «1»

4 - ازدواج با آن که دوست داری!

زندگی با همسر، یکی از ارکان دوران عمر بشر است، چنانچه دلبخواه و باب میلش نباشد، همیشه در عذاب روحی و شکنجه جسم و جان، فرو خواهد رفت و عمر گرانمایه خود را، دایم بانفرین و نفرت و تلخ کامی و آرزوی مرگ، سپری خواهد نمود، بدینجهت است که انسان نباید در انتخاب همسر و همسر خود، تحت تأثیر زورگوئی دیگران (پدر، مادر، برادر، دوست آشنا و... قرار گیرد و آینده خود را تباه سازد، زیرا کوچکترین اشتباه و غفلت در این باره، آدمی را مادام العمر به ندامت و پشیمانی گرفتار خواهد ساخت و باید تا آخر عمر تاوان اشتباهش را پس دهد؛

از این روست که بزرگان دین سفارش اکید دارند که انسان آن کس را که دوست دارد، ازدواج نماید و شریک زندگی خود قرار دهد؛ البته حساب مشورت و مشاوره و از صاحبان عقل و خرد نظر خواهی کردن و از تجربه دیگران استفاده نمودن، نه تنها بد نیست بلکه بهتر هم هست. به روایت ذیل توجه نمایید.

1 - ابن ابی یعفور، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: إني أريد أن أتزوج امرأة وإن أبويَّ أرادا غيرها قال: تزوج التي هويت ودع التي هوى أبواك. من می خواهم با زنی (که دوست دارم) ازدواج نمایم و پدر و مادرم دیگری را اراده نموده‌اند! فرمود: با زنی که دوست داری، ازدواج کن و آن را که والدینت دوست دارند، رها ساز! ²

5 - شتاب در ازدواج با هم کفو

اگر میوه رسیده را به موقع نچینند، فاسد می‌شود و گله‌ها را در موقعش برنارند، پرپر می‌گردد و گندم را به موقع درو نکنند: از سنبل می‌ریزد و می‌پوسد و نابود می‌شود و...

همچنین است فرزندان رسیده و هنگام طراوت و شادابی (دختر یا پسر)، اگر به موقع به خانه بخت فرستاده نشوند، پرپر می‌شوند و فاسد از آب در می‌آیند؛ چنان که در جوامع مختلف، به روشنی می‌بینیم و مسئله ایست غیر قابل انکار؛ استفاده بردن و بهره مند شدن از هر چیزی، باید به موقع باشد، وقتی که این گله‌های زندگی به بلوغ رسیدند، حتماً و باید مسائل زیادی را، در نظر گرفت و در صدد حل آن بر آمد و بدون بهانه جوئی و ایرادگیری و دعوای مادی و بازی بارقام، حل و فصل نمود، زیرا بی‌اعتنائی و کم‌توجهی به این مسائل، در زمان نه چندان دور، فاجعه ببار خواهد آورد.

مگر این همه فساد و تباهی جنسی جوامع بشری از این مسیر بیار نیامده است؟ مگر فرارها و فراری‌های بی‌شمار از خانه و خانواده‌ها و تمرّد و عاق والدینی و نافرمانی‌های فراوان و .. همه و همه ناشی از این، بی‌توجهی‌ها نیست! و دهها مگرها و آياهای دیگر.

1 - أحمد بن محمد بن عیسی: از بعض أصحابش: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: من سعادة المرء أن لا تطمئنت ابنته في بيته. از خوشبختی مرد است که دخترش در خانه او حیض نبیند (یعنی قبل از عادت بینی و پیش از چند دست شدن، به خانه بخت فرستاده شود).^{«1»}

2 - محمد بن علی بن حسین گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: من سعادة الرجل أن لا تحيض ابنته في بيته. از سعادت مرد است که دختر او درخانه اش حیض نبیند

(وعادت نشود و زود هنگام راهی زندگی اش شود). «2»

3 - بعضی از أصحاب ما (از ابی عبد الله علیه السلام) روایت کرده است: فرمود: ان الله عزوجل لم يترك شيئا مما يحتاج إليه الا وعلمه نبيه ﷺ، فكان من تعليمه إياه أنه صعد المنبر ذات يوم فحمد الله وأثنى عليه، ثم قال أيها الناس ان جبرئيل أتاني عن اللطيف الخبير فقال: إن الأبقار بمنزلة الثمر على الشجر، إذا ادرك ثمارها فلم تجتن أفسدته الشمس، ونثرته الرياح، وكذلك الأبقار إذا أدركن ما تدرك النساء، فليس لهن دواء إلا البعولة وإلا لم يؤمن عليهن الفساد لأنهن بشر، قال: فقام إليه رجل فقال: يا رسول الله، فمن تزوج؟ فقال: الأكفاء فقال (يا رسول الله): و من الأكفاء؟ فقال: المؤمنون بعضهم أكفاء بعض، المؤمنون بعضهم أكفاء بعض.

خدای عزوجل چیز مورد احتیاجی فرو نگذاشته، مگر اینکه به پیغمبرش تعلیم نموده است، از آن جمله است که (روزی) بالای منبر رفت و حمد و ثنای خدا را بجا آورد سپس فرمود: ای مردم جبرئیل از سوی خدا، پیش من آمد و گفت: همانا باکره‌ها مانند میوه (رسیده) بر درخت است اگر (بموقع) چیده نشوند، آفتاب آن را فاسد می‌نماید و بادهای آنها را پراکنده می‌کند، این چنین است باکره‌ها، وقتی درک کردند آنچه را که زنها درک می‌کنند (و به بلوغ می‌رسند) برای آنها دوائی غیر از شوهر کردن نیست و گرنه از فساد در امان نیستند، زیرا آنها بشرند؛

مردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا ﷺ با که ازدواج کنند؟ فرمود: با هم كفوان (و همسنگان)، پرسید أكفاء کیانند؟! دوبار فرمود: مؤمن ها با همدیگر هم كفوند. «1»

4 - أبی حیون مولی الرضا از امام رضا ع فرمود: نزل جبرئیل علی النبی ص فقال یا محمد، ربک یقرئک السلام ویقول: ان الأبکار من النساء بمنزلة الثمر علی الشجر، وذكر نحوه، وزاد: ثم لم ینزل حتی زوج ضباعة بنت الزبیر بن عبد المطلب المقداد بن الأسود الکندی، ثم قال: أیها الناس، انما زوجت ابنة عمی المقداد لیتضع النکاح. جبرئیل به پیغمبر ص نازل شد و گفت: ای محمد خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید:

همانا باکره‌ها بمنزله میوه بر درخت است (و مانند روایت بالا را ذکر کرد و اضافه نمود، پیغمبر ص از منبر پایین نیامد) تا ضباعة دختر زبیر بن عبد المطلب را به مقداد بن اسود کندی تزویج نمود سپس فرمود: من دختر عمویم را به مقداد تزویج کردم تا (مرزهای غلط جاهلی) نکاح شکسته شود (زیرا ضباعة اشراف زاده بود و مقداد غلام سیاه که از نظر فرهنگی آن روز و حتی امروز هم، با همدیگر قابل مقایسه نبودند). «1»

5 - عبد الرحمن بن سیابة: از أبی عبد الله ع فرمود: ان الله خلق حواء من آدم فهمة النساء الرجال فحصنوهن فی البيوت. خداوند حوا را از آدم آفرید پس همت زنها مردانند و آنها را در خانه‌ها نگه دارید (و مهار نمائید تا روی جامعه سالم را ببینید). «2»

6 - واسطی: از أبی عبد الله ع فرمود: ان الله خلق آدم من الماء والطين فهمة ابن آدم فی الماء والطين، وخلق حواء من آدم فهمة النساء فی الرجال فحصنوهن فی البيوت. خداوند آدم را از آب و گل آفرید پس همت آدم در آب

و گل است، و حوّا را از آدم آفرید پس همت زنها مردانند و آنها را در خانه‌ها نگه دارید. «3»

7 - ابن جمهور: از پدرش گفت: امیر مؤمنان علیه السلام در بعض سخنانش فرمود: انّ السباع همّها بطونها، وإنّ النساء همهنّ الرجال. همت درنده‌ها، شکم‌های آنهاست و همت زنان مردانند. «4»

6 - معنای هم کفو بودن

از منظر عقل و دین، همطراز و هم کفو انسان، کسی است که دارای شخصیت معنوی و سلامت روح و روان و دین و دیانت باشد، مال و منال و مقام‌های اعتباری و زیبایی و طنّازی و جاه و جلالت ظاهری، همگی زود گذر و مانند چرک دست، سریعاً از بین می‌رود، اما مقام آسمانی و خدا دادی است که: جاوید و ابدی می‌ماند؛ رنگ و پوست و فقر و ثروت و عرب و عجمی و شهری و دهاتی بودن، معیار انسانیت و شخصیت نیست، بلکه عیار و معدل آدمی، میزان تقوی و پرهیزکاری و تدبّین اوست. ^{«1»}

پس هنگام ازدواج به هیچ کدام از این خصوصیت‌های اعتباری فریفته نباش، تنها به میزان عقل و دین و تقوای طرف مقابل دقت نما، زیرا تقوا و پرهیزکاریست که در خلوت و آشکار و شب و روز و شهر و روستا خلاصه در زمین و آسمان، انسان را از راه‌های انحرافی باز می‌دارد و از ارتکاب به اعمال زشت و غیر اخلاقی، مهار می‌کند ترس از خدا و تقواست که در زندگی خیالت را راحت می‌کند و از جهت همسرت آسوده خاطر می‌سازد، چون می‌دانی طرف مقابل، پا از جاده حق و حقیقت و عزّت و شرافت، بیرون نخواهد گذاشت و به همه مشکلات و فراز و نشیب‌های زندگی ات، صبورانه و عاشقانه تحمل می‌کند و در کنارت، احساس آرامش و خوشبختی می‌نماید و بس؛

پس وقتی همچون شخصیت و موجود شایسته ای را پیدا کردی، مانند پیغمبر الهی حضرت شعیب عَلَيْهِ السَّلَام و سایر بزرگان دین، خود پیش قدم باش و خودت از این پسر شایسته برای دخترت خواستگاری کن و فرصت را از دست مده، به دو فصل آتی دقت نمایید.

1 - أبي حمزة الثمالي در ضمن حدیثی گفت: كنت عند أبي جعفر عليه السلام فقال له رجل: إنني خطبت إلى مولاك فلان بن أبي رافع ابنته فلانة فردّتي و رغب عني وازدرأني لدمامتي و حاجتي و غربتي، فقال أبو جعفر عليه السلام اذهب فأنت رسولي إليه، فقل له: يقول لك محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب: زوج منجح بن رباح (رباح) مولاى بنتك فلانة، ولا تردّه - إلى أن قال: ثم قال أبو جعفر عليه السلام: إن رجلاً كان من أهل اليمامة يقال له: جووير، أتى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم منتجعاً للإسلام فأسلم و حسن اسلامه،

نزد ابی جعفر عليه السلام بودم مردی به او گفت: من از دوستت (یا غلام آزاد کرده ات) فلان بن ابی رافع، دخترش فلانه را خواستگاری نمودم، مرا ردّ کرد و به خاطر قد کوتاه و نداری و غریبی، از من روی گردان شد و مرا دکّ نمود (و از من دوری جست)!! ابو جعفر عليه السلام فرمود: برو تو قاصد منی از طرف من و به او بگو محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب عليه السلام « گفت: دخترت فلانه را به غلام من منجح بن رباح، تزویج نما و ردّش نکن راوی گوید: سپس ابو جعفر فرمود: مردی از اهل یمامة که به او جوویر می گفتند، پیش رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم آمد و مسلمان شد و اسلامش نیکوگردید؛

و كان رجلاً قصيراً دميماً محتاجاً عارياً، و كان من قباح السّودان إلى أن قال: و إن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم نظر إلى جووير ذات يوم برحمة له و رقّةً عليه فقال له: يا جووير لو تزوجت امرأة فعففت بها فرجك و أعانتك على دنياك و آخرتك، فقال له جووير: يا رسول الله بأبي أنت و أمي، من يرغب فيّ فو الله ما من حسب و لا نسب و لا مال و لا جمال، فأية امرأة ترغب فيّ

و مرد کوتاه قد و بد ریخت و محتاج و لخت و از زشتان (درجه یک) سودان بود تا فرمود: روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم با نظر رحمت و دلسوزی به او نگرست

و فرمود: ای جوویر چه می شود ازدواج کنی تا به وسیله آن عفت خود را نگهداری و به دنیا و آخرت تو کمک کند (و یاری نماید)، جوویر گفت: ای رسول خدا ﷺ! پدر و مادرم فدای تو باد چه کسی به من رغبت می کند (و دختر می دهد): به خدا قسم نه حسبی دارم و نه نسبی، نه مالی دارم نه جمالی، کدام زنی به من رغبت می نماید؛

فقال له رسول الله ﷺ: يا جوویر ان الله قد وضع بالإسلام من كان في الجاهلية شريفاً، و شرف بالإسلام من كان في الجاهلية وضيعاً، وأعز بالإسلام من كان في الجاهلية ذليلاً، وأذهب بالإسلام ما كان من نخوة الجاهلية وتفآخرها بعشائرها وباسق أنسابها، فالناس اليوم كلهم أبيضهم وأسودهم وقرشيهم وعربيهم وعجميهم من آدم، وان آدم خلقه الله من طين، وان أحب الناس إلى الله أطوعهم له وأتقاهم، و ما أعلم يا جوویر لأحد من المسلمين عليك اليوم فضلاً إلا لمن كان أتقى لله منك و أطوع، رسول خدا ﷺ به او فرمود، ای جوویر خداوند با اسلام کسانی را که در جاهلیت شریف بودند، پایین آورد و با اسلام به آنهایی که در جاهلیت پایین بودند شرف داد، و با اسلام عزیزان جاهلیت را ذلیل و ذیلان جاهلیت را عزیز گردانید، و با اسلام نخوت (و خود خواهی) و افتخارات عشایری و نسبی جاهلیت را از میان برداشت، پس همه مردم امروز: سیاه و سفیدشان و قرشی و عربی و عجمی شان همگی از آدم اند، و آدم را از گیل آفرید و محبوب ترین مردم نزد خدا، فرمان برداران و پرهیز کاران آنهاست، من نمی دانم ای جوویر امروز برای احدی از مسلمانها، به تو برتری داشته باشد مگر کسانی که از تو فرمان بردارتر و خود مهار کننده تر باشد؛

ثم قال، انطلق يا جوویر إلى زياد بن لبيد (انصاری) فإنه من أشرف بني بياضة حسباً فيهم، فقل له: اني رسول رسول الله ﷺ إليك، و هو يقول لك زوج

جویراً بنتک الدلفاء (الحديث) وفيه انه زوجه اياها بعد ما راجع النبي ﷺ ،
فقال له: يا زياد، جوير مؤمن والمؤمن كفو المؤمنة، والمسلم كفو المسلمة،
فزوجه يا زياد ولا ترغب عنه. سپس فرمود:

ای جویر برو به سوی زیاد بن لبید که از اشرف اولاد بنی بیاضه است از
حیث حسب و نسب، به او بگو، من فرستاده رسول خدایم به سوی تو و
می‌فرماید:

دخترت «دلفاء» را به جویر تزویج کن (تا آخر حدیث) که او بعد از مراجعه
به رسول خدا ﷺ و سلم حضرت به او فرمود: ای زیاد جویر مؤمن است و
مؤمن هم کفو مؤمنه است، و مسلمان هم کفو زن مسلمان است، پس دخترت را
به او تزویج کن و از او روی برمگردان (و بی اعتنائی نکن!!) پس دخترش را به
جویر تزویج نمود. «1»

2 - أبان: از مردی و محمد بن فضیل هاشمی: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود:
الكفو أن يكون عفيفاً و عنده يسار. (معنای) کفو، عقیف بودن و زندگی مناسب
داشتن است. «2»

3 - عبد الله بن جعفر در (قرب الاسناد): از عبد الله بن الحسن: از جدش
علی بن جعفر: از برادرش: گفت: سألته إن زوج ابنتی غلامٌ فيه لينٌ و أبوه لا
بأس به؟ قال: إذا لم يكن فاحشةً فزوجه يعني الخنث. از او سؤال کردم همسر
(خواستگار) دخترم جوانی است نرم خو و پدرش نیز ایرادی ندارد؟! فرمود: اگر
(یسر) فاحشه نباشد تزویج کن (معنای فاحشه در این حدیث) لواط دهنده است.
«3»

البته در این مورد شواهد تاریخی و روایت زیاد هست که فقط برای آوردن
نمونه هائی از آنها اکتفاء نمودیم

7 - خواستگار شایسته را رد نکن!

زود شوهر دادن دختر در صورتی که خواستگار مناسب و لایق پیش آید، از سعادت مرد و سبب آرامش روح و روان خانواده است زیرا پیرامون دختر هزار جور گرفتاری و پیشامد غیر مترقبه، می چرخد و از شرّ این حوادث ناگهانی، جان سالم به در بردن و رهائی یافتن، از الطاف خداوند بر بنده گان است! بدینجهت اگر برای دختر خواستگار شایسته (از جهت ایمان و اخلاق و آبرو و وسیله زندگی و ... پیدا شد، بی درنگ موافقت کردن و پاسخ مثبت دادن، لازم و ضروری است، زیرا بزرگان دین فرموده‌اند «دختر مانند میوه درخت است اگر بموقع چیده نشود، فاسد شده و بادها خواهد پاشید ...»!!¹

پس هیچ وقت نباید به خاطر افکار واهی و بی پایه، بهانه‌گیری کرده و معطل شوند زیرا رسول خدا ﷺ از این عمل نهی فرموده است به روایات آتی دقت نمایید.

1 - علی بن مهزیار گفت: کتب علی بن أسباط إلى أبي جعفر عليه السلام في أمر بناته و أنّه لا يجد أحدا مثله، فكتب إليه أبو جعفر عليه السلام: فهمت ما ذكرت من أمر بناتك وأنك لا تجد أحدا مثلك، فلا تنظر في ذلك رحمك الله، فإن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: إذا جاءكم من ترضون خلقه و دينه فزوجوه (قلت يارسول الله! و ان كان ديناً في نسبه؟ قال اذا جائكم من ترضون خلقه و دينه فزوجوه، إلا تفعلوه تكن فتنه في الأرض و فساد كبير).

علی بن اسباط به ابی جعفر عليه السلام در باره دخترانش، نوشت که مانند خودش کسی را پیدا نمی‌کند (که به آنها تزویج نماید)!! ابی جعفر عليه السلام به او مرقوم فرمود: آنچه در باره دخترانت نوشته بودی و این که مثل خودت را نمی‌یابی،

فهمیدم پس منتظر نباش خدایت رحمت کند، رسول خدا ﷺ فرمود: وقتی از اخلاق و دینداری کسی راضی هستید، تزویج کنید، گفتم ای رسول خدا اگر چه از حیث نسب پست هم باشد؟! فرمود: اگر نکنید در زمین فتنه و فساد بزرگی می شود (و آبروها به خطر می افتند).¹

2 - عیسی بن عبد الله، از پدرش، از جدش، از علی (علیه السلام) فرمایش رسول خدا ﷺ را، مطابق این روایت آورده است.

جمله «وإن كان دتيًّا في نسبه؟» با عبارت «أياكم و خضراء الدمن قيل: يا رسول الله ﷺ وما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسناء في منبت السوء.»²

« منافات ندارد زیرا در روایت بالا از پستی و دنائت خانواده سؤال شده است یعنی خانواده‌ای که از نظر شرافت نسب با این شخص هم طراز نیست اما از جهت دینداری و اخلاق رضایت بخش باشد، ولی در روایت اخیر از زن زیبایی که در خانواده بد و دور از ایمان و اصالت و نجابت، روئیده و پرورش یافته صحبت شده است.

3 - إبراهيم بن محمد همدانی گوید: به ابی جعفر علی (علیه السلام) در باره تزویج نوشتم، نوشته آن حضرت با خط خودش برای من آمد: قال رسول الله ﷺ إذا جاءكم (أتاكم) من ترزون خلقه ودینه فزوجه، إلا تفعلوه تكن فتنة في الأرض و فساد كبير. رسول خدا ﷺ فرمود: زمانی که به شما آمد کسی که به اخلاق و دینش راضی هستید (به او دخترتان را) تزویج نمایید وگرنه زمین را فتنه و فساد بزرگ فرا می گیرد! (زیرا بیشتر مردم برای فرو نشانیدن فوران شهوت خود، به افسار گسیختگی رو آورده و به آمیزش جنسی نامشروع متوسل می شوند).³

4 - حسین بن بشار واسطی گوید: به اُبی جعفر علیه السلام نوشتیم و از نکاح؟ سؤال نمودم (به من پاسخ داد و) نوشت: من خطب إِلَیکم فرضیتم دینه و امانته فزوّجوه، إِلَّا تفعَلوه تکن فتنه فی الأرض و فساد کبیر. هرکس به شما برای خواستگاری آمد که به دیانت و امانت داریش راضی شدید، پس به او زن دهید وگرنه در زمین فتنه و فساد بزرگ می شود (و به وقوع می پیوندد!)¹.

5 - امام رضا علیه السلام فرمود: إِنْ خطب إِلَیک رجل رضیت دینه و خلقه فزوّجه، ولا یمنعک فقره وفاقته، قال الله تعالی: «وإن یتفرقا یغن الله کُلّا من سعته» وقال: «إن یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم» ولا یتزوّج شارب خمر فانّ من فعل فکائنما قادهما إلی زنا. اگر مردی از تو خواستگاری نمود که به دین و اخلاقش راضی هستی، به او تزویج نما و فقر ونداری او مانع این کار نشود، زیرا خداوند فرموده است «اگر از همدیگر جدا شدند خدا هر دو را از وسعت رزق توانگر نماید» و باز فرمود: «اگر ندار بودند آنها را از فضل خود غنی سازد و خدا وسعت دهنده و داناست» ولی به شرابخوار دختر ندهید، اگر این کار را بکنید مانند این است که آن دختر را به زنا واداشته است!²

8 - خانم گردن بند مرد است

گردن بند برای بانوان، نمود زیبایی و زینت و جودی اوست که سبب جلب توجه همسر و رغبت بیشتر شوهر می‌باشد و چون گردن بند از ابزار زینتی مورد علاقه خانمهاست و به گردنش پیچیده و حلقه زده و محکم چسبیده است، نمی‌توان به سادگی از گردن او باز کرد و جدا ساخت!!

پر واضح است که خانم‌ها نیز هنگام خرید گردن بند، به تمام زوایای آن بطور کامل دقت می‌کنند تا از هر جهت مورد پسند و برای جلب توجه همسر، مفید باشد.

و برای اینکه مرد بعد از اجرای عقد بازن، زندگیشان باهم گره می‌خورد و بهم می‌پیچد و به اصطلاح، من و تو «ما» می‌شود بدینجهت به آسانی از همدیگر گشوده نمی‌گردد.

این که می‌بینیم در بعضی از روایات، زن را گردن بند مرد، نامیده با این تشبیه به اهمیت موضوع و دقت کافی در انتخاب آن، اشاره می‌نماید؛ آن گونه که خانمها برای خرید گردن بند به تمامی ابعاد آن دقت می‌نمایند، مرد هم حد اقل به همان اندازه، باید در انتخاب و برگزیدن شریک زندگی اش دقیق باشد و هوشیار، تا بعدها از کار خود پشیمان نشود و خود را مورد ملامت و مذمت قرار ندهد زیرا رها کردن و از گردن گشودن این گردن بند بعد ها هزاران مکافات دارد!.

1 - عبد الله بن مسکان (سنان): از بعض اصحابش گفت: شنیدم ابا عبد الله عنه السلام می‌فرمود: انما المرأة قلادة فانظر «ما تتقلد» الی ما تقلده قال و سمعته يقول: ليس للمرأة خطر لا لصالحتهن ولا لظالحتهن، أما صالحتهن فليس خطرهما

الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ، بَلْ هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَامَّا طَالِحْتَهُنَّ فَلَيْسَ التُّرَابُ خَطَرًا بَلِ التُّرَابُ خَيْرٌ مِنْهَا. هَمَانَا زَنْ گَرْدَن بِنْد اَسْت بَبِين كِه رَا بَه گَرْدَن مِي آوِيزِي، وَ گَفْت: شَنِيدَم اِمَام مِي فَرَمُود: اَلْبَتَّه زَنْ قِيْمَت نَدَارَد، خَوْبَانَش طَلَا وَ نَقْرَه قِيْمَتَش نَمِي شُود بَلَكِه اَز زَر وَ سِيْم بَهْتَر (وَ پَر قِيْمَت تَر) نَد وَ بَدَانَش بَه خَاك هَم نَمِي اَرزَد چُون خَاك اَز اَو بَهْتَر اَسْت. ^{«1»}

2 - ابراهيم كرخي به امام صادق عليه السلام گفت: مي خواهم ازدواج كنم فرمود: أَنْظِرْ أَيْنَ تَضَعُ نَفْسَكَ وَ مِنْ تَشْرِكُهُ فِي مَالِكَ وَ تَطْلَعُهُ عَلَي دِينَكَ وَ سَرَّكَ فَاِنَّ كُنْتَ لَا بَدًّا فَاعِلًا فَبِكْرًا تَنْسِبُ اِلَى الْخَيْرِ وَ اِلَى حَسَنِ الْخَلْقِ (هشيار باش) بيبين جانت را كجا مي گذاري و كه را شريك مالت كرده و او را به دينت و سرت آگاه مي نمائي پس اگر از ازدواج ناچاري به سراغ باكره برو هم به خوبي منسوب شوي و هم به اخلاق خوب (يعني ازدواج با دختر باكره خوبي و حسن خلق را براي به ارمغان مي آورد). ^{«2»}

3 - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أَنْكَحُوا الْأَكْفَاءَ وَانكحوا فيهم واختاروا لنطفكم. رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: با هم طرازان خود ازدواج كنيد و براي آنها زن دهيد و بر نطفه هاي خود (ظرف) مناسبي اختيار نماييد. ^{«3»}

4 - باز فرمود: اختاروا لنطفكم فانَّ الخالَ أحدَ الضَّجِيعِينَ برای نطفه هاي تان (جاي) مناسب اختيار كنيد زيرا دائي يكي از هم بستران است (يعني بچه به دائيش مي رود). ^{«1»}

5 - در خبر ديگر: تخيروا لنطفكم فانَّ الأبناءَ تشبه الأحوالَ (مواظب باشيد) به نطفه هاي تان رحيم مناسب پيدا كنيد چون بچه شبیه دائي هایشان می شود. ^{«2»}

6 - فضل بن محمد، از مجاشعی، از محمد بن جعفر، از پدرش أبي عبدالله عليه السلام و از مجاشعی، از امام رضا عليه السلام، از پدرانش عليه السلام رسول خدا صلى الله عليه وآله

فرمود: النکاح رقّ، فإذا أنکح أحدکم ولیدته فقد أرقّها، فلینظر أحدکم لمن یرقّ کریمته. ازدواج نوعی بردگی است پس وقتی که یکی از شما فرزند (دختر) ش را به زنی می دهد، در واقع او را برده نمود، پس حتماً نگاه کند، فرزند گرامی خود را برده چه کسی قرار می دهد!.³

9 - ازدواج با دختران باکره

پر واضح است که انسان عاقل سعی و کوشش فراوان می کند تا برای همسری و همسری خود: فرد دست نخورده و شایسته و سر به مهری را: انتخاب نماید زیرا در این صورت است که طرفین: چشم باز می کنند و فقط یکدیگر را می بینند و بر اخلاقیات و روحیات همدیگر: عادت می کنند، برای اینکه قبلاً فرد دیگری را ندیده و افت و خیز نکرده اند اما اگر با فرد بیوه و دست خورده ازدواج نماید احتمال ندامت و پشیمانی را در آینده نزدیک یا دور در پی خواهد داشت.

البته روایات فصل های بعدی یک نوع راهنمایی و امتیاز دادن است نه این که بانوان بیوه یا زشت رو یا ضعیف اندام و ... در خانه بمانند و کسی با آنها ازدواج نکند.

1 - رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنید جابر بن عبدالله انصاری با زن بیوه ازدواج نموده است، فرمود: هَلَّا تَزَوَّجْتَ بَكَرًا (تداعبها و تداعبک «4») تلاعبها و تلاعبک «5» (و تضاحکها و تضاحکک) «1»

چرا با دختر باکره ازدواج نکردی که، تو با او شوخی نمائی و او با تو، تو با او بازی کنی و او با تو، تو او را بخندانی و او تو را بخنداند.

2 - رسول الله ﷺ فرمود: تَزَوَّجُوا الْأَبْكَارَ فَإِنَّهُنَّ أَطِيبُ شَيْءٍ أَفْوَاهًا. قال: (وفي حديث آخر) وأنشفه أرحاماً، وأدرّ شيء أخلاقاً، وأفتح شيء أرحاماً، أما علمتم أنّي اباهي بكم الأمم يوم القيامة حتى بالسَّقَطِ يظلّ محببناً على باب الجنّة، فيقول الله عز وجل: ادخل (الجنّة)، فيقول لا أدخل حتى يدخل ابواي قبلي

فيقول الله تبارك وتعالى لملك من الملائكة: اتنى بأبويه فيأمر بهما إلى الجنة،
فيقول: هذا بفضل رحمتي لك.

با دختران باکره ازدواج کنید! زیرا آنها پاک دهانند و در حدیث دیگر فرمود:
و نظیف ارحام و پر بار و (پر جانشینان و) باز رَحِمٌ اند، آیا نمی دانید من با شما
به امت های دیگر، مباحات می کنم حتی سقط شده ها که در جلوی درِ بهشت با
حال غضب می ایستند خدای عزّ و جلّ می فرماید: داخل بهشت شوید!، گویند:
نه، تا پدر و مادرم داخل شوند! خدای تبارک و تعالی به فرشته ای از فرشتگان
می فرماید، والدین او را بیاور و امر می کند داخل بهشت شوید پس به او
می فرماید: این از فضل و رحمت من است بر تو.^{2»}

10 - ازدواج با فراخ چشمان گندمگون و ...

در حدیث آمده است انّ الله جميلٌ يحبّ الجمال خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، این خصلت خدائی در بندگانش هم تبلور یافته است، انسان همیشه به مخلوق زیبا از هر جنس و هر نوع باشد، دل می‌بندد و علاقه‌مند می‌شود زیرا زیبایی یکی از نعمت‌های استثنائی خداست و یکی از سه چیز زاینده و از بین برنده: غم و اندوه است «3»؛

بدین خاطر در روایات تأکید شده است با زیبارویان، شهلا چشمان، خنده رویان، سفیداندامان، خوشبویان و مو بلندان وو ... بالأخرة با خوش سیرتان و خوش صورتان، ازدواج کنید و زندگی ایده آل برای خود بسازید!! به احادیث فصل‌های بعد دقت نمائید.

1 - مالک ابن اشیم: از بعض رجالش: از ابي عبد الله عليه السلام روایت می‌کند فرمود: امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: تزوجوا سمراء عیناء عجزاء مربوعة فإن کرهتها فعلی مهرها. با بانوی گندمگون و فراخ چشم و باسن درشت و میان بالا: ازدواج کنید اگر خوشت نیامد مهرش به گردن من (من مهرش را می‌پردازم). «1»

2 - عبد الله بن المغيرة گفت: شنیدم ابي الحسن عليه السلام می‌فرمود: علیکم بدوات الأوراک، فإنهنّ أنجب. بر شما باد بانوان درشت اندام، آن‌ها دلچسب ترند (و نجیبان). «2»

3 - أحمد بن محمد بن عبد الله گفت: امام رضا عليه السلام به من فرمود: إذا نکحت فانکح عجزاء. زمانی که (خواستی) ازدواج کنی با زن کف پر گوشت (توپل موپل) ازدواج کن. «3»

4 - أمير المؤمنين عليه السلام فرمود: من أراد الباه فليتزوج امرأة قريبة من الأرض بعيدة ما بين المنكبين، سمراء اللون، فان لم يحظها فعلى مهرها هرکس اراده ازدواج نماید باخانم نزدیک به زمین (کوتاه قامت) و چهار شانه و گندمگون ازدواج کند اگر او را نپسندید مهریه اش به گردن من!!⁴

11 - ازدواج باخوشبویان

1 - أحمد بن أبي عبد الله: عن بعض أصحابنا قال: كان النبي صلى الله عليه وآله إذا أراد تزويج امرأة بعث من ينظر إليها و قال للمبعوث: شمي ليتها، فان طاب ليتها طاب عرفها، و انظري كعبها فإن درم كعبها عظم كعبها. اگر اراده ازدواج داشت زنی را می فرستاد تا زن مورد نظر را بررسی کند و می فرمود: پشت گردنش را بوکن اگر خوشبو باشد خودش نیز خوش بو است اگر بند یا غوزک پایش پر گوشت باشد خودش ... هم پرگوشت است.¹

12 - ازدواج با سفید اندام و ..

1 - بكر بن صالح: از بعض أصحابش: از أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: من سعادة الرجل أن يكشف الثوب عن امرأة بيضاء. از خوش بختی مرد است لباس زن سفید را کنار زند (یعنی با زن سفید اندام ازدواج نماید).²

2 - أبي أيوب الخراز (الخزاز) از أبي عبد الله عليه السلام قال: انى جرّبت جوارى بيضاء و ادماء فكان فيهن بون. بردگان سفید و سرخ گونه را تجربه نمودم، در آنها بود فاصله زیاد.³

3 - سکونی: از اَبی عبد اللہ عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: تزوجوا
الزَّرقَ فَإِنَّ فِيهِنَّ الْيُمْنَ (فِيهِنَّ يُمْنًا) فَإِنَّ لَهُنَّ الْبِرْكَةَ.
با زنان کبود چشم (زاغ چشم) ازدواج کنید در آنها یمن و برکت هست.⁴

13 - ازدواج با خنده رویان مو بلند!

1 - محمد بن ابی القاسم: از پدرش تا از ابی عبد الله (علیه السلام) فرمود: المرأة الجميلة تقطع البلغم، والمرأة السوداء تهيج المرة السوداء. زن زیبا بلغم را از بین می برد و زن سیاه صفراء سیاه را به هیجان می آورد. «1»

2 - محمد بن عبد الحمید: از بعض اصحابش از ابی عبد الله (علیه السلام) أنه شکا إليه البلغم فقال: أما لك جارة تضحك (تضحكك)؟ قال: قلت: لا، قال: فاتخذها فإن ذلك يقطع البلغم شكایت از بلغم کرد! فرمود: آیا برده (کنیز) خنده رو نداری (که ترا بخنداند)؟! گفتم:

نه، فرمود: خنده رو بگیر که بلغم را از میان بر می دارد. «2»

3 - محمد بن علی بن حسین (علیه السلام) فرمود: إذا أراد أحدكم أن يتزوج فليسال عن شعرها كما يسأل عن وجهها فإن الشعر أحد الجمالين. هر وقت کسی از شما خواست ازدواج کند از مویش پرس و جو نماید چون مو یکی از دو زیبایی است (صورت و مو). «3»

4 - عیون أخبار الرضا: از پدران بزرگوارش (علیهم السلام) گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

اطلبوا الخير عند حسان الوجوه، فإن فعالهم أحرى أن يكون حسنا. خیر (و برکت) را در زیبارویان بجوئید، چون رفتار آنها شایسته زیبا بودن است (و نیکو بودن را می طلبد). «4»

5 - إبراهيم بن عبد الحمید: از ابی الحسن اول (علیه السلام) فرمود: ثلاث يجليهن البصر: النظر إلى الخضرة، والنظر إلى الماء الجاري، والنظر إلى الوجه الحسن. سه چیز چشم را جلا دهد،

1 - به سبزه‌ها نگرستن،

2 - نگاه به آب روان،

3 - و تماشا به روی زیبا.^{«1»}

توجه: در بعضی از روایات از سیاه چردگان تعریف و در این فصل از زیبارویان تمجید شده است منظور این است که سیاه صورتان ولود از زیبارویان نازا مقدم‌تر است و همچنین سیاه دین مدار بر زیبای بی دین مزیت و برتری دارد

14 - ازدواج باخانم ولود

یکی از علت‌های مهم تشکیل خانواده و ازدواج، به وجود آوردن اولاد و سوت کور نبودن خانه هاست و اینکه بقای نسل و جانشین هر آدمی از همه چیز برایش مهم تر است؛

فراوان دیده‌ایم که اگر کسی مدتی بعد از ازدواج بفهمد، بچه دار نمی‌شود، خود را به هر دری می‌زند و حتی حاضر است از هستی‌اش، دست بردارد تا دارای فرزند و یادگاری از خود باشد؛

پس اولاد در زندگی حرف اول را می‌زند، بدینجهت است که در روایات و فرمایش بزرگان، سفارش فراوان شده است که با بانوی زاینده ازدواج شود و با بجا گذاشتن نشانه‌هایی از خود، به درود زندگی گفته و از این پُل عبور نماید.

1 - علاء بن رزین: از محمد بن مسلم: از ابی جعفر عَلَيْهِ السَّلَام گفت: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود تزوجوا بکراً ولوداً، ولا تزوجوا حسناء جميلة عاقراً، فإنی أباهی بکم الأمم يوم القيامة. با دختر باکره و زاینده ازدواج کنید و با زیبای نازا ازدواج نکنید من در قیامت با شما به امت‌ها مباحثات می‌کنم. ^{«2»}

2 - سلیمان بن جعفر الجعفری: از ابی الحسن الرضا عَلَيْهِ السَّلَام گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به مردی فرمود: تزوجها سوءاً ولوداً، ولا تزوجها جميلة حسناء عاقراً، فإنی مُباهٍ بکم الأمم يوم القيامة أما علمت ان الولدان تحت العرش يستغفرون لآبائهم يحضنهم إبراهيم، و تربیهم سارة فی جبل من مسک و عنبر و زعفران. با سیاهان زاینده وصلت کن و با نازاهای زیبا وصلت نما، من در قیامت به امت‌ها با شما افتخار می‌کنم، آیا

نمی‌دانی کودکان در زیر عرش برپدرانشان استغفار می‌کنند و ابراهیم علیه السلام آنها را سرپرستی می‌کند و سارا در کوهی از مشک و عنبر، تربیتشان می‌نماید؟! «1»

3 - إسماعیل بن عبد الخالق: از کسی که به او گفته است گفت: شکوت إلی أبی عبدالله علیه السلام قلة وُلدی، وأنه لا وُلدَ لی، فقال لی: إذا أتیت العراق فتزوج امرأة، ولا عليك أن تكون سوءاء قلت: جعلت فداک، و ما السوءاء؟ قال: امرأة فيها قبیح فإنهن أكثر أولاداً. به ابی عبدالله علیه السلام از کمی اولادم شکایت بردم و این که بچه ندارم، فرمود: وقتی که به عراق رفتی بازنی ازدواج کن (وسعی کن) سوءاً باشد، گفتم: فدایت شوم سوءاً چیست؟! فرمود: زنی که در او زشتی (و بدگلی باشد) چون آنها پراولادند. «2»

4 - امام صادق علیه السلام فرمود: اعلموا أنَّ السوءاء اذا كانت ولوداً أحبَّ الیَّ من الحسناء العاقر. بدانید (اگر زن بدگل و) زشت، زاینده باشد برای من محبوب‌تر از زیبایی نازاست. «3» به فصل‌های بعد دقت فرمایید

پرهیز از وصلت چه کسانی!

اشاره

در فصل‌های گذشته کراراً گفته‌ایم و در آینده نیز به مناسبت‌هایی خواهیم گفت، هنگام ازدواج و دختر دادن و زن گرفتن، باید خیلی هوشیار بود و دقت کافی به عمل آورد با چگونه شخصی زندگی خواهید کرد که بعدها گرفتار ندامت و پشیمانی نگردید

1 - عدم ازدواج باخانم نازا

در فصل قبل گفتیم: برقراری و پایداری نظام زندگی: با وجود اولاد و فرزند است:

خانه‌ای که صدای بچه‌ای (خواه گریه و خواه خنده‌اش) بلند نشود آن خانه سوت کور و خانه خاموش است، بدینجهت در روایات وارد، تأکید بر این است تا سرحد امکان با زن ولود ازدواج نمایند اگرچه بدگل و زشت رو باشد و از ازدواج با زن نازا بپرهیزند اگرچه خوشگل و زیبا باشد به دوفصل بعد توجه نمایید.

1 - عبد الله بن سنان: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا نبي الله إن لي ابنة عم لي قد رضيتُ جمالها وحسنها ودينها ولكنّها عاقرة؟ فقال: لا تزوّجها إن يوسف بن يعقوب لقي أخاه فقال: يا أخي كيف استطعت أن تزوّج النساء بعدى؟! فقال: إن أبي أمرني فقال: إن استطعت أن تكون لك ذرية تثقل الأرض بالتسييح فافعل، قال:

و جاء رجل من الغد إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال له مثل ذلك فقال له: تزوج سوءاء ولودا، فإنني مكاثركم الأمم يوم القيامة. قال: فقلت لأبي عبد الله عليه السلام ما السوءاء؟ قال: القبيحة. مردی پیش رسول خدا صلى الله عليه وآله آمد و گفت: ای پیغمبر خدا من دختر عمویی دارم دارای مال و جمال و دین است اما نازا است (می‌خواهم با او ازدواج کنم؟) فرمود: با او ازدواج نکن چون یوسف بن یعقوب برادرش (بنیامین را) ملاقات کرد و گفت: چگونه دلت خواست بعد از من ازدواج کنی (و

مشغول عیش و لذت شوی؟! گفت: پدرم مرا امر کرد و فرمود: اگر می‌توانی در روی زمین ذریه‌ای داشته باشی که تسبیح خدا گوید، این کار را بکن؛ فردای آن روز نیز مردی آمد و همان را گفت، و به او نیز فرمود: زن ولود (وزاینده) بگیر من در قیامت با شما به امت‌ها مباحث می‌کنم، من از ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم «سواء» چیست؟ فرمود: زشت (یعنی با زن زاینده اگرچه زشت هم باشد ازدواج کنید و از زن نازای زیبا بپرهیزید).¹

2 - خالد بن نجیح: از ابی عبد الله علیه السلام قال: تذاکروا الشؤم عند ابی علیه السلام فقال: الشؤم فی ثلاث فی المرأة والدابة و الدار، فأما شؤم المرأة فکثرة مهرها، و عقم رحمها. در باره شومی‌ها نزد امام صادق علیه السلام گفتگو شد فرمود: شومی در سه چیز است در زن و مرکب و خانه، اما شومی زن، زیادی مهر او و نازائی رَحِم اوست. تا آخر روایت.²

3 - محمد بن علی بن حسین گفت: امام علیه السلام فرمود: اعلموا أن السوداء إذا كانت ولوداً أحب إليّ من الحسناء العاقر. بدانید اگر زن سیاه زاینده باشد برای من دوست داشتنی‌تر از زن زیبای نازاست.¹

2 - عدم ازدواج باخانم پیر

- 1 - محمد بن علی بن حسین گفت: امام صادق ع فرمود: ثلاثة يهدمن البدن و ربما قتلن: و نکاح العجائز. سه چیز بدن را به ویرانی (وتباهی و نابودی) می‌کشد و ای بسا می‌کُشد ... و ازدواج با زن پیر. ^{«2»}
- 2 - أحمد بن أبي عبد الله البرقي در کتاب (المحاسن) گفت: از ابی عبد الله ع روایت شده است فرمود: ثلاثة يهزلن البدن و ربما قتلن إلى أن قال: و نکاح العجائز سه چیز بدن را لاغر (وناتوان) می‌کند و ای بسا به کام مرگ می‌برد تا اینکه گفت: و ازدواج با زنان پیر. ^{«3»}

3 - بدترین بانوان

در فصل (بهترین زنان) روایاتی گذشت و گفتارهایی سپری شد، حالا نوبت دانستن بدترین زنان و نشانه‌های آنهاست توجه فرمائید.

1 - مسعدة بن زیاد: از جعفر بن محمد از پدرش عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: النساء أربعة أصناف: فمنهن ربيعٌ مُرْبِعٌ، و منهن جامعٌ مُجْمَعٌ، و منهن كَرَبٌ مُقْمَعٌ و منهن غلٌّ قَمَلٌ. زنها چهار صنف اند؛

الف - زنی که هر وقت به او نگاه کنی شادت نماید و اگر چیزی به او دهی (کم یا زیاد باجان و دل) می‌پذیرد، (و مانند بهار، بهار آفرین و زندگی را همیشه بهار می‌کند)؛

ب - گرد آورنده و به دور خود جمع کننده و با برکت باشد (و اعضای خانواده را زیر بال و پر خود می‌گیرد)؛

ج - گرفتاری آور و ریشه برانداز باشد (همه را از دور خود فراری داده و زندگی را از هم می‌پاشد)؛

د - مانند کنه و شپش به بدن می‌چسبد (و آدمی را مثل خوره می‌خورد و از پا در آورده و فاتحه خوشی و کامیابی را می‌خواند).¹

2 - ابي حمزة: از جابر بن عبد الله گفت: شنيدم رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: ألا اخبركم بشرار نساءكم؟ الذليلة في أهلها، العزيزة مع بعلمها، العقيم الحقود التي لا تتورع من قبيح، المتبرجة اذا غاب عنها بعلمها، الحصان معه ذا حضر، لا تسمع قوله، و لا تطيع أمره، و إذا خلا بها تمنعت منه كما تمنع الصعبة عند ركوبها، و لا تقبل منه عذراً و لا تغفر له ذنباً آیا به شما خبر ندهم بدترین زنانتان را؟!

- 1 - (زنی که) در میان خانواده‌اش ذلیل است و (در خانه) با شوهر عزیز (و فخر) فروش؛
- 2 - نازا و کینه توزی که از زشتی‌ها نپرهیزد؛
- 3 - در زمان غیبت شوهرش (آرایش کرده و پرده دری نموده و) خود را در دید (مردم) قرار دهد، و در حضور شوهرش با حجاب جلوه کند؛
- 4 - حرف شنو نباشد و از او فرمان نبرد؛
- 5 - در خلوتگاه مانند مرکب چموش، (از نزدیکی شوهر) ممانعت نماید و هیچ عذری را از او نپذیرد (و از خطایش در نگذرد).^{«2»}
- 3 - سکونی: از ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: کان من دعاء رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : أعوذ بك من امرأة تشبيني قبل مشيبي. از دعاهای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود خدایا به تو پناه می‌برم از (شرّ) زنی که مرا پیش از رسیدن زمان پیری، پیرم کند (و پیری زود رس برای من تحمیل نماید و به ارمغان آورد).^{«1»}
- 4 - عبد الله بن سنان گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: شرار نساءكم المقفرة الدنسة اللجوجة العاصية، الذليلة في قومها، العزيزة في نفسها، الحصان على زوجها، الهلوك على غيره. بدترین زنان، شما بایر (و خشک و بی بهره) و آلوده و لجباز و عصیانگر است که در فامیل خود ذلیل و در خودپسندی عزیز باشد، و بر شوهرش، خود نگهدار و بر دیگران نرم (و زود تسلیم شونده شود!).^{«2»}
- 5 - اصبع بن نباتة گوید: از امیر مؤمنان (عَلَيْهِ السَّلَام) شنیدم می فرمود: يظهر في آخر الزمان واقتراب الساعة و هو شرّ الأزمنة، نسوة كاشفات عاريات متبرجات من الدين خارجات في الفتن داخلات مائلات إلى الشهوات، مسرعات إلى اللذات، مستحلات المحرمات، في جهنم خالدات در آخر الزمان

و نزدیک قیامت که بدترین زمان هاست، ظاهر می شود زنان مکشفه و لخت و خود نشان دهنده، از دین بیرون رونده و بر فتنه‌ها داخل شونده، میل کننده به شهوترانی و سرعت گیرنده بر لذتهای (حرام) حرام‌ها را حلال و (نهایت این اعمال) در جهنم همیشه سوزان خواهند بود! «3»

6 - ابی حمزه ثمالی، از ابی جعفر علیه السلام فرمود: کان فی بنی اسرائیل رجل عاقل کثیر المال، وکان له ابن یشبهه فی السمائل من زوجة عقیفة، وکان له ابنان من زوجة غیر عقیفة فلما حضرته الوفاة قال لهم: هذا مالی لواحد منکم، فلما تُوفیَ قال الکبیر أنا ذلک الواحد، وقال الأوسط: أنا ذلک، وقال الأصغر: أنا ذلک، در بنی اسرائیل مرد خردمند و پولداری بود و او از زن پاکدامن پسری داشت که شبیه خودش بود و دو پسر از زن ناپاک داشت!

هنگامی که مرگش فرا رسید به آنها گفت: این مال من متعلق به یکی از شماهاست، وقتی که وفات کرد برادر بزرگ گفت: آن یکی منم و برادر وسطی گفت: منم و کوچک هم گفت: منم؛

فاختصموا إلی قاضیهم قال: لیس عندی فی أمرکم شیء انطلقوا إلی بنی غنام الإخوة الثلاث فانتھوا إلی واحد منهم فرأوا شیخاً کبیراً فقال لهم: ادخلوا إلی أخی فلان فهو أكبر منی فأسألوه، فدخلوا علیه فخرج شیخ کهل فقال: سلوا أخی الأكبر منی، فدخلوا علی الثالث فإذا هو فی المنظر أصغر فسألوه أولاً عن حالهم ثمّ مبیناً (لهم) فقال: أما أخی الذی رأیتموه أولاً هو الأصغر وإنّ له امرأة سوء تسوؤه وقد صبر علیها مخافة أن یتلی ببلاء لا صبر له علیه فهرمته، و أما الثانی أخی فانّ عنده زوجة تسوؤه و تسرهّ فهو متماسک الشباب، و أما أنا فزوجتی تسرنی ولا تسوؤنی لم یلزمی منها مکروه قط منذ صحبتنی فشبابی معها متماسک،

پس پیش قاضی برای مرافعه رفتند، او گفت: در این باره من چیزی ندارم بگویم بروید در (طایفه) بنی اغنام پیش سه برادر (معروف)، پیش یکی رفتند دیدند پیرمرد بزرگسالی است (قضیه را گفتند) گفت: بروید پیش برادر بزرگم فلانی از او سوال کنید، رفتند پیش او دیدند مرد میانسالی بیرون آمد و گفت: بروید پیش برادر بزرگتر از من، رفتند پیش او دیدند از همه کوچکتر به نظر می آید (تعجب کردند و) اول از حال خود آنها پرسیدند که این قضیه چگونه است؟! سپس جریان خود را بیان نمودند؛

گفت: اما برادری که اول دیدید درست است او برادر کوچک ماست اما چون زن بدی دارد که با او بدرفتاری می کند و او تحملش می نماید که مبادا به بلای بدتر از او گرفتار آید که غیر قابل تحمل باشد و او را پیرنموده (و به آن روز انداخته که دیدید)!

و برادر دومی زنی دارد که او را غمگین و خوشحال می نماید که (متعادل مانده است) ولی من زنی دارم که هیچ وقت مرا اذیت نمی کند و شاد نگه میدارد و از روزی که ازدواج کردیم، او مرا آسیبی نرسانده است و جوانی ام به خاطر او سالم مانده است!.

وَأَمَّا حَدِيثُكَ الَّذِي هُوَ حَدِيثٌ، أَيْكُمْ انْطَلِقُوا أَوْلًا وَبَعَثُوا قَبْرَهُ وَاسْتَخْرِجُوا عِظَامَهُ وَأَحْرِقُوهَا ثُمَّ عَوِدُوا لِأَقْضَى بَيْنَكُمْ. فَانْصَرَفُوا فَأَخَذَ الصَّبِي سَيْفَ أَبِيهِ وَأَخَذَ الْإِخْوَانُ الْمَعَاوِلَ فَلَمَّا أَنْ هَمَّ بِذَلِكَ قَالَ لَهُمُ الصَّغِيرُ: لَا تَبْعَثُوا قَبْرَ أَبِي وَأَنَا أَدْعُ لَكُمْ حَصَّتِي فَانْصَرَفُوا إِلَى الْقَاضِي فَقَالَ:

يَقْنَعُكُمْ هَذَا، ائْتُونِي بِالْمَالِ فَقَالَ لِلصَّغِيرِ: خذِ الْمَالَ، فَلَوْ كَانَ ابْنِيهِ لَدْخَلَهُمَا مِنْ الرِّقَّةِ كَمَا دَخَلَ عَلَى الصَّغِيرِ.

واما سرگذشت شما با پدرتان، بروید اول قبر او را بشکافید و استخوان هایش را در آورده و بسوزانید و برگردید تا در میان شما قضاوت نمایم؛ برگشتند و برادر کوچک شمشیر پدر را برداشت و آن دو برادر کلنگ برداشتند تا قبر را بشکافند، برادر کوچک گفت: قبر پدرم را نشکافید و من حق (ارث پدرم را) به شما واگذار نمودم،

به سوی قاضی برگشتند و جریان را گفتند: قاضی دستور داد مال پدر را بیاورید این قصه برای بیان حکم کافی است! به برادر کوچک گفت: مال برای توست زیرا اگر آنها هم فرزندان او بودند، مانند کوچک تر دلشان می سوخت.

«1»

8 - و فرمود ﷺ : شرّ الأشياء المرأة السوء بدترین چیزها زن بد است! «2»

9 - از ابی عبدالله ﷺ فرمود: لو لا النساء لعبد الله حقاً حقاً. اگر زنها (ی

بد و منحرف) نبود، خداوند به حق پرستیده می شد. «3»

4 - خطرناک‌ترین دشمن

خدا نکند که همسر آدم دشمنش باشد چون دشمنی که شب و روز در کنارت باشد و با هم زندگی بکند، به مراتب خطرناک‌تر از دشمنی است که دور از تو زندگی نماید زیرا از دوّمی همیشه در حذری و هوشیار، اگر در دور و برت دیده شود، برای دفاع از خود آماده‌ای، اما اوّلی، چون در نهان و آشکار و وقت و بی وقت، با او در افت و خیزی، هر گاه بر علیه تو، تصمیم بد بگیرد، می‌تواند در اسرع وقت، اجراء نماید، بدینجهت است که در صورت اختلاف عمیق میان زن و شوهر، زن برای شوهرش بدترین و غالب‌ترین دشمن به حساب می‌آید.

خداوند متعال می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوا هُمُومًا تَعَفُّوا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسرانتان و فرزندانان دشمنان شما هستند از آنها برحذر باشید؛ و اگر عفو کنید و چشم بپوشید و ببخشید (خدا شما را می‌بخشد) چرا که خداوند بخشنده و مهربان است. ^{«1»}

1 - رسول خدا ﷺ فرمود: أغلب أعداء المؤمنين زوجة السوء.

پیروزترین دشمن مؤمنان همسر بد است! ^{«2»}

2 - عبد الله بن سنان: از أبي عبد الله عليه السلام فرمود: أغلب الأعداء للمؤمن

زوجة السوء. غالب ترین دشمن‌ها برای مؤمن، همسر بد است. ^{«3»}

5 - بهترین و بدترین مردان!

میان بانوان و آقایان، هم خوبانی وجود دارد و هم بدانی، پیامبر

برای شناختن آنها فرمایشاتی دارد! ﷺ

رسول خدا ﷺ در ضمن حدیثی فرمود: ألا اخبرکم بخیار رجالکم؟ قلنا: بلی یا رسول الله، قال: إن من خیر رجالکم التقی النقی السّمع الکفّین السّلیم الطّرفین، البرّ بوالدیه، ولا یلجئ عیاله إلى غیره، ثم قال: ألا اخبرکم بشر رجالکم؟ فقلنا: بلی فقال: إن من شرّ رجالکم البهات البخیل الفاحش، الآکل وحده، المانع رفده، الضارب أهله و عبده، الملجئ عیاله إلى غیره، العاق بوالدیه. آیا به شما خبر دهم از (صفات) بهترین مردانتان؟! گفتیم: بلی ای رسول خدا ﷺ، فرمود: بهترین مردان شما، پرهیزکار و صاف و دست باز و هردو طرف سالم الوجود به والدین نیکوکار باشد، و عیال خود را به پناه دیگران وادار نسازد (و زیر دست قرار ندهد)؛

سپس فرمود: آیا به بدترین مردانتان خبر ندهم؟ گفتیم: بلی ای رسول خدا ﷺ، فرمود:

از بدترین مردان شما، افترا گوینده و بخیل و دریده و تنها خورنده و مانع شونده از خیرش (خیرش به کسی نرسد) و (کتک) زننده به زن و خدمتکارش باشد و عیال (و زیر دستان خود را) به دیگران بسپارد.¹

6 - کراهت ازدواج فامیلی!

در رابطه با ازدواج فامیلی، روایات دوگونه آمده است،

1 - مستحب است و خوب،

محمد بن علی بن حسین گفت: علی بن حسین سید العابدین علیه السلام فرمود: من تزوج الله و لصلة الرحم توجه الله بتاج الملك (والكرامة). هرکس به خاطر خدا و به احترام رَحِم (و خویشاوندی) ازدواج کند، خداوند با تاج ملک و کرامت او را تاجدار می‌نماید. ²

2 - مکروه است و ممنوع،

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لا تنكحوا القرابة القريبة فان الولد يخرج ضاویاً ای نحیفاً. با نزدیکترین نزدیکان ازدواج نکنید زیرا بچه ضعیف و ناتوان به دنیا می‌آید. ³

مضمون دو روایت بالا، هر کدام به یک بُعد زندگی نظارت دارد!

اولی: برای استحکام بخشیدن به زندگی فامیلی و اقربائی، و جلوگیری از گسستن زنجیر ایل و تباری و پاره شدن شیرازه عواطف خانوادگی می‌باشد. دومی: برای رعایت مسائل ژنتیکی و پزشکی، و پیشگیری از پیامدهای ناگوار بعدی می‌باشد که نهایتاً به طلاق منجر می‌شود! زیرا آزمایشهای علمی و تجربه‌های اجتماعی، ثابت کرده است که ازدواج فامیلی در برخی از موارد، به معلول و ناقص به وجود آمدن بچه و کند ذهنی او منتهی می‌شود که در نتیجه هم والدین تا پایان عمر، گرفتار ناراحتی‌های گوناگون و هم جامعه پذیرای یک فرد معلول جامعه خواهد بود!!

راه حل: برای اینکه ازدواج کنندگان، از این معضل رهائی یابند، پیشرفت علم و آزمایشات کنونی مسئله را حل نموده است؛ کسانی که دوست دارند با افراد فامیل پیوند بخورند، می توانند بدون دردسر، پیش از همه اقدامات، آزمایشات لازم را انجام داده و با خیال راحت به استقبال زندگی بروند، تا بعداً ندامت و پشیمانی بیار نیاید.

پس اگر این مسأله از مسیر آزمایش حل شود کراهت این گونه ازدواج‌ها نیز برداشته می‌شود

7 - ندادن دختر به شرابخوار

بر هر مسلمانی لازم است به دستورات دینش پایبند و عمل کننده باشد، برای حفظ و دفاع از دینش، کمی غیرت و تعصب دینی داشته باشد، پس اگر کسی از دختر او خواستگاری کرد اما پای بند دیانت و اسلامیت نباشد، با ملاحظه جهاتی نباید به او جواب مثبت دهد!، زیرا هم از جهت این که از نظر دینی در ردیف هم نیستند، و هم برابر روایات وارده، با دختر او هم کفو و هم طراز نیست و در آینده پیامدهای ناگوار بی شمار خواهد داشت، چون یک فرد مست و لایعقل، با کلید شراب خواریش درهای فسادها و شرها را بروی خود و خانواده‌اش باز نموده و با ناملایمات زندگی اش، دایم آنها را ضجر خواهد داد! و دهها مسایل و گرفتاری‌های پیش بینی نشده دیگر که، با در نظر گرفتن این معایب، یک شخص مسلمان چگونه می‌تواند با یک فرد شراب خوار دور از دین و از خدا بی‌خبر، وصلت نماید.

1 - أحمد بن محمد تا از أبو عبد الله عليه السلام فرمود: من زوج کریمته من شارب خمر فقد قطع رحمها. هرکس دخترش را به شراب خوار تزویج کند (درباره او) قطع رَحِم کرده است.» 2 - ابن ابی عمیر: از بعض اصحابش: از ابی عبد الله عليه السلام گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: شارب الخمر لا يُزوّجُ إذا خَطَبَ ولا یشفعُ اذا شفع و لا یصدقُ اذا حدّث و لا یعاد اذا مرض و لا یشهد جنازة و لا یؤتمن علی أمانة. شرابخوار تزویج کرده نمی‌شود وقتی که خواستگاری نمود (یعنی اگر شارب الخمر برای خواستگاری آید به او دختر ندهید) و وساطت او پذیرفته نشود و اگر سخنی گفت تصدیق نشود و به تشییع جنازه‌ای نرود و به امانتی امین نگردد. ^{«1»}

3 - از ابی الرّبیع از امام صادق عاشق رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من شرب الخمر بعد ما حرّمها الله علی لسانی، فلیس بأهل أن یزوّج اذا خطب و لایشفع اذا شفّع، ولا یصدق اذا حدّث و لا عاد اذا مرض و لایشهد جنازة و لا یؤتمن علی أمانة. هرکس شراب بخورد بعد از آنکه خداوند با زبان من حرام کرده است، پس اهلیت (و شایستگی)، ندارد زمانی که خواستگاری نمود، به او دختر دهند، شفاعتش را قبول نکنند و گفتارش تصدیق نشود و مریض شد عیادت نشود و به تشییع جنازه‌ای حاضر نباشد و به امانتی امین نگردد تا آخر حدیث.²

8 - به بد اخلاقان دختر ندهید

اخلاق یکی از مسایل مهم کلیدی و تعیین کننده دوران زندگی است، اگر در گذران زندگی، هر دو زوج دارای خلق و خوی پسندیده باشند، آن زندگی برایشان، شیرین و گوارا خواهد بود، و اگر یکی یا هر دوی آنها دارای اخلاق بد و سیرت ناپسند باشد، صورت زندگی برایشان زشت و معنا و مفهومی نخواهد داشت، حالا فکر کنید کدام یک از این دو حالت برایتان ایده آل و رضایت بخش است.

1 - حسین بن بشار واسطی گفت: به ابی الحسن امام رضا علیه السلام نوشتم: انّ لی قرابة قد خطب الیّ (ابنتی) وفی خلقه سوء، قال: لا تزوجه ان کان سیئ الخلق. بدرستی که یکی از نزدیکانم دخترم را خواستگاری نموده است اما بد اخلاق است! فرمود: اگر بد اخلاق است، به او دختر نده. ³

9 - بابانوان کم فهم ازدواج نکنید!!

در فصل‌های مختلف این کتاب کراراً از نظر عزیزان گذشته است که برای زندگی مادام‌العمر خود و برای فرزندان آینده، همسر شایسته و فهمیده و شادی آفرین انتخاب نماید که موجب ندامت و پشیمانی نشود؛
ومی دانیم که ازدواج با بانوی کم فهم و ناهمت عادل اخلاقی و رفتاری، از مصداق بارز ندامت در آینده خواهد بود.

1 - سکونی، از ابی عبد الله (عَلَيْهِ السَّلَام) گفت: أمير مؤمنان (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: ای‌اکم وتزویج الحمقاء فإن صحبتها بلاء، وولدها ضیاع.
مبادا با زنان نادان ازدواج نمایید زیرا همنشینی او بلا و فرزندانش ضایع خواهند شد! «1»

2 - رسول خدا ﷺ فرمود: ای‌اکم وتزویج الحمقاء فان صحبتها ضیاع وولدها ضیاع.
مبادا با زن کودن ازدواج کنید همانا همنشینی او ضایع کننده و فرزندانش کفتار صفت می شوند. «2»

10 - کراهِت از دواج با خانم دیوانه!

10 - کراهِت از دواج با خانم دیوانه! محمد بن مسلم، از اَبی جعفر عَلَيْهِ السَّلَام گفت:
بعضی اصحاب ما از او سؤال نمود: از الرَّجُل المسلم تعجبه المرأة الحسنة
أیصلح له أن يتزوجها وهي مجنونة؟ قال: لا ولكن إن كانت عنده أمة مجنونة فلا
بأس بأن يطأها ولا يطلب ولدها. مرد مسلمانی که زن زیبا (ی دیوانه) او را
جلب توجه (و شگفت زده) کرده است آیا مصلحت است با او ازدواج نماید؟!
فرمود: نه ولی اگر پیش او برده (زرخرید و) دیوانه باشد می تواند با او هم بستر
شود اما فرزند نیاورند.³

11 - فریب مال و جمال را نخور!

11 - فریب مال و جمال را نخور! گروهی از انسان هاگمان می‌کنند زیبایی زن، یا مال و منال او و دارائی و شخصیت پدرش، خوشبختی و سعادت می‌آورد اگر با چنین زن یا دختری ازدواج کند، زندگی بی دغدغه و بی دردسری را، برای او به ارمغان خواهد آورد! اما تجربه و دقت در گذران جوامع و زیر نظر گرفتن این نوع خانواده‌ها، خلاف این را ثابت کرده است و دقیقاً نشان داده است که «ای بی خبران راه نه آنست و نه این» بلکه سعادت در جای دیگریست! (به روایات ذیل توجه نمائید).

1 - ابن ابی عمیر: از هشام بن حکم: از ابی عبد الله عليه السلام قال: إذا تزوج الرجل المرأة لجمالها أو لمالها وكل إلى ذلك، وإذا تزوجها لدينها رزقه الله المال والجمال. زمانی که مرد زنی را به خاطر زیبایی و دارائی اش بگیرد، به آن (مال و جمال) سپرده شود، (خیری نمی‌بیند) اما اگر برای دینداری اش ازدواج نماید، خداوند به او مال و جمال می‌دهد (در نظر او از همه زیباتر و داراتر جلوه گر شود).^{«1»}

2 - ورام بن ابی فراس در کتابش گوید: امام عليه السلام فرمود: من تزوج امرأة لجمالها جعل الله جمالها وبالاً عليه. هرکس با زنی به خاطر جمالش ازدواج کند، خداوند جمال او را برایش وبال (و مایه گرفتاری) قرار دهد.^{«2»}

3 - در (عقاب الأعمال): از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم نقل کرده است، فرمود: من نکح امرأة حلالاً بمال حلال غير أنه أراد بها (به) فخراً ورياءً (وسمعة) لم يزده الله بذلك إلا ذلاً و هواناً، و أقامه (الله) بقدر ما استمتع منها على شفير جهنم، ثم يهوى به فيها سبعين خريفاً. هرکس با زنی از طریق حلال و بامال حلال ازدواج

کند (ولی از این ازدواج) جز خودنمائی و فخر فروشی اراده نکند، در این ازدواج نمی‌بیند مگر ذلت و خواری و خداوند به اندازه‌ای که از او بهره برده در کنار جهنم بازداشت می‌کند و سپس هفتاد خریف (سالیان دراز) سرازیر (و معذب) می‌شود. «1»

4 - محمد بن مسلم گفت: أبو جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: أتى رجل النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يستأمره فی النکاح، فقال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: انکح و علیک بذات الدین تَرَبَّتْ یداک. مردی با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کار ازدواج مشورت کرد؟ فرمود: ازدواج کن و برتوباد صاحبان دین، دستانت خاک آلود شود (و خیر بشمار بینی). «2»

5 - إسحاق بن عمار گفت: شنیدم أبا عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرمود: من تزوج امرأة یرید مالها ألجأه الله إلى ذلک المال. هر کس با زنی به خاطر مالش ازدواج کند خداوند او را به آن مال واگذارد. «3»

6 - برید العجلی: از ابی جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: من تزوج امرأة لا یتزوجها إلا لجمالها لم یر فیها ما یحب، و من تزوجها لمالها لا یتزوجها إلا له وکله الله إلیه، فعلیکم بذات الدین. هر کس با زنی به خاطر زیبایی ازدواج نماید، در او آنچه دوست دارد نمی‌بیند و اگر به خاطر مالش ازدواج کند، به آن واگذار شود، بر شما باد صاحبان دین (بازن دین مدار وصلت کنید). «4»

7 - مروان بن مسلم: از برید: از ابی جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: جابر بن عبد الله به من حدیث کرد همانا بیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: من تزوج امرأة لمالها وکله الله إلیه، و من تزوجها لجمالها رأی فیها ما یکره، و من تزوجها لدینها جمع الله له ذلک. هر کس با زنی به خاطر مالش ازدواج کند: خداوند به آن واگذارد و اگر به

جمالش ازدواج نماید از جمال او آنچه که برایش ناخوشایند است، را می بیند و هر کس به خاطر دینش ازدواج کند خداوند مال و جمال را برایش جمع می کند.

«5»

8 - محمد بن حسین الرضی در کتاب (المجازات النبویة) گوید: و فرمود

عَلَيْهَا : تنكح المرأة لميسمها. زن به خاطر شخصیتش نکاح می شود.¹

12 - سبک کردن مهریه و ..

12 - سبک کردن مهریه و .. سبک کردن مهر یکی از سفارشات بزرگان اسلام و از صفات ممدوح در نظر شرع مقدس و عکس آن مورد ذمّ و توبیخ قرار گرفته است، زیرا کسی که تصمیم برای ادامه زندگی تا پایان عمر را دارد و بنا به مثل مشهور (با لباس سفیدعروسی به خانه شوهر می‌آید و با لباس سفید جدائی ابدی کفن از آن خانه بیرون می‌رود)، هیچ وقت در صدد کالا قرار دادن و مانند برده‌ها، به فروش رساندن خود را ندارد؛

با تجربه هم ثابت شده است، زنی که مهریه سنگین دارد همیشه با شوهر بگو و مگو دارد و زن با اتکاء به مهریه‌اش هیچ وقت کم نمی‌آورد و گردن خود را یک وجب بالاتر از مرد فرض می‌کند و در نهایت اکثراً به جدائی منتهی می‌شود، برعکس اگر مهر سبک باشد زن خود را در برابر بهاء قرار نمی‌دهد و به خوشی و ناخوشی زندگی خود متحمل شده و در کوران‌ها و خطرات زندگی، چتر نجات خود و فرزندان خود می‌شود، پس مهر کمتر برای زندگی آرامش بخش و از همه خیال بافی‌ها بهتر است (لطفاً به فصل‌های بعدی توجه نمایید).

1 - محمد بن مسلم: (عبدالله بن میمون) از ابي عبد الله عليه السلام (از رسول خدا صلى الله عليه وآله) فرمود: الشوم في ثلاثة اشياء في الدابة والمرأة والدار، فأما المرأة فشومها غلاء مهرها و عسر ولدها (ولادتها)، و أما الدابة فشومها كثرة عللها وسوء خلقها، وأما الدار فشومها ضيقها و خبث جيرانها.

شومی (زندگی) در سه چیز است، در زن و چهار پا و خانه است!، اما شومی زن در زیادی مهرش است، و شومی چهارپا در زیادی بیماری و بد خلقی آن است، و اما شومی خانه در تنگی و همسایه بد آن می‌باشد. «2»

2 - سکونی: از ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (خیر نسائکم) أفضل نساء امتی أصبحهن (أحسنهن) وجهاً وأقلهن مهراً بهترین زنان امت من، زیبارویان و کم مهرا ن آنها است. «1»

3 - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: من بركة المراءة خفة مؤنتها و تیسیر ولادتها و من شؤمها شدة مؤنتها و تعسیر (تعسر) ولادتها. از برکت زن سبکی مخارج و آسان زائی اوست و از شومی اش سختی (و زیادی) خرج و سخت زائی اوست. «2»

4 - شیخ صدوق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرمود: وروی آن من بركة المرأة قلة مهرها، و من شؤمها كثرة مهرها و روایت شده است از برکت زن کمی مهر و شومی او در زیادی مهر اوست «3»

5 - عمر بن یزید گوید: به ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: أخبرنی عمّن تزوج علی أكثر من مهر السنة أيجوز له ذلك؟ قال: إذا مهر السنة فليس هذا مهراً إنما هو نحل لأن الله يقول: (فإن آتیتهم إحدیهن قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً) (إنما عنی النحل ولم یعن المهر، ألا ترى أنه إذا أمهرها ثم اختلعت كان لها أن تأخذ المهر كاملاً فما زاد علی المهر السنة فأنما هو نحل كما أخبرتك فمن ثمّ وجب لها مهر نسائها لعلّة من العلل قلت: كيف يعطى وكم مهر نسائها؟

قال: إن مهر (المؤمنات) خمسمائة و هو مهر السنة وقد يكون أقل من خمسمائة ولا يكون أكثر من ذلك، و من كان مهرها و مهر نسائها أقل من خمسمائة أعطى ذلك الشيء و من فخر و بذح بالمهر فإزداد علی خمسمائة ثم وجب لها مهر نسائها في علة من العلل لم يزد علی مهر السنة خمسمائة درهم.

به من خبر بده از (حکم) کسی که با بیش از مهر سنت (یا زنی) ازدواج نموده است، آیا این جایز است؟! فرمود: اگر (بیش از مهر سنت) مهر قرار داده آن مهر نیست بلکه «نحل» است، زیرا خداوند می فرماید: «اگر به یکی از زنها، قنطار

(یعنی حتی به مقدار پر از پوست گاو، زر دادید) پس چیزی از آن را نگیرید» منظور از آن نحل است نه مهر، آیا نمی‌بینی وقتی بیش از مهر (سنت) را، مهر قرار داد و سپس (طلاق) خلعی گرفت، حق زن است که همه آن را بگیرد؛ پس (دانستی که) بیش از مهر السنّة نحل است آن طور که به تو خبر دادم (نه مهر)، بدینجهت است که در بعض موارد به میزان مهر اقوام زن، برایش مهر تعلق می‌گیرد (مثلاً اگر به دختری تجاوز نماید و ازاله بکارت کند، برایش مهر مثل واجب می‌شود)؛

گفتم: اندازه مهر زنان فامیل چه قدر است؟ فرمود: مهر زنان مؤمن پانصد درهم است و آن مهر سنت است و گاهی از مهر سنت کمتر شود و بیشتر نمی‌شود و اگر کمتر شد همان را می‌گیرند و هر که افتخاراً زیاده روی نماید و بیش از مهر پانصد درهم قرار دهد و به خاطر علتی مهر مثل برایش واجب شد همان پانصد درهم مهر سنت خواهد بود. «1

13 - ثواب بخشیدن مهر!

13 - ثواب بخشیدن مهر! بعضی از بانوان دوست دارند مهریه خود را به شوهرانشان ببخشند و گذشت کنند، آیا برای این کار آنها از سوی خداوند پاداشی مترتب است یا از جیبشان رفته است؟
مطالب ذیل را با دقت بخوانید.

«و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنَصَفْ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بَيْنَهُمَا عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَ لَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».

واگر زنان را، پیش از آنکه با آنها تماس بگیرید (و آمیزش جنسی کنید) طلاق دهید، درحالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید نصف مهر را به آنها بدهید مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند (یا در صورتی که آنها صغیر و سفیه باشند، ولی آنها یعنی) آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آنها) به پرهیزکاری نزدیک تر است و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست. ²»

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدرانش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ آمده است که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: ما من امرأة

تصدقت علی زوجها بمهرها قبل أن يدخل بها إلا كتب الله لها بكل دينار عتق رقبة، قيل: يا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فكيف الهبة بعد الدخول؟ قال: إنما ذلك من المودة والإلفة.

نیست زنی که قبل از همبستر شدن شوهرش، مهرش را به او ببخشد، مگر اینکه خداوند در برابر هر دینار آن ثواب یک برده آزاد کردن را به او می نویسد، گفته شد ای رسول خدا اگر بخشیدن بعد از دخول باشد چه می شود؟! فرمود: این کار از روی محبت و علاقه است.¹

14 - گناه ندادن مهر!

14 - گناه ندادن مهر! کسانی هستند که مهر را بیش از اندازه تعیین کرده و به ذمه می گیرند و اگر کسی هم اعتراض نمایند، پاسخ می دهند، ای بابا مهریه را که داده و که گرفته است! معلوم می شود این آقا از اول در صدد ندادن مهریه و دینی است که به گردن گرفته است، آیا حکم همچون اشخاصی چگونه خواهد شد.

(... وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ) «2».

وآنان (زنان) را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را که به آنها داده‌اید (از مهر) تملک کنید (تا آخر آیه).

1 - در خبر المناهی، از پیامبر ﷺ آمده است فرمود من ظلم امرأة مهرها فهو عند الله زان يقول الله عز وجل يوم القيامة: عبدی زوجتک أمتی علی عهدی فلم توف بعهدی و ظلمت أمتی فیؤخذ من حسناته فیدفع إلیها بقدر حقها فإذا لم تبق له حسنة أمر به إلی النار بنکته للعهد، «إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا». هر کس در باره مهر به زنی ستم کند، این شخص پیش خداوند زنا کار (به حساب) آید، خدای عزوجل روز قیامت می فرماید: بنده من، کنیز خودم را با دستور خودم، به تو تزویج نمودم، به عهد من وفا نکردی و به کنیزم ستم نمودی، پس به اندازه حقش از اعمال حسنه او گرفته و به او داده می شود، اگر از حسناتش چیزی نماند، دستور داده شود به خاطر شکستن عهدهش به آتش جهنم ببرند زیرا عهد از کارهای مورد سؤال شونده هاست. «3»

2 - إسماعیل بن کثیر گفت: أبو عبد الله ﷺ فرمود: السَّرَاقُ ثَلَاثَةٌ: مانع

الزكاة و مستحلّ مهور النساء و كذلك من استدان ولم ینو قضاءه.

دزدان سه گروهند.

- 1 - زکات ندهنده‌ها؛ 2 - مهرهای زنان را حلال داننده‌ها؛ 3 - و هرکس قرض بگیرد و نیت ادای آن را نداشته باشد. «1»
- 3 - امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَافِرٌ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ جَحَدَ مَهْرًا أَوْ اغْتَصَبَ أُجِيرًا** أجره أو باع رجلاً حُرًّا. همانا خدای تعالی بخشنده تمام گناهان است مگر کسی را که مهر (زنش) را انکار کند یا مزد اجیر را ندهد یا مرد آزاد را به جای برده، بفروشد. «2»
- 4 - **أَبَا عَبْدِ اللَّهِ** علیه السلام فرمود: **أَقْدَرُ الذُّنُوبِ ثَلَاثَةٌ قَتْلُ (الْبَهِيمَةِ) وَحَبْسُ مَهْرِ الْمَرْأَةِ وَمَنْعُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ.** نجس‌ترین گناهان سه چیز است، کشتن حیوانی و حبس نمودن مهریه زن و ندادن مزد کارگر. «3»
- 5 - **عَلِيٌّ** علیه السلام در باره گفته خداوند **(وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ)** و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا یک عطیه) به آنها بپردازید فرمود: **أَعْطَوْهُنَّ الصَّدَاقَ الَّذِي اسْتَحَلَلْتُمْ بِهِ فُرُوجَهُنَّ، فَمَنْ ظَلَمَ الْمَرْأَةَ صَدَاقَهَا الَّذِي اسْتَحَلَّ بِهِ فُرُوجَهَا فَقَدْ اسْتَبَاحَ فُرُوجَهَا زِنًا.** با مهری که آنها را با آن، به خود حلال کرده‌اید، بپردازید، پس هرکس به زنی در مورد مهریه‌اش ستم نماید (و ندهد او را به صورت) زنا، به خود مباح نموده است. «4»

15 - حکم اختیار در تعیین مهر!

15 - حکم اختیار در تعیین مهر! تعیین مهر با رضایت طرفین، انجام می‌گیرد ولی در مواردی هنگام عقد ازدواج:

تعیین مقدار مهر را در اختیار زن یا مرد قرار می‌دهند: در این صورت آیا زن مجاز است هر اندازه که مهرش را تعیین نمود، مرد باید بپذیرد و تمکین دهد و بالعکس، یا در این مورد هم حد و مرزی وجود دارد؟!.

1 - حسین بن زرارة از پدرش گفت: از ابا جعفر ع سؤال کردم از رجل تزوج امرأة علی حکمها قال: فقال لا يتجاوز بحکمها مهر آل محمد ع اثنتا عشرة أوقية ونش وهو وزن خمسمائة درهم من الفضة. قلت: أرأيت أن تزوجها علی حکمه ورضیت بذلك، فقال: ما حکم بشئ فهو جایز علیها قليلاً كان أو كثيراً، قال: فقلت له كيف لم تجز حکمها علیه واجزت حکمه علیها، قال: فقال لأنه حکمها فلم يكن لها أن تجوز ما سن رسول الله ص وتزوج عليه نساؤه فرددتها إلى السنة واجزت حکم الرجل لأنها هي حکمت و جعلت الأمر في المهر إليه و رضیت بحکمها في ذلك فعليها أن تقبل حکمه في ذلك قليلاً كان أم كثيراً. مردی با زنی ازدواج می‌کند به مهری که زن تعیین نماید، فرمود: حکم زن نباید از مهرهای آل محمد ع (مهر سنت) بیشتر باشد، دوازده «اوقیه» و خرده‌ای و آن پانصد درهم از نقره است، گفتم: آیا جایز می‌دانید زن با مردی بدین گونه و با رضایت مرد ازدواج نماید؟، فرمود: به هر چه مرد حکم کند جایز است، کم و یا زیاد، گفتم: چگونه به مرد اجازه می‌دهید و به زن نه، فرمود:

برای اینکه زن نباید به بیش از مهر سنت حکم کند و از مهر زنان رسول خدا ص تجاوز نماید، اما در صورت دومی چون زن خودش راضی به حکم مرد

شده و به مرد اختیار داده است، پس باید به مهری که مرد حکم نماید، کم یا زیاد راضی شود. «1»

در خبردیگری روایت شده است که امام صادق ع فرمود: *أما صار الصداق على الرجل دون المرأة وان كان فعلهما واحداً، فإن الرجل إذا قضى حاجته منها قام عنها ولم ينتظر فراغها فصار الصداق عليه دونها لذلك.*

محققاً مهر به گردن مرد است نه زن، اگرچه کار هر دو یکی است، مرد وقتی که احتیاجش را از زن بر طرف نمود بلند می‌شود و منتظر نمی‌ماند تا زن هم فارغ شود، پس در این صورت مهر بر او ثابت شد نه بر زن. «2»

سؤال: *ضعيفه قليلة السن* را شوهر او فریفته باشد بدون اطلاع والدین او که (مهر خود را بر من حلال کن به این شرط که تو را به کربلای معلی ببرم) همچنین ابرائی صحیح است یا نه؟

جواب: هر گاه زوجه غیر رشیده است تصرف او در صداق صحیح نیست. و هرگاه رشیده است و ابراء را معلق به شرط کرده است ظاهر عدم برائت است هر چند شرط را به عمل آورد. چون ابراء قابل تعلیق نیست. بلی هر گاه صداق عین باشد و هبه معوضه کرده باشد و عوض هم به عمل آمده باشد: صحیح و لازم است و هم چنین هر گاه صلح کرده باشد. «1»

آداب عروسی و ورود عروس به خانه!

اشاره

در دوران زندگی برای هر آدمی چند روز استثنائی و فراموش نشدنی وجود دارد!

1 - روزی که به دبستان یا مکتبی قدم می‌گذارد که در واقع به جهان نو با همه پیشامدهایش وارد می‌شود.

2 - روزی که به سربازی اعزام شده و دریادگانی مستقر می‌شود آن هم عالم دیگر و فراموش نشدنی دارد! خیلی از پیرمردهارا می‌بینیم که خاطرات دوران سربازیشان و هم رزمان و دوستانشان را بازگو کرده و به آن عالم برمی‌گردند!

3 - روز و شب عروسی که واقعاً به مرحله مهمی از زندگی خود قدم می‌گذارد که در تمام مدت عمر سرگذشت‌های شیرین و احياناً تلخ، آن روز و شب را یاد می‌کند و در ذهن خود زنده نگه میدارد؛ به قول جوان‌ها «یک شب ده شب که نمی‌شود»!

می‌دانیم برای هر یک از این دوران‌ها تشریفات خاصی نهفته است که باید انجام گیرد، از آن جمله تشریفات عروسی است که در فرهنگ هر ملت و نژاد، آداب و رسوم مخصوص به خود را دارد ولی برای همه اینها بعضی سفارش‌ها و توصیه‌ها شده است که شکی نیست باید آن را به کار گرفت و انجام داد.

و می‌دانیم در ادیان آسمانی خاصه در دین اسلام، برای هرکاری حد و مرزی قائل شده است که باید در چارچوب آن زندگی کرد؛ مخصوصاً در باره عقد و عروسی و کیفیت انجام و به کار بردن آنهاست

1 - حکم نگاه به خانم با قصد ازدواج

1 - حکم نگاه به خانم با قصد ازدواج در کتاب‌های فقهی در باره نگاه به زن با قصد ازدواج و بدون ریبه: نظریه‌های مختلف بیان گردیده است که در چه حد و مرزی می‌تواند و مجاز است به طرف مقابل نگاه کند و مورد بررسی قرار دهد، زیرا شالوده زندگی مادام العمر با آن پی ریزی خواهد شد، به تعدادی از احادیث که در این باره نقطه ابهامی نگذاشته است توجه فرمایید.

1 - محمد بن مسلم گفت: سألت أبا جعفر عليه السلام عن الرجل يريد أن يتزوج المرأة أينظر إليها؟ قال: نعم، إنما يشتريها بأغلى الثمن. از ابا جعفر عليه السلام سؤال کردم در باره مردی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند آیا می‌تواند به او نگاه کند، فرمود: بلی او را به بالاترین قیمت (عمر و وجود و مال) خریداری می‌کند (چرا نگاه نکند).^{«1»}

2 - حفص بن البختري از ابی عبد الله عليه السلام فرمود: لا بأس بأن ينظر إلى وجهها ومعاصمها إذا أراد أن يتزوجها. اگر اراده ازدواج دارد می‌تواند به صورت و به محل دستبندها نگاه کند.^{«2»}

3 - حسن بن السري گفت: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الرجل يريد أن يتزوج المرأة، يتأملها وينظر إلى خلفها (خلفها) وإلى وجهها؟ قال: نعم لا بأس أن ينظر الرجل إلى المرأة إذا أراد أن يتزوجها، ينظر إلى خلفها (خلفها) وإلى وجهها. به ابی عبد الله عليه السلام گفتم: مردی اراده ازدواج با زنی را دارد، آیا می‌تواند در هیکل و خلقت او و به پشت سر و صورتش، نگاه کند؟! فرمود: بلی وقتی که اراده تزویج دارد، نگاهش به مورد سؤال‌ها عیب ندارد.^{«3»}

4 - أبان بن عثمان: از حسن بن السری: از ابي عبد الله عليه السلام أنه سأله عن الرجل، ينظر إلى المرأة قبل أن يتزوجها؟ قال: نعم فلم، يعطى ماله؟! او سؤال نمود از حکم مردی که پیش از ازدواج به زنی که (می خواهد با او ازدواج کند) نگاه کند؟، فرمود: بلی

(می تواند) پس چرا مالش را (بابت مهریه و خرج عروسی و غیر آن)

می دهد. «1»

5 - عبد الله بن الفضل: از پدرش: از مردی: به ابي عبد الله عليه السلام : گفتم: أينظر الرجل إلى المرأة يريد تزويجها فينظر إلى شعرها ومحاسنها؟ قال: لا بأس بذلك إذا لم يكن متلذذا. مرد به زنی که اراده تزویج با او را دارد، آیا به مویش و محل های زینتی او می تواند نگاه کند؟! فرمود: ترسی نیست اگر از روی لذت نباشد. «2»

6 - یونس بن یعقوب گوید: به ابي عبد الله عليه السلام گفتم: الرجل يريد أن يتزوج المرأة، يجوز له أن ينظر إليها؟ قال: نعم وترقق (و ترفق) له الثياب لأنه يريد أن يشتريها بأغلى الثمن. مردی اراده کرده با زنی ازدواج کند، آیا جایز است به او نگاه کند؟! فرمود: بلی لباسهایش را نازک می کند (تا خوب ببیند) زیرا می خواهد او را به گرانترین بها بخرد. «3»

7 - محمد بن حسین الرضی از امام صادق عليه السلام رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به مغیره بن شعبه که با زنی ازدواج کرده بود، فرمود: لو نظرت إليها فأنه أحرى أن يودم بينكما. کاش (قبل از عقد) به او نگاه می کردی زیرا آن (نگاه) سبب دوام محبت و الفت میان شما بود (چون با چشم باز باهم ازدواج می کردید). «4»

8 - نوادر الراوندی: بااستنادخودش از موسی بن جعفر، از پدرانش عليه السلام رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: إذا أراد أحدكم أن يتزوج فلا بأس أن يولج بصره

فانما هو مشتر. زمانی که یکی از شما اراده ازدواج نمود، مانعی ندارد چشمش را به او بدوزد (و دقت نماید) زیرا او مشتری است (مشتری باید از کم و کیف کالا اطلاع داشته باشد). «5»

9 - و در روایت دیگر فرمود: فلا بأس أن ينظر إلى ما يدعوه إليه منها. پس مانعی ندارد نگاه کند به چیزی که او را وادار می سازد (و ضرورت دارد) از آن زن ببیند. «6»

10 - مسعدة بن اليسع، از ابی عبد الله، از پدرانش عليه السلام أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: لا بأس بأن ينظر الرجل إلى محاسن المرأة قبل أن يتزوجها إنما هو مُسْتَأْمَرٌ فَإِنْ يُقْضَى أَمْرٌ يَكُنْ. مانعی ندارد مرد (قبل از ازدواج) نگاه کند به محل زینت‌های زنی که می خواهد با او ازدواج نماید همانا او خریدار (و بها دهنده) است اگر چیزی مقدر است، خواهد شد. «1»

2 - اجازه عقد دست کیست!

2 - اجازه عقد دست کیست! در مورد ازدواج با دختران باکره و زنان بیوه که آیا بدون اجازه ولی می توان با آنها ازدواج کرد یا حتماً اجازه ولی لازم است؟! در این باره روایات گوناگون آمده است؛

الف - بدون اجازه ولی نمی تواند ازدواج نماید؛

1 - ابن ابی یعفور: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: لَا تُنْكَحُ ذَوَاتِ الْآبَاءِ مِنَ الْأَبْكَارِ إِلَّا بِإِذْنِ آبَائِهِنَّ. با دختران باکره ازدواج نمی شود مگر با اجازه پدرانشان (نباید با دختران پدر دار، بدون اجازه پدر ازدواج نمود).^{«2»}

2 - ابن ابی عمیر: از حماد: از حلبی: از ابی عبد الله علیه السلام فی الجاریة یزوّجها أبوها بغير رضاء منها، قال: لیس لها مع أبيها أمر إذا أنکحها جاز نکاحه وإن کانت کارهة. دختر را پدرش بدون رضایت او به شوهر می دهد؟ فرمود: با وجود پدر، دختر اختیاری در دست ندارد و می تواند او را به شوهر دهد اگرچه دختر کراهت داشته باشد (و دوست ندارد).^{«3»}

3 - علی بن جعفر در کتابش می گوید: از برادرم موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کردم: عن الرجل هل یصلح له أن یزوّج ابنته بغير اذنها؟ قال: نعم لیس یکون للولد أمر إلا أن تكون امرأة قد دخل بها قبل ذلک، فتلك لا یجوز نکاحها إلا أن تستأمر. از مردی که بدون اجازه دخترش، او را به شوهر دهد؟ فرمود: بلی می تواند فرزند اختیاری ندارد، مگر زنی که (بیوه باشد) و قبلاً شوهر کند، در این صورت در ازدواج با او اجازه خواستن لازم است.^{«1»}

4 - زراره گفت: شنیدم ابا جعفر علیه السلام می فرمود: لا ینقض النکاح إلا الأب. نکاح را نمی شکند (و بهم نمی زند) مگر پدر.^{«2»}

ولایت جدّ مقدم بر ولایت پدر است.

1 - علی (بن جعفر)، از برادرش (امام موسی بن جعفر علیه السلام) گفت: سألته عن رجل أتاه رجلان يخطبان ابنته فهوى أن يزوج أحدهما وهوى أبوه الآخر أيهما أحق أن ينكح؟

قال: الذي هوى الجدّ لأنّها وأباها للجد. از او (امام علیه السلام) سؤال نمودم از حکم مردی که دو نفر به خواستگاری دختر او آمده اند، او دوست دارد به یکی از آنها بدهد ولی پدرش (جدّ دختر) مایل به آن یکی است، کدامشان مقدم تر است؟ فرمود: آن را که جدّ دوست دارد زیرا اختیار دختر و پدرش، در دست پدر بزرگ است. ³

2 - در کتاب الهدایة: آمده است. ولا ولاية لأحد على الإبنة إلّا لأبيها ما دامت بكرة، فإذا صارت ثيباً فلا ولاية له عليها وهي أملك بنفسها، وإذا كانت بكرة، وكان لها أب و جدّ فالجد أحق بتزويجها من الأب ما دام الأب حياً، فإذا مات الأب فلا ولاية للجد عليها لأنّ الجد إنما يملك أمرها في حياة ابنه لأنّه يملك ابنه، فإذا مات ابنه بطلت ولايته. برای احدی به دختر ولایت ندارد، مگر پدرش مادامی که باکره است، وقتی بیوه شد، پدرش هم بر او ولایت ندارد و خود مالک کار خود است؛

زمانی که باکره است و پدر دارد، پس مادام که پدر زنده است، پدر بزرگ از پدر برای تزویج مقدم تر است، وقتی که پدر فوت کرد پس برای پدر بزرگ ولایتی نماند! زیرا در حیات پدر، جدّ مالک دختر و پدر دختر است، وقتی پدر دختر مرد، ولایت پدر بزرگ هم باطل شد (و از بین رفت). ¹

ب - بدون اجازه ولی می توان ازدواج نمود؛

1 - صفوان: عن منصور بن حازم: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: تستأمر البکر و غیرها و لا تنکح إلا بأمرها. از دختران باکره و غیر باکره، باید اجازه ازدواج گرفت و بدون اجازه با آنها نباید ازدواج نمود. «2»

2 - سعدان بن مسلم گفت: أبو عبد الله علیه السلام فرمود: لا بأس بتزویج البکر إذا رضیت بغير اذن أبیها. ازدواج با دختر باکره (بدون اذن پدر) اگر خود رضایت دهد، مانعی ندارد. «3»

ج - اگر خود صلاح و فساد خود را تشخیص می دهد، می تواند بدون اجازه ولی ازدواج نماید و در غیر این صورت نمی تواند؛

1 - فضیل بن یسار و محمد بن مسلم و زرارة بن أعین و برید بن معاویة از ابی جعفر علیه السلام (فرمود: المرأة التي قد ملکت نفسها غیر السفیهة و لا الموالی علیها، ان تزویجها بغير ولیّ جایز. زنی که مالک (و اختیار) خود را دارد، مگر زن بی عقل و برده، ازدواج با او بدون ولی، جایز است. «4»

2 - عبد الرحمن بن ابی عبد الله، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: تزوّج المرأة من شاءت إذا كانت مالکة لأمرها فإن شاءت جعلت ولیاً. زنی که اختیار خود دارد با هر که خواست، ازدواج می کند اگر خواست برای خودش برای خودش، ولی (و وکیل) قرار می دهد. «5»

3 - موسی بن بکر: از زرارة، از ابی جعفر علیه السلام فرمود: إذا كانت المرأة مالکة أمرها تبیع و تشتري و تعتق و تشهد و تعطی من مالها ما شاءت فان أمرها جائز تزوّج إن شاءت بغير اذن ولیها، وإن لم تکن كذلك فلا يجوز تزویجها إلا بأمر ولیها.

زمانی که زن مالک کار خود شد می‌خرد و می‌فروشد و (برده) آزاد می‌نماید و شهادت می‌دهد و هر وقت خواست، می‌بخشد، در این صورت تصمیم او قابل اجرا است و اگر خواست می‌تواند بدون اجازه ولی ازدواج نماید، و اگر این طور نباشد (یعنی مالک کار خود نیست در این صورت) ازدواج او بدون اجازه ولی، جایز نیست.¹

د- بیوه می‌تواند و باکره به طور مطلق نمی‌تواند.

1 - حلبی، از ابی عبد الله (علیه السلام) او در باره زن بیوه که خواستگار برایش آید فرمود:

هی املک بنفسها، تولی امرها من شاءت إذا كان كفواً بعد أن تكون قد نکحت زوجاً قبله. او اختیار خودش را دارد و ولایت او دست خودش است، با هر که خواست ازدواج می‌نماید اگر همطراز باشد و پیش از آن، با مرد دیگری ازدواج کرده باشد (یعنی بیوه شود).²

... إلا أن تكون امرأة قد دخل بها قبل ذلك، فتلك لا يجوز نکاحها إلا أن تستأمر. ... مگر زنی که (بیوه باشد) و قبلاً شوهر کند، در این صورت ازدواج با او اجازه خواستن لازم است.³

فتوهای مراجع تقلید هم برابر روایات وارده، متفاوت است و هر یک، روایتی را معتبر دانسته، و مطابق آن فتوا داده اند که نمونه آن سؤال و جواب ذیل است. سؤال: دختر بی‌اذن پدر و مادر: شوهر میتواند کرد یا نه؟، و عقد ایشان صحیح است یا شرط است رضای پدر و مادر که اگر بی‌رضای پدر و مادر عقد به عمل آید.

صحیح نمی‌شود؟ و اگر بفرمائید که بی‌رضای والدین عقد صحیح است: آیا (عاق والدین) می‌شود یا نه (اعم از این که باکره باشد یا تیب)؟.

جواب: رضای مادر مطلقاً شرط نیست و در لزوم رضای پدر در (دختر بالغه باکره خلاف است. واقوی واشهر واطهر، عدم اشتراط است پس عقد بدون اذن پدر صحیح است. و لکن احوط مراعات رضای او است. و اما هر گاه پدر غایب باشد یا در موقوف داشتن عقد بر رضای پدر حرج و عسر لازم آید: آنجا احتیاط هم ضرور نیست. و در صورت احتیاج دختر به شوهر و متضرر شدن او به ترک شوهر کردن:

هر گاه مخالفت بکند معلوم نیست که گناه باشد: چه جای آن که عاق باشد. بلی هر گاه دو نفر خواستگار او باشند: و [از] اختیار هر یک از آنها ضرری به دختر نمی‌رسد پس مخالفت در اینجا دور نیست که معصیت باشد. و به هر حال تحصیل رضای پدر و مادر در امور مباحه لازم است مگر این که منشأ ضرر و حرج باشد. در اینجا فرقی ما بین باکره و غیر باکره نیست.¹

3 - دانستنی های شب زفاف!

3 - دانستنی های شب زفاف! عزیزان عروسی که به خانه شما وارد می شود هدیه و امانت خداست برای شب یا روز ورود او آداب و مستحبات زیاد وارد شده است تا سرحد امکان رعایت و به کار گرفتن آنها ضرورت دارد به تعدادی از آنها ذیلاً اشاره می شود.

1 - وقتی که اراده تزویج کردی، استخاره نموده و از خدا طلب خیر کرده اقدام نما و دو رکعت نماز خوانده، دستها را بلند کن و بگو:

1 - اللَّهُمَّ اِنِّي اُرِيدُ التَّزْوِيجَ فَسَهِّلْ لِي مِنَ النِّسَاءِ اِحْسَنَهُنَّ خُلُقاً وَ خُلُقاً وَ اَعْفَهُنَّ فَرَجاً وَ اَحْفَظُهُنَّ نَفْساً فِىَّ وَ فِى مَالِى وَ اَكْمَلُهُنَّ جَمَالاً وَ اَكْثَرُهُنَّ اَوْلَاداً. «2» -
روایت شده است امام صادق علیه السلام به ابا بصیر فرمود: زمانی که یکی از شما (می خواهد) ازدواج نماید، چه می کند؟! گفتم: نمی دانم، فرمود: وقتی قصد این کار را داشت دو رکعت نماز بخواند و حمد خدای عزوجل گفته و بگوید: اللَّهُمَّ اِنِّي اُرِيدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ اِحْسَنَهُنَّ خُلُقاً وَ خُلُقاً وَ اَعْفَهُنَّ فَرَجاً وَ اَحْفَظُهُنَّ لِي فِى نَفْسِهَا وَ مَالِى وَ اَوْسَعُهُنَّ رِزْقاً وَ اَعْظَمُهُنَّ بَرَكَةً وَ قَدِّرْ «فَيْضُ» لِي وَ لَدّاً طَيِّباً تَجْعَلُهُ خَلِفاً صَالِحاً فِى حَيَاتِى وَ بَعْدَ مَوْتِى. خدایا من اراده کرده ام ازدواج نمایم پس برایم مقدر گردان از زنها که به اندام جنسی اش عقیف تر و به نفس و مال من نگهدارنده تر و روزی اش فراوان تر و برکتش بزرگتر باشد؛ و برای من فرزند صالح، مقدر فرما تا در حیات و بعد از مرگ من، جانشین صالح شود. «3»

3 - یکی از دعاهائی که برای شب عروسی وارد شده است بعد از دو رکعت نماز دست به پیشانی عروس بگذارد و رو به قبله بگوید: اللَّهُمَّ عَلٰى كِتَابِكَ

تَرَوُّجُهَا وَ فِي أَمَاتِكِ أَخَذْتُهَا وَ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَّتْ فَرْجَهَا، فَان قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا شَيْئاً فَاجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِيّاً وَ لَا تَجْعَلْهُ شِرْكَ شَيْطَانٍ. خدایا با حکم کتابت (قرآن) با او ازدواج نمودم، و درامانت تو او را گرفتم، و با کلمات تو او را به خودم حلال کردم پس اگر در رَحِم او چیزی (بچه ای) به وجود آوردی، او را مسلمان بی عیب قرار ده او را شریک شیطان (یا شیطان را، شریک او قرار نده.

«1»

4 - مردی پیش امیرمؤمنان علیه السلام آمد و گفت: من ازدواج کرده‌ام برای من دعا کن فرمود: بگو: اللَّهُمَّ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَّتْهَا، وَ بِأَمَاتِكَ أَخَذْتُهَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وُلُوداً وَ دُوداً لَا تَفْرِكُ، تَأْكُلُ مَا رَاحَ وَ لَا تَسْأَلُ عَمَّا سَرَحَ. «2»

3 - پاک و با وضو بودن،

4 - بسم الله گفتن که امام صادق علیه السلام فرمود: آنه اذا أتى أحدكم أهله فليذكر الله فان لم يفعل و كان منه ولد كان شرك شيطان

همانا هرکس از شما پیش همسرش آید، ذکر خدا گوید و گرنه اگر بچه‌ای به وجود آید، شریک شیطان شود! «3»

5 - از خدا فرزند پاک و بابرکت و نجیب و سالم، در خواست نماید،

6 - موقعی که زن حامله است، بدون وضو نزدیک نشود،

7 - دو نفر با یک پارچه خود را پاک نکنند که در روایت آمده است مایه عداوت فیما بین می‌شود. «4»

8 - خواستگاری کردن.

9 - استحباب خواند خطبه. علی بن رئاب، از ابی عبد الله علیه السلام (در ضمن حدیثی فرمود: جماعتی پیش امیرمؤمنان علیه السلام آمدند و گفتند: ما می خواهیم فلان خانم را به فلانی تزویج کنیم و می خواهیم برای آن خطبه بخوانی و فرمود: (آن حضرت)

خطبه‌ای مشتمل بر سپاس خدا و وصیت به تقوی خواند و در آخر فرمود: إن فلان بن فلان ذكر فلانة بنت فلان وهو في الحسب من قد عرفتموه، وفي النسب من لا تجهلون، وقد بذل لها من الصداق ما قد عرفتموه فردوا خيراً تحمدوا عليه وتنسبوا إليه وصلى الله على محمد وآله وسلم. همانا فلان پسر فلان دختر فلانی را یاد آوری نمود در حالی حسب او را (بخوبی) می شناسید و در نسب او هم بی اطلاع نیستید و مهریه‌ای که بذل نموده است می دانید، پس بخوبی جواب دهید که مایه تشکر و سپاس باشد و بر آن نسبت داده شوید (یعنی در صورت پاسخ خوب، هم ما تشکر کنیم و هم شما را در همه جا تعریف نماییم) درود خدا بر محمد و آل او و سلام خدا. ^{«1»}

10 - ولیمه دادن به اندازه قدرت اگرچه یک من گندم یا جو باشد.

11 - کراهت اجراء عقد در حال بودن قمر در عقرب. ^{«2»}

12 - کراهت اجرای عقد در اول هرماه، و سه روز به آخر ماه (که آن را «محاق الشهر» گویند)، و روز چهارشنبه و در یکی از روزهای نحس هرماه یعنی سوم و پنجم و سیزدهم و شانزدهم و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و پنجم هرماه هر یک از این مطالب در روایات و در کتاب‌های بسیار فقهی آمده است که ذکر آن اسناد به درازا می‌کشد و طالبین به کتاب‌های حدیثی و فقهی مراجعه نمایند.

13 - عروسی روز جمعه باشد فی خبر الشامی أنه قال أمير المؤمنين

عليه السلام: يوم الجمعة يوم خطبة ونكاح. در روایت شامی آمده است، امیرمؤمنان

عليه السلام فرمود: روز جمعه روز خطبه و ازدواج است. ^{«3»}

14 - کراهت اجرای عقد یا مقاربت زفافی در هوای گرم!

4 - رفتن عروس به خانه شوهر در شب

4 - رفتن عروس به خانه شوهر در شب یکی از الطاف خداوند برای بندگان، وجود «شب» و تاریکی آن است، شبی که در قرآن کریم برای آشکار ساختن عظمت آن، به او سوگند یاد می کند «¹» و انجام خیلی از کارها را در آن قرار داده و به آن موکول نموده است که نمونه هائی را بطور اختصار ذیلاً می آورم و مشروح آن را به مطالعه کتاب «شب» که در باره شب و تعریف و تمجید و .. از آن، و بیان شرور شب و آیاتی که نزول بلاها و کوبیدن گناهکاران و .. را شب، در دست تألیف همین مؤلف است، ارجاع می دهم؛

1 - راز و نیاز با پروردگار (فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾ تَصَفَّهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿٣﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا) شب را جز کمی بپاخیز نمی از شب را یا کمی از آن کم کن یا بر نصف آن بیفزا. «²»

2 - خواندن قرآن (وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا) و قرآن را با دقت و تأمل بخوان.

3 - عبادت شبانه (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً) مسلماً نماز و

عبادت شبانه پا برجا و با استقامت تر است. «³»

4 - تسبیح گوئی شبانه (وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلًا) و در

شبانگاه برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی. «⁴»

استغفار شبانه (كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ

يَسْتَغْفِرُونَ) آنها کمی از شب را می خوابیدند و سحرگاهان استغفار می کردند.

«⁵»

5 - وعده‌های ملاقات و بده و بستان‌های خود با پیامبرانش (**وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ...**) (وبه یاد آورید) هنگامی راکه با موسی چهل شب وعده گذاردیم.

(و او برای گرفتن فرمان‌های الهی به میعادگاه آمد). «6»

6 - تقدیر و تعیین سرنوشت و مبارکی در شب (**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ** ﴿۳﴾ **فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ**) ما آن (قرآن) را در شبی پر برکت نازل کردیم ما همواره انذار کننده هستیم، در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می گردد. «1»

7 - نزول قرآن در شب (**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**) ما قرآن را شب قدر نازل کردیم «2»

8 - پوشش انسان ها (**وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا**) و شب را پوششی (برای شما) قرار داد. «3» 9- (**وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا**) شب را مایه آرامش قرار داده است. «4» چون شب را برای حفظ آبروها و آشکار نشدن اسرار و مایه آرامش وو .. قرار داده است، بدینجهت در روایات فرستادن عروس را به خانه بخت و اطاق زفاف شب را توصیه نموده است! به روایات ذیل توجه نمائید.

1 - در روایت سکونی از امام صادق **عَلَيْهِ السَّلَامُ** فرمود: زفوا عرایسکم لیلاً و أطمعوا ضحیَّ عروس هایتان را شب هنگام به خانه شوهر بفرستید و روز اطعام نمائید. «5»

2 - میسر بن عبد العزیز گوید: **أبی جعفر عَلَیْهِ السَّلَامُ** فرمود: یا میسر تزوج باللیل فإنَّ الله جعله سکناً، ولا تطلب حاجة باللیل فإنَّ اللیل مظلم، ثم قال: ان للطارق لحقاً عظیماً، وإن للصاحب لحقاً عظیماً. ای میسر شب ازدواج کن خداوند شب را

مایه آرامش قرار داده است و شب پی کاری نرو زیرا شب تاریک است (و خالی از خطر نیست) سپس فرمود:

همانا بروارد شونده حق بزرگیست و بر همنشین حقیست بزرگ. «6»

3- حسن بن علی الوشاء، گفت: شنیدم أبا الحسن الرضا عليه السلام، در باره تزویج فرمود من السنّة التّزویج باللیل، لأنّ الله جعل اللیل سکناً، والنساء إنّما هنّ سکن. از سنّت است ازدواج در شب زیرا خداوند شب را مایه آرامش قرار داده است و زن هم مایه آرامش است (پس با سبب آرامش در زمان آرامش وصلت نما). «7»

4 - سکونی، از جعفر بن محمد، از پدرانش عليه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: لا سهر إلاً فی ثلاث: متهجّد بالقرآن، أو فی طلب العلم، أو عروس تهدی إلی زوجها. شب بیداری (سزاوار) نیست مگر در سه چیز، در تلاوت قرآن و طلب علم یا عروسی که به شوهرش راهنمایی (و فرستاده) شود. «1»

5 - حسن بن علی ابن بنت إلیاس گفت: سمعت أبا الحسن الرضا عليه السلام می فرمود: إنّ الله جعل اللیل سکناً و جعل النساء سکناً، ومن السنّة التّزویج باللیل وإطعام الطعام.

همانا خداوند شب را سبب آرامش و زنان را سبب سکون قرار داده است و از سنّت است ازدواج و اطعام (ولیمه) در شب انجام گیرد. «2»

در این باره روایات زیاد است که بیش از این به طول می انجامد

5 - شادی نمودن و شعر خواندن در عروسی ها!

5 - شادی نمودن و شعر خواندن در عروسی ها! در دوران زندگی یکی از شیرین ترین روزها، روز عروسی و جشن های مربوط به آن است که الزاماً با شادی و خوشحالی عجین شده است، این روزها تغییر حالت و حال و هوای دیگری را می طلبد.

باید در این ایام سعی کرد تا رضایت خداوند را از دست نداد و از منهیات شرع، پرهیز نمود مخصوصاً در استعمال آلات لهو و لعب، با این که از نظر شرع مقدس استفاده از بعض آلات شادی بخش نهی نگردیده است که از جمله آنها استفاده از دف زنی و دست افشانی مجالس زنانه برای بانوان است.

در کتاب (مولد فاطمه) در خبری از ابن بابویه آورده است: پیامبر ﷺ امر نمود دختران بنی عبدالمطلب و زنان مهاجرین و انصار را به همراه فاطمه حرکت کنند و شادی نمایند و شعر بخوانند و تکبیر و تحمید گویند و نگویند چیزی را که خداراضی نیست؛

... بانوان رسول خدا ﷺ در جلو (در محدوده اجازه شرع) شعر می

خواندند (مانند) أم سلمة که این شعر را انشاد نمود:

| | |
|--------------------------|------------------------|
| سرن بعون الله جاراتی | واشکرن فی کلّ حالات |
| واذکرن ما أنعم ربّ العلی | من کشف مکروه و آفات |
| فقد هدانا بعد کفر و قد | أنعشنا ربّ السّماوات |
| وسرن مع خیرنساء الوری | تفدی بعمّات و خالات |
| یابنت من فضله ذوالعلی | بالوحي منه و الرّسالات |
| أحباب | أحباب |

سپس عایشه (دختر ابی بکر زن دیگر رسول خدا این شعر را خواندو) گفت:

یانسوة أسترن بالمعاجر واذکرن ما یحسن فی المحاضر
واذکرن ربّ النَّاس اذیخصّنا بدینه مع کلّ عبد شاکر
والحمد لله علی افضاله بدینه مع کلّ عبد شاکر
والحمد لله علی افضاله والشکر لله العزیز القادر
سرن بها فا لله أعطی ذکرها وخصّها منه بطهر طاهر

سپس حفصه (دختر عمر زن دیگر رسول خدا ﷺ انشاد کرد و) گفت:

فاطمة خیر نساء البشر و من لها وجه کوجه القمر
فضّلك الله علی کلّ الوری بفضل من خصّ بآی الزمر
زووجک الله فتی فاضلاً أعنی علیاً خیر من فی الحضر
فسرن جاراتی بها أنّها کریمه بنت عظیم الخطر

سپس مادر سعد بن معاذ (یکی از بزرگان انصار خواند و) گفت:

أقول قولاً فیہ ما فیہ و أذکر الخیر و أبدیہ
محمّد خیر بنی آدم ما فیہ کبر و لا تیہ
و نحن مع بنت نبی الهدی ذی شرف قد مکّنت فیہ
فی ذروة شامخة أصلها فما أری شیئاً یدانیہ

و كانت النسوة یرجعن أول بیت من کلّ رجز، ثمّ یکبّرن و دخلن الدّار ...

و بانوان (حرم) در اول هر شعر ترجیع می نمودند و سپس تکبیر می گفتند

تا وارد خانه شدند (تا آخر روایت).¹

ناگفته نماند در مجالس زنانه اگر خانمها مواظبت نمایند که نامحرم رفتارشان را نبیند و صدایشان را نشنود و یا از کارهای حرام پرهیز نمایند، شادی کردن و خوشحالی نمودن یا در مجالس عروسی دف زدن و خواندن اشعار دور از

ابتدال، اشکال ندارد آنگونه که در اشعار بالا بانوان حرم خوانده‌اند مشابه آن را در فارسی و ترکی و با هر زبان دیگر می‌توان خواند و مانعی ندارد حتی ترجیع صوت که برابر روایت بالا بانوان حرم در عروسی دخت رسول خدا ﷺ کردند و حضرت هم مانع نشد پس ملاک حرمت و عدم حرمت این گونه مجالس حتی مجالس عزا، رعایت کردن حلال و حرام شرع است و گرنه اسلام با شادی و خوشحالی مشروع، مخالفتی ندارد

6 - ادای شکر خدا!

6 - ادای شکر خدا! در قرآن کریم خدای عزوجل فرموده است، «اگر (در برابر نعمت‌های خدا) شکر گزار باشید البته زیاد می‌کنم و اگر ناسپاسی نمایید مجازاتم شدید است»¹

حالا چه نعمتی در دوران زندگی، بزرگتر از ازدواج و دارای همسر شدن و تشکیل خانواده یعنی آوردن مکمل وجود خود به خانه و استفاده از مواهب وجودی اوست؛

1 - یار و یاور زندگی؛

2 - همدم و محرم اسرار زندگی؛

3 - کفّ نفس و حفظ خود از وسوسه‌های شیطانی؛

4 - به وجود آوردن اولاد و گلهای زندگی؛

5 - گرم نمودن محیط و آشیانه زندگی؛

6 - شریک غم و شادی زندگی؛

7 - انیس و مونس زندگی و ...

أبي سعيد خدری گفت: رسول خدا ﷺ به علی بن ابی طالب عاشق وصیت کرد و فرمود: یا علی، إذا دخلت العروس بیتک فاخلع خُفَّیها حین تجلس واغسل رجلیها و صبّ الماء من باب دارک إلى أقصى دارک، فانک إذا فعلت ذلك أخرج الله من دارک سبعین ألف لون من الفقر، و أدخل فیها سبعین ألف لون من البرکة و أنزل علیک سبعین ألف رحمة ترفرف علی رأس العروس حتی تنال برکتها کل زاویة فی بیتک، و تأمن العروس من الجنون والجذام و البرص أن یصیبها مادامت فی تلك الدار الحدیث.

1 - ای علی وقتی که عروس به خانه ات داخل شد، هنگامی که نشست کفش هایش را در بیاور؛

2 - و پاهایش را بشوی؛

3 - و از درخانه ات تا دورتر، آب بپاش؛

پس اگر این کارها را کردی، خداوند از خانه ات هفتاد هزار نوع فقر را بیرون راند و هفتاد هزار گونه برکت را داخل نماید و هفتاد هزار رحمت را برایت نازل نماید که بالای سر عروس پر می زند تا در هر گوشه خانه ات، برکت آن را دریابی، و عروس از رسیدن امراض جنون و جذام و پستی در امان باشد مادامی که در آن خانه است. ^{«1»}

در مورد ادای شکر به چند جریان تاریخی توجه فرمائید.

1 - حنظلة بن ابی عامر «غسیل الملائکة» در تواریخ اسلامی مشهور است که پدر این جوان به نام ابی عامر به اندازه ابوجهل رسول خدا را آزرده است و اوست که مسجد ضرار ساخت! اما پسرش حنظله از کسانی بود که اسلام آورد و از عاشقان جان باخته آن حضرت شد بگونه ای که در شب جنگ احد شب

زفاف این جوان با دختر عبدالله بن ابی سلول بود و آیه 62 سوره مبارکه «نور» در باره او نازل شد.

که با عروس خود در رختخواب آرمیده است، نزدیکی‌های صبح شنید منادی ندا می‌کند «ای مسلمان‌ها دستور رسول خداست بشتابید به میدان جنگ که دشمن نزدیک شده است»!

این جوان از حجله عروسی بیرون آمد و لباس رزم پوشید و اسلحه خود را برداشت و خواست حرکت کند، عروزش صدا زد حنظله کمی صبر کن، فوراً رفت چهار نفر از امصار از نزدیکان خود را صدا زد و در برابر آنها از این جوان پرسید

«حنظله» دیشب بامن همبستر شدی یانه!! گفت: بلی، و آنها رتا شاهد گرفت! گفتند: عروس خجالت نکشیدی درمقابل اینها این حرف را زدی؟! گفت: چرا، ولی مجبور بودم چون «رأیت فی هذه اللیلة فی نومی کأنّ السماء قد انرجت فوق فیها حنظلة ثم انضمت فعلمت أنّها الشّهادة. دیشب در خواب دیدم آسمان شکافته شد و حنظله به آنجا رفت و دوباره آسمان بهم در آمد¹» و می دانم این شهادت است (و او راکه می بینم با این عشق و علاقه به میدان جنگ می رود دیگر از به خانه برگشتنش نا امیدم) و دیده شده است بعضی از جوان‌ها شب اول عروسی نمی تواند با عروزش مقاربت کند ولی این جوان بامن نزدیکی کرده بود ممکن است بچه دار شوم و به من نسبت بد دهند، بدینجهت از خود او اعتراف گرفتم تابعداً متهم نشوم!! روزی که شهدای «أحد» را با دستور رسول خدا ﷺ جمع آوری کردند، همه شهدا غرق در خون بودند جز این جوان! با تعجب گفتند: ای رسول خدا ما باچشم خود دیدیم این جوان به خون خود آغشته بود! فرمود: «رأیت الملائکة تغسل حنظلة بین السماء و الارض بماء المزن

فس صحائف من ذهب» (چون این جوان از حجله عروسی بیرون آمده و جنب در میدان حاضر شد و شهید گشت)، من هم با چشم خود دیدم فرشته‌ها با آب بهستی او رامیان آسمان و زمین روی صفحه هائی از زر، با آب باران، غسل دادند.

بدین خاطرات خون از او برطرف شده است از آن روز مشهور شد به «حنظله غسیل الملائكة» حنظله شسته شده فرشتگان. ²

2 - ازدواج جویبر غلام سیاه و به ظاهر زشت با بانوی زیبا به نام «ذلفاء» که از شنیدنی‌های تاریخ است.

این شخص از اصحاب «صُفّه» بود یعنی از کسانی بود که تمام دارائی و زندگی اش روی یک حصیر بود که روی سکوی اطراف مسجدالنبی قرار داشت نه خانه و کاشانه و نه مال و منالی و نه جمال و تناسب اندامی، قد کوتاه و بد ریخت و بدهیكل و زشت رو و بدنما!

روزی رسول خدا ﷺ وضع رقت بار او را دید فرمود: جویبر میل به ازدواج داری؟! جویبر با تعجب عرض کرد: چرا ای رسول خدا ﷺ اما با کدام امکانات و با چه قیافه، که به من دختر می دهد یا کدام دختر به ازدواج با من تن در داده و راضی می شود؟! فرمود: پیش زیاد بن لبید که از اشراف بنی بیاضه است، برو ¹ و از طرف من به او بگو دخترش «ذلفاء» را به تو تزویج نماید!

جویبر، رفت و پیغام را رسانید ولی زیاد او را تحویل نگرفت و رد کرد و برگشت، دخترش پرسید پدر که بود؟ جریان را گفت: دختر باکمال تعجب گفت: پدر پس چگونه به رسول خدا ﷺ ایمان آورده‌ای که صلاح دید او را رد کردی!؟.

گفت: دخترم این کار به خاطر تو بود آخر این غلام سیاه نه خانه وکاشانه‌ای دارد و نه مالی و نه جمالی، زشت صورت، قدکوتاه، وو... و تو را خیلی‌ها از اشراف مدینه خواستگاری کردند، تو نپسندیدی وانگهی در میان هم اقران و هم سالانت چگونه سر بلند می‌کنی؟!.

گفت: پدر کسی را که رسول خدا ﷺ صلاح می‌داند من هم راضیم به امر او زیرا رضای او رضای خداست!.

زیاد پیش رسول خدا ﷺ رفت و پس از گفتمانی، اعلام موافقت کرد ولی چند روزی مهلت خواست تا وسیله عروسی او را فراهم نماید.

زیاد: یک خانه مجلل با تمام لوازم و وسایلش آماده ساخت و به جویبر بخشید و «ذلفا» ی زیبارا با آخرین مُتد آرایش کردند و جویبر را به حمام فرستاده و تغییر لباس دادند و به حجله عروسی بردند.

جویبر: وقتی که به خانه و حجله عروس وارد شد و عروس را با آن شکوه و وقار در لباس سفید عروسی و در نهایت آرایش و غرق در ناز و نعمت دید، خود را کنار کشیده مشغول عبادت شد، سه روز تمام روزها روزه و شبها تا صبح عبادت کرد، در آخر «زیاد» پدر ذلفاء به رسول خدا ﷺ شکایت برد ای رسول خدا ﷺ! جویبر که به زن احتیاج نداشت چرا به این کار واداشتی؟!.

حضرت او را احضار کرد فرمود: جویبر مگر نگفتی به عیال احتیاج داری؟ عرض کرد بلی یا رسول الله فرمود: پس چرا پیش عروست نمی‌روی؟ عرض کرد ای رسول خدا ﷺ من یک برده سیاهم و در دنیا دارای چیزی نبودم، وقتی که به خانه مجلل اهدائی پدر زخم وارد شدم و آن همه وسایل را با آن عروس زیبا دیدم، به خود گفتم:

هان ای جو بیر عجله نکن و نامرد نباش اول شکر آن خدائی که این همه نعمت را به تو ارزانی داشته بجا آور و بعد ... ای رسول خدا ﷺ چشم اطاعت می‌کنم: جو بیر هم بعد از چند روز در جنگ «أحد» به شهادت رسید

ﷺ

7 - ولیمه دادن

7 - ولیمه دادن یکی از مستحبات مؤکد در عروسی، ولیمه دادن است که بسیار کار پسندیده و ممدوح و از سنت‌های انبیاء و ائمه علیهم‌السلام است، اگرچه یک پیمانه جو یا گندم باشد؛

و در صورت امکان دو روز ولیمه دهد که روز اول حق عروسی و دوم کرامت و بیش از آن ریا و خود نمائی و مکروه و ناپسند است.

مستحب است این اطعام و ولیمه برای فقرا و مساکین و مؤمنان باشد.

1 - موسی بن بکر، از ابی الحسن علیه‌السلام رسول خدا ﷺ فرمود: لا ولیمه الا فی خمس: «عرس أُوخرس أو عذار أو وکار أو رکاز؛ العرس التزویج، و الخرس النفاس والعذار الختان؛ والوکار شراء الدار؛ و الركاز العود من مکه» ولیمه نیست مگر در پنج چیز 1 - عروسی و ازدواج؛ 2 - به دنیا آمدن اولاد؛ 3 - ختنه کردن بچه؛ 4 - خرید خانه؛ 5 - و برگشتن از سفر حج. «2»

2 - سهل بن زیاد، وحسین بن محمد، و علی بن محمد همگی، از وشاء، از ابی الحسن الرضا علیه‌السلام گفت: شنیدم می فرمود: ان النجاشی لما خطب لرسول الله ﷺ آمنه بنت ابی سفیان فوجه دعا بطعام ثم قال: ان من سنن المرسلین الإطعام عند التزویج. وقتی که نجاشی (پادشاه حبشه) آمنه دختر ابی سفیان را

- برای رسول خدا ﷺ خواستگاری کرد و ازدواج نمود، طعام خواست و فرمود: همانا از سنت‌های پیامبران طعام دادن در هنگام ازدواج است. «1»
- 3 - ابن فضال روایت را به ابی جعفر علیه السلام می‌رساند فرمود: الولیمة یوم، ویومان مکرمه، وثلاثة أيام ریاء وسمعة. ولیمه یک روز است، دو روز گرامی داشت است و سه روز ریاء و خودنمائی است. «2»
- 4 - هشام بن سالم از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ زمانی که با میمونه دختر حارث، ازدواج کرد اولم علیها و أطعم الناس الحیس. برای او ولیمه داد و به مردم خرما با روغن مخلوط نمود و اطعام کرد. «3»
- 5 - سکونی، گفت: ابی عبد الله علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: الولیمة أول یوم حق، والثانی معروف، وما زاد ریاء وسمعة. ولیمه روز اول حق است و روز دوم معروف (و نیکوست) و زیادت از آن خود نمائی و خود ستائی است. «4»

8 - ازدواج ساده سروربانوان دو عالم ﷺ

8 - ازدواج ساده سروربانوان دو عالم ﷺ اسراف و تشریفات اضافی در هر کاری ناپسند و مورد نکوهش خردمندان قرار گرفته است، اگر این اخلاق و صفت زشت در جامعه‌ای حکم فرما شود، هم آن جامعه و هم خانواده‌های فراوان، گرفتار مشکلات زیاد بوده و رو به تباهی خواهند رفت؛ اما اگر اعتدال و میانه روی جای آن را بگیرد، جامعه در آرامش فکری و آسایش جسمی به سر خواهد برد؛

از جمله کارها که باید اعتدال را در آن مصداق قرار داد و پیاده کرد، مسئله ازدواج است، زیرا تمامی افراد بشر، روزی به آن نیاز خواهند داشت و گریبانگیر همه خواهد بود، پس باید همگی دست به دست داده این فرهنگ میانه روی و ساده برپا داشتن ازدواج را، به مرحله عمل و اجرا برسانیم، تا جوان‌ها چه دختر یا پسر با خیال راحت به سر زندگی خود رفته و با خیال راحت شروع نمایند؛ برای نمونه به بخش کوچکی از عروسی سرور بانوان هر دو عالم دقت نمایید و اگر طالب مفصل هستید به منابع زیاد مانند کتاب بحار الأنوار ج 43 و غیره مراجعه فرمائید.

1 - انس بن مالک گوید: با رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که وحی او را فرا گرفت وقتی که تمام شد فرمود: ای انس آیا می دانی جبرئیل از نزد صاحب عرش، چه آورد؟! گفتم:

خدا و رسولش می داند فرمود: مرا امر نمود فاطمه را به علی تزویج نمایم؛ برو ابابکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر و به تعداد آنها از انصار دعوت نما، دعوت نمودم وقتی که نشستند حضرت شروع به خواندن خطبه عقد

نمود و در آخر فرمود: من شما را شاهد می گیرم فاطمه را به علی تزویج نمودم
به چهارصد مثقال نقره اگر علی راضی باشد؛

سپس رو به علی علیه السلام کرد و تبسم نمود و فرمود: یا علی ان الله امرنی ان
أزوجه فاطمة و قد زوجتکها ای علی علیه السلام خداوند مرا امر نمود فاطمه علیه السلام
را به تو تزویج نمایم من او را به تو تزویج کردم آیا راضی هستی؟! عرض کرد
راضیم. «1»

به علی علیه السلام فرمود: برو درعت (لباس رزمت) را بفروش، آن را به چهار صد
درهم به عثمان بن عفان فروخت و به خدمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورد، حضرت
یک مشت برداشت و به ابوبکر داد و فرمود: به این درهم ها آنچه برای خانه
فاطمه لازم است بخر و سلمان و بلال را همراه او فرستاد که کمکش کنند.

ابوبکر گوید: آن پول شصت و سه درهم بود، من یک تشک از خیش مصری
که پر از پشم بود و یک فرش از پوست و پستی که پر از لیف خرما بود و یک
عبای خیبریه و یک مشک آب و کوزه آب و یک آفتابه خریدیم، وقتی جلوی
رسول خدا گذاشتیم فلما نظر الیه بکی و جرت دموعه، ثم رفع رأسه الی السماء
و قال: اللَّهُمَّ بارک لقوم جلّ آئیتهم خزف. حضرت به آنها نگریست، گریست و
اشکش جاری شد و سپس سرش را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا برکت بده
به قومی که بیشتر ظروفش سفال است. «2»

2- پس حضرت، فاطمه را به پشت پرده خواند و دست او را به دست علی
داد و دعا نمود؛ «1»

3 - امام صادق علیه السلام می فرماید: فاطمه علیه السلام را به (خانه) علی علیه السلام
آوردند از پوشش فقط یک عبا داشت و و فرزشان پوست گوسفند و بالششان
پوستی پر از لیف خرما بود. «2»

موسی بن ابراهیم مروزی، از موسی بن جعفر، از پدرش، از جد بزرگوارش علیه السلام ، از جابر بن عبد الله روایت کرده است گفت: لما زوج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه من علی علیه السلام أتاه أناس فقالوا له: أنك قد زوجت علیاً بمهر خسیس! فقال: ما أنا زوجته، ولكن الله زوجة - إلى أن قال: فلما كان ليلة الزفاف أتى النبي صلی الله علیه و آله و سلم بیغلة الشهباء وثنی علیها قطیفة، وقال لفاطمة: اركبی وأمر سلمان أن یقودها، والنبی صلی الله علیه و آله و سلم یسوقها فبینما هو فی بعض الطریق إذ سمع النبی صلی الله علیه و آله و سلم وجبة فإذا بجبرئیل فی سبعین ألفاً ومیکائیل فی سبعین ألفاً، فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم ما أهبطکم إلى الأرض؟ فقالوا: جننا نرف فاطمة إلى زوجها، وكبر جبرئیل وكبر میکائیل وكبرت الملائكة وكبر محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، فوضع التكبير علی العرائس من تلك اليلة. زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را به علی علیه السلام تزویج نمود، مردمانی آمده و به او گفتند: تو (فاطمه را) به علی علیه السلام باناچیزترین مهریه، تزویج نمودی! فرمود: من او را تزویج نکردم بلکه خداوند او را تزویج نمود تا فرمود: وقتی که شب زفاف رسید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استر «شهباء» را آورد و قطیفه روی او انداخت و به فاطمه علیها السلام فرمود: سوار شو و به سلمان فرمود: استر را بکشد و خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می راند در این مسیر ناگهان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صدای گروهی را شنید و دید جبرئیل با هفتاد هزار فرشته، و میکائیل با هفتاد هزار ملک حضور یافته اند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چه چیز سبب فرود آمدن شما بر زمین است؟! گفتند: آمدیم فاطمه علیها السلام را به زفاف شوهرش بدرقه کنیم؛ جبرئیل و میکائیل و فرشتگان و محمد صلی الله علیه و آله و سلم تکبیر گفتند: از همان شب در عروسی ها تکبیر گفتن مرسوم گردید. «3»

5- تزویج فاطمه علیها السلام در ماه رمضان و عروسی در ماه ذی الحجة در سال دوم هجرت بود. «1»

ناگفته نماند ممکن است بعضی ها خیال کنند که آن زمان این گونه و این لوازم زندگی مرسوم بود، ولی این فکر اشتباه است در آن زمان هم نسبت به خود تشریفات زیاد و سنگین وجود داشت اما این رسول خدا ﷺ بود که با آن وضع ساده دخترش را به خانه بخت فرستاد، تا زندگی ساده، برای امتش الگو شود، مگر او پیشوا و رهبر دنیا و آخرت نیست؟!!!

با اینکه آن قدرت آسمانی و خدائی که داشت، می توانست با آخرین متد و آخرین مدل و با جهازیه سنگین، دخترش را به خانه علی علیه السلام بفرستد ولی نکرد تا من و تو یعنی ما از او زوایای انسانیت و ساده زیستن را یاد بگیریم
انشاءالله

9 - کراهت ازدواج در ساعات گرم!

9 - کراهت ازدواج در ساعات گرم! در احادیث مسائل و مطالبی در شریعت مقدس اسلام آمده است که علت و حکمت آن به ما روشن نشده و بیان نگردیده است، ولی با مرور زمان علت بعضی از آنها کشف می شود؛ پس در صورت صحت اسناد حدیث، باید آن مطالب را به طور تعبد و در بست پذیرفته و قبول نماییم، از جمله آنها مطالب فصل‌های ذیل است.

ضریس بن عبد الملک گوید: به ابا جعفر علیه السلام گفتند: مردی در نصف روز ساعت گرمی (هوا) ازدواج کرده است فرمود: ما اراهما یتفقان فافترا. نمی بینم آن دو ادامه (زندگی) دهند، (در زمان کمی) از هم جدا شدند. «2»

زرارة، از ابی جعفر علیه السلام او خواست با زنی ازدواج نماید ولی پدرش خوش نداشت، گفت: رفتم و با آن زن ازدواج نمودم، وقتی او را زیارت کردم (و دیدم) چیزی که از او خوشم بیاید، ندیدم، بلند شدم برگردم، بر من پیش دستی کرد که در را به روی من ببندد! گفتم: نبند، هرچه خواستی برای تو (می دهم)؛ پیش پدرم برگشتم و جریان را شرح دادم، فرمود: بر تو چیزی نیست مگر نصف مهر و فرمود: أنت تزوّجتها فی ساعة حارة. تو با او در ساعت گرم ازدواج کردی. «1»

10 - کراهت زفاف در شب چهارشنبه!

10 - کراهت زفاف در شب چهارشنبه! عبید بن زرارة و أبی العباس هر دو گفتند: أبو عبد الله عليه السلام فرمود: ليس للرجل أن يدخل بامرأة ليلة الأربعاء. برای مرد (صلاح) نیست با زنی، شب چهارشنبه همبستر شود.²

11 - استحباب خواندن خطبه!

11 - استحباب خواندن خطبه! 1 - عبید بن زرارة گفت: از ابا عبد الله عليه السلام از حکم تزویج بدون خواندن خطبه سؤال نمودم؟ فرمود: او لیس عامة ما تتزوج فتياتنا ونحن نتعرق الطعام على الخوان نقول: يا فلان زوج فلانا فلانة، فيقول: قد فعلت. آیا نبود ما جوانانمان را تزویج می کردیم در حالی که گوشت استخوان (ولیمه) را در سفره می خوردیم و می گفتیم ای فلانی، فلانه را به فلانی تزویج کن او هم می گفت: کردم (و با این وضع ازدواج بدون خطبه انجام می گرفت).³

2 - عبد الله بن ميمون قداح، از ابي عبد الله عليه السلام (عليه السلام) فرمود: انّ عليّ بن الحسين عليه السلام كان يتزوج و هو يتعرق عرقا يأكل ما يزيد عليّ أن يقول: ثمّ قال عليّ بن الحسين عليه السلام : إذا حمد الله فقد خطب. عليّ بن حسين عليه السلام ازدواج می کرد در حالی که گوشت استخوان (ولیمه) را می خورد و بیش از این نمی فرمود: الحمد لله، وصلى الله على محمد وآله ونستغفر الله، وقد زوجناك عليّ شرط الله، سپس فرمود: عليّ بن حسين عليه السلام وقتی حمد خدا را می کرد (در واقع) خطبه می خواند.¹

12 - استحباب اعلان عقد!

12 - استحباب اعلان عقد! در زمان‌های قدیم و قبل از ایجاد دفاتر رسمی، استشهاد و اعلان برای ازدواج، به خاطر این بود که نسب‌ها قاطی و اولاد مخلوط یا انکار شده نباشد، اما در این ازمینه این کارها ضرورت ندارد زیرا ازدواج رسمی در دفاتر ازدواج مسئله را حل نموده است و کتباً شاهد و از طرفین امضاء می‌گیرند. روایات ذیل را در این مورد تیمناً می‌آوریم.

1 - زرارة بن أعین گفت: از أبو عبد الله عليه السلام سؤال نمودند از حکم مردی که بدون شهود ازدواج کند فرمود: لا بأس بتزويج البتة فيما بينه وبين الله، انما جعل الشهود في تزويج البتة من أجل الولد، لو لا ذلك لم يكن به بأس. عیب ندارد ازدواج ابتدائی بین الله بین او، و شهود در تزویج به خاطر اولاد است اگر این نبود (ازدواج بدون شاهد) عیبی نداشت. ²

2 - حفص بن بختری، از ابي عبد الله عليه السلام در حکم مردی که بدون شاهد ازدواج نماید فرمود: لا بأس. عیبی ندارد. ³

3 - محمد بن الفضیل گفت: أبو الحسن موسی عليه السلام به ابي يوسف قاضی فرمود: ان الله أمر في كتابه بالطلاق وأكّد فيه بشاهدين ولم يرض بهما إلا عدلين وأمر في كتابه بالتزويج فأهمله بلا شهود، فأثبتم شاهدين فيما أهمل، وأبطلتم الشاهدين فيما أكّد. خداوند در کتابش (قرآن کریم) به طلاق امر فرموده و آن را با دو شاهد تأکید (و محکم کاری) کرده است و به تزویج امر نموده و آن را بدون شاهد آسان گرفته است (ولی) شما دو شاهد برای چیزی که خدا بی اعتنائی کرده، ثابت کردید و باطل نمودید اهمیت دو شاهد را که خداوند تأکید نموده است. ⁴

13 - حکم ازدواج با دختر کم سن و سال!

13 - حکم ازدواج با دختر کم سن و سال! ازدواج با دختران کم سن و سال اگر کمتر از 9 یا 10 سال باشد و او را معیوب (و افضاء) نماید باید علاوه بر دیه آن، مادام العمر خرج او را بدهد! زیرا او را از شوهر نمودن، محروم ساخته است، و اگر بعد از بلوغ مسئله افضاء یعنی به هم پیوستن عقب و جلو، پیش آید، حکم فرق می کند، به روایات زیر توجه نمائید.

1 - حلبی، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: **إِنَّ مَنْ دَخَلَ بِامْرَأَةٍ قَبْلَ أَنْ تَبْلُغَ تِسْعَ سِنِينَ فَأَصَابَهَا عَيْبٌ فَهُوَ ضَامِنٌ**. هرکس به زنی پیش از نه سالش داخل شود و عیبی به او برسد، ضامن است. ^{«1»}

2 - حمران، از ابی عبد الله علیه السلام سؤال کردند از حکم مردی که با دختر باکره به بلوغ نرسیده، نزدیکی نموده و او را افضاء نموده است فرمود: **إِنْ كَانَ دَخَلَ بِهَا حِينَ دَخَلَ بِهَا وَلَهَا تِسْعَ سِنِينَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَتْ لَمْ تَبْلُغْ تِسْعَ سِنِينَ أَوْ كَانَتْ لَهَا أَقْلٌ مِنْ ذَلِكَ بِقَلِيلٍ حِينَ دَخَلَ بِهَا فَاقْتَضَتْهَا فَإِنَّهُ قَدْ أَفْسَدَهَا وَعَطَّلَهَا عَلَى الْأَزْوَاجِ فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَغْرِمَهُ دَيْتَهَا، وَإِنْ أَمْسَكَهَا وَلَمْ يَطْلُقْهَا حَتَّى تَمُوتَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ**. اگر هنگام همبستر شدن به نه سال رسیده است، چیزی بر او نیست و اگر پیش از نه سال یا کمی کمتر باشد و او را افضاء (پاره) نموده است، چون (آن زن) را فاسد و برای شوهر کردن تعطیل نموده است، پس برای حاکم (شرع) است که او را به دیه محکوم نماید و اگر نگهداشت و تا دم مرگ طلاق نداد، چیزی براو نیست. ^{«2»}

3 - هشام بن حکم، به ابی عبد الله علیه السلام یا ابی الحسن علیه السلام گفته شد: **أَنْتَزَوْجٌ صَبِيَانًا وَهَمَّ صَغَارٌ فَقَالَ: إِذَا زَوَّجُوا وَهَمَّ صَغَارٌ لَمْ يَكَادُوا أَنْ يَأْتَلَفُوا**. ما

بچه هایمان را در کوچکی تزویج می کنیم، فرمود: اگر در کوچکی ازدواج نمایند، معلوم نیست باهم انس بگیرند (وکنار بیایند).³

4 - ابي بصير گفت: شنيدم ابا جعفر عليه السلام می فرمود: لا تدخل المرأة على زوجها حتى ياتي لها تسع سنين أم عشر. زن به شوهرش داخل نشود تا سنش به نه یا ده سال برسد.¹

5 - حلبی، از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: إذا تزوج الرجل بالجارية وهي صغيرة فلا يدخل بها حتى يكون لها تسع سنين زمانی که مرد با دختر کوچکی ازدواج نمود، با او نزدیکی نکند تا نه سال داشته باشد.²

3 - زرارة، از ابي جعفر عليه السلام فرمود: لا يدخل بالجارية حتى ياتي لها تسع سنين أو عشر. به دختر (با کنیز) نزدیکی نشود تا نه یا ده سالش تمام شود.³

14 - عروس این چیزها را نخورد

14 - عروس این چیزها را نخورد از نظر پزشکی مصرف بعضی از خوردنی‌ها برای عروس مجاز نمی‌باشد و در آینده به مضرات آن گرفتار خواهد شد!، به حدیث زیر توجه فرمائید.

1 - اَبی سعید خدری در وصیت نبی صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود: وامنع العروس فی اسبوعک (اسبوعها) من الألبان⁴ و الخلّ و الکزبرة و التّفاح الحامض من هذه الأربعة الأشياء، فقال علی علیه السلام: یا رسول الله و لأیّ شیء أمنعها من هذه الأشياء الأربعة؟ قال: لأنّ الرّحم یعقم و یبرد من هذه الأشياء الأربعة عن الولد و لحصیر فی ناحية البیت خیر من امرأة لا تلد، فقال علی علیه السلام یا رسول الله، ما بال الخلّ تمنع منه؟ قال: إذا حاضت علی الخلّ لم تطهر أبداً بتمام، و الکزبرة تُثیر الحیض فی بطنها و تشدّد علیها الولادة، و التّفاح الحامض یقطع حیضها فیصیر داءً علیها. و عروس را در هفته اول از خوردن کندر و سرکه و گشنیز و سیب ترش از این چهار چیز منع کنید، علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به چه علت از این چهار چیز منع نمایم؟ فرمود: برای اینکه این چیزها رحم را عقیم و سرد کرده (و نازا) می‌کند و البته حصیری در گوشه خانه، بهتر از زن نازا است، علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چرا از سرکه منع می‌کنی؟ فرمود: زمانی که زن روی سرکه حایض شد، به تمام معنی پاک نمی‌شود، و گشنیز حیض را در باطن زن به فوران می‌آورد و ولادت (و زایمان را) برای زن تشدید می‌کند، و سیب ترش حیض او را قطع می‌کند و بر او مرض می‌شود. «1»

15 - تفاوت غرایز جنسی زن و مرد!

15 - تفاوت غرایز جنسی زن و مرد! خداوند با حکمت متعالیه خود: در وجود بانوان و ساختمان جسمی و روانی آنها، مختصات و امتیازات متعددی: نسبت به آقایان قرار داده است: تا کانون زندگی همیشه گرم و برقرار و پایرجا بماند و از هم نپاشد: مانند عواطف سرشار و صبر فوق العاده و گذشت بی شمار و حیای زیاد وو ...

همچنین است در مورد غریزه جنسی و هوس جسمی و نیاز طبیعی در وجود بانوان چندین برابر آقایان نهفته است که اگر صبر و حیای آنها آن را مهار نمی‌کرد کار به جاهای باریک کشیده می‌شد (به چند روایت توجه نمایید).

1 - اصبع بن نباتة گفت: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خلق الله عزوجل الشهوة عشرة أجزاء فجعل تسعة اجزاء في النساء، وجزءاً واحداً في الرجال، ولو لا ما جعل الله عزوجل فيهن من الحياء على قدر أجزاء الشهوة لكان لكل رجل تسع نسوة متعلقات به. خدای عزّ و جلّ:

شهوة را ده جزء آفریده است پس نه جزء آن را در زنها قرار داده و یک جزء در مردان، و اگر نبود آن حیائی که خدای عزّ و جلّ به تعداد شهوت: در زنها قرار داده است، البتّه بر هر مرد نه زن در می‌آویخت. «2»

2 - ضریس گفت شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام : می‌فرمود: ان النساء أعطین بضع اثنی عشر، و صبر اثنی عشر. همانا به زنها دوازده (قسمت) هوس جماع داده شده و (درمقابل) دوازده قسمت هم صبر داده شده‌اند! «3»

3 - إسحاق بن عمار گفت: أبو عبد الله علیه السلام فرمود: ان الله عزوجلّ جعل

للمرأة صبر

عشرة رجال فإذا هاجت كانت لها قوة شهوة عشرة رجال. خدای عزّ وجلّ
برای زن صبر ده مرد را داده است وقتی که به هیجان آمد قدرت ده مرد نیز در
او پیدا شود. «1»

4 - سماعة بن مهران: از ابي بصير: گفت: شنيدم ابا عبد الله عليه السلام می گفت:
فُضِّلَتِ الْمَرْأَةُ عَلَى الرَّجُلِ بِتِسْعَةٍ وَتَسْعِينَ مِنَ اللَّذَّةِ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْقَى عَلَيْهَا الْحَيَاءَ.
زن با نود و نه برابر لذت بر مرد، برتری داده شده است ولكن خداوند برای زن
حیا را انداخت (و در آن پیچید). «2»

5 - مسعدة بن صدقة از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: انّ الله جعل للمرأة أن
تصبر صبر عشرة رجال، فإذا حصلت زاداها قوة عشرة رجال. خداوند قرار داده
است زن به اندازه ده مرد شکیبا باشد، وقتی که (شهوة جنسی به هیجان آمد و)
حاصل شد، قدرت ده مرد را نیز، اضافه می کند. «3»

16- کثرت هم بستری

16 - کثرت هم بستری فرو نشاندن آتش غریزه جنسی مخصوصاً در دوران جوانی از خواسته‌های طبیعی هر ذی حیات بویژه انسان است، زیرا این اسب چموش و غول سرکش تا آرام نگیرد، سر به بیابان‌ها نهد و آدمی را به پرتگاه‌های خطرناک می‌افکند، بدینجهت برای این که انسان از این نیاز جنسی سیر شده و آرام گیرد، درپاره‌ای از روایات برای مقاربت زیاد با همسر خود، تشویق و بااین عمل، نفس بی مهار و سر به هوا را، مهار نماید.

1 - معمر بن خلاد گفت: شنیدم علی بن موسی الرضا علیه السلام می گفت ثلاث من سنن المرسلین: العطر، وأخذ (إحفاء) الشعر، وكثرة الطروقة. سه چیز از سنت‌های پیامبران علیهم السلام است عطر زدن و تراشیدن مو و مقاربت زیاد. ^{«4»}

2 - بهلول: از مردی از ابی جعفر علیه السلام فرمود: خیر النساء التي إذا دخلت مع زوجها فخلعت الدرّ خلعت معه الحياء، وإذا لبست الدرّ لبست معه الحياء. بهترین زنان زنی است وقتی با شوهرش داخل (رختخواب) شد (اسلحه و) لباسش را در آورد پرده حیا را از خود خلع نماید (و دور سازد) و وقتی که لباس پوشید همراه آن لباس حیا را هم بیوشد. ^{«1»}

3 - ابی بصیر: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: خیر نسائکم التي إذا خلت مع زوجها خلعت له درع الحياء، ^{«2»} وإذا لبست لبست معه درع الحياء. بهترین زنان شما زنی است وقتی با شوهرش خلوت نمود (اسلحه و) پرده حیا را از خود برکند (و دور سازد) و وقتی که لباس پوشید همراه آن لباس حیا را هم بیوشد. ^{«3»}

17 - قَلت هم بستری!

17 - قَلت هم بستری! افراط در هرکاری حتی در عبادت، انسان را به بیراهه می برد و در نهایت به مرز نابودی می کشاند، در قرآن مجید هم وقتی که صفات بندگان خالص خدا را می شمارد و بیان می کند، در باره انفاق و احسان می فرماید: «و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند».⁴

در راهنمایی پیامبر گرامی، می فرماید: «هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حدّ (نیز) دست خود را مگشا، که مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرو مانی».⁵

پس در هیچ کاری نباید از میانه روی و اعتدال بیرون رفت، از این رو از نظر پزشکی هم افراط در مقاربت و کثرت مجامعت، برای بدن آدمی، ضرر کلی دارد پس در هرچیز حفظ اعتدال شرط سلامت است و در ساختمان وجودی انسانها نیز تفاوت کلی دارد، برای بعضی ها اثر نمی گذارد ولی بعضی را از پا در می آورد.

1 - باسناد سه گانه، از امام رضا، از پدران بزرگوارشان علیهم السلام علی علیه السلام فرمود: من أراد البقاء ولا بقاء فلیباکر الغداء ویجید الحذاء ویخفف الرداء ولیقلّ غشیان النساء. هر کس اراده بقاء (وسلامت زیستن) دارد که بقاء (وابدیتی وجود ندارد)، اول صبح، صبحانه بخورد و کفش خوب (وزیبا) بیوشد و لباسش را سبک نماید و نزدیکی با زنان را کم کند.¹

ممکن است چنین به نظر آید که این سخن با سخن فصل قبلی تضاد دارد و همخوان نیست، در آنجا به کثرت همبستری و در اینجا به قلت آن تشویق و ترغیب می کند.

راه حل: در هر دو فصل انسان را برای زیست سالم و عاقلانه، رهنمون می شود، در آنجا برای این که انسان پشت سر نامحرمان و حرام نگردد و به انحراف کشیده نشود و وجودش کشش آن را دارد، به مقاربت زیاد توصیه شده است، ولی در اینجا برای جلوگیری از افتادن به ورطه هلاکت و نارسائی بدن و ضعف بنیه، راهنمایی نموده است در هر حال افراط و تفریط را از خود دور نماید و اعتدال و میانه روی را سرمشق خود قرار دهد

18 - مقاربت در حال میل بانوان!

18 - مقاربت در حال میل بانوان! در بعضی اوقات ممکن است بانوان بنا به عللی، نیاز به مسئله جنسی داشته باشند ولی آقایان هم بنا به بعضی مسائل، بی اعتنا به این نیاز از کنار آن رد شوند؛ البته در کل این اخلاق خوبی نیست، باید مرد به همسر و شریک زندگی اش بیشتر توجه داشته باشد و احتیاجات او را بر طرف نماید بخصوص در مراحل مختلف جنسی که بیشتر اختلاف ها از این مسیر پیش می آید به روایت ذیل دقت نمائید.

1 - عبد الله بن القداح، از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم (روز جمعه) به مردی فرمود: أصبحت صائماً؟ فقال: لا، (قال: فعدت مريضاً؟ قال: لا، قال: فاتبع جنازة؟) قال: فأطعمت مسكيناً؟ قال: لا، قال: فارجع إلى أهلک فإنه منک عليهم صدقة (فارجع إلى أهلک فأصيهم) ¹ (قال له قم فأصب من أهلک فإنه منک صدقة عليها).

آیا روزه‌ای؟ گفت: نه،

مريضی را عیادت کرده‌ای؟ نه،

به تشییع جنازه رفته‌ای؟ نه،

مسکینی را اطعام نموده‌ای؟، گفت: نه

فرمود: پس برگرد پیش اهل و عیالت، این برگشت از تو برای آنها صدقه است (برگرد به سوی اهل و عیالت و به آنها اصابت نما (و برس و در آویز).

(در روایت دیگر) فرمود: برگرد به سوی عیالت و با او نزدیکی کن این کار از تو صدقه است برای او. «2»

2 - إسحاق بن إبراهيم جعفی گفت: شنیدم أبا عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمود: ان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دخل بيت ام سلمة فشم ريحاً طيبة، فقال: أتتكم الحولاء فقالت: هوذا هي تشكو زوجها فخرجت عليه الحولاء فقالت: بأبي أنت وامى ان زوجى عنى معرض، فقال: زيديه يا حولاء، فقالت: لا أترك شيئاً طيباً مما أتطيب له به وهو معرض، فقال: أما لو يدرى ماله باقباله عليك، قالت: و ماله باقباله على؟! فقال: أما أنه إذا أقبل اكتنفه ملكان وكان كالشاهر سيفه فى سبيل الله، فإذا هو جامع تحات عنه الذنوب كما يتحات ورق الشجر، فإذا هو اغتسل انسلخ من الذنوب.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خانه ام سلمه داخل شد و بوی خوش استشمام نمود فرمود:

حولاء «3» پیش شما آمده بود؟ عرض کرد او اینجاست برای شکایت از شوهرش آمده است!؛

پس حولاء بیرون آمد و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، شوهرم از من رو گردان شده است! فرمود: (به خودت بیشتر برس و خوشبوئیت را) بیشتر کن ای حولاء، گفت:

چیزی از خوشبوئی برایش کم نگذاشته‌ام و باز رو گردان است! فرمود: آگاه باش، کاش او می دانست در توجه به تو چه برایش هست (و چه چیزهائی به او داده می شود)؛

گفت: با رو کردن او به من برایش چه می دهند؟! فرمود: آگاه باش وقتی که به سویت می آید، دو فرشته او را در میان گرفته (وبغل می کنند) و مانند کسی

است که در راه خدا، شمشیر کشد (وجهاد نماید)، زمانی که نزدیکی کرد، گناهان
او می ریزد آنگونه که برگ درختان می ریزد، هرگاه غسل کرد از گناهان بیرون
می آید.¹

بخش دوم رفتار در خانواده!

راهنمایی‌های رفتار در خانواده

اشاره

در این بخش علاوه بر مطالب گذشته تعدادی، از روایات راهنمایی‌هایی را می‌آوریم که به کار گرفتن آنها، ضرورت و لوازم زندگی سالم است

1 - عشق و علاقه‌ات را اظهار کن!

1 - عشق و علاقه‌ات را اظهار کن! داستان شیرین دوران بردگی لقمان را فراموش نکرده‌اید که روزی یک میهمان عزیز برای مولایش آمد و او به لقمان دستور داد حیوانی را ذبح نماید و بهترین عضو بدن آن حیوان را کباب کرده و برای میهمان عزیزش بیاورد، او دستور را اجرا کرد و زبان آن حیوان را کباب کرد و جلوی میهمان گذاشت، دوباره آقايش گفت: حیوان دیگری را بکشد و بدترین اعضای آن را کباب کرده و بیاورد، باز زبان را آورد؛

مولایش بر آشفت با اینکه می‌دانست لقمان کار بیهوده انجام نمی‌دهد علت این کار را از او پرسید او گفت: آقا «زبان» هم بهترین عضو و بدترین عضو بدن است!؛ زیرا زبان است انسان را به چاه سرازیر می‌کند و از چاه بیرون می‌کشد، زبان است که به کشتن دهد و از کشتن نجات دهد، زبان آدمی را به زندان افکند و رها سازد، زبان زندگی را شیرین و یاتلخ و زهرمار می‌کند و ... کسانی هستند با زبان بازی ولو غیر واقعی، کارهای خود را روبراه کرده و فیصله می‌دهند و طرف مقابل را شیفته خود می‌سازند، و کسانی هم پیدا

می‌شوند با این که از ته دل کسی را دوست می‌دارد مخصوصاً به اهل و عیال خود، علاقه زیاد دارند و به آنها عشق می‌ورزند: اما از بازگو کردن آن، کوتاهی می‌کنند مخصوصاً در باره بانوانشان، او را در حد پرستش دوست دارند، اما نمی‌خواهند به زبان آورده و علاقه درونی خود را برایش آشکار سازند و به همسرش آرامش روحی و جسمی ارزانی دارند با اینکه عقل و شرع به او دستور می‌دهد آنچه که از عشق و علاقه در دلت انباشته است بیرون بریز و ابراز علاقه کن چون با گفتار عاشقانه، خیلی از مشکلات حل می‌شود و خستگی را از تن طرف مقابل می‌زداید: یک جمله (دوستت دارم) و (زندگی بی تو برایم مفهومی ندارد) (تو عشق منی تو تمام آرزوی منی) و مانند این گفتارها، خیلی از کارهای بغرنج و حل نشدنی راحل می‌کند و رشته زندگی را از هم گسیختن و متلاشی شدن، نجات می‌دهد.

1 - عمرو بن جمیع: از ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: قول الرجل للمرأة إِنِّي أَحْبَبُكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا. گفتن مرد بر زن، دوستت دارم، ابداً از دل او نمی‌رود (و برای همیشه باقی می‌ماند). «1»

2 - تأکید به دوست داشتن همسر

2 - تأکید به دوست داشتن همسر زندگی شیرین و ایده آل، بر محور محبت و علاقه و حسن خلق و دوستی، دور می‌زند اگر خانه و خانواده‌ای از این خصلت‌های انسانی و رحمانی محروم و خالی شود، دیگر آن خانه سوت کور و آن زندگی معنا و مفهومی نخواهد داشت:

مخصوصاً با یک همسفر مادام‌العمر و رفیق دائمی خوشی‌ها و ناخوشی‌ها و همسر و همسر و همراز خستگی‌ناپذیری که فقط در انتظار کمترین دوست داشتن و صمیمیت نشسته و به تمامی فراز و نشیب‌ها و کوران‌ها و طوفان‌های زندگی، تن در داده و صبورانه، دست و پنجه نرم می‌کند و تحمل می‌نماید؛ بدینجهت، در ادیان آسمانی بالأخص در دین مبین اسلام روی این مسئله، تأکید زیاد شده و دستورهای اکید بر همسر دوستی و اخلاق خوب خانوادگی و تأمین زندگی مرفه و ... داده شده است.

چنانکه در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و عاشروهن بالمعروف» با آنها به خوبی معاشرت (ورفتار) نمایید.²

1 - ابن‌ابی‌عمیر: از إسحاق بن‌عمار: از ابی‌عبد‌الله علیه‌السلام فرمود: من أخلاق الأنبياء حبّ النساء. از اخلاق انبیاء دوست داشتن زنان است.³

2 - ابی‌العباس گفت: شنیدم امام صادق علیه‌السلام می‌فرمود: العبد کَلَّمَا ازداد للنساء حبّاً ازداد فی الإیمان فضلاً. بنده (خدا) زنان (و همسران) را هرچه زیاد دوست دارد، فضیلت ایمانش زیاد شود (و از مواهب زندگی، بیشتر بهره‌مند می‌شود).¹

3 - ابی عبدالله علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جُعِلَ قَرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَ لَذَّتِي فِي النَّسَاءِ. روشنی چشم من در نماز و لذت من در (وجود) زنان قرار داده شده است. «2»

4 - یونس بن یعقوب: از کسی که از ابا عبد الله علیه السلام شنیده می فرمود: أكثر الخیر فی النساء. بیشترین خیر در (وجود) بانوان است. «3»

5 - محمد بن إدريس در آخر (السرائر): بنقل از کتاب روایة ابن قولويه از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: كل من اشتد لنا حباً اشتد للنساء حباً وللحواء. همه آنان که ما را به شدت دوست دارند زنان و حوا را نیز زیاد دوست می دارند. «4»

6- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: استوصوا (اتقوا فی) بالنساء خیراً فانهن عندکم عوار لا یملکن لأنفسهن شیئاً و انما اتخذتموهن بأمانة الله و استحللتم فروجهن بكلمة الله «و لهن علیکم کسوتهن بالمعروف». در باره زنان (بترسید) سفارش نیکو بکنید (و با آنها خوش رفتار باشید) زیرا آنان نزد شما عاریه (و دست خالی) هستند، برای خود چیزی را مالک نیستند، و آنها را به امانت خدا گرفته اید و اندام جنسی آنها را با کلمه (و دستور) خدا بر خود حلال نموده اید و بر شماست پوشاک آنها بطور مناسب

(پس آنها را قدر بدانید و ارزش قایل شوید). «5»

7 - امیرمؤمنان فرمود: فداروهن علی کل حال، وأحسنوا لهنّ المقال، لعلهنّ یحسننّ الفعل. در هر حال با آنها (زنان) مدارا کنید و گفتار را زیبا نمایید شاید آنها هم رفتار خوبی داشته باشند. «6»

8 - هارون، از ابن صدقة، از امام صادق، از پدرش علیه السلام فرمود: من اتخذ امرأة فلیکرهما فإنما امرأة أحدکم لعبة. هرکس زن گرفت، گرامی بدارد همانا زن هریک از شما وسیله بازی (و سرگرمی) اوست. «1»

9 - ابن علوان، از امام صادق، از پدر بزرگوارش عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: اتقوا الله اتقوا الله فى الضعيفين: اليتيم والمرأة، فان خياركم خياركم لأهله. از خدا بترسید از خدا بترسید، در باره دو ناتوان، یتیم و زن، همانا بهترین شما نیکویان شماست به اهل (و عیالش).²

3 - شوهر دوستی!

3 - شوهر دوستی! شیرینی زندگی در دنیا به محبت و علاقه متقابل بستگی دارد مخصوصاً برای زوجین که از من و تو «ما» شده‌اند یعنی زن و شوهر همدیگر را درک کنند و به یکدیگر علاقه‌مند شوند بگونه‌ای که سالهای متمادی عمر را با خوشی و خرمی، سپری کرده و در نهایت با عشق و علاقه از هم جدا شده و برای رفتن به جهان ابدیت، از همدیگر خدا حافظی نمایند.

1 - امام صادق علیه السلام فرمود: انصرف رسول الله صلى الله عليه وآله من سرية كان اصيب فيها ناس كثير من المسلمين فاستقبله النساء يستلن عن قتلاهن فذنت منه امرأة. فقالت: يا رسول الله صلى الله عليه وآله ما فعل فلان؟ قال: وما هو منك؟ فقالت: أخی فقال: احمدي الله واسترجعي فقد استشهد ففعلت ذلك، ثم قالت: يا رسول الله صلى الله عليه وآله ما فعل فلان؟ فقال: وما هو منك؟ قالت:

زوجی فقال: احمدي الله واسترجعي فقد استشهد فقالت: (واوبلی) واذلّاه، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله ما كنت أظن أن المرأة تجد بزوجها هذا كله حتى رأيت هذه المرأة. رسول خدا صلى الله عليه وآله از (جنگ و) پیکاری برگشت که مردان زیادی از مسلمان‌ها در آن، کشته یا زخمی شده بودند، خانم‌ها به استقبال آمدند و از کشته شدگان‌شان می‌پرسیدند (در این حال) بانویی به حضرت نزدیک شد و گفت: ای رسول خدا صلى الله عليه وآله فلانی چه کرد؟ فرمود: او چه نسبتی با تو داشت؟ عرض کرد:

برادرم بود، فرمود خدا را سپاس گزار و استرجاع کن، او شهید شد، آن بانو حمد نمود و انا الله گفت، سپس پرسید ای رسول خدا ﷺ فلانی چه کرد فرمود: چه کس تو بود؟ گفت: شوهرم بود، فرمود: حمد خدا کن و انا الله بگو او هم شهید گشت آن زن گفت: وای بر من، وای بر ذیلی من، رسول خدا ﷺ فرمود: من گمان نمی کردم زنی برای از دست دادن شوهرش این همه (ناراحتی و تأثر) داشته باشد تا این خانم را دیدم. «1»

2 - معمر بن خلاد گوید: شنیدم ابا الحسن علیاً می فرمود: رسول خدا ﷺ به دختر جحش فرمود: قُتِلَ خَالِكُ حَمَزَةَ، فاسترجعت، و قالت أحتسبه عند الله، ثم قال لها قتل أخوك، فاسترجعت و قالت أحتسبه عند الله، ثم قال لها قتل زوجك، فوضعت يدها على رأسها و صرخت، فقال رسول الله ﷺ ما يعدل الزوج عند المرأة شيئي. دائیت حمزه کشته شد، استرجاع نمود و گفت: پیش خدا حساب می کنم (یعنی اجرم را درباره او از خدا می گیرم)، فرمود: برادرت (نیز) کشته شد! استرجاع کرد و گفت: پیش خدا حساب می کنم، فرمود: شوهرت (هم) به قتل رسید، (مرگ شوهر را که شنید دستش را به سر گذاشت و ناله بلند سرداد، رسول خدا ﷺ فرمود: پیش زن هیچ چیز با شوهر برابری نمی کند!

4- شوهر آزاری!

4 - شوهر آزاری! 1 - امام صادق علیه السلام فرمود: ملعونة ملعونة امرئة تؤذي زوجها وتعمه، و سعيده سعيدة امرئة تكرم زوجها ولا تؤذيه و تطيعه في جميع أحواله. از رحمت خدا دور و ملعونه است زنی که شوهر خود را اذیت کرده و غمگین نماید، و خوشبخت و سعادت‌مند است زنی که شوهرش را گرامی دارد و او را اذیت نکند و در هر حال فرمانبردار او باشد. ^{«2»}

2 - أیما امرأة آذت زوجها بلسانها لم يقبل الله منها صرفاً ولا عدلاً ولا حسنة من عملها حتى ترضيه، وإن صامت نهارها وقامت ليلها وأعتقت الرقاب وحملت على جيات الخيل في سبيل الله وكانت في أول من ترد النار، وكذلك الرجل إذا كان لها ظالماً، ثم قال: ألا وأیما امرأة لم ترفق بزوجها وحملته على ما لا يقدر عليه وما لا يطيق لم يقبل الله منها حسنة وتلقى الله وهو عليها غضبان. امام علیه السلام فرمود:

هر زنی شوهر خود را با زبانش اذیت نماید، خداوند از او نمی‌پذیرد صرف و عدل (کوچک و بزرگ عملی) و حسنه‌ای را، تا او را از خود راضی نماید اگرچه روزها روزه و شبها عبادت نماید و برده‌ها آزاد کند و با بهترین اسبها، در راه خدا (آنچه را خدا راضی است را) حمل نماید و اول کسی باشد که به آتش وارد شود، و همچنین است اگر بر زن ستم نماید.

سپس فرمود: آگاه باش هر زنی با شوهرش مدارا نکند و او را بر چیزی که قدرت و طاقت آن را ندارد، وادار سازد، از او حسنه‌ای قبول نمی‌شود و خدایا ملاقات نماید در حالی که بر او غضبناک است. ^{«1»}

3 - محمد بن علی بن حسین در کتاب (عقاب الاعمال): در عیادت مریض از رسول خدا ﷺ فرمود: من كان له امرأة تؤذيه لم يقبل الله صلاتها ولا حسنة من عملها حتى تعينه وترضيه وان صامت الدهر وقامت وأعتقت الرقاب وانفقت الاموال في سبيل الله وكانت أول من ترد النار، ثم قال: قال رسول الله ﷺ: وعلى الرجل مثل ذلك الوزر والعذاب إذا كان لها مؤذياً ظالماً ومن صبر على سوء خلق امرأته واحتسبه أعطاه الله (بكل مرة) يصبر عليها من الثواب مثل ما اعطى ايوب على بلائه وكان عليها من الوزر في كل يوم وليلة مثل رمل عالج فان مات قبل ان تعقبه وقبل ان يرضى عنها حشرت يوم القيامة منكوسة مع المنافقين في الدرك الأسفل من النار، ومن كانت له امرأة ولم توافقه ولم تصبر على ما رزقه الله وشقت عليه وحملته ما لم يقدر عليه لم يقبل الله لها حسنة تتقى بها النار وغضب الله عليها ما دامت كذلك. هرکس زنی دارد که او را اذیت می‌کند، خداوند نماز و کارهای خیر او را قبول نمی‌کند تا بر او کمک کرده و راضی اش نماید، اگرچه یک روزگار روزه بگیرد و برده‌ها آزاد کند و اموالش را در راه خدا انفاق نماید و اول کسی باشد که به آتش وارد می‌شود!

سپس فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: وعین این وزر و عذاب، بر مرد هم هست، اگر زن را اذیت و ستم نماید، و هرکس بر اخلاق بد زنش صبر کند و امید اجر داشته باشد، خداوند به هر مرتبه آن که صبر می‌کند، ثواب عطا فرماید به اندازه‌ای که به ایوب علیاً داده در مقابل صبر بر بلاهایش؛

و برای زن در مقابل هر روز (از بد اخلاقی اش) به تعداد ریگ بیابان «عالج»، وزر و وبال می‌باشد، پس اگر پیش از راضی نمودن همسر، بمیرد، روز قیامت، وارونه آویخته می‌شود با منافقین در پائین‌ترین طبقه جهنم از آتش؛

و هرکس همسری دارد با شوهرش موافقت نداشته باشد و به روزی خدا دادی صبر ننماید و بر شوهر سخت بگیرد و وادارش کند بر چیزی که طاقت آن را ندارد، خداوند اعمال خوب او را که از آتش نگهدارد، قبول نمی‌کند و غضب خدا بر او خواهد بود مادامی این گونه باشد. «1»

4 - علی (بن جعفر) عن أخيه عليه السلام قال: سألته عن المرأة العاصية لزوجها هل لها صلاة وما حالها؟ قال: لا تزال عاصية حتى يرضى عنها. علی (بن جعفر) از برادرش (موسی بن جعفر) عليه السلام گفت: از او از حکم زنی پرسیدم که به شوهرش نافرمانی می‌کند آیا نمازش درست است و حالش چگونه خواهد بود؟! فرمود: او مدام نافرمان (و عصیانگر) به حساب می‌آید تا شوهرش از او راضی شود. «2»

5 - جهاد بانوان

5 - روزی ام سلمه (یکی از زنان پیامبر) عرض کرد ای رسول خدا ﷺ: همه ثواب‌های جهاد و شهادت و کارهای فی سبیل الله مخصوص مردان است و زن‌ها از این همه ثواب‌ها محرومند و دست خالی؟! حضرت در فرمایش مفصلی ثواب دوران حاملگی و بچه داری و شیر دادن و بچه بزرگ کردن و غیره که به جای عبادت و شهادت و ثواب‌های تسبیح است را شرح داد و از جمله فرمود: جهاد زن، خوب شوهر داری اوست. ^{«1»}

1 د - موسی بن بکر: از ابی ابراهیم رضی الله عنه فرمود: جهاد المرأة حسن التبعل. جهاد زن: خوب شوهر داری اوست. ^{«2»}

2 - امیر مؤمنان رضی الله عنه فرمود: كتب الله الجهاد على الرجال والنساء فجهاد الرجل بذل ماله و نفسه حتى يقتل في سبيل الله، و جهاد المرأة أن تصبر على ماترى من أذى زوجها و غیرته.

خداوند جهاد را بر مرد و زن واجب نموده است!؛ پس جهاد مرد بخشیدن جان و مال خود است تا در راه خدا شهید شود؛ و جهاد زن این است که به آزار و اذیت شوهر و (از نا روایی‌های شوهر از جهت) غیرت (و بد بینی که به او متوجه می شود) صبر نماید. ^{«3»}

6 - پاداش خدمت به شوهر

6 - پاداش خدمت به شوهر ارزش خدمات بانوان به اعضای خانواده بخصوص به همسرش را غیر از خدا، کسی نمی‌تواند تعیین نماید و بها دهد زیرا این خدمات عاشقانه توأم با از خود گذشتگی، مخصوص این قشر خاص است که مادام‌العمر در پای آن نشسته و اینار می‌نمایند و از هیچ گونه فداکاری دریغ نمی‌ورزند در این زمینه به روایت‌های بعدی توجه فرمائید.

1 - ورام بن اُبی فراس در کتابش گفت: قال عَلَيْهِ السَّلَامُ الإمرأة الصالحة خير من ألف رجل غير صالح و أيما امرأة خدمت زوجها سبعة أيام أغلق الله عنها سبعة أبواب النار و فتح لها ثمانية أبواب الجنة تدخل من أيها شاءت. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: یک زن صالحه بهتر است از هزار مرد نا صالح، هر زنی یک هفته به مرد خودش خدمت نماید، خداوند هفت درِ جهنم را به روی او می‌بندد و هشت درِ بهشت را به روی او می‌گشاید که از هر کدام دلخواهش است وارد شود. ^{«1»}

2 - قال: و قال عَلَيْهِ السَّلَامُ: ما من امرأة تسقى زوجها شربة من ماء إلا كان خيراً لها من عبادة سنة صيام نهارها و قيام ليلها و بيني الله لها بكل شربة تسقى زوجها مدينة في الجنة و غفر لها ستين خطيئة. و باز فرمود: نیست زنی که شوهر خود را از آب سیراب نماید، مگر این که برایش از ثواب عبادت یک سال بهتر است که روزها روزه گیرد و شبها تا صبح نماز بخواند، و خداوند برایش به هر آشامیدن آب که شوهرش را سیراب نماید، شهری در بهشت بنا کند و از شصت گناه او در گذرد. ^{«2»}

3 - جماعتی از اُبی المفضل سندش را رسانده از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت می‌کند فرمود: سألت ام سلمة رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عن فضل النساء في خدمة

أزواجهن فقال: أيما امرأة رفعت من بيت زوجها شيئاً من موضع إلى موضع تريد به صلاحاً إلا نظر الله إليها ومن نظر الله إليه لم يعذبّه. فقالت ام سلمة رضي الله عنها: زدني في النساء المساكين من ثواب بأبي أنت وامّي فقال ﷺ: يا ام سلمة إن المرأة إذا حملت كان لها من الأجر كمن جاهد بنفسه وماله في سبيل الله عز وجل، فإذا وضعت قيل لها قد غفر لك ذنبك فاستأنفي العمل، فإذا أرضعت فلها بكل رضعة تحرير رقبة من ولد إسماعيل.

ام سلمه (زن پیامبر) از رسول خدا ﷺ سؤال نمود از فضیلت خدمت زنها به شوهرانشان، فرمود: هر زنی از خانه شوهر چیزی را بردارد و جای دیگر بگذارد که اراده اصلاح نمودن (و جابجا کردن دارد) مگر اینکه خداوند براو نظر نماید و به هرکس خداوند نظر کند دیگر او را عذاب ننماید؛

ام سلمه گفت: بیشتر بفرما ای رسول خدا ﷺ پدر و مادرم فدای تو باد، برای زنها بیچاره از ثواب، فرمود: ای ام سلمة همانا زنی که حامله شد اجر او مانند کسی است که با مال و جان خود در راه خدای عزّ و جلّ جهاد نماید، وقتی که وضع حمل نمود به او گفته می شود، گناہانت بخشوده شد اعمالت را دوباره از سر بگیر، هرگاه بچه را شیر داد به هر شیر دادن ثواب برده آزاد کردن از اولاد اسماعیل را، می دهند.³

7 - خوش رفتاری در خانواده

7 - خوش رفتاری در خانواده هنگامی که عاقد میان دو زوج جوان و غیر جوان عقد جاری می‌کند، معنا و مفهوم آن، این است که ما دونفر تا دم مرگ به همدیگر یار و یاور وفا دار خواهیم بود، و بنیان زندگی خود را با عشق و علاقه بنا کرده و به همدیگر، گره می‌زنیم و عقد می‌بندیم؛

اساساً معنای واژه «عقد» در عربی، به معنای گره و عاقد گره دهنده و معقود گره شونده است، پس با بستن این پیمان محکم و قول‌های مستحکم و سستی ناپذیر، وارد معرکه، تلخ و شیرین، و فراز و نشیب زندگی می‌شویم، آیا واقعاً کار درست و منصفانه است که هنوز مرگب امضاء و اثر انگشت در دفاتر ازدواج، خشک نشده راهی امضاء نمودن دفتر طلاق و جدائی باشیم!!

آخر چرا مردم این قدر پیمان شکن و سست گفتار و بد کردار و زشت رفتار شده‌اند، آیا شنیده‌اید در روزگاران قدیم که نه دفتر دستکی بود و نه سند رسمی ازدواج و مواد دوازده گانه دفتر ازدواج، برای نمونه، به خیال یک زن و یا مردی: مسئله طلاق و جدائی خطور کند؟! و یا اصلاً یکی از این اتفاقات بیفتد؟!؛

اگر در قبیله و ایل و تباری این مسائل حتی برای یک بار هم شده، پیش می‌آمد و اتفاق می‌افتاد، مانند صدای بمب اتم در همه جا می‌پیچید و دیگر کسی با آن قبیله وصلت نمی‌کرد و دختر نمی‌داد و نمی‌گرفت و برای همیشه، بد نام گشته و منزوی می‌شدند!!

آخر ما چه قدر عمر داریم و چند سال زندگی خواهیم کرد که این همه مشکلات را برای خود فراهم می‌کنیم و پیش می‌آوریم، بیایید این خصلت‌های

شیطانی و خصومت‌های غیر انسانی را کنار گذاشته، با کسی که پیمان زناشوئی و عقد همسری بسته‌ایم، وفادار بمانیم و با مختصرگذشتی، کینه توزی و خود خوری و صفات ناپسند و اعصاب خراب کن را، کنار گذاشته و فاتحه بد رفتاری و بد اخلاقی و ... را بخوانیم انشاءالله.

بینیم خردمندان عالم و بزرگان دین در این باره، چه توصیه‌ها و سفارش‌هایی را کرده‌اند.

1 - قال رسول الله ﷺ: خيركم خيركم لأهله (لنساءه) وأنا خيركم لأهلي (لنسائي). رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین شما کسی است که با خانواده اش: بهتر (و خوش رفتار) باشد و من بهترین شما نسبت به اهل (و عیالم) هستم. «1»

2 - و قال ﷺ: عيال الرجل اسراؤه وأحب العباد إلى الله عزوجل أحسنهم صنعا إلى أسرائه. و فرمود: عیالات مرد اسیران اویند و بنده دوست داشتنی تر در پیش خدای عزّ وجلّ کسانی اند که با اسیران خود: خوش رفتار باشد. «2»

3 - و قال أبو الحسن عیال الرجل اسراؤه فمن أنعم الله عليه بنعمة فليوسّع على أسرائه، فان لم يفعل أوشك أن تزول تلك النعمة. ابو الحسن عیال فرمود: خانواده مرد اسیران اویند! پس هرکس را خداوند توانائی نعمت داده به اسراء (و عیالات) خود گشایش دهد: و هرکس این را نکند: نابود شدن نعمتش نزدیک است! «3»

4 - و قال ﷺ: ألا خيركم خيركم لنساءه وأنا خيركم لنسائي. باز آن حضرت فرمود: آگاه باشید بهترین شما آن است که با خانواده اش: بهتر (و خوش رفتار) باشد و من بهترین شما نسبت به اهل (و عیالم) هستم. «4»

5 - رسول خدا ﷺ فرمود: انما المرءة لعبة الرجل من اتخذها فلا يضيّعها. زن اسباب بازی مرد است، هرکس او را می گیرد (و امام باقر فرمود: او ازدواج می کند) او را ضایع نماید. «5»

6 - امام صادق علیه السلام فرمود: أكثر أهل الجنة من المستضعفين النساء علم الله ضعفهنّ فرحمهنّ. بیشترین اهل بهشت از ناتوانان زنان هستند، خداوند ناتوانی آنها را دانست و به آنان رحم نمود. «6»

7 - رسول خدا ﷺ فرمود: اتقوا الله في الضّعيفين اليتيم و المرءة! دربارۀ دو ضعیف از خدا بترسید، یتیم و زن! «1»

8 - رسول خدا ﷺ فرمود: ملعون ملعون من ضيّع من يعول. ملعون است ملعون است کسی که زیردستانش را ضایع نماید. «2»

9 - محمد بن علی بن حسین در کتاب (عقاب الاعمال): در عیادت مریض از رسول خدا ﷺ فرمود: من كان له امرأة تؤذيه لم يقبل الله صلاتها ولا حسنة من عملها ... ثم قال: قال رسول الله ﷺ: وعلى الرجل مثل ذلك الوزر و العذاب إذا كان لها مؤذيا ظالماً ومن صبر على سوء خلق امرأته و احتسبه أعطاه الله (بكل مرة) (يوم و ليلة) يصبر عليها من الثواب مثل ما اعطى أيوب على بلائه ...

هر زنی شوهر خود را اذیت نماید: خداوند نماز و حسنات او را قبول نمی کند

سپس گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: و مانند این وزر و عذاب ها برای مرد هم هست اگر عیالش را از روی ستم: اذیت نماید؛

و هرکس به بد اخلاقی زنش صبر نماید و برای رضای خدا (تحمل کند) خداوند به هر مرتبه و هر شب و روزش، مانند ثواب (حضرت) ایوب علیه السلام عطا نماید ...³

8 - پاداش تأمین معاش

8 - هر کسی موظف است معاش زیردستان خود را، تأمین نماید، و به هر وسیله‌ای، رفاه و آسایش زندگی آنان را فراهم آورد و آنان را از محتاج به دیگران و چشم داشتن در زندگی سایرین، به دور سازد، زیرا افراد تحت تکفل هر کسی، برای بزرگ خانواده واجب النّفقه است و خداوند در ازای انجام این وظیفه، پاداش و اجر اخروی فراوانی را هم به او وعده کرده و قرار داده است که تا با دلگرمی به تکاپو و فعالیتش ادامه دهد.

1 - امام رضا علیه السلام ، از پدر بزرگوارش از جدّش علیه السلام فرمود: «مرّ جعفر علیه السلام بصیّاد فقال: یا صیّاد ایّ شیءٍ أكثر ما یقع فی شبکتک؟ قال: الطیر الزّاق قال: فمرّ و هو یقول: هلک صاحب العیال هلک صاحب العیال. امام صادق علیه السلام ازکنار صیّادی گذشت و فرمود: ای صیاد به تورت بیشتر چه چیزی می افتد؟! گفت: پرنده «زاق» (حضرت) گذشت در حالی که می فرمود: هلاک شد عیالبارها هلاک شد، صاحبان عیال.»¹

2 - عالم علیه السلام : ضمانت لمن اقتصد أن لا یفتقر، و اعلم أن نفقتک علی نفسک و عیالک صدقة، و الکادّ علی عیاله من حلّ، کالمجاهد فی سبیل اللّٰه. ضامن شدم به کسی که (در زندگی اش میانه رو باشد) این که فقیر (وندار) نباشد، و بدان مخارج تو، به خودت و عیالت، صدقه است (و ثواب آن را می

بری)، و تلاش کننده از حلال، در راه عیالش، مانند جهاد کننده در راه خداست.

«2»

3 - ابن عباس گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: من دخل السوق فاشترى تحفة فحملها إلى عياله كان كحامل صدقة إلى قوم محاويج، وليبدأ بالأنث قبل الذكور، فإن من فرح ابنة فكأنما أعتق رقبة من ولد إسماعيل، ومن أقر بعين ابن فكأنما بكى من خشية الله عزوجل، ومن بكى من خشية الله عزوجل ادخل جنات النعيم. هرکس داخل بازار شود و تحفه‌ای خریده به اهل و عیالش ببرد، (ثوابش) مانند کسی است که نیازمندان صدقه حمل کند، (وقتی که به خانه رسید) پیش از مردان، اول از زنان شروع نماید، پس هرکس دختری را خوش حال نماید مانند آنست که برده‌ای را از اولاد اسماعیل آزاد نماید، و هرکس چشم پسری را روشن کند مانند کسی است که از ترس خداوند گریه نماید و هرکس از ترس خدا بگرید به جنات نعيم (بهشت‌های پر نعمت) داخل می نماید.³

9 - کمک به اندازه خرج

9 - کمک به اندازه خرج در روایات اسلامی آمده است که کمک‌های آسمانی به اندازه مخارج هرکس، نازل می‌شود اگر زیاد باشد زیاد، و اگر کم باشد کم، البته این به آن معنا نیست که انسان اسراف در خرج نماید بلکه با تقدیر و تدبیر صحیح، زندگی خود را بچرخاند در عین اینکه، از بخل ورزی و سخت‌گیری در معیشت را، رها سازد.

1 - أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: تنزل المعونة على قدر المؤنة. کمک (خداوند) به اندازه خرج نازل می‌شود. ¹

2 - ابن علوان، از امام صادق، از پدر بزرگوارش عليه السلام گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: إن الله تبارك و تعالی ينزل المعونة على قدر المؤنة، و ينزل الصبر على قدر شدة البلاء. همانا خدای تبارک و تعالی کمک (به خرج زندگی را) به قدر هزینه (زندگی) فرود آرد و صبر را به اندازه شدت بلا نازل نماید. ²

10 - تقدیر المعیشة

10 - تقدیر المعیشة تقدیر معیشت و اندازه‌گیری خرج زندگی، یکی از کارهای کلیدی زندگانی است هرکس در دوران عمر خود این خصلت را برای خود، سرمشق قرار دهد، دست خالی نمانده و پشیمان و محتاج دیگران نخواهد شد.

1 - امیرمؤمنان علیه السلام به بعض از أصحابش فرمود: لا تجعلن أكثر شغلک بأهلک وولدک فان یکن أهلک وولدک أولیاء الله، فان الله لا یضیع أولیاءه، وإن یكونوا أعداء الله فمأهّمک و شغلک بأعداء الله. مشغله خود را زیاد به اهل و اولادت قرار نده (خود را درباره آنها بیش از حد گرفتار نکن زیرا) اگر آنها، دوست خدایند، خداوند آنها را ضایع نمی کند (و رها نمی سازد) و اگر دشمن خدا هستند چرا همت و شغل خود را در باره دشمن خدا، قرار می دهی! «3»

2 - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: التودّد إلى الناس نصف العقل، و حسن السّؤال نصف العلم، و التقدیر فی النّفقة نصف العیش. دوستی با مردم نصف عقل است و سؤال (از استاد) نصف علم است و تقدیر در مخارج نصف زندگی است. «4»

3 - و در خبر دیگر فرمود: التقدير نصف المعیشة. اندازه نگهداشتن نصف معیشت است. «1»

4 - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: ما عال امرؤ اقتصد. به سختی (زندگی) نیفتاد کسی که میانه رو باشد. «2»

5 - موسی از او علیه السلام ، فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: التودّد إلى الناس نصف العقل، و الرّفق نصف المعیشة، و ما عال امرؤ فی اقتصاد. دوستی با مردم نصف

عقل است و مدارا (با آنها) نصف معیشت است، و مرد به تنگی (زندگی) نیفتاد در میانه روی.³

11 - میوه برای خانواده

11 - توسعه در زندگی خانواده از صفات پسندیده انسانی است که تا می تواند در دوران زندگی سعی و کوشش نماید تا نیاز همه جانبه آنها را بر طرف سازد و نگذارد چشم به دیگران دوخته و آه سوزان از دل برکشند، در صورت امکان اهل و عیال خود را از خوردنیها و آشامیدنیهای حلال، سیر و بی نیاز سازد و تا آنجا که در توان دارد و برایش مقدور است، آنان را از مواهب زندگی، خاصه از میوه‌های گوناگون، برخوردار نماید تا خداوند نیز به او با دیده رحمت بنگرد.

1 - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: *أطرفوا أهالیکم فی کل جمعة بشئ من الفاکهة* کی یفرحوا بالجمعة. در هر جمعه به (زندگی) اهل و عیال خود با چیزی از میوه، تنوع بخشید تا به آمدن جمعه خوشحال شوند.⁴

2 - *أبی حمزة الثمالی، از علی بن الحسین علیه السلام فرمود: *إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَى اللَّهِ* عزوجل أحسنکم عملاً، *وَإِنَّ أَعْظَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ* عملاً أعظمکم فیما عنده رغبةً، *وَإِنَّ أَنْجَاكُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ* أشدکم خشيةً لله، *وَإِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنَ اللَّهِ* أوسعکم خلقاً، *وَإِنَّ أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ* أسبغکم علی عیاله، *وَإِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ* أتقاکم. همانا محبوب‌ترین شما به خدای عزوجل، زیبا عملانند و بزرگترین صاحب عمل شما نزد خداوند، راغب‌ترین شما بر آنچه که نزد خداست و نجات بخش‌ترین شما از عذاب خدا، ترسان‌ترین شماست (از خدا) و نزدیک‌ترین شما از خدا، خوش*

اخلاق‌ترین شماسست و رضایت‌بخش‌ترین شما نزد خداوند، دست و دل‌بازترین شما به عیالش است، و گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماسست.¹

12 - کمی اولاد!

12- تربیت و نگهداری و بزرگ کردن اولاد، یکی از معضلات زندگی است، به قول امروزی‌ها (اولادکمتر زندگی بهتر).

پیش از آنکه اولاد را به دنیا آورد، باید در فکر زوایای زندگی و مسئولیت‌های فراوان خود، در برابر آنها باشد، درست است روزی دهنده خداست، اما تنها روزی نیست بلکه وظائف هزاران مسائل دیگر در باره اولاد در دوش آدمی است که چگونه این بار سنگین را به سر منزل مقصود برساند، البته اگر کسی بتواند، این بار سنگین (تربیت و مراقبت و تأمین مخارج) را به سر منزل مقصود برساند، آن وقت است که مشمول فرمایش رسول خدا ﷺ «تناكحوا تناسلوا انى أباهى بكم الأمم» خواهد بود.

1 - عبد العظیم الحسنی، از ابی جعفر الثانی، از پدران بزرگوارش، از امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: قلّة العیال أحد الیسارین. کمی عیال یکی از دو آسان (زندگی کردن) است.²

2 - امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: الفقر هو الموت الأكبر و قلّة العیال أحد الیسارین، التقدير نصف العیش، ما عال امرؤ اقتصد. نداری مرگ سرخ است و کمی عیال (و اولاد) یکی از دو آسان است، تقدير (در معیشت) نصف عیش (و خوشی) است، گرفتار نشد مردی که با اقتصاد (و میانه روی) زندگی نماید.¹

13 - خوشا به حال دخترداران!

13- از قدیم الأیام، در میان اقوام مختلف، داشتن دختر سبب سرافکندگی در میان خویش و اقوام بوده و هست منتهی با تفاوت و شدت و ضعف، از زنده بگور کردن گرفته تا مسایل دیگر؛

با این فرهنگ و روحیه، تربیت و بزرگ کردن و شوهر دادن و .. مادام العمر برای پدر و مادر، از مشکلات کمر شکن دوران عمر است، با اینکه دین مقدس اسلام برای احیاء و شخصیت دادن به دختر و زن، دستورات و فرامین استثنائی و اختصاصی دارد، اما باز این مشکلات و بار سنگین در گُرده والدین، سایه افکنده است، بدینجهت است که رسول خدا ﷺ در این باره فرمایشاتی دارد که ذیلًا مختصری از آنها را می خوانید.

1 - أبان بن تغلب، از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: البنات حسنات والبنون نعمة والحسنات يثاب عليها والنعمة يسأل عنها. دختران حسناوند و پسران نعمت، به حسناوند ثواب می دهند و از نعمت سؤال می شود. «2»

2 - به پیامبر ﷺ (تولد) دختری را مژده دادند (حضرت به روهای اصحاب نگریست) و ناراحتی را در سیمای آنان دید پس فرمود: مالکم؟ ریحانة أشمها ورزقها على الله عزوجل. چه شده برایتان (چرا ناراحت شدید) ریحانه ایست می بویم او را و روزی اش هم بر خدای عز و جل است. «3»

3 - حمزة بن حرمان، از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: مردی پیش رسول خدا ﷺ آمد و نزد او مرد (دیگری) بود، او را به مولودی خبر دادند، رنگ آن مرد تغییر یافت! رسول خدا ﷺ به او فرمود: مالک؟ قال: خیر قال: قل، قال: خرجت والمرأة تمتخص

فأخبرت أنها ولدت جارية، فقال له النبي ﷺ: الأرض تقلها والسماء تظّلها و الله يرزقها، وهي ريحانة تشمّها، ثم أقبل على أصحابه فقال من كانت له ابنة فهو مقروح، ومن كانت له ابنتان فيا غوثاه ومن كانت له ثلاث بنات وضع عنه الجهاد وكلّ مكروه، و من كانت له أربع بنات فيا عباد الله أعينوه، يا عباد الله أقرضوه، يا عباد الله ارحموه.

چه شد برایت؟! گفت:

خیر است، فرمود: بگو گفت: هنگام بیرون آمدن من، زخم را درد زایمان گرفته بود (که الان) خبر دادند دختر زائیده است، رسول خدا ﷺ فرمود: زمین او را بر می دارد و آسمان بر او، سایه می افکند و خدا روزی اش را می دهد و او ریحانه ایست که می بوئی (تو چرا نا راحتی؟!) سپس رو به اصحاب کرد و فرمود: هرکس یک دختر دارد، زخم دار است، و هرکس دوتا دختر دارد، واغوثاه، و هرکس سه دختر دارد، تکلیف جهاد و همه کارهای ناخوشایند، از او برداشته شده است و هرکس چهار دختر دارد ای بندگان خدا به او کمک کنید، ای بندگان خدا به او قرض دهید، ای بندگان خدا به او رحم نمایید!!¹

4 - روایت یکی از صادقین عليه السلام است فرمود: إذا أصاب الرجل ابنة بعث الله إليها ملكاً فأمر جناحه على رأسها و صدرها و قال: ضعيفة خلقت من ضعف، المنفق عليها معانٍ إلى يوم القيامة. زمانی که مردی دارای دختری شد، خداوند فرشته‌ای را به آن دختر می فرستد و بال هایش را به او سر و سینه آن دختر می کشد و می گوید:

ناتوانیست از ناتوانی آفریده شده است، خرج دهنده او، کمک کرده می شود تا

روز قیامت.²

5 - یحیی بن المساور، از اَبی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: موسی بن عمران گفت:
یا رب اَیّ الأَعمالِ أَفضلُ عندک؟ فقال: حَبّ الأَطفالِ فَإِنَّ فِطْرَتَهُمْ عَلَی تَوحیدِ
فإِنَّ أُمَّتَهُمْ أَدخَلَهُمْ بِرَحْمَتِی جَنَّتِی. پروردگارا کدام عمل پیش تو بهتر است؟
فرمود: دوست داشتن خردسالان زیرا فطرت آنها بر توحید من است اگر آنها را
میراندم به بهشتم داخل می‌نمایم.³

حقوق متقابل زن و شوهر

1 - حقوق مرد بر خانم

1- هریک از زن و مرد بر ذمه دیگری حقوق متقابل دارند و باید آن حقوق را مدّ نظر قرار داده و به وظایف خود عمل نمایند که تعدادی از روایات آنها را در دو فصل بعدی می آوریم.

1 - حسین بن زید، از امام صادق، از پدران بزرگوارش علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث مناهی فرمود: ونهی أن تخرج المرأة من بيتها بغير إذن زوجها، فإن خرجت لعنها كل ملك في السماء وكل شيء تمرّ عليه من الجنّ والإنس حتى ترجع إلى بيتها، ونهی أن تتزین لغير زوجها، فان فعلت كان حقاً على الله عزوجل أن يحرقها بالنار، ونهی أن تتكلم المرأة عند غير زوجها وغير ذی محرم منها أكثر من خمس كلمات مما لا بدّ لها منه، ونهی أن تباشر المرأة المرأة وليس بينهما ثوب، ونهی أن تحدّث المرأة المرأة بما تخلو به مع زوجها - إلى أن قال: وقال عليه السلام: أيما امرأة آذت زوجها بلسانها لم يقبل الله منها صرفاً ولا عدلاً ولا حسنةً من عملها حتى ترضيه، وإن صامت نهارها وقامت ليلها وأعتقت الرقاب وحملت على جواد الخيل في سبيل الله وكانت في أول من ترد النار، وكذلك الرجل إذا كان لها ظالماً، ثم قال: ألا وأیما امرأة لم ترفق بزوجها وحملته على ما لا يقدر عليه وما لا يطيق لم يقبل الله منها حسنة وتلقى الله وهو عليها غضبان.

ونهی نموده است که، زن از خانه اش بی اجازه شوهر، بیرون رود، چنانچه خارج شود، بر او لعنت فرستند، فرشتگان و تمامی چیزهائی که از کنار آن بگذرد

از جن و انس تا به خانه‌اش برگردد، و اگر این کار را بکند، خداوند حق دارد او را با آتش بسوزاند.

و نهی نمود: اینکه زن بیش از پنج کلمه نزد غیر شوهرش با نامحرم حرف بزند که ناچار از آن حرف زدن باشد!

و نهی فرمود: زن با زن دیگر مباشرت داشته باشد (زیر یک لحاف بخوابند) که میان آنها لباسی نباشد؛

و نهی فرمود: زن آنچه که میان او و شوهرش می‌گذرد، به دیگران بازگو نماید تا اینکه گفت: امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر زنی شوهر خود را با زبانش اذیت نماید، خداوند از او نمی‌پذیرد صرف و عدل (بزرگ و کوچک عملی) و حسنه ای را، تا او را از خود راضی نماید اگرچه روزها روزه و شبها عبادت نماید و برده‌ها آزاد کند و با بهترین اسبها، در راه خدا (آنچه را خدا راضی است را) حمل نماید و اول کسی باشد که به آتش وارد شود، و همچنین است مرد اگر بر زن ستم نماید، سپس فرمود: هر زنی که با شوهرش مدارا ننماید و او را بر آنچه توان آن را ندارد، وادار کند، خداوند عمل خوبی از او نمی‌پذیرد و خدا را ملاقات کند در حالی که بر او غضبناک است.¹

2 - محمد بن مسلم، از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: زنی پیش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

آمد و گفت:

يا رسول الله ما حق الزوج على المرأة؟ فقال لها: تطيعه ولا تعصيه ولا تتصدق من بيته بشيء إلا باذنه ولا تصوم تطوعاً إلا باذنه ولا تمنعه نفسها وإن كانت على ظهر قتب، ولا تخرج من بيته إلا باذنه، فان خرجت بغير إذنه لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتى ترجع إلى

بیته‌ها. فقالت: یا رسول الله ﷺ : من أعظم الناس حقاً علی الرجل؟ قال: والده
قالت: فمن أعظم الناس حقاً علی المرأة؟ قال:
زوجها، قالت فما لی علیه من الحق مثل ما له علی؟ قال: لا ولا من کل مائة
واحد، فقالت:

والذی بعثک بالحق لا یملک رقبتی رجل أبدا.

ای رسول خدا! حق شوهر برگردن زن چیست؟! فرمود:

1 - او را اطاعت نمائی و نافرمانی نکنید؛ ید

2 - و از خانه او بدون اجازه، چیزی تصدق نکنید؛

3 - و روزه مستحبی نگیرد، مگر با اجازه او؛

4 - و او را از خود مانع نشو اگرچه در بالای کوهان شتر باشد؛

5 - و از خانه بدون اجازه بیرون نروی، اگر بیرون رود، فرشته‌های آسمان و

زمین و فرشتگان غضب و رحمت، بر او لعنت نمایند تا به خانه برگردد؛

گفت: ای رسول خدا ﷺ برای مرد چه کسی حقش بر او بزرگتر است؟

فرمود:

پدرش، گفت: برای زن چه کسی، بزرگترین حق را دارد؟! فرمود: شوهرش،

گفت: آیا من هم به او حقی دارم آن گونه که او دارد؟! فرمود: نه و نه یک صدم!

زن گفت: سوگند به آن که ترا به حق فرستاده است مردی مالک گردن من

نخواهد شد ابداً (و هیچ وقت ازدواج نخواهم کرد).¹

2 - حقوق خانمها بر آقایان

2 - در فصل‌های مختلف این کتاب راجع به حقوق مرد روایات زیاد آورده شده است؛ اما نسبت به حقوق خانمها در گردن آقایان علاوه بر محتوای بعضی از فصل‌های پیشین به مطالب ذیل توجه فرمایید.

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: **(وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ)** و برای زنان هم مانند آنچه که بر علیه آنان است، هست. ^{«2»}

1 - و من حقّها علیه، أن یشبعها و أن یکسوها و أن یغفر لها اذا جهلت. و از حق زن بر مرد، او را سیر نماید و بپوشاند و اگر از او نادانی دید، او را ببخشد (و گذشت نماید). ^{«3»}

2 - از امام صادق علیه السلام فرمود: زنی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و از حق مرد بر زن پرسید و جواب داد، گفت: حق زن بر مرد چیست؟ فرمود: یکسوها من العری و یطعمها من الجوع و اذا أذنبت غفر لها، قالت فلیس لها علیه شیءٌ غیر هذا؟ قال: لا قالت:

لا و الله لا تزوّجت أبداً ثمّ ولّت فقال النّبیّ ارجعی فرجعت فقال ان الله عزوجلّ یقول: «وان یتعففن خیر لهنّ». او را از برهنگی بپوشاند، و از گرسنگی برهاند، و اگر گناهی سر زد ببخشد، گفت: جز اینها برای زن چیزی در گردن مرد نیست؟! فرمود: نه گفت:

نه به خدا قسم ابدا ازدواج نمی‌کنم، سپس برگشت برود پیامبر فرمود: برگرد، برگشت، فرمود: خدای عزوجل فرمود: اگر عفاف داشته باشند، برایشان بهتر است (یعنی اگر ازدواج نکردی، عفاف داشته باش). ^{«4»}

3 - ولا یقبحها و جهأ. به او ترش روئی نکند. ^{«5»}

- 4 - امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث مفصلی به پسرش محمد حنفیه نوشت:
- المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة ... فدارها علی کلّ حال و أحسن الصّحبة لها لیصفوا عیشک. همانا زن (گل) ریحان است نه قهرمان .. پس با او در هر حال مدارا کن و صحبت با او را نیکو گردان تا زندگی ات صاف (و شفاف) باشد ^{«1»}.
- 5 - رحم الله عبداً أحسن فیما بینه و بین زوجته خدا رحمت کند بنده‌ای را که میان خود و همسرش را اصلاح (و خوش رفتاری) نماید. ^{«2»}
- 6 - عمرو بن أبی المقدام از أبی جعفر علیه السلام و عبدالرحمن بن کثیر از أبی عبد الله علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام نوشت: لا تُملک المرأة من الأمر ما یجاوز نفسها فانّ ذلك أنعم لحالها و أرخی لبالها و أدوم لجمالها فانّ المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة و لا تعد بکرامتها نفسها و اغضض بصرها بسترک و اکففها بحجابک و لا تطمعها ان تشفع لغيرها فیمیل من شفعت له علیک معها و استبق من نفسک بقیة فانّ امساکک عنهنّ و هنّ یرین أنّک ذو اقتدار خیر من ان یرین حالک علی انکسار. زن را بیش از توانش به کار و امدا چوین این روش (مناسب و) بهتر به حال و آرامش خاطر و دوام زیبائی اوست، همانا زن (مانند گل) ریحانه است نه قهرمانه، و با گرمی داشتن فوق العاده و پرداختن زیاد او را از حد خود بالاتر نبر (و پر رو نکن)، و چشم او را با پوشاندن (و تقوای) خود، فرو بیند، و با حجاب خود، او را (از حرام) بازدار، و (راه او را برای شفاعت به دیگران، (باز مگذار و) به طمع نینداز که (روزی) شفاعت شونده بر علیه تو، میل نماید (و با او هم دست شود) و برای خودت چیزی (از قدرت) خود نگهدار زیرا خود داری تو از همه خواسته‌های آنها در حالی که آنان تورا قدرتمند ببینند، برایت بهتر است از این که حال تو را شکسته (و ناتوان ببینند). ^{«3»}

7 - إسحاق بن عمار گوید: به ابی عبد الله عليه السلام گفتم: ما حق المرأة علی زوجها الذی إذا فعله کان محسناً؟ قال: یشبعها ویکسوها وان جهلت غفر لها. حق زن بر شوهرش چیست که اگر آن را انجام دهد از نیکوکاران به شمار آید؟! فرمود: شکم او را سیر نماید و او را بپوشاند و اگر نادانی کرد، او را ببخشد. ^{«1»}

8 - أبو عبد الله عليه السلام فرمود: کانت امرأة عند أبي عليه السلام تؤذیه فیغفر لها. زنی نزد پدرم عليه السلام بود و او را اذیت می کرد (یدرم) آن زن را می بخشید. ^{«2»}

9 - سماعة بن مهران، از ابی عبد الله عليه السلام فرمود: اتقوا الله فی الضعیفین یعنی بذلک الیتیم والنساء وانما هن عورة دربارہ دو ناتوان (یعنی یتیم و زنها)، از خدا بترسید همانا آنها عورت (و شایسته پرهیزند). ^{«3»}

10 - یونس بن عمار گوید: أبو عبد الله عليه السلام کنیز فرزندش إسماعیل را به من تزویج نمود و فرمود: به او نیکی کن، گفتم: نیکی چیست فرمود: اشبع بطنها واکس جنبها واغفر ذنبها، ثم قال: اذهبی وسطک الله ماله. شکمش را سیر نما و اندامش را بپوشان و گناهش را ببخش سپس به کنیز فرمود: برو خداوند آنچه او از خیر دارد (یا مالش را بر تو ارزانی دارد). ^{«4»}

11 - محمد بن مسلم، از ابی عبد الله عليه السلام گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: أوصانی جبرئیل بالمرأة حتی ظننت أنه لا ینبغی طلاقها إلا من فاحشة مبینة. جبرئیل آن قدر درباره زن، به من سفارش نمود، خیال کردم او را نمی شود طلاق داد مگر در فاحشه گی آشکار. ^{«5»}

12 - امام صادق عليه السلام فرمود: رحم الله عبداً أحسن فیما بینه و بین زوجته فان الله عزوجل قد ملکه ناصيتها و جعله القیم علیها. خدا رحمت کند بنده ای را

که میان خود و زنش را نیکو نماید چون خدای عزوجلّ جان او را به او تملیک نموده و او را بر او سرپرست قرار داده است. ¹»

13 - از ابی الحسن موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: إِذَا وَعَدْتُمْ الصَّغَارَ فَأَوْفُوا لَهُمْ، فَانَّهُمْ يَرُونَ أَنَّكُمْ أَنْتُمْ الَّذِينَ تَرْزُقُونَهُمْ، وَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغْضَبُ بِشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ. هَرَوْقَتَ بِهَ بَیْجِهَآ وَعَدَهَآی دَادِید، وَفَا کَنِید زَیْرَا آنَهَآ گَمَان مِی کَنند که روزی آنها را می دهید و خداوند برهیچ چیزی مانند (مظلومان) زنان و بیچه‌ها غضب نمی کند. ²»

14 - رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث مناهی فرمود: زن بی اجازه شوهر بیرون رود ... اول کسی باشد که به آتش وارد می شود و فرمود: وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِمًا وَمَرْدٌ هَمَّ فِي طُورِ اسْتِ (اول کسی که به آتش وارد می شود) اگر به زن ظلم نماید. ³»

15 - قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَعَلَى الرَّجُلِ مِثْلَ ذَلِكَ الْوِزْرِ وَالْعَذَابِ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا وَمَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خَلْقِ امْرَأَتِهِ وَاحْتَسَبَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ (بِكُلِّ مَرَّةٍ) يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبَ عَلَى بَلَائِهِ ... رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: وعین این وزر و عذاب، (که در روایت قبلی گفته شد) بر مرد هم هست، اگر زن را اذیت و ستم نماید، و هرکس بر اخلاق بد زنش صبر کند و امید اجر داشته باشد، خداوند به هر مرتبه آن که صبر می کند، ثواب عطا فرماید به اندازه‌ای که به ایوب عَلَيْهِ السَّلَامُ داده در مقابل صبر بر بلاها (و گرفتاری ها) یش. ⁴»

3 - ثواب صبر به اخلاق بد همسر!

3- اعضای خانواده در گرو رفتار بزرگ خانواده اند که آنها را چگونه بیار آورد و تربیت نماید و به جامعه تحویل دهد، اگر در فضای خانه و خانواده محبت و علاقه و رفاقت و دوستی حکم فرما شود: زندگی شیرین و صمیمی خواهد شد و گرنه خشونت و اخلاق ناپسند جای آنها را خواهد گرفت؛

بدین خاطر در دین اسلام دستورات اکید آمده است که سرپرست خانه با برخورد های زیبا و خوب، اعضای خانواده را به زندگی، دلبسته و وابسته نماید و امید را در دلشان زنده کند و از هرگونه برخورد زشت و نگران کننده بپرهیزد که عواقب خطرناک و وخیمی در پی خواهد داشت که آن سرش ناپیدا.

در روایات و اخبار فراوان نیز، به رفتار زیبا و اخلاق نیکو مخصوصاً با اعضای خانواده، تشویق و ترغیب زیاد آمده است، زیرا قوام زندگی و موفقیت و کامیابی مرهون این خصلت و صفت پسندیده و انسانی است. به چند روایت توجه فرمایید.

1 - إسحاق بن عمار: از ابي عبد الله عليه السلام رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: إِنَّمَا مِثْلُ الْمَرْأَةِ مِثْلُ الضَّلْعِ الْمَعْوَجِ إِنْ تَرَكْتَهُ انْتَفَعْتَ بِهِ وَإِنْ أَقْمَتَهُ كَسَرْتَهُ. وفي حديث آخر استمتعت به. همانا مثل زن مانند دنده کج است اگر به حال خود واگذاری بهره مند شوی و اگر راستش کنی می شکند، و در حدیث دیگر به جای «انتفعت، استمتعت» آمده است. ¹

2 - محمد واسطی گفت: أبو عبد الله عليه السلام فرمود: ان إبراهيم شكاً إلى الله ما يلقى من سوء خلق ساره فأوحى الله إليه: انما مثل المرأة مثل الضلع المعوج ان أقمته كسرته و ان تركته استمتعت به اصبر عليها. حضرت ابراهیم از بدی اخلاق

سارا به خدا شکایت نمود، خداوند به او وحی نمود، همانا مثل زن مانند دنده کج است اگر به حال خود واگذاری بهره‌مند شوی و اگر راستش کنی می شکند، به (بد اخلاقی او) صبر کن. «2»

3 - حسین بن زید: از امام صادق: از پدرانش عليه السلام در حدیث المناهی از رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: (ألا) و من صبر على خلق امرأة سيئة الخلق واحتسب في ذلك الأجر أعطاه الله ثواب الشاكرين (في الآخرة). آگاه باش هرکس به خاطر خدا به اخلاق زن بد اخلاق، صبر نماید خداوند در آخرت اجر شکر گذاران را به او عطا فرماید. «3»

4 - پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: من صبر على سوء خلق امرأته أعطاه (الله) من الأجر ما أعطاه داود عليه السلام على بلائه، ومن صبرت على سوء خلق زوجها أعطاه مثل

(ثواب) آسیه بنت مزاحم. هر (مردی) به اخلاق بد همسرش صبر نماید خداوند از اجر عطا نماید آنچه را که در صبر به بلا، برای داود عطا نموده است، و هر (زنی) به اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند مانند ثواب آسیه دختر مزاحم (زن فرعون) را به او عطا نماید. «1»

5 - ألا ومن صبر على خلق امرأة سيئة الخلق واحتسب في ذلك الاجر أعطاه الله ثواب الشاكرين في الآخرة، ألا وأيما امرأة لم ترفق بزوجها وحملته على ما لا يقدر عليه وما لا يطيق لم تقبل منها حسنة وتلقى الله (وهو) عليها غضبان. (حضرت فرمود:) آگاه باش هرکس به اخلاق زن بد اخلاق، صبر نماید و در این صبر پاداش خدا را در نظر گیرد، خداوند برای او ثواب شکرگزاران را در آخرت عطا نماید،

آگاه باش هر زنی با شوهرش مدارا نکند و او را بر چیزی که قدرت و طاقت آن را ندارد، وادار سازد، از او حسنه‌ای قبول نمی‌شود و خدارا ملاقات نماید در حالی بر او غضبناک است. «2»

6 - جابر (بن یزید جعفی)، از ابي عبد الله (عليه السلام) فرمود: ان الله كتب على الرجال الجهاد و على النساء الجهاد فجهاد الرجل ان يبذل ماله ودمه حتى يقتل في سبيل الله، و جهاد المرأة ان تصبر على ما ترى من اذى زوجها و غيرته. خداوند بر مردان و زنان، جهاد را نوشته (و واجب نموده) است، پس جهاد مرد بذل مال و جان است تا در راه خدا کشته شود، و جهاد زن آن است که بر اذیت و غیرت (و سختگیری) شوهرش، صبر نماید. «3»

4- بیرون رفتن خانم بی اجازه شوهر!

4 - زن از نظر روحی و جسمی، لطیف و تأثیرپذیر است لذا در شرایع آسمانی مخصوصاً در شریعت اسلام از حضور این قشر از جامعه را، در محافل عمومی و جوامع همگانی حتی برای نماز جمعه و عید فطر و عید قربان هم «4» بنا به عللی، ممانعت به عمل آورده است؛

1 - جلوگیری از متلاشی شدن خانواده‌ها! زیرا بانوان اگر در جامعه مانند مردان ظاهر شوند و خود نمائی نمایند، یا خود منحرف می‌شوند و یا مردان را با جلوه‌گری احیاناً با عشوه‌گری خود به انحراف می‌کشاند؛

2 - حضورشان در اجتماع و صحبت با هم جنسان خود، بتدریج متأثر شده دچار افسردگی و یا بد رفتاری با شوهر خود خواهند شد؛

3 - در اثر این ممارست‌ها به طور ناخواسته به منجلاب و تباهی گرفتار خواهند شد.

4 - چیزهای خانمانسوز و خانه بر انداز را، از همنشینان و هموعان خود یاد گرفته و در موقعیت‌های مناسب، اجرا می‌کند.

وعلل زیادی که با کمی تفکر، برای هرکسی روشن می‌شود، و برای این که شوهران صلاحیت حضور در این گونه جاها را خوب تشخیص می‌دهد، بدینجهت در این باره فرمایشاتی دارند که نمونه هائی از آن را می‌آوریم.

1 - عبد الملك بن عمير، از أبي عبد الله عليه السلام فرمود: أربعة لا تقبل لهم الصلاة الامام الجائر، والرجل يؤم القوم وهم له كارهون، والعبد الا بق من موالیه من غير ضرورة، والمرأة تخرج من بيت زوجها بغير إذنه. چهار گروهند که نمازشان قبول نمی‌شود!؛

الف - رهبر ستمگر؛

ب - مردی که به قومی امامت نماید که آنها او را دوست ندارند؛

ج - بنده‌ای که از موالیان خود بدون ضرورت، بگریزد؛

د - و زنی که بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود. «1»

2 - حسین بن زید، از امام صادق، از پدران بزرگوارش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در حدیث مناهیفرمود: ونهی أن تخرج المرأة من بيتها بغير اذن زوجها، فإن خرجت لعنها كل ملك في السماء وكل شيء تمر عليه من الجن والانس حتى ترجع إلى بيتها... ونهی نموده است که، زن از خانه‌اش بی اجازه شوهر، بیرون رود، چنانچه خارج شود، بر او لعنت فرستند، فرشتگان و تمامی چیزهائی که از کنار آن بگذرند از جن و انس تا به خانه‌اش برگردد. «1»

3 - و از او سؤال نمودم عن المرأة لها أن تخرج من بيت زوجها بغير إذنه؟ قال: لا. از زن آیا می‌تواند بی اجازه شوهر از خانه‌اش بیرون رود؟! فرمود: نه. «2»

4 - محمد بن مسلم، از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: زنی پیش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت:

یا رسول الله ما حق الزوج على المرأة؟ فقال لها: ... ولا تخرج من بيتها إلا باذنه، فان خرجت بغير إذنه لعنتها ملائكة السماء وملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتى ترجع إلى بيتها. حق مرد برگردن زن چیست؟! فرمود: ... و از خانه بدون اجازه بیرون نرود، اگر بیرون رود، فرشته‌های آسمان و زمین و فرشتگان غضب و رحمت، بر او لعنت نماید تا به خانه برگردد. «3»

5 - ولید بن صبیح، از ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

أية امرأة تطيبت ثم خرجت من بيتها فهي تلعن حتى ترجع إلى بيتها متى رجعت. هر زنی خود را خوشبو نموده و از خانه خود بیرون رود، لعنت کرده می‌شود تا به خانه برگردد. ⁴

5 - غیرت زنانه!

5 - در دوران زندگی زن و شوهر، مراحل گوناگون وجود دارد، بعضی از اوقات زن به خاطر علاقه زیاد به شوهرش او را تحت نظر دارد که مبادا زن دیگری، بر زندگی او وارد شود! و گاهی زن به اندازه‌ای به شوهر فشار می‌آورد که او را از راه مستقیم منحرف کرده و از خود دور می‌سازد؛ روایت در باره اولی از فرط محبت و دوست داشتن تلقی و دومی را زاییده کفر می‌داند توجه کنید.

1 - صفوان، از اسحاق بن عمار گفت: به ابا عبد الله عليه السلام گفتم: المرأة تغار على الرجل تؤذيه قال: ذاك من الحب. زن برای مردش غیرت ورزیده اذیتش می‌کند، فرمود: آن از دوست داشتن است. ¹

2 - امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: غیرة المرأة كفر و غیرة الرجل ایمان. غیرت زن (در بد رفتاری بامرد) کفر است و غیرت مرد ایمان! ²

3 - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الغيرة من الإيمان والبذاء من الجفاء. غیرت از (گروه) ایمان و بد دهنی از (دسته) ستم است. ³

4 - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: كتب الله الجهاد على رجال امتی و الغيرة على نساء امتی فمن صبر منهم واحتسب أعطاه أجر شهيد. خداوند جهاد را به مردان امت من نوشته و غیرت را برای زنان امتم، پس هرکس به (غیرت) آنها صبر نماید، (خداوند) اجر شهید براو عطا فرماید. ⁴

6 - حسادت چه کارها که نکند!!

6- انسان در گذران عمر باید هشیار و آگاهانه زندگی نماید، تا با کوچک‌ترین غفلت، خود را به درد سر نینداخته و آبروی خود را به باد ندهد؛ مراقب اعمال و رفتار خود باشد مبادا، با کمترین بی‌توجهی بنیان خانه و خانواده‌اش را متزلزل ساخته و بر اندازد؛

مخصوصاً مواظب باشد حسد همسرش را تحریک و بیدار نکند، زیرا حسد از صفات مذمومه و ناپسندی است که پیامدهای خطرناک و بدبخت کننده دارد به طوری که در قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: بنام بخشاینده مهربان: بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح از شر هر آفریده‌ای و از شر تاریکی‌ها وقتی که جهان را فرا گیرد و از شر زندهای افسونگر وقتی که به گره می‌دمد (و بر آن افسون می‌خواند) و از شر حسودان هنگامی که حسد می‌ورزند. «5»

پس وقتی آتش حسد آدمی را فراگیرد و غلیان کند و در دل زبانه کشد، از هیچ‌گونه رسوایی و جنایت و خیانت و ... فروگذار نخواهد شد، پناه بر خدا!! به روایت ذیل دقت نمائید.

1 - ابن‌ابی عمیر: از عبد الرحمن بن حجاج گوید: بینما رسول الله ﷺ قاعد إذ جاءت امرأة عریانة حتی قامت بین یدیه فقالت: یا رسول الله، انی فجرت فطهرنی، قال: و جاء رجل یعدو فی اثرها فألقى علیها ثوباً، فقال ما هی [منک]؟ قال: صاحبتی یا رسول الله خلوت بجاریتی فصنعت ما تری قال: ضمها إلیک، ثم قال: ان الغیراء لا تبصر أعلى الوادی من أسفله. (روزی) رسول خدا ﷺ نشست به بود، زن لخت و عریان آمد و پیش روی آن حضرت ایستاد و گفت: ای رسول خدا ﷺ من زنا کرده‌ام مرا پاک کن (سنگ سارم نما چون

شوهردارم!) و مردی پشت سر او می‌دوید و آمد لباسی روی آن زن انداخت، حضرت پرسید او با تو چه نسبتی دارد؟ عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ زن من است، من با کنیزم خلوت کرده بودم (و او آمد و ما را دید) دست به این کار زد که دیدی، فرمود: او را بردار (وبیر) زن غیرت دار (در حسادت زنانگی) بالای وادی را از پایینش نمی‌بیند (و تشخیص نمی‌دهد).¹

2 - یونس بن یعقوب: از سعیده گفت: بعثنی أبو الحسن عليه السلام إلی امرأة من آل الزبير لأنظر إليها أراد أن يتزوجها - إلی ان قالت: فتزوجها فلما بلغ ذلك جواریه جعلن يأخذن بأردانه وثیابه وهو ساکت یضحک لا یقول لهن شیئاً، فذکر أنه قال: ما شیء مثل الحرائر. ابوالحسن عليه السلام مرا برای پسندیدن زنی از آل زبیر فرستاد که اراده ازدواج با او را داشت، و با او ازدواج نمود وقتی که کنیزان آن حضرت از قضیه با خبر شدند دامن و لباس آن حضرت را می‌گرفتند (که ما هستیم زن دیگر چرا؟!) و حضرت ساکت بود و می‌خندید و چیزی به آنها نمی‌گفت و بادش آمد که می‌فرمود: هیچ چیز (از نظر شخصیت و متانت و دوست داشتنی‌تر) مانند زنان آزاد نمی‌شود.²

7 - اگر سجده به غیر خدا جایز بود ...

7 - در شریعت اسلام برای استحکام بخشیدن به بنیان زندگی خانوادگی، به اطاعت بانوان از همسرانشان: در حد بالا و فوق تصور: سفارش شده است بگونه‌ای که اگر سجده به غیر خدا جایز بود، به خانم‌ها دستور می‌دادند که به شوهرانشان سجده نمایند و از آنها فرمان برداری کنند! زیرا بانوانند که به کانون خانواده گرمیت می‌بخشند و با عواطف سرشار و جود خود، افراد خانواده را، دور هم جمع می‌نمایند و مانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوند می‌دهند و چشم و چراغ زندگی هستند؛

در روایت آمده است بانویی به حضور رسول خدا ﷺ آمد و از حق شوهر برای زن سؤال نمود و حضرت تعدادی از آن حقوق را بیان نمود، زن پس از شنیدن این حقوق، عرض کرد ای رسول خدا ﷺ من از این ساعت مردان را بر خود حرام کردم و تصمیم گرفتم که دیگر ازدواج نکنم و زیر این همه مسئولیت نروم چون من توانایی به جا آوردن آنها را ندارم.

1 - سلیمان بن خالد: از ابی عبد الله ع فرمود: ان قوماً أتوا رسول الله ص فقالوا: یا رسول الله إنا رأینا أناساً یسجد بعضهم لبعض فقال: رسول الله ص لو أمرت أحداً أن یسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها. گروهی پیش رسول خدا ص آمدند و گفتند: ای رسول ص خدا ما کسانی را دیدیم بعضی به بعض دیگر سجده می‌کرد؟! فرمود: اگر من امر می‌کردم کسی به کسی سجده کند، امر می‌نمودم زن به شوهرش سجده نماید. ¹

2 - رسول خدا ص فرمود: لا یصلح لبشر أن یسجد لبشر و لو صلح لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها، ...

صلاحیت ندارد (و جایز نیست) بشر برای بشر دیگر سجده کند، اگر (چنین چیزی) جایز بود، البته امر می‌کردم زن به شوهرش سجده نماید...¹

3 - علی بن حسان از عمویش عبد الرحمن، از اَبی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: لو أمرت أحدا أن يسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها. اگر امر می‌نمودم کسی بر کسی سجده کند، البته امر می‌کردم زن بر شوهرش سجده نماید.²

8 - تقسیم وظایف

8 - زن موجودی است بنا به روایات که خداوند آنها را از باقیمانده خمیره یا از دنده چپ، آدم آفرید تا انیس مرد و مونس شوهر شود و همگام با او برای چرخش زندگی و تربیت فرزندان و دهها مسائل دیگر: یاری رساند؛ البته از نظر اسلام، برای بانوان الزام آور نیست که این کارها را انجام دهند بلکه نوعی مساعدت به شوهران و برداشتن بار از دوش همسرانشان می‌باشد؛ و از آنجائی که باید زندگی برای طرفین شیرین و دوست داشتنی شود: خیلی‌ها وظایف و کارهای مربوط به زندگی مشترک را میان خود و همسرانشان تقسیم می‌کنند تا سنگینی بار زندگی در دوش هر دوی زوجین باشد و باهم همکاری نمایند، تا با خوشی و خرمی به سر منزل مقصود برسند و واقعاً کار پسندیده ایست و مورد قبول خردمندان جهان.

1 - اَبی البختری: از اَبی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام: از پدر بزرگوارش عَلَيْهِ السَّلَام فرمود تقاضی علی و فاطمة إلى رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ في الخدمة فقضى علي فاطمة عَلَيْهِمَا السَّلَام بخدمتها ما دون الباب، وقضى على عَلَيْهِ السَّلَام بما خلفه قال: فقالت فاطمة: فلا يعلم ما دخلني من السرور إلا الله باكفائي رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تحمل أرقاب

الرجال. علی و فاطمه علیهما السلام برای تعیین (و تقسیم کار) به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند، فرمود: کارهای پشت در (داخل خانه) با فاطمه علیها السلام و بیرون در با علی علیه السلام باشد، فاطمه علیها السلام فرمود: کسی غیر از خدا ندانست که چقدر از این حکم خوشحال شدم، از این که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (کارهای سخت را) به گردن مردان گذاشت (و مرا از کار بیرون، معاف داشت و راحت نمود).¹

2 - نجم از امام باقر علیه السلام فرمود: آن فاطمه علیها السلام ضمانت لعلی علیه السلام عمل البيت والخبز و قم البيت، و ضمن لها علی علیه السلام ماکان خلف الباب نقل الحطب و ان یجىء بالطعام. همانا فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام کار خانه و خمیر و نان پختن و جارو کردن (کارهای داخل خانه) را ضمانت کرد و علی علیه السلام هم کارهای بیرون از خانه، حمل هیزم و طعام آوردن را ضامن شد!²

9 - وجوب اطاعت خانم از شوهر

9- با تجربه ثابت شده است که از هم گسیختگی و متلاشی شدن یک اجتماع یا یک خانواده در اثر گردن فرازی و نافرمانی افراد آن جامعه و خانواده، به فرمان روا و بزرگ خانواده است، بدین منظور و برای اینکه نظم خانواده و جامعه از هم نگسلد و فرو نیاشد دستور داده‌اند از بزرگان اطاعت شود بخصوص بانوان از شوهران خود اطاعت و فرمان برداری نمایند.

1 - عبد الله بن سنان: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: ان رجلا من الأنصار على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم خرج في بعض حوائجه فعهد إلى امرأته عهداً ان لا تخرج من بيتها حتى يقدم، قال: و ان ابها قد مرض فبعثت المرأة إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم تستأذنه أن تعود فقال: لا اجلسي في بيتك واطيعي زوجك قال: فنقل فأرسلت إليه ثانياً بذلك فقال: اجلسي في بيتك واطيعي زوجك قال: فمات أبوها فبعثت إليه إن أبي قد مات فتأمرني ان اصلى عليه فقال: لا، اجلسي في بيتك واطيعي زوجك قال: فدفن الرجل فبعث إليها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

ان الله قد غفر لك و لأبيك بطاعتك لزوجك. مردی در زمان رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم برای بعضی از نیازمندی هایش بیرون رفت و به زن خود سفارش کرد تا برگشتنش از خانه بیرون نرود، (درطول سفر تا بازگشت شوهر)، پدر زن مریض شد، زن کسی را پیش رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرستاد اجازه عیادت از پدر را خواست، فرمود: نه، در خانه ات بنشین و از شوهرت اطاعت نما؛

بیماری پدر سنگین شد دوباره از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم اجازه خواست؟ فرمود: در خانه بنشین و از شوهرت اطاعت کن! پدرش فوت کرد سومین بار به سوی

رسول خدا ﷺ کسی را فرستاد که اجازه حضور در نماز میت پدر را خواستار شد؟ فرمود: نه، در خانه ات بنشین و از شوهرت فرمان بر؛ پدر دفن شد، رسول خدا ﷺ به سوی آن زن کسی را فرستاد و فرمود: همانا خداوند به خاطر اطاعت از شوهرت، هم تورا بخشید و هم پدرت را.¹

10 - مراقبت بر آزادی خانم‌ها!

10 - آزادی زنان یکی از مسائل بحث‌انگیز و مورد اظهار نظرهای گوناگون و تلاقی افکار مختلف، می‌باشد.

یکی مدافع آزادی کامل و دیگری خواهان اعتدال و سومی سختگیر و خشن وو ..؛

ولی اگر منصفانه قضاوت کنیم و با وجدان خود به حل و فصل قضیه بپردازیم، وجداناً می‌پذیریم از آن روز که بانوان قدم به عرصه گشت و گذار و کسب و کار و اشتغال گوناگون، گذاشتند، کنترل اوضاع از دست خارج شده و جامعه رو به تباهی و انحطاط اخلاقی و غیره، می‌رود، زیرا خداوند برای بقای نسل و استمرار تولید آن جذابیت و کشش دو جنس مخالف را، در روح و روان آنها متمرکز ساخته است، اگر رادع و مهار کننده‌ای در میان نباشد، آرامش و اطمینان و خوشبختی و سعادت، خانواده‌ها از میان برداشته خواهد شد؛

این را نیز می‌دانیم که خداوند، مادر بزرگمان «حوّا» را از زیادی گِلِ یا از دنده پدر بزرگ مان «آدم» آفرید یعنی زن در واقع جزء بدن مرد و مکمل وجود اوست، بدین سبب مرد مورد علاقه زن و آرامش بخش وجود اوست، اگر حفظ شرافت و اصالت خانوادگی و مراقبت از شخصیت خود نشود و بالاتر از همه اینها اگر از نظر ایمان کم بهره و خدا ترسی اش ضعیف باشد، در هر موقعیتی که

پیش آید و (مقتضی موجود و مانع مفقود) باشد، به هر مردی برسد خود را تسلیم نموده و آماده کامجویی خواهد بود؛

بدین خاطر زیاد سفارش شده است، زنان را رها نساخته و برایشان آزادی کامل داده نشود تا خدای نکرده به پرتگاه خطرناک شهوات نفسانی، سقوط نمایند.

بدینجهت است که شرایع آسمانی بالأخص شریعت اسلام در این باره، دستورات و فرمان‌های زیاد صادر کرده است؛

الف - دختر و پسر که به سن بلوغ رسیدند، فوراً ازدواج نمایند، مخصوصاً در اوان بلوغ و پیش از آنکه به اصطلاح چشمشان باز شود؛

ب - تعیین تکالیف و تقسیم وظایف نموده و زن و مرد را برای عمل به آن، فراخوانده است، بانوان کارهای داخل خانه و آقایان بیرون از خانه را انجام دهند؛

ج - برای هردو قشر اکیداً دستور داده است که حجاب خود را حفظ نمایند و از حرام بپرهیزند و چشمان خود را از نامحرم بپوشانند؛

د - تأمین خوراک و پوشاک و مسکن را به عهده مردان گذاشته است تا آنان در بیرون تکاپو نموده و به تلاش خود ادامه دهند و وظیفه مادری و تربیت و بزرگ نمودن اطفال را بر عهده بانوان گذاشته است تا میتوانند از خود نمائی و ظاهر شدن در بیرون، بپرهیزند؛

در واقع کشش ساختمان وجودی زن و مرد را در نظر گرفته و کارهای سخت و جنگ و ساخت و ساز جامعه را بر گرده آقایان و مشغله‌های وقت گیر و سر و کله زدن با گلهای زندگی و پخت و پز و .. را به عهده بانوان گذارده تا تعادل زندگی بهم نخورد و هرکس پی کار خود باشد؛

و نیز از ظهور بانوان در مجامع عمومی و محافل همگانی جلوگیری به عمل آید مگر در موارد ضروری.

به روایاتی در این مورد توجه فرمائید.

1 - فاطمه دختر امام حسین، از پدر بزرگوارش، از علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ، از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: النساء عیّ و عورات فداوا و عیّهن بالسکوت و عوراتهنّ بالبیوت. زنها عاجز و واجب السّتر هستند پس ناتوانی آنها را با سکوت (دربرابر آنها) و پوشیده ماندنشان را در خانه‌ها مداوا کنید. ^{«1»}

2 - علی بن عیسی در کتاب (کشف الغمه) از کتاب أخبار فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ ابن بابویه از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودیم فرمود: أخبرونی ایّ شیء خیر للنساء؟

فعیننا بذلک کلّنا حتی تفرّقنا، فرجعت إلی فاطمة عَلَيْهَا السَّلَامُ فأخبرتها بالذی قال لنا رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و لیس أحد منّا علمه ولا عرفه، فقالت: ولکنّی أعرفه خیر للنساء أن لا یرین الرجال ولا یراهن الرجال، فرجعت إلی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقلت: یا رسول الله سألنا ایّ شیء خیر للنساء خیر لهنّ أن لا یرین الرجال ولا یراهنّ الرجال، فقال: من أخبرک، فلم تعلمه وأنت عندی؟ قلت: فاطمة، فأعجب ذلك رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و قال: انّ فاطمة بضعة منی. به من خبر دهید چه چیز برای زنها بهتر؟! پس همه ما واماندم (نتوانستیم جواب دهیم) همگی متفرّق شدیم، من به سوی فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ برگشتم و جریان را گفتم: فرمود من می‌دانم: بهترین کار برای زنان آنست که نه زنها مردان (نامحرم) را و نه مردها زنان (نامحرم) را ببینند؛

پس به سوی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برگشتم و گفتم: ای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤالی که از ما پرسیدی چه چیز برای زنها بهتر؟! (جوابش این است)، بهترین

کار برای زنان آنست که نه زنها مردان (نامحرم) را و نه مردها زنان (نامحرم) را ببینند؛ فرمود: که به تو خبر داد (و یاد داد؟!) عرض کردم فاطمه عَلَيْهَا ، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعجب کرد و فرمود: همانا فاطمه عَلَيْهَا پاره‌ای از من است. ^{«2»}

3 - وهب، از ابي عبد الله (عَلَيْهِ) فرمود: قال أمير المؤمنين عَلَيْهِ : خلق الرجال من الأرض وإنما همهم في الأرض، وخلقتم المرأة من الرجال وإنما همها في الرجال فاحبسوا نساءكم يا معاشر الرجال امير مؤمنان عَلَيْهِ فرمود: مردان از زمین آفریده شده‌اند (بدینجهت) همت آنها در زمین (وبه‌ره برداری از آن) است و زنها از مردان به وجود آمده‌اند و همت آنان در مردان است، پس زنان تان را حبس نمائید (و از آنها مراقبت کنید) ای گروه مردان. ^{«1»}

4 - غياث بن إبراهيم، از ابي عبد الله عَلَيْهِ فرمود: إن المرأة خلقت من الرجل و إنما همتها في الرجال فأحبوا نساءكم، وإن الرجل خلق من الأرض فأما همته في الأرض. همانا زن از مرد آفریده شده است، و به یقین همت آنها در مردان است، پس زنان تان را دوست بدارید و مرد از زمین خلق شده و همت او در زمین است. ^{«2»}

5 - رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن بیاناتی فرمود: ... فقصروا أجنحة نساءكم ولا تطولوها فإن في تقصير أجنحتها رضى وسروراً ودخول الجنة بغير حساب، احفظوا وصيتي في أمر نساءكم حتى تنجوا من شدة الحساب، ومن لم يحفظ وصيتي فما أسوء حاله بين يدي الله و قال عَلَيْهِ : النساء حبات الشيطان. پس بال‌های زاناتان را کوتاه نمایید و آن را بلند نکنید، زیرا در کوتاه کردن بال‌های آنها، رضایت و شادی و وارد شدن در بهشت است بدون حساب.

وصیت مرا در باره زاناتان حفظ کنید، تا از شدت حساب (قیامت) نجات یابید، و هرکس وصیت مرا حفظ نماید، پس چقدر حال او بد خواهد شد در

پیشگاه خدا، و باز فرمود: زنها دام‌های شیطانند (به هرکس این دام گسترده شود در آن دام افتاده و تباہ خواهد شد)!.³

6 - فرمود: إِنَّ فَاطِمَةَ دَخَلَ عَلَيْهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَبِهِ كَأْبَةٌ شَدِيدَةٌ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا: يَا عَلِيُّ مَا هَذِهِ الْكَأْبَةُ؟ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ؟ فَقَلْنَا عَوْرَةَ، فَقَالَ فَمَتَى تَكُونُ أَدْنَى مِنْ رَبِّهَا؟ فَلَمْ نَدِرْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ :

ارجع إليه فأعلمه أن أدنى ما تكون من ربها أن تلزم قعر بيتها، فانطلق فأخبر رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ما قالت فاطمة عَلَيْهَا ، فقال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : إن فاطمة بضعة مني. همانا علی بن ابی طالب عَلَيْهِ به (منزل) فاطمه داخل شد و در او غمگینی (و خستگی) شدید دیده می‌شد، پس فاطمه عَلَيْهَا گفت ای علی این چه ناراحتی است (در سیمای تو؟!،) علی عَلَيْهِ گفت: رسول خدا از ما در باره زن سؤال نمود که چیست او (یعنی زن)؟ گفتیم: عورت است، فرمود: کی به خدا نزدیک تر می‌شود؟! ما (هیچکدام نفهمیدیم و) درک نکردیم فاطمه عَلَيْهَا به علی عَلَيْهِ گفت: برگرد خدمت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اعلام کن (زن) زمانی به خدا نزدیک می‌شود که در توی خانه‌اش (نشیند و) ملازم آن باشد؛

پس رفت و به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خبر داد آنچه که فاطمه عَلَيْهَا گفته بود فرمود: فاطمه عَلَيْهَا پاره‌ای از من است.¹

7 - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: النساء عورة احبسوهن في البيوت واستعينوا عليهن بالعري. زنها عورت هستند آنها را در خانه حبس نمائید (و بازدارید) و بر آنها یاری رسانید با بی بهره و محروم کردن از بیرون رفتن (یا با برهنگی یعنی به آنها از نظر پوشاک، زیاد نپردازید تا هوس بیرون رفتن را ننمایند).²

8 - ابي هريرة، از پيامبر ﷺ فرمود: من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يدع حليلته تخرج إلى الحمام. هرکس به خدا و قيامت ايمان آورده است، پس نگذارد خانمش به حمام (عمومي) برود، (زيرا حمام محل لخت شدن و اعضای زيرين آشکار و عيبها روشن شدن و مرکز تلاقی افکار زنانه و صحبت‌های ناگوار وو .. است).³

9 - سکوني، از امام صادق، از پدرانش عليه السلام فرمود: قال علي عليه السلام: من أطاع امرأته في أربعة أشياء أكبه الله على منخريه في النار قيل وما هي؟ قال: في الثياب الرقاق والحمامات والعرسات والنايحات. علي عليه السلام فرمود: هرکس در چهارچيز به زنش اطاعت نمايد، خداوند او را به دو دماغ (يعني به رو) به آتش اندازد، گفتند: آن چهار چیست؟! فرمود: در لباس نازک و حمام‌ها و عروسی‌ها و نوحه خوانی‌ها.⁴

10 - عبد الرحمن بن كثير، از ابي عبد الله (عليه السلام) فرمود: امير مؤمنان عليه السلام در نامه‌ای که به امام حسن عليه السلام فرمود: إياك ومشاورة النساء فإن رأيهن إلى الإفن، و عزمهن إلى الوهن، واكفف عليهن من أبصارهن بحجابك إياهن فان شدة الحجاب خير لك ولهن من الإرتياب، وليس خروجهن بأسد من دخول من لا يوثق به عليهن، فإن استطعت أن لا يعرفن غيرك من الرجال فافعل.

مبادا با زنان مشورت نمائی، زیرا رأی آنها به ضعف و قصدشان به سستی است، و ببند چشمانشان را با حجاب خود بر آنها، همانا سخت‌گیری در حجاب، برای تو و آنها بهتر است از هوسرانی (و به انحراف کشیده شدن)؛

بیرون رفتن آنها (از خانه) مطمئن تر از ورود اشخاص بی اطمینان بر آنان، (و) خطرش کمتر و بازدارنده‌تر) نیست، اگر می توانی (کاری کنی که همسرانت) مردی را جز تو نشناسند، (این کار را) بکن.¹

11 - حکم زدن خانم!

11 - واژه «ضَرْبُ» «زدن» از لغات مشترک است و معنای متفاوت دارد،

زدن فیزیکی، اخلاقی، روانی و ..

در اصطلاح و محاورات روزانه هم فرق می‌کند، من تورا می‌زنم (در بیکار نمودن کسی را از کار)، مخ او را زدم، خود را این طرف و آن طرف زدم (تغلا نمودم)، طوری او را زدم که حالا حالاها نمی‌تواند، به کارش ادامه دهد یا بلند شود و به معنای تنبیه و یازدن واقعی هم آمده است و از این قبیل.

در آیات و روایات هم معنای گوناگون دارد که با دقت در مطالب ذیل، روشن می‌شود.

1 - پیامبر ﷺ فرمود: **إِنِّي أَتَعَجَّبُ مِمَّنْ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ بِالضَّرْبِ أَوْلَىٰ مِنْهَا، لَا تَضْرِبُوا نِسَاءَكُمْ بِالْخَشْبِ فَإِنَّ فِيهِ الْقِصَاصَ، وَلَكِنْ اضْرِبُوهُنَّ بِالْجُوعِ وَالْعُرَىٰ حَتَّىٰ تَرِيحُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ...** من تعجب می‌کنم از کسی زنش را می‌زند در حالی که خودش به زده شدن اولی‌تر است، زنانتان را با چوب نزنید چون در آن قصاص هست و لکن آنها را با گرسنگی و لختی بزنید تا در دنیا و آخرت راحت شوید (در این روایت از تنبیه اخلاقی به زدن تعبیر فرموده است.

«1»

علی عليه السلام فرمود: **مردی از انصار دخترش را پیش پیامبر ﷺ، آورد و گفت: یا رسول الله! إن زوجها فلان بن فلان الأنصاري فضربها فأثر في وجهها فأقيدة لها؟**

فقال رسول الله ﷺ: **لك ذلك فأنزل الله تعالى قوله: «الرجال قوامون**

على النساء» الاية فقال رسول الله ﷺ: **أردتُ أمراً وأراد الله تعالى غيره**

ای رسول خدا ﷺ شوهر او فلان پسر فلان انصاری او را طوری زده است که در صورت او اثر گذاشته است (و کبود یا سیاه و یا زخمی شده است) آیا من هم او را بزنم (و با او مقابله به مثل نمایم) فرمود: این حق تو است، در این بین خدای تعالی این آیه را نازل نمود «مردان سر پرست و نگهبان زنانند به خاطر برتری هائی خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی قرار داده است»؛

حضرت فرمود: من چیزی را اراده نمودم و خداتعالی غیر آن را. ²

2 - موسی بن جعفر، از پدرانش عليه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: اضربوا النساء علی تعلیم الخیر. زنان را برای تعلیم خیر بزنید (یعنی در صورت سرپیچی زنان از فراگرفتن علم و راه و رسم خوبیها، آنان را برای فرا گرفتن آنها وادار نمایید). ³

4 - امام باقر عليه السلام از رسول خدا ﷺ با تعجب فرمود: أیضرب أحدکم المرأة ثم یظلّ معانقها؟! آیا یکی از شما زن را می زند سپس با او هم آغوش می شود؟! ⁴

12 - مشاوره با بانوان!

12 - مطلبی را همیشه در نظر داشته و به خاطر بسپارید در خلال مطالعه این کتاب به مطالبی بر می‌خورید که به ظاهر نشانه عقب‌گردی یا توهین به بانوان است مانند اینکه، با آنها مشورت کنید و مخالفت نمائید؛ یا آنها را بزنید، یا در خلاف نظر و رأی آنها برکت هست؛ و امثال این مطالب، ولی منظور از این تعبیرها چیز دیگری است؛

اولاً - باید اسناد این روایات بررسی شود، در صورت صحت آن مطلب زیر را مدّ نظر قرار دهید؛

و ثانیاً - منظور روایات همه بانوان نیست بلکه بانوانی که از جهت عقل و فکر و سواد و تجربه، کم بهره و یا بی بهره هستند یا زیاده طلب و کله شق و خود خواهند، چون مسلم است نظر بانوئی که با این صفات متصف باشد، رأی و نظراو مورد قبول نبوده و بی پایه خواهد بود؛

در طول تاریخ بانوان بزرگ و بزرگوار فراوان داریم که با صلاح دید آنها، کارها پیش می‌رفته و می‌رود و حتی برای اداره یک کشور و یک وزارتخانه مهم شایستگی دارند، پس نباید بی آنکه مفاد روایت را در صورت درست بودن آن، بفهمیم، بلافاصله در صدد تخریب دین و یا مسائل دیگر برآئیم، به روایت یکم دقت بفرمائید و بعدی‌ها را مطالعه نمایید.

1 - أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: *إِيَّاكَ وَمَشَاوِرَةَ النِّسَاءِ إِلَّا مِنْ جَرِّتٍ بِكَمَالِ عَقْلٍ، فَان رَأَيْتَ يَجْرُ إِلَى الْإِفْنِ، وَ عَزْمَهُنَّ إِلَى وَهْنٍ ... مَبَادَا بَا زَنَانِ مَشُورَتِ نَمَائِي مَكْرًا بَا بَانَوَانِي كِه كَمَالِ عَقْلِ اُو رَا تَجْرِبِه كَرْدِه بَاشِي، زِيْرَا رَأِي اَنهَآ بِه تَبَاهِي مِي كَشْد وَ عَزْم اَنهَآ بَر سَسْتِي ...*¹

در این روایت امیرمؤمنان: عَلَيْهِ السَّلَامُ بانوانی را که به کمال عقل و دور اندیشی و صاحب تجربه در کارها هستند را، استثناء نموده و مشاوره با آنها را، مجاز دانسته است.

و تمام مطالب بیان شده درباره مشاوره با بانوان را در محور دین، روشن می‌سازد زیرا بانویی که صاحب خرد و فکر درست و پخته است، چرا طرف مشورت قرار نگیرد و از تجربیاتش استفاده نشود!.

2 - رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَرَادَ الْحَرْبَ دَعَا نِسَاءَهُ فَاسْتَشَارَهُنَّ ثُمَّ خَالَفَهُنَّ هَرَوَقَتْ أَرَادَهُ جَنْغًا دَاخِلًا خَانِمَاهِيسَ فَرَا خَوَانِدَهُ وَبَا أَنَّهُا مَشُورَتٌ مِي نَمُودُ وَ سِيسَ بَرِ خَلَاْفَ رَأْيِ أَنَّهُا عَمَلٌ مِي كَرْدُ. «2»

زیرا آنها از جنگ اطلاعی نداشتند و به رموز حرب نابلد بودند و روی عواطف نظر می‌دادند، پس مخالفت حضرت با آنها روی حساب درست بود.

2 - ابن فضال، از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدرش و از پدران بزرگوارش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: شاوروا النساء وخالفوهن فان خالفهن بركة. با زنها مشورت کرده و با آنها مخالفت نمایید زیرا در خلاف آنها برکت هست. «1»

3 - امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: فی خالفهن البركة. در خلاف آنها برکت هست. «2»

4 - در وصیت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ به فرزندش حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: إياك ومشاورة النساء فان رأيهن إلى أفن، وعزمهن إلى وهن ... مبادا با زنان مشاوره نمایی، چون رأی آنها بی پایه و عزمشان برستی است. «3» این گونه روایات را در بالا معنا کردیم

13 - اطاعت از بانوان!

13 - در تعدادی از روایات، اطاعت از زنان و همسران، تقبیح و مورد مذمت قرار گرفته!، و به رو به آتش انداخته خواهد شد!!
حالا ببینیم اطاعت از همه خواسته‌ها و دستورهای آنهاست یا موارد خاصی در نظر گرفته شده است، به متون روایات دقت نمائید که خود مسئله را روشن می‌نماید.

1 - از ابي عبد الله عليه السلام از پدرانش عليهم السلام فرمود: در وصیت پیامبر صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: من أطاع امرأته أكبه الله على وجهه فى النار قال: وما تلك الطاعة؟ قال: تطلب إليه الذهاب إلى الحمامات والعرسات والعيدان والنايحات والثياب الرقاق فيجيبها. هرکس از زنش اطاعت نماید خداوند او را به رو به آتش اندازد!، گفت: کدام اطاعت؟، فرمود: از شوهرش رفتن به حمام‌ها و عروسی‌ها و عید دیدنی‌ها و نوحه گری‌ها و لباس نازک بخواهد و او نیز موافقت نماید. «4»

2 - سکونی، از امام صادق عليه السلام از پدرانش عليهم السلام فرمود: قال علی عليه السلام: من أطاع امرأته أكبه الله على وجهه فى النار، قيل: وما تلك الطاعة؟ قال: تطلب إليه أن تذهب إلى الحمامات وإلى العرسات وإلى النايحات والثياب الرقاق فيجيبها. هرکس از زنش فرمان برد، خداوند او را به رو به آتش اندازد!، گفته شد: کدام اطاعت؟، فرمود: از شوهر درخواست نماید رفتن به حمام‌ها و عروسی‌ها و نوحه گری‌ها و لباس نازک و او هم قبول نماید. «1»

3 - و فرمود: عَلَيْهِ : طاعة المرأة ندامة. اطاعت از زن (نادان) پشیمانی است

«2»

4 - علی عَلَيْهِ فرمود: کل امرئ تدبّره امرأة فهو ملعون. کار هر مردی را زن

(ناپخته) تدبیر (و تنظیم) کند، او ملعون است! «3»

14 - احسان خانم از مال شوهر

14 - خانم‌ها معمولاً از خانه و مال شوهر، برای مصارفی خرج می‌کنند آیا

این گونه هزینه‌ها جنبه شرعی دارد و می‌تواند یانه؟.

1 - ابن بکیر، گوید: از ابا عبد الله عَلَيْهِ سؤال نمودم: عما يحلّ للمرأة أن

تتصدّق من بيت زوجها بغير إذنه؟ قال: المأدوم.

از آنچه که به زن حلال است از خانه شوهرش بی اجازه شوهر، تصدق

نماید؟

فرمود: غذا. «4»

2 - علی (بن جعفر)، از برادرش (موسی بن جعفر) عَلَيْهِ سؤال نمود: از زن

هل لها أن تعطى من بيت زوجها بغير إذنه؟ قال: لا إلا أن يحللها (يحللها). آیا

حق دارد از خانه شوهرش بدون اجازه او چیزی عطا نماید؟ فرمود: نه؛ مگر

اینکه بر او حلال نماید (و اجازه دهد). «5»

3 - محمد بن مسلم از امام باقر عَلَيْهِ ولا تتصدّق من بيته بشئ إلا باذنه ... و

از خانه شوهر تصدق نکند مگر با اجازه او. «6»

15 - اشتغال بانوان!

15 - در فصل‌های گذشته از معایب و خطرات حضور بانوان در مجامع عمومی مطالبی گفته شد و در این فصل درباره اشتغال و درآمد زندگی آنها، صحبتی داریم؛

می‌دانیم که در شریعت اسلام تأمین خوراک و پوشاک و مسکن بانوان را، بر ذمه مردان گذاشته شده است باید به هر طریقی، به وظایف شرعی و شوهری خود عمل نماید، در غیر این صورت از سوی حاکم شرع برای عمل به این وظیفه، ملزم می‌شود، مگر اینکه توانائی جسمی یا روحی نداشته باشد در این صورت هزینه زندگی او از بیت المال تأمین خواهد شد؛

بلی اگر بانوئی بیوه باشد و نان آور خود را از دست داده باشد و از طرف حکومت مخارج او فراهم نگردد و در منزل امکان اشتغال و درآمد برایش میسر نباشد، می‌تواند به کارهای بیرون از منزل با رعایت حجاب و سایر دستورات دینی، اشتغال ورزیده و زندگی خود را بچرخاند.

1 - ابن اَسباط، از عمویش سند را رسانده به علی عَلَيْهِ السَّلَام گفت: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: نعم اللّهُو المغزل للمرأة الصالحة. چه سرگرمی خوبیست نخ ریزی (و بافتنی) برای زن صالحه. ¹

2 - واز امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام است: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: لا تنزلوا النساء الغرف ولا تعلموهنّ الكتابة وأمروهنّ بالمغزل و علموهنّ سورة النور. زنان را در غرفه (وبالاخانه‌ها) منزل ندهید (که در معرض دید قرار گیرند) و نوشتن را برای آنان یاد ندهید (تا با نا اهلان و نامردان ارتباط برقرار نمایند) آنها را امر کنید به

نخ ریسی (و بافتنی) و خواندن سوره نور (که درباره تکالیف زن و مرد سخن گفته است).

پیرامون این روایت بعداً مطلبی خواهیم داشت ولی (اگر سند روایت اشکال نداشته باشد) آنچه که مسلم است، منظور روایت زنانی است قابل که اطمینان نباشد وگرنه دین مبین اسلام که آخرین ادیان و باید تا انقراض عالم، کره زمین را اداره نماید، چگونه می‌تواند با بی سواد نگهداشتن نیمی از انسان‌ها (قشر زنان) را، به این مدیریت دست یابد و جهان را زیر بال و پر خود گرفته و به سرمنزل مقصود برساند؛

در حالی که از بزرگان دین خاصه شخص رسول گرامی ﷺ دستورات اکید به فراگیری علم و دانش صادر شده است، فرمود:

«أطلبوا العلم من المهد الى اللحد» زگهواره تا گور، دانش بجوی؛

و «طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة» فراگرفتن دانش بر هر مسلمان، زن و مرد، واجب است.

پس از پایان جنگ بدر و دستگیری گروهی از اسراء، شرط آزادی آنهائی که سواد داشتند را، باسواد نمودن چند نفر از مسلمان‌ها قرار داد.

در قرآن کریم صراحتاً می‌فرماید: (إِنَّمَا يَخْتَشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ) محققاً

از میان بندگان خدا تنها، دانشمندان از خدا می‌ترسند»

(يَرْفَعُ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ) درجات خداوند

کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی که علم به او داده شده است، درجات عظیمی می‌بخشد».

(قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) بگو: آیا کسانی که می‌دانند

با کسانی که نمی‌دانند، یکسانند».¹

می بینیم در هیچکدام از آیات و اخبار فوق که برای رعایت اختصار، یک
دهم آن را نیاوردیم، زنان را استثناء نکرده است.

پس ما نمی توانیم با روایت فوق، از آن همه دستورات دینی برای تشویق به
فراگرفتن علم و دانش و ارزش و بها دادن به علم و عالم وو .. دست برداریم.
در باره علم و نظر اسلام در آن، صدها بلکه هزاران کتاب و مقالات نوشته
شده است که صاحبان علم، از گوشه‌ای از آنها اطلاع دارند؛

مگر در زمان رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام و بزرگان دین در هر عصر و
زمانی مکتب‌های قرآن و تدریس آن وجود نداشت و یا دختران آن بزرگان در
مدینه و کوفه و سایر بلاد اسلامی مانند حضرت زینب علیها السلام، تفسیر قرآن
نمی گفتند؛ مگر قابل قبول است که آخرین دین آسمانی نیمی از اقشار جامعه را
در جهالت نگهدارد، مگر عاقلانه است که از این همه پیشرفت‌های علمی در هر
زمینه و در هر مقوله، بانوان اسلام کور و نابینا و از همه مواهب زندگی، بی
اطلاع و بی بهره بمانند.

در این باره مطالبی در بخش 4 فصل (احکام خاص بانوان) خواهد آمد.

3 - عبد الله بن سلیمان، از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: أمير مؤمنان عليه السلام
فرمود: لياتين على الناس زمان يظرف فيه الفاجر و يقرب فيه الماجن، و يضعف
فيه المنصف، قال: فليل له متى يا أمير المؤمنين؟ فقال: إذا اتخذت الأمانة مغنماً،
و الزكاة مغرمًا، و العبادة استطالة و الصلوة منًا، فليل: متى ذلك يا أمير المؤمنين؟
فقال: إذا تسلطن النساء و تسلطن الإمام و أمر الصبيان. البته بر مردم می آید زمانی
که در آن، دریده‌ها به کار گرفته شوند، و بیهوده‌ها نزدیک (و کارها را قبضه
نمایند) و با انصاف‌ها تضعیف می گردند، گفته شد (این کارها) کی خواهد شد

ای امیرمؤمنان؟! فرمود: زمانی که امانتها غنیمت و زکات غرامت شمرده شود و عبادت برای خود بزرگ بینی انجام گرفت و احسان به کسی منت گذاری گردد، پرسیدند کی خواهد شد ای امیرمؤمنان؟! فرمود: زمانی که زنها مسلط شوند (و کارها را به دست گیرند!) و کنیزان قدرت پیدا کردند، و بچه‌ها فرمان روا شدند.¹

16 - نسبت زنا بر خانم!!

16 - در بعضی موارد، شوهران برای مقاصد شوم و یا زهر چشم گرفتن و یا خلاص شدن از دست همسر یا روی بدبینی یا اشتباه و ..، خانم‌های خود را نسبت زنا می‌دهند و دامن او را با تهمت ناروا، آلوده می‌سازند و از افترا گفتن نمی‌ترسند و باید برای دریافت پیامدها و عواقب ناگوار دنیا و آخرت آن، آماده باشند.

1 - رسول خدا ﷺ فرمود: من قذف امرأته بالزنا خرج من حسناته كما تخرج الحيّة من جلدها، و كتب له بكل شعرة على بدنه ألف خطيئة. هرکس همسر خود را نسبت زنا دهد، از اعمال خیر خود، بیرون رود (و محروم ماند) مانند بیرون رفتن مار از پوست خود، و بر تعداد هر موی بدنش هزار خطا (و گناه بر او نوشته شود).¹

2 - و امام علیؑ فرمود: لا تقذفوا نساءکم بالزنا فإنه شبه بالطلاق، وإيّاکم والغيبة فإنها شبه بالكفر، واعلموا أن القذف والغيبة يهدمان عمل مائة سنة. زنان خود را نسبت زنا ندهید، زیرا آن مانند طلاق دادن است، و مبادا غیبت بکنید، چون آن شبیه کفر است، و بدانید نسبت ناروای زنا و غیبت، عمل یک صد سال را، ویران می‌کنند.¹ 3 - و او علیؑ فرمود: من قذف امرأته بالزنا نزلت علیه اللعنة و لا يقبل منه صرف و لا عدل. هرکس زن خود را نسبت زنا دهد، بر او (از آسمان) لعنت نازل شود و از او هیچ عملی، کوچک و بزرگ، پذیرفته نمی‌شود!¹ 4 - و باز امام علیؑ فرمود: لا يقذف امرأته إلا ملعون أو قال: منافق، فإن القذف من الكفر والكفر في النار، لا تقذفوا نساءکم فإن فی قذفهنّ ندامة طويلة و عقوبة شديدة. به زن خود نسبت زنا ندهد، مگر ملعون یا فرمود:

منافق، زیرا نسبت نا روای زنا از کفر و کفر هم در آتش است زنان خود را نسبت زنا ندهید چون در این نسبت، پشیمانی طولانی و عقوبت شدید، در پی خواهد داشت.³

17 - بی غیرتان!

17 - در هر زمانی مخصوصاً در زمان ما، کسانی پیدا می شوند که از غیرت مردانگی و شرف انسایت، به اندازه پرِ پشه در وجود او پیدا نمی شود بلکه به این صفت غیر انسانی و دور از شرافت، افتخار می کند و می بالد!؛
زیاد دیده‌ایم و می بینیم گروهی را که با زنان آرایش کرده و دلربای خود، دست بهم داده و دوش به دوش، در خیابانها و بازارها و در مجامع عمومی و در برابر چشمان جوانهای مجرد و متأهل، ظاهر می شوند و قدم زده و خود نمائی می نمایند و اگر کسی هم مانند آنها نباشد، امل و بی فرهنگ و عقب افتاده و یا مرد عصر حجری نثار می کنند و می گذرند!!؛

واقعاً جای بسی تأسف است که از وجود این گونه افراد یا خانواده، یا جامعه، مفهوم غیرت و معنای شرافت، رخت بر بسته و به سفر بی پایان رفته است!! به امید روزی که این نوع اشخاص به خود برگشته و خود را دریابند و سبب تباهی جامعه و از هم پاشیدن خانواده ها نشوند انشاءالله.

1 - پیامبر ﷺ در حدیث مفصل مناهی:

وَأَيُّمَا رَجُلٍ تَتَزَيَّنُّ امْرَأَتَهُ وَتَخْرُجُ مِنْ بَابِ دَارِهَا فَهُوَ دَيْوُوثٌ وَلَا يَأْتِمُ مِنْ يَسْمِيَةِ دَيْوُوثًا، وَالْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مَتَزَيِّنَةً مَتَعَطَّرَةً وَالزَّوْجَ بِذَلِكَ رَاضٍ يَبِينِي لَزُوجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتَ فِي النَّارِ ..

و هر مردی زنش آرایش کرده و از درِ خانه‌اش بیرون رود، پس او دیوث است و هر کس او را دیوث بنامد، گناه نکرده است!!

و زن زمانی که از درِ خانه‌اش، آرایش کرده و خوشبو بیرون رود و شوهرش هم برآن، راضی شود، به هر قدمی که زن برمی دارد برای شوهرش، خانه‌ای در آتش، بنا خواهد شد. ^{«1»}

2 - رسول خدا ﷺ فرمود: أَيْمًا رَأَى فِي مَنْزِلِهِ شَيْئًا مِنَ الْفَجْرِ فَلَمْ يَغَيِّرْ، بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى طَيْرًا أبيضَ يظَلُّ عَلَيْهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَيَقُولُ كَلَّمَا دَخَلَ وَ خَرَجَ غَيْرُ غَيْرٍ فَإِنْ غَيَّرَ وَإِلَّا مَسَحَ رَأْسَهُ بِجَنَاحِهِ عَلَى عَيْنَيْهِ، فَإِنْ رَأَى حَسَنًا لَمْ يَسْتَحْسِنْهُ وَإِنْ يَرَى قَبِيحًا لَمْ يَنْكُرْهُ. هر مردی در منزلش کار زشت ببیند و غیرت نشان ندهد، خدای تعالی، پرنده سفیدی را می‌فرستد، چهل روز بر او سایه افکند و در هر داخل و خارج شدن به او می‌گوید: غیرت نشان ده غیرت نشان ده، پس اگر غیرت نشان داد (فیها)، و گرنه، دوبالش را به سر و چشمان او می‌کشد، (بعد از آن چیز خوبی را ببیند خوب نمی‌شمارد و قبیح (و زشتی) را ببیند، بدش نمی‌آید (و دیگر توفیق ایمان از او سلب گردد). ^{«2»}

3 - امام عیاشیؓ فرمود: إِنَّ الْجَنَّةَ لِيُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسَمِائَةِ عَامٍ وَلَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَلَا دَيْوُثٌ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الدَّيْوُثُ؟ قَالَ: الَّذِي تَرْنَى امْرَأَتَهُ وَهُوَ يَعْلَمُ بِهَا. همانا بوی بهشت از پانصد سال مسیره (و استشمام می‌شود) آن را عاق والدین و دیوث در نمی‌یابد، گفته شد ای رسول خدا ﷺ دیوث چیست؟! فرمود: کسی که زنش زنا می‌دهد و او می‌داند، (اما حرفی نمی‌زند). ^{«3»}

18 - ضایع کردن خانواده حرام است

18 - مواقعی پیش می‌آید که بزرگ خانواده، افراد تحت تکفل خود را در جمع یا در میان دوست و آشنا و محیط خانه: تحقیر می‌کند و توسری می‌زند، و یا در مقابل مسؤلیت هائی که دارد بی‌اعتنا و از هر جهت، چه تربیتی و آموزشی و غیره حقوق آنها را نادیده گرفته و خود را کنار کشیده و به امان خدا، رها می‌سازد، در این صورت است که مشمول لعن و نفرین می‌گردد.

1 - قال رسول الله ﷺ : ملعون ملعون من ضیع من یعول. رسول خدا ﷺ فرمود:

ملعون است ملعون است هرکس عیالات خود را ضایع نماید.¹

19 - کراهت خوابیدن دور از خانه

19 - در اجتماع اشخاصی پیدا می‌شود که، فقط خود را می‌بیند و به زندگی خود فکر می‌کند و از دیگران غافل و حقوق آنها را پایمال و نادیده می‌گیرد، مانند معتادها و قمار باز و مشروب‌بی‌ها، در جائی گردهم آمده و سرگرم اعمال نامشروع خود می‌باشند و دور از اهل و عیال خود شب را سپری می‌کنند، و یا اصلاً اهل این کارها هم نیستند ولی در اثر بی‌مسئولیتی، مجلس بزم و عیشی، فراهم می‌کنند و پس از گذشت پاسی از شب، تنبلی کرده، از فکر برگشتن به خانه منصرف می‌شوند و یا به زن و بچه خود بی‌میل شده وقت گذرانی می‌نمایند و زن و بچه را چشم‌براه و منتظر می‌گذارند که همه این اعمال در شأن یک انسان سالم و خدا شناس نیست.

1 - قال: وقال عليه السلام: هلك بذي المروة ان يبیت الرجل عن منزله بالمصر
الذی فیہ أهله. و فرمود: صاحب مروّت به هلاکت رسید اینکه (اگر) دور از خانه
خود بخوابد در شهری که اهل و عیالش در آن شهر زندگی می کنند (با بهانه
های گوناگون از آمدن به خانه خود داری می نماید و یا با دوستان و رفیقان بد،
شب گذرانی کند و خانواده خود را منتظر می گذارد).²

بخش سوم آداب معاشرت و مباشرت!

1 - آداب خانوادگی

1 - (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا
الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ
الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ
جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ).

(وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ).

(وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعْنَ
ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَن يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ).¹ ای
کسانی که ایمان آورده‌اید باید بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ
نرسیده‌اند (برای ورود به خوابگاه شما) در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از
نماز فجر، و در نیم روز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید،
و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خصوصی شما است؛ اما بعد از این سه وقت
گناهی بر شما و بر آنها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر
طواف کنید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمائید) این گونه خداوند
آیات را برای شما تبیین می‌کند و خداوند عالم و حکیم است.

و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همانگونه که
اشخاصی پیش از آنها بودند اجازه می‌گرفتند، این چنین خداوند آیاتش را
برای شما تبیین می‌کند و خدا عالم و حکیم است.

و زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند گناهی بر آنها نیست که لباسهای (روئین) خود را بر زمین بگذارند به شرط اینکه در برابر مردم خود آرائی نکنند و اگر خود را بیوشانند برای آنها بهتر است و خداوند شنوا و دانا است. «1»

در آیات قرآن اهمیت زیادی به پیوند خانوادگی: و احترام و اکرام پدر و مادر: و نیز توجه به تربیت فرزندان: داده شده است، که در آیات فوق به قسمتی از آن اشاره شده است: این بخاطر آن است که جامعه بزرگ انسانی از واحدهای کوچکتری به نام خانواده تشکیل می‌شود: همانگونه که یک ساختمان بزرگ از غرفه‌ها و سپس از سنگ‌ها و آجرها تشکیل می‌گردد.

بدیهی است هر قدر این واحدهای کوچک از انسجام و استحکام بیشتری برخوردار باشد استحکام اساس جامعه بیشتر خواهد بود: و یکی از علل نابسامانی‌های اجتماعی جوامع صنعتی عصر ما متلاشی شدن نظام خانوادگی است که نه احترامی از سوی فرزندان وجود دارد: نه محبتی از سوی پدران و مادران: و نه پیوند مهر و عاطفه‌ای از سوی همسران.

منظره دردناک آسایشگاه‌های بزرگسالان در جوامع صنعتی امروز که مرکز پدران و مادران ناتوانی است که از کار افتاده‌اند و از خانواده طرد شده‌اند شاهد بسیار گویائی برای این حقیقت تلخ است.

مردان و زنانی که بعد از یک عمر خدمت: و تحویل فرزندان متعدد به جامعه در ایامی که نیاز شدیدی به عواطف فرزندان: و کمکهای آنها دارند: به کلی رانده می‌شوند: و در آنجا در انتظار مرگ، روز شماری می‌کنند: و چشم به در دوخته‌اند که آشنائی از در درآید: انتظاری که شاید در سال یک یا دو بار بیشتر یا اساساً تکرار نمی‌شود! به راستی تصور چنین حالتی زندگی را برای انسان از

همان آغازش تلخ می‌کند و این است راه و رسم دنیای مادی و تمدن منهای ایمان و مذهب.

(در آیه دیگر) جمله «أعمل صالحا ترضاه» بیانگر این واقعیت است که عمل صالح چیزی است که موجب خشنودی خدا می‌شود. و تعبیر «أحسن ما عملوا»

(بهترین کاری که انجام دادند) که در آیات متعددی از قرآن مجید آمده: بیانگر فضل بی حساب خداوند است که در مقام اجر و پاداش بندگان: بهترین اعمال آنها را معیار قرار می‌دهد و همه را به حساب آن می‌پذیرد.¹

2 - آداب ورود به جایگاه خصوصی والدین

2 - مهمترین مسأله ای که در آیات فصل قبل²، تعقیب شده مسأله عفت عمومی و مبارزه با هر گونه آلودگی جنسی است که در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته و به اموری که با این مسأله ارتباط دارد پرداخته و خصوصیات آن را تشریح می‌کند و آن مسأله اذن گرفتن کودکان بالغ و نابالغ به هنگام ورود به اطاقهایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند.

نخست می‌گوید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید باید مملوکهای شما (بردگانتان) و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أُنْثَىٰ لَكُمْ أَلْفَاظٌ مِّنْ قَوْلٍ لِّمَنْ أَهْلَكَ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا لَكُمْ لِمِصْرَتِ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ لَمَّا طَغَىٰ الْكُفْرُ وَلَمَّا جَاءَ الْحُكْمُ عَصَوْا وَالَّذِينَ آمَنُوا لَسَوْفَ أَعْتَدُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا لِّخُلُوعِهِمْ وَلَمَّا جَاءَ الْحُكْمُ عَصَوْا وَالَّذِينَ آمَنُوا لَسَوْفَ أَعْتَدُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا لِّخُلُوعِهِمْ وَلَمَّا جَاءَ الْحُكْمُ عَصَوْا وَالَّذِينَ آمَنُوا لَسَوْفَ أَعْتَدُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا لِّخُلُوعِهِمْ)

لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء (مِن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ)

ظهیره چنانکه راغب در مفردات و فیروزآبادی در قاموس می‌گویند: به معنی نیم روز و حدود ظهر است که مردم در این موقع معمولاً لباسهای روئی خود را در می‌آورند و گاه مرد و زن با هم خلوت می‌کنند.

این سه وقت: سه وقت پنهانی و خصوصی برای شما است (ثلاث عورات لکم) عورت در اصل از ماده عار به معنی عیب است و از آنجا که آشکار شدن اندام جنسی مایه عیب و عار است در لغت عرب به آن عورت اطلاق شده. کلمه عورة گاه به معنی شکاف در دیوار و لباس و مانند آن نیز آمده است و گاه به معنی مطلق عیب می‌باشد: و به هر حال اطلاق کلمه عورت بر این اوقات سه گانه به خاطر آن است که مردم در این اوقات خود را زیاد مقید به پوشانیدن خویش مانند سایر اوقات نمی‌کنند و یک حالت خصوصی دارند.

بدیهی است این دستور متوجه اولیای اطفال است که آنها را وادار به انجام این برنامه کنند: چرا که آنها هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اند تا مشمول تکالیف الهی باشند:

و به همین دلیل مخاطب در اینجا اولیاء هستند.

ضمناً اطلاق آیه هم شامل کودکان پسر و هم کودکان دختر می‌شود و کلمه الذین که برای جمع مذکر است مانع از عمومیت مفهوم آیه نیست: زیرا در بسیاری از موارد این تعبیر به عنوان تغلیب بر مجموع اطلاق می‌گردد همانگونه که در آیه وجوب روزه تعبیر به الذین شده و منظور عموم مسلمانان است.¹

ذکر این نکته نیز لازم است که آیه از کودکانی سخن می‌گوید که به حد تمیز رسیده‌اند و مسائل جنسی و عورت و غیر آن را تشخیص می‌دهند: زیرا دستور اذن گرفتن خود دلیل بر این است که این اندازه می‌فهمند که اذن گرفتن یعنی چه و تعبیر به ثلاث عورات شاهد دیگری بر این معنی است.

اما اینکه این حکم در مورد بردگان مرد است یا کنیزان را نیز شامل می‌شود روایات مختلفی وارد شده هر چند ظاهر عام است و شامل هر دو گروه می‌شود و به همین دلیل روایت موافق ظاهر را می‌توان ترجیح داد.

در پایان آیه می‌فرماید: بر شما و بر آنها گناهی نیست که بعد از این سه وقت بدون اذن وارد شوند. و بعضی به دیگری خدمت کنند و گرد هم (با صفا و صمیمیت) بگردند (لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ).

آری این چنین خداوند آیات را برای شما تبیین می‌کند و خدا عالم و حکیم است (كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) واژه طوافون در اصل از ماده طواف به معنی چرخیدن به دور چیزی است. و چون به صورت صیغه مبالغه آمده به معنی کثرت در این امر می‌باشد. و با توجه به اینکه بعد از آن (بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ). آمده مفهوم جمله این می‌شود که در غیر این سه وقت شما مجاز هستید بر گرد یکدیگر بگردید و رفت و آمد داشته باشید و به هم خدمت کنید.

و به گفته فاضل مقداد در کنز العرفان این تعبیر در حقیقت به منزله بیان دلیل برای عدم لزوم اجازه گرفتن در سائر اوقات است: چرا که اگر بخواهند مرتباً رفت و آمد داشته باشند و در هر بار اذن دخول بخواهند کار مشکل می‌شود.

در آیه بعد حکم بالغان را بیان کرده: می‌گوید: هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید در همه اوقات اجازه بگیرند: همانگونه که اشخاصی که قبل از آنها بودند اجازه می‌گرفتند (وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ).

واژه حُلْمٌ (بر وزن کُتُبٌ) به معنی عقل آمده است و کنایه از بلوغ است که معمولاً با یک جهش عقلی و فکری توأم است: و گاه گفته‌اند حلم به معنی رؤیا و خواب دیدن است: و چون جوانان: مقارن بلوغ: صحنه‌هایی در خواب می‌بینند که سبب احتلام آنها می‌شود این واژه به عنوان کنایه در معنی بلوغ به کار رفته است.

به هر حال از آیه فوق چنین استفاده می‌شود که حکم بالغان با اطفال نابالغ متفاوت است: زیرا کودکان نابالغ طبق آیه قبل، تنها در سه وقت موظف به اجازه گرفتن هستند: چون زندگی آنها با زندگی پدران و مادران آنقدر آمیخته است که اگر بخواهند در همه حال اجازه بگیرند مشکل خواهد بود: و از این گذشته احساسات جنسی آنها هنوز به طور کامل بیدار نشده: ولی نوجوانان بالغ طبق این آیه که اذن گرفتن را به طور مطلق برای آنها واجب دانسته موظفند در همه حال به هنگام ورود بر پدر و مادر اذن بطلبند.

این حکم مخصوص به مکانی است که پدر و مادر در آنجا استراحت می‌کنند و گرنه وارد شدن در اطاق عمومی (اگر اطاق عمومی داشته باشند) مخصوصاً به هنگامی که دیگران هم در آنجا حاضرند: و هیچ‌گونه مانع و رادعی در کار نیست اجازه گرفتن لزومی ندارد.

ذکر این نکته نیز لازم است که جمله (مَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ) اشاره به بزرگسالان است که در همه حال به هنگام وارد شدن در اطاق موظف به اجازه گرفتن از پدران و مادران بودند: در این آیه افرادی را که تازه به حد بلوغ رسیده‌اند هم ردیف بزرگسالان قرار داده که موظف به استیذان بودند.

در پایان آیه برای تأکید و توجه بیشتر می‌فرماید: این گونه خداوند آیاتش را برای شما تبیین می‌کند و خداوند عالم و حکیم است (كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ) .

این همان تعبیری است که در ذیل آیه قبل بود بدون هیچگونه تغییر جز اینکه در آن آیه الایات بود و در اینجا آیات که از نظر معنی تفاوت چندانی ندارد. در آخرین آیه مورد بحث استثنائی برای حکم حجاب زنان بیان می‌کند و زنان پیر و سالخورده را از این حکم مستثنی می‌شمرد و می‌گوید: زنان از کار افتاده‌ای که امیدی به ازدواج ندارند گناهی بر آنان نیست که لباسهای (روئین) خود را بر زمین بگذارند در حالی که در برابر مردم خود آرائی نکنند (وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ).

در واقع برای این استثناء دو شرط وجود دارد: نخست اینکه به سن و سالی برسند که معمولاً امیدی به ازدواج ندارند: و به تعبیر دیگر جاذبه جنسی را کاملاً از دست داده‌اند.

دیگر اینکه در حال بر داشتن حجاب خود را زینت نمایند.

روشن است که با این دو قید مفاسد کشف حجاب در مورد آنان وجود نخواهد داشت و به همین دلیل اسلام این حکم را از آنان برداشته است.

این نکته نیز روشن است که منظور برهنه شدن و بیرون آوردن همه لباسها نیست بلکه تنها کنار گذاشتن لباسهای رو است که بعضی روایات از آن تعبیر به چادر و روسری کرده است (الجلباب و الخمار در حدیثی از امام صادق علیه السلام در ذیل همین آیه می‌خوانیم که فرمود: الخمار و الجلباب، قلت بین یدی من کان؟ قال: بین یدی من کان غیر متبرجة بزینة: منظور روسری و چادر است: راوی می‌گوید از امام پرسیدم در برابر هر کس که باشد؟ فرمود: در برابر هر کس باشد اما خود آرائی و زینت نکند.

روایات دیگری نیز به همین مضمون یا نزدیک به آن از ائمه اهل بیت
علیهم السلام نقل شده است که تعدادی از آن در بخش 4 در فصل «حدود نگاه به
نامحرم» خواهد آمد.

در پایان آیه اضافه می‌کند که با همه احوال اگر آنها تعفف کنند و خویشان را
بیوشانند برای آنها بهتر است (وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ).
چرا که از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و حجاب را رعایت کند
پسندیده‌تر و به تقوا و پاکی نزدیکتر است.

و از آنجا که ممکن است بعضی از زنان سالخورده از این آزادی حساب شده
و مشروع سوء استفاده کنند: و احیانا با مردان به گفتگوهای نامناسب بپردازند و
یا طرفین در دل افکار آلوده‌ای داشته باشند در آخر آیه به عنوان یک اخطار
می‌فرماید خداوند شنوا و دانا است (و الله سمیع علیم).

آنچه را می‌گوئید می‌شنود و آنچه را در دل دارید و یا در سر می‌پرورانید
می‌دان

3 - ورود به خلوتگاه والدین و ..!

3 - این مطلب قابل قبول تمام فرقه‌ها و نژادها و اقوام گوناگون جوامع بشری است که، انسان نباید بدون اجازه، به خلوت خانه کسی وارد شود، بخصوص از نظر اسلام در این موارد دقت زیاد شده و مورد توجه بیشتر بزرگان دین قرار گرفته است؛

فرق نمی‌کند پدر و مادر و خواهر و برادر و به طور خلاصه اقوام نزدیک و دور و حتی بیگانه: باید این آداب و رسوم را رعایت نماید.

از جمله آدابی که نشان دهنده شخصیت و حسن ادب آدمی است و آبروی خانوادگی را محفوظ می‌دارد، رعایت حرمت های خانوادگی و بها دادن به همدیگر است که مصداق بارز آنها اجازه خواستن در ورود و خروج به خلوت گاه والدین و محارم دیگر (دختر و پسر و عمه و خاله و غیره) است.

1 - ابن محبوب از ابی ایوب الخراز: از ابی عبد الله عليه السلام فرمود: يستأذن الرجل إذا دخل على أبيه و لا يستأذن الأب على الابن، الحديث. حتماً وقتی که مرد به خدمت پدر می‌رسد، اجازه بخواهد ولی اجازه خواستن پدر لزومی ندارد (لحن حدیث استیذان فرزند، در مواقع زندگی طبیعی است، زیرا پدر هم مجاز نیست، سرزده به خلوتگاه فرزند وارد شود).¹

2 - محمد بن علی الحلبي گوید: به ابی عبد الله عليه السلام گفتم: الرجل يستأذن علی أبيه؟

فقال: نعم قد كنت أستأذن علی أبي وليست امي عنده إنما هي امرأة أبي توفيت امي وأنا غلام، وقد يكون من خلوتهما مالا أحب أن أفجأهما عليه، ولا يحب أن ذلك مني والسلام أحسن وأصوب. آیا مرد برای ورود به خدمت پدر

اجازه می‌خواهد؟ فرمود: بلی، من برای ورود به پدرم اجازه می‌خواستم در حالی که مادرم پیشش نبود، او زن پدرم بود، من جوان بودم که مادرم وفات یافت ای بسا در محل خلوت آنها چیزی باشد که من دوست نداشتم، ناگهانی (و سرزده) با آن روبرو شوم و آنها نیز این کار را، دوست نداشتند، و سالم بودن (از این کارها) زیبا و مقرون به حقیقت است. ^{«1»}

3 - ابن محبوب: از ابی ایوب الخراز: از ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ در حدیثی فرمود: و يستأذن الرجل على ابنته وأخته إذا كانتا متزوجتين. مرد برای ورود به منزل دختر و خواهرش، اجازه بخواهد اگر ازدواج کرده‌اند. ^{«2»}

4 - جراح المدائنی: از ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ در حدیثی فرمود: و من بلغ الحلم فلا يلج على أمه ولا على اخته ولا على خالته ولا على سوي ذلك إلا باذن، ولا تأذنوا حتى يسلموا (يسلم)، والسلام طاعة لله عزوجل. هر کس به حد بلوغ رسیده است نباید سر زده به مادر و خواهر و خاله وارد شود و نه دیگران، مگر با اذن: و اجازه (ورود ندهید) تا سلام کنند، سلام اطاعت از خدای عز و جل است. ^{«3»}

5 - محمد بن قیس: از ابی جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ در حدیثی فرمود: ومن بلغ الحلم منكم فلا يلج على أمه ولا على اخته ولا على ابنته ولا على من سوي ذلك إلا باذن، ولا يؤذن لأحد حتى يسلم، فإن السلام طاعة الرحمن. هر کس به حد بلوغ رسیده است نباید سر زده به مادر و خاله و خواهر وارد شود و نه دیگران، مگر با اذن (و اجازه)، و اجازه (ورود ندهید) تا سلام کنند، سلام اطاعت از خدای رحمان است. ^{«4»}

6 - علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: ای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امی استأذن علیها؟ قال: نعم، قال: ولم يا رسول الله؟ قال أيسرک أن تراها عريانة؟ قال: لا قال: فاستأذن. از

مادرم (برای ورود به خانه) اجازه بخواهم؟ فرمود: بلی، گفت چرا ای رسول خدا ﷺ فرمود: آیا خوشت می آید مادرت را لخت ببینی؟! گفت: نه، فرمود پس اذن بخواه. «1»

7 - علی ع فرمود: مردی به رسول خدا ﷺ گفت: ای رسول خدا ﷺ! اختی تکشف شعرها بین یدی؟ قال: لا إني أخاف إذا أبدت شيئاً من محاسنها ومن شعرها و معصمها أن توقعها. خواهرم مویش را پیش من باز می کند؟ (آیا اشکال دارد) فرمود: نه (نباید این کار را بکند)، زیرا می ترسم هرگاه چیزی از آرایشش و مویش و محل زینتش را باز کند، تورا (وسوسه کند و) با او در آمیزی (و زنا کنی). «2»

8 - فرمود: نهی رسول الله ﷺ أن يدخل على النساء إلا باذن الأولياء. رسول خدا ﷺ نهی فرمود: از اینکه بر زنان داخل شوند مگر با اجازه اولیاء (و صاحبان آنها). «3»

9 - جعفر بن عمر از ابی عبدالله ع فرمود: رسول خدا ﷺ نهی أن يدخل الرجال على النساء إلا باذنهنّ نهی نمود که مردان بر (منزل) بانوان داخل شوند مگر با اجازه آنها. «4»

4 - استیذان رسول خدا ﷺ از دخترش

4 - از دخترش رعایت این دستورها از همه مطلوب و از بزرگان و رهبران دین که عمل آنها، سرمشق و الگوی دیگران می‌باشد مطلوب‌تر است: بدینجهت بود که رسول خدا ﷺ برای ورود به خانه دخترش فاطمه علیها السلام اجازه می‌خواست و بدون اجازه وارد نمی‌شد!

1 - عمرو بن شمر از ابی جعفر علیه السلام: از جابر بن عبد الله انصاری گفت: خرج رسول الله ﷺ بريد فاطمة وأنا معه، فلما انتهينا إلى الباب وضع يده عليه فدفعه ثم قال: السلام عليكم، فقالت فاطمة عليها السلام: وعليك السلام يا رسول الله، قال: أدخل؟ قالت: أدخل يا رسول الله، قال: أدخل أنا ومن معي؟ قالت: ليس عليّ قناع، فقال: يا فاطمة خذي فضل ملحفتك فقنعي به رأسك ففعلت ثم قال: السلام عليك، فقالت: وعليك السلام يا رسول الله قال:

ادخل؟ قالت: نعم يا رسول الله، قال: أنا ومن معي؟ قالت: ومن معك، قال جابر: فدخل رسول الله ﷺ ودخلت و إذا وجه فاطمة علیها السلام اصفر كأنه بطن جرادة، فقال رسول الله ﷺ: مالي أرى وجهك اصفر، قالت: يا رسول الله، الجوع، فقال رسول الله ﷺ: اللهم مشبع الجوعة ودافع الضيعة اشبع فاطمه بنت محمد، قال جابر: فوالله لنظرت إلى الدم يتحدر من قصاصها حتى عاد وجهها احمر فما جاعت بعد ذلك اليوم.

رسول خدا ﷺ بیرون رفت و اراده داشت فاطمه علیها السلام را ببیند و من هم با او بودم؛ وقتی که به کنار در رسیدیم، دست روی در گذاشت و (کمی) هل داد و فرمود: سلام بر شما باد، فاطمه علیها السلام گفت: و بر تو باد سلام ای رسول خدا؛

صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود: آیا داخل شوم؟ گفت: داخل شو، فرمود: آیا با همراهم داخل شوم؟
عرض کرد مقنعه ندارم، فرمود: ای فاطمه زیادی ملافه را بگیر و بر خود مقنعه (و
حجاب) قرار داده و سرت را ببوشان، (فاطمه ع) این کار را کرد؛
سپس فرمود: سلام بر تو باد و او نیز گفت: و بر تو باد سلام ای رسول خدا،
فرمود: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

داخل شوم (خودت را جمع و جور کردی)؟ گفت: بلی ای رسول خدا
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (داخل شو)؛ فرمود: من و همراهم؟ عرض کرد بلی و هر که با تو است؛
جابر گوید: پس من با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داخل شدیم، ناگهان روی فاطمه
ع را مانند شکم ملخ، زرد رنگ دیدیم، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (ای فاطمه
ع) چرا صورتت را زرد می بینم؟ گفت: ای رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، گرسنگی
(سبب زردی رنگ من است)!!

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (دست به دعا برداشت و) گفت خدایا ای سیر کننده
گرسنگان و دفاع کننده از ضایع شوندگان، فاطمه بنت محمد را نیز سیر نما؛
جابر گوید: به خدا قسم دیدم خون به پوست صورت فاطمه ع سرازیر شد تا
به حالت سرخ گونه (وعادی)، برگشت که بعد از آن روز فاطمه ع هیچ وقت
گرسنه نشد. ¹

5 - فلسفه استیذان و مفاسد عدم رعایت آن

5 - برای ریشه کن ساختن یک مفسده اجتماعی مانند اعمال منافی عفت، تنها توسل به اجرای حدود و تازیانه زدن منحرفان کافی نیست: در هیچ یک از مسائل اجتماعی چنین برخوردی نتیجه مطلوب را نداده و نخواهد داد: بلکه باید مجموعه‌ای ترتیب داد از آموزش فکری و فرهنگی آمیخته با آداب اخلاقی و عاطفی: و همچنین آموزشهای صحیح اسلامی: و ایجاد یک محیط اجتماعی سالم: سپس مجازات را به عنوان یک عامل بازدارنده در کنار این عوامل در نظر گرفت.

به همین دلیل در سوره نور که در واقع سوره عفت است از مجازات تازیانه مردان و زنان زناکار شروع می‌کند و به مسائل دیگر مانند فراهم آوردن وسائل ازدواج سالم رعایت حجاب اسلامی، نهی از چشم‌چرانی، تحریم متهم ساختن افراد به آلودگی ناموسی، و بالأخره اجازه گرفتن فرزندان به هنگام ورود به خلوتگاه پدران و مادران گسترش می‌دهد.

این نشان می‌دهد که اسلام از هیچ یک از ریزه‌کاریهای مربوط به این مسأله غفلت نکرده است.

خدمتکاران موظفند به هنگام ورود در اطاقی که دو همسر قرار دارند اجازه بگیرند.

کودکان بالغ نیز موظفند در هر وقت بدون اجازه وارد نشوند، حتی کودکان نابالغ که مرتباً نزد پدر و مادر هستند نیز آموزش داده شوند که لااقل در سه وقت (قبل از نماز صبح و بعد از نماز عشاء و هنگام ظهر که پدران و مادران به استراحت می‌پردازند) بدون اجازه وارد نشوند.

این یک نوع ادب اسلامی است هر چند متأسفانه امروز کمتر رعایت می‌شود و با اینکه قرآن صریحاً آن را (در آیات 58 59 60 سوره نور که (در فصل اول این بخش گذشت) بیان کرده است: در نوشته‌ها و سخنرانی‌ها و بیان احکام نیز کمتر دیده می‌شود که پیرامون این حکم اسلامی و فلسفه آن بحث شود: و معلوم نیست به چه دلیل این حکم قطعی قرآن مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته؟! گر چه ظاهر آیه وجوب رعایت این حکم است حتی اگر فرضاً آن را مستحب بدانیم باز باید از آن سخن گفته شود: و جزئیات آن مورد بحث قرار گیرد، بر خلاف آنچه بعضی از ساده‌اندیشان فکر می‌کنند که کودکان سر از این مسائل در نمی‌آورند و خدمتکاران نیز در این امور باریک نمی‌شوند ثابت شده است که کودکان (تا چه رسد به بزرگسالان) روی این مسأله فوق‌العاده حساسیت دارند: و گاه می‌شود سهل‌انگاری پدران و مادران و بر خورد کودکان به منظره‌هایی که نمی‌بایست آن را ببینند سرچشمه انحرافات اخلاقی و گاه بیماری‌های روانی شده است.

ما خود با افرادی بر خورد کردیم که به اعتراف خودشان بر اثر بی‌توجهی پدران و مادران به این امر و مشاهده آنان در حال آمیزش جنسی یا مقدمات آن به مرحله‌ای از تحریک جنسی و عقده روانی رسیده بودند که عداوت شدید پدر و مادر در سر حد قتل! در دل آنها پیدا شده بود: و خود آنها نیز شاید تا مرز انتحار پیش رفته بودند! اینجا است که ارزش و عظمت این حکم اسلامی آشکار می‌شود که مسائلی را که دانشمندان امروز به آن رسیده‌اند از چهارده قرن پیش در احکام خود پیش بینی کرده است.

و نیز در همین جا لازم می‌دانیم به پدران و مادران توصیه کنیم که این مسائل را جدی بگیرند: و فرزندان خود را عادت به گرفتن اجازه ورود بدهند: و

همچنین از کارهای دیگری که سبب تحریک فرزندان می‌گردد از جمله خوابیدن زن و مرد در اتاقی که بچه‌های ممیز می‌خوابند تا آنجا که امکان دارد پرهیز کنند: و بدانند این امور از نظر تربیتی فوق العاده در سرنوشت آنها مؤثر است.

جالب اینکه در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ می‌خوانیم که فرمود: ای‌اکم و ان یجامع الرجل امرئته و الصبی فی المهد ینظر الیهما: مبادا در حالی که کودکی در گهواره به شما می‌نگرد آمیزش جنسی کنید! ^{«1»}

در بخش 4 فصل پرهیز از (مقاربت در حضور بچه) روایاتش مشروحاً خواهد آمد

6 - آرایش خانم و آقابرای همدیگر

6 - آرایش و تمیزی و نظافت، برای زن و مرد، از ضروریات و شرط ادامه و شیرینی زندگی است، مخصوصاً برای بانوان که بیشتر مورد توجه آقایان و برای جلوگیری کردن از انحرافات آنها است؛

در روایات متعدد آمده است که رسول خدا ﷺ یک سوم تقدینگی خود را به خوشبوئی و عطریات هزینه می‌کرد و سفارش اکید در نظافت و تمیزی، داشت به طوری که آن را جزء ایمان قرار داد¹ و در بیان احکام خاص بانوان به مطالب ذیل عنایت داشت،

به طور خلاصه نظافت و آرایش برای زن و مرد لازم الاجراست و شکی در مطلوبیت آن نیست.

1 - محمد بن مسلم، از ابی جعفر ع فرمود: لا ینبغی للمرأة ان تعطل نفسها ولو ان تعلق فی عنقها قلادة ولا ینبغی ان تدع یدها من الخضاب ولو ان تمسحها مسحاً بالحناء وان كانت مسنة. سزاوار نیست زن خود را (از زینت محروم و) معطل نماید اگرچه قلاده‌ای به گردن آویزد، و شایسته نیست دستانش را از خضاب رهاسازد اگرچه با حنا آن را مسّ نماید و اگرچه زن مسن (و پیر باشد).²

2 - ولا يجوز للمرأة أن تعطل نفسها ولو أن تعلق فی عنقها خیطاً، و لا يجوز أن ترى أظافیرها بیضاء ولو أن (تمسها بالحناء مساً) (تمسحها بالحناء مسحاً)، ولا تخضب یدیها فی حیضها، لأنه یخاف علیها الشیطان، ... و يجوز للمرأة لبس الدبیاج والحریر فی غیر صلاة وإحرام، و حُرّم ذلك علی الرجال إلا فی الجهاد و يجوز أن تتختم بالذهب وتصلی فیهِ، و حُرّم ذلك علی الرجال،

و جایز نیست بر زن که خود را معطل نماید (و از زینت و آرایش دست بکشد و خود را محروم کند) اگرچه با آویختن نخ‌ی برگردن باشد و جایز نیست انگشتانش سفید دیده شود اگر چه (لا اقل) با حنا خود را مس کند (ورنگین نماید)،

و در ایام حیض خود را خضاب نکند، زیرا برای او از (صدمات) شیطان ترسیده می‌شود،

و برای زن پوشیدن لباس دیباج و حریر در غیر نماز و احرام، جایز است، اما این‌ها برای مردان حرام است مگر در جهاد،

و جایز است زنها با انگشتر طلا نماز بخواند ولی برای مردان حرام است.³

3 - سعد بن سعد: از حسن بن الجهم گفت: رأیت أبا الحسن عليه السلام اختضب، فقلت: جعلت فداك اختضبت؟ فقال: نعم إنَّ التَّهَيُّةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عَفَّةِ النِّسَاءِ، وَلَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعَفَّةَ بِتَرَكَ أَزْوَاجِهِنَّ التَّهَيُّةَ، ثُمَّ قَالَ: أَيْسَّرَكُ أَنْ تَرَاهَا عَلَيَّ مَا تَرَكَ عَلَيْهِ إِذَا كُنْتُ عَلَيَّ غَيْرَ تَهَيُّةٍ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَهَوَّ ذَاكَ، ثُمَّ قَالَ: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ النَّظْفِ وَالتَّطْيِبِ وَحَلْقِ الشَّعْرِ وَكثرة الطَّرِيقَةِ، الْحَدِيثُ.

دیدم ابوالحسن عليه السلام خضاب گذاشته گفتم: فدایت شوم خضاب گذاشتی؟! فرمود: بلی همانا آماده شدن (مرد با آرایش) عفت زنها را زیاد می‌کند، زنها عفاف را ترک نمودند با ترک شوهرانشان آمادگی (و زینت) را، سپس فرمود: آیا دوست داری زن را در آن حالت که تو هستی (از بی نظمی و بهم ریختگی و وضع چندان آبر) ببینی؟!، گفتم: نه، فرمود: پس او هم همان طور سپس فرمود: از اخلاق انبیاء است نظافت کردن و خود را خوشبو ساختن و تراشیدن مو و زیاد همبستر شدن ... تا آخر حدیث.¹

4 - أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: لتطيب المرأة المسلمة لزوجها. زن مسلمان
حتماً خود را برای همسرش خوشبو کند. ^{«2»}

5 - محمد بن مسلم، از یکی از صادقین عليه السلام از استعمال طلا برای زنها
سؤال کردند؟ فرمود: ليس به بأس. ولا ينبغي للمرأة أن تعطل نفسها ولو أن تعلق
في عنقها قلادة. ولا ينبغي لها أن تدع يدها من الخضاب ولو أن تمسحها بالحناء
مسحا ولو كانت مسنة. عيب ندارد و سزاوار نیست برای زن خود را از آرایش
کردن تعطیل نماید، اگرچه با آویختن یک قلاده باشد، و شایسته نیست بر او
دستش را از حنا گذاشتن، رها سازد اگرچه با مالیدن دست بر حنا اگرچه
سالخورده و پیر باشد. ^{«3»}

6 - در کتاب الغایات: شیخ جعفر بن أحمد القمی آمده است امام عليه السلام
فرمود: إني لأبغض من النساء السلطاء والمرهءاء، فالسلطاء التي لا تختضب،
والمرهءاء التي لا تكتحل. من زنان سلطاء و مرهءاء را دوست ندارم سلطاء زنی که
خضاب نمی‌کند و مرهءاء زنی که سرمه نمی‌کشد (بطور کلی از زنان بی آرایش
خوشم نمی‌آید). ^{«4»}

7 - روایت حفظ زیبایی!

7 - در جامعه دیده شده است کسانی که، به پیری زود رس و یا از دست دادن نشاط و نمای جوانی زود هنگام، گرفتار می شوند و از نظر سنی جوان و در منظر و رؤیت پیر هستند!

البته این گونه اشخاص بنا به عللی (غم و غصه و فقر ونداری و فشارهای روحی و حسادت و کینه و دهها مسائل دیگر از جمله پر خوری) به این روز می افتند؛

پس هرکسی باید علت این گرفتاری را در خودش، پیدا کند و در صد معالجه‌اش بر آید.

1 - عمر بن علی، از پدرش علی بن ابی طالب ع پیامبر ص فرمود: مرّ أخی عیسی بمدينة وفيها رجل وامرأة يتصايحان فقال: ما شأنكما؟ قال: يا نبی اللّٰه هذه امرأتی وليس بها بأس صالحة ولكنی احبّ فراقها قال: فأخبرنی علی کل حال ما شأنها؟ قال: هی خلقه الوجه من غیر کبر. قال لها: یا امرأة أتحبّین أن یعود ماء وجهک طریاً؟ قالت: نعم قال لها: إذا أكلت فایّاک أن تشبعی لأنّ الطعم إذا تکاثر علی الصّدر فزاد فی القدر، ذهب ماء الوجه ففعلت ذلك فعاد وجهها طریاً. برادرم عیسی به شهری گذشت و دید مردی با زنی، به رویهم فریاد می‌کشند پرسید: چه شده؟ گفت ای پیامبر خدا! این همسر من است و اشکالی هم در او نیست و زن صالحه است، ولی من دوست دارم از او جدا شوم! فرمود: خلاصه جریانتان را به من بگوئید (علت این نفرت از چیست)؟ گفت: این زن در جوانی بدگل شده (با اینکه سنی از او نگذشته زشت رو شده است) فرمود:

ای زن دوست می‌داری زیبایی و آب رویت برگردد؟! گفت: بلی، فرمود:
هرگاه غذا خوردی، سیر نخور زیرا غذا وقتی که در سینه زیاد شد و بیش از
قدر معمول شد، آب رو را می‌برد (و زشت می‌شود)، آن زن به این دستور عمل
کرد و رویش تر و تازه شد (وزیباتیش برگشت!).¹

8 - زینت برای نابینایان!

8 - در فصل پیشین تشریح گردید که زن و مرد برای همدیگر آرایش نمایند

و خود را زیبا جلوه گر نمایند، آیا برای نابینایان چه کنند؟!

1 - سکونی از امام صادق علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال نمودند

زینت زن برای نابینا چگونه است؟ فرمود: الطَّيِّبُ وَ الْخَضَابُ فَانَّهُ مِنْ طَيِّبِ

النَّسْمَةِ. (استعمال) بوی خوش و خضاب کردن که آن از پاکی زن است. ¹

زیرا استشمام بوی خوش و بوی خضاب نیازی به دیدن و چشم ندارد و با

قوه شامه می تواند آن را درک می نماید

9 - حکم وصل مو برای زیبایی

9 - از زمان قدیم: آرایش برای جنس زن و مرد با مدل‌ها و متدهای گوناگون در هر جامعه ای متداول و جا افتاده بود در فصل‌های قبل هم متذکر شدیم که باید هم این گونه باشد ولی در این مورد این سؤال مطرح است که آیا محدودیتی در این باره وجود دارد یا نه؟!.

1 - حسن بن فضل طبرسی در (مکارم الأخلاق): از سلیمان بن خالد گفت: قلت له المرأة تجعل في رأسها القرامل»، قال: يصلح له الصوف وما كان من شعر المرأة نفسها، وكره أن يوصل شعر المرأة من شعر غيرها، فإن وصلت شعرها بصوف أو شعر نفسها فلا بأس به. به امام عليه السلام گفتم: زن در سرش موی بند می‌زند (و مو وصل می‌کند و برای زیبایی تغییر حالت می‌دهد)؟ فرمود: اگر این کار را از پشم و یا موی خود انجام می‌دهد جایز است ولی از موی زن دیگر باشد مکروه است، پس اگر از موی خود و یا پشم (وموی حیوانات حلال گوشت باشد) مانعی ندارد. ^{«3»}

2 - عمار الساباطی گفت: به ابی عبد الله عليه السلام گفتم: إن الناس يروون: أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لعن الواصلة والموصولة، قال: فقال: نعم، قلت: التي تمتشط وتجعل في الشعر القرامل؟ قال: فقال لي: ليس بهذا بأس، قلت: فما الواصلة والموصولة؟ قال: الفاجرة والقوادة.

مردم از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم روایت می‌کنند که به زن وصل دهنده و وصل شونده، لعنت نموده است؟! فرمود: بلی، گفتم: زنی که شانه می‌زند و در مویش موبند می‌زند؟ فرمود: نه، آن مانعی ندارد گفتم: پس واصله و موصوله چیست؟ فرمود: دونفر را (برای زنا) به هم رساننده و میانجی‌گری را گویند. ^{«1»}

3 - ابراهیم ابن زیاد الکرخی گوید: شنیدم ابا عبد الله عليه السلام می فرمود: لعن الله الواصلة والمتوصلة یعنی الزانیة والقوادة.

خدا لعنت کرده بر واصله و موصوله یعنی زناکار و دو بهم رسان. «2»

4 - زید بن علی، از پدرانیش از علی عليهم السلام گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال. خدا لعنت کند بر مردانی که خود را، بر زنان و بر زنانی که خود را بر مردان، تشبیه نمایند. «3»

10 - حکم چیدن موی صورت

- 10 - 1 - أبي بصير گفت: از امام عليه السلام پرسیدم عن قصة النواصي تريد المرأة الزينة لزوجها، و عن الحفّ والقراطل والصوف و ما أشبه ذلك؟ قال: لا بأس بذلك كلّهُ. از حکم زن کوتاه کننده موی پیشانی که برای شوهرش زینت می کند و از چیدن مو و موی بند زدن و با پشم دیگر وصل می کند و مانند اینها را انجام دادن؟ فرمود: در همه اینها مانعی نیست. ⁴
- 2 - علی بن جعفر در کتابش می گوید: به برادرش موسی عليه السلام : عرض کرد: سألته عن المرأة، أتحف الشعر عن وجهها؟ قال: لا بأس. از او سؤال نمودم از زنی که موی صورت خود را می چیند؟ فرمود: ترسی نیست (و مانعی ندارد). ¹

11 - بلند گذاشتن ناخن!

- 11 - بلند گذاشتن ناخن! امروزها میان بانوان و دوشیزگان مرسوم است که ناخن های خود را برای زیبایی بلند می کنند و رنگ می زنند، این جریان برای خانمها به صورت یک فرهنگ درآمده است.
- حالا سؤال این است که آیا این کار از نظر اسلام چه حکمی دارد، پر واضح است اگر بانوان مسائل شرعی خود را رعایت نمایند و در اوقات نماز، رنگ ناخن ها را پاک نمایند که مانع از نفوذ آب وضو یا غسل به ناخن ها نشود، مانعی ندارد اما حکم خود بلند کردن ناخن چیست؟! به روایت ذیل توجه فرمائید.

سکونی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ ، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مردان فرمود: قَصُّوا أَظْفِيرَكُمْ وَ لِلنِّسَاءِ أَتْرُكْنَ مِنْ أَظْفَارِكُنَّ (أظفیرکن) فَانَّهُ أَزِين لَكُنَّ. ناخن هایتان را کوتاه کنید و به زنان فرمود: (چیدن) ناخن هایتان را ترک کنید (ونگیرید تا بلند شود) زیرا آن برایتان زینت بخش تر است. ²

12 - از کیفیت موی خانم بپرسید!

12 - ریخت و هیکل بانوان، کلاً جذابیت خاص خود را دارد اما بعضی از اندام هایش بیشتر مورد توجه است که یکی از آنها، موی بانوان است که باید برای نمای آن اهمیت زیاد قائل شد.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ فَلْيَسْأَلْ عَنِ شَعْرِهَا كَمَا يَسْأَلُ عَنِ وَجْهِهَا، فَإِنَّ الشَّعْرَ أَحَدُ الْجَمَالَيْنِ. هر وقت یکی از شما خواست با زنی ازدواج نماید، از (کیفیت) مویش بپرسد آنگونه که از رویش می پرسد، زیرا، مو یکی از جمالین (و یکی از بیائیسست). ¹

13 - احترام به داماد!!

13 - در روایت آمده است که امام سجّاد علیه السلام به احترام داماد بلند می‌شد و عبایش را زیر او پهن می‌کرد! از امام در این باره سؤال نمودند (و یا خرده گرفتند) فرمود: او آبروی مرا حفظ کرده (و خیالم را از جهت دخترم یا خواهرم راحت نموده) و خرجم را کم کرده است روی این فلسفه داماد برای همه لازم الإحترام است؛

و دیگر اینکه اگر به داماد احترام گذاشته شود: او هم با عیالش رفتار مشابهی خواهد داشت، مگر اینکه مانند بعضی‌ها از طبیعت و نهاد، آدم پست و دنی باشد که از احترام خانواده عیال سوءاستفاده کرده و برداشت منفی نماید

1 - نوح بن شعیب تا أبو عبد الله علیه السلام آن حضرت فرمود: کان علی بن الحسین علیه السلام إذا أتاه ختنه علی ابنته أو علی اخته بسط له رداء ثم أجلسه ثم یقول: مرحباً بمن کفی المؤنة و ستر العورة. وقتی که داماد دختری یا خواهری امام علی بن حسین علیه السلام ، می‌آمد ردایش را زیر او پهن می‌کرد و روی آن می‌نشاند سپس می‌فرمود: خوش آمد کسی که خرج را عهده دار و آبرو را پوشانید. ²

بخش چهارم قسمتی از منهیات

مکروهات مقاربت

اشاره

در این بخش روایات بعضی از کارهای ممنوعه بیان می‌شود، با اینکه در بخش‌های گذشته نیز مطالبی بدین مناسبت از نظر مبارک خوانندگان گرامی گذشت و در آخر کتاب روایت دستورات کلی رسول خدا ﷺ خواهد آمد که با این بخش، مکمل یکدیگرند.

- 1 - همبستری با زوجه در کشتی مکروه است؛
- 2 - و مکروه است رو به قبله و پشت به قبله همبستر شدن؛
- 3 - در میان راه عبوری مردم؛
- 4 - لخت و عریان مادر زاد؛
- 5 - بعد از احتلام قبل از غسل؛
- 6 - هنگام زرد شدن آفتاب در طلوع و غروب؛
- 7 - جماع با انگشتر آیه دار؛
- 8 - در ایام بارداری،
- 9 - در حال خضاب؛
- 10 - مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب؛
- 11 - هنگام غروب آفتاب تا غروب شفق
- 12 - در روز ماه گرفتگی.
- 13 - روز آفتاب گرفتگی.
- 14 - در روز یا شب وزیدن باد سیاه و باد سرخ و باد زرد.

15 - در اوقات زلزله.

16 - بعد از غسل میت.

17 - مقاربت با معده پر!

روایات مکروهات بالا و علاوه بر آن ها را، در فصل های آتی مطالعه

بفرمائید

1 - هنگام وزیدن باد سیاه و ..

1 - عبد الرحمن ابن سالم، از پدرش گفت: به ابی جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: هل يكره الجماع في وقت من الاوقات وإن كان حلالاً؟ قال: نعم ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ومن مغيب الشمس إلى مغيب الشفق، وفي اليوم الذي تنكسف فيه الشمس، وفي الليلة التي ينكسف فيها القمر، وفي اليوم واليلة التي تكون فيها الريح السوداء و الريح الحمراء، والريح الصفراء، وفي اليوم واليلة التي تكون فيها الزلزلة. ولقد بات رسول الله صلى الله عليه وآله عند بعض نسائه في ليلة انكسف فيها القمر فلم يكن في تلك الليلة ما يكون منه في غيرها حتى أصبح، فقالت له: يا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ البغض هذا منك في هذه الليلة؟ قال: لا ولكن هذه الاية ظهرت في هذه الليلة فكرهت أن أتلذذ وأهوى فيها، وقد عيّر الله أقواماً في كتابه فقال:

(«وإن يروا كسفاً من السماء ساقطاً يقولوا سحاب مركوم* فذرهم حتى يلاقوا يومهم الذي فيه يصعقون» ثم قال أبو جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ : وأيم الله لا يجامع أحد فيرزق ولدا فيرى في ولده ذلك ما يحب. آيا جماع در وقتی از اوقات کراهت دارد اگرچه حلال باشد؟ فرمود: بلی، مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب، و از غروب آفتاب تا غایب شدن (سرخی) شفق، و روز آفتاب گرفتگی، و شب ماه

گرفتگی، و در شب و روزی که در آن باد سیاه و باد سرخ و باد زرد، بوزد، شبی که در آن زلزله باشد،

رسول خدا ﷺ شبی که ماه گرفته بود، نزد یکی از زنهایش خوابید و در آن شب، کاری که معمولاً می‌شد، نشد تا صبح فرا رسید، خانمش گفت: ای رسول خدا ﷺ آیا سبب این روگردانی در این شب از ناراحتی (از من) بود؟! فرمود: نه، ولیکن این نشانه امشب ظاهر گشت من خوش نداشتم مشغول لذت و خوش گذرانی باشم در حالی که خداوند اقوامی را در کتابش (قرآن) در این باره مذمت نموده است «و آنها (چنان لجوجند) اگر ببینند قطعه سنگی (یا پاره‌ای) از آسمان (برای عذابشان) سقوط می‌کند، می‌گویند: این ابر متراکمی است، حال که چنین است پس آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات نمایند».

سپس ابو جعفر علیؑ فرمود: و به خدا سوگند (اگر کسی در این روزهایی که رسول خدا ﷺ نهی نموده و این خبر هم به او رسیده است) جماع نماید و دارای فرزند شود، در این فرزندش آنچه دوست دارد، نمی‌بیند.¹

2 - ترک مقاربت بیش از چهار ماه!

2- در شریعت اسلام، مرد باید در هر چهار ماه با خانمش، آمیزش جنسی داشته باشد یعنی این حق شرعی خانمهاست اگر شوهر از انجام و ادای این حق سرپیچی کند، خانم می تواند به حاکم شرع شکایت نماید و حق خود را بخواهد، مقاربت، یا طلاق!؛ مگر این که خانم خودش نخواهد و از حق خودش صرف نظر نماید.

صفوان بن یحیی، از اَبی الحسن الرضا (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، انه سألَه عن الرجل تكون عنده المرأة الشابة فيمسك عنها الأشهر والسنة لا يقربها ليس يريد الإضرار بها يكون لهم مصيبة يكون في ذلك آثماً؟! او سؤال نمود: از حکم مردی که زن جوانی دارد و ماهها (بلکه) سالی با او مقاربت نمی کند و قصد ضرر زدن به او را ندارد بلکه مصیبتی برای آنها وارد شده است، آیا با این کار گناهکار است؟ فرمود: إذا تركها أربعة أشهر كان آثماً بعد ذلك. «إلا ان يكون باذنها» هرگاه چهار ماه او را ترک نماید، گناه کار می شود مگر با اجازه خود زن.²

3 - گناه بی توجهی به همسر!

3- در کشورهای عربی هنوز هم مرسوم است، گروهی از مردان برای خود حرمسرا تشکیل داده و حد اقل چهار زن دائمی برای خود، می آورند، اگر در این میان مرد به یکی از آنها بی توجهی کند و آن خانم به معصیت بیفتد، حکمش چیست؟!.

1 - از اَبی عبد الله (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: من جمع من النساء ما لا ینکح فزنی منهنّ شیء فالإثم علیه. هرکس زنانی گرد آورد و با آنها عمل جنسی انجام ندهد و یکی از آنها زنا کند، پس گناهش بر (گردن) اوست. ^{«1»}

2 - زید بن علی، از پدرش از جدش از علی (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: عذاب القبر یکون من النمیمة والبول و عزب الرجل عن أهله. عذاب قبر از سخن چینی و (ایستاده) بول کردن و از دوری جستن مرد از زنش، می باشد. ^{«2»}

4 - خطر نزدیکی باشکم پُر!

4 - 1 - محمد بن علی بن حسین گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: ثلاثة يهدمن البدن و ربما قتلن: دخول الحمام على البطنة، و الغشيان على الإمتلاء، و نکاح العجائز. سه چیز بدن را به ویرانی (وتباهی و نابودی) می‌کشد و ای بسا می‌کُشد،

1 - با شکم پر حمام کردن،

2 - با شکم پر نزدیکی کردن،

3 - ازدواج با زن پیر. ^{«3»}

2 - أحمد بن أبي عبد الله البرقي در (المحاسن) گفت: از ابی عبد الله علیه السلام روایت شده است فرمود: ثلاثة يهزلن البدن و ربما قتلن دخول الحمام على البطنة، و الغشيان على الإمتلاء، و نکاح العجائز. سه چیز بدن را لاغر (وناتوان) می‌کند و ای بسا به کام مرگ می‌برد الف - با شکم پر حمام کردن، ب - با شکم پر نزدیکی کردن، ج - و ازدواج با زنان پیر. ^{«4»}

3 - از ابی عبد الله علیه السلام روایت شده است: ثلاث يهدمن البدن و ربما قتلن: أكل القديد الغاب، و دخول الحمام على البطنة، و نکاح العجائز. و زاد فيه أبو إسحاق النهاوندي، و غشيان النساء على الامتلاء.

سه چیز بدن را از بین می‌برد و ای بسا نابود می‌کند، خوردن گوشت بوگرفته و مانده، با شکم پر به حمام رفتن، و با زن پیر ازدواج نمودن (ابو اسحاق نهاوندي اضافه کرده است) و مقاربت با زنان باشکم پیر. ^{«1»}

5 - بهانه گیری برای عدم تمکین

5 - بعضی وقت‌ها بانوان در اثر بی میلی به شوهر و یا خشکه مقدسی، خواندن نماز را بهانه قرار داده و طول می‌دهند، و یا وقت گذرانی می‌کنند تا از مقاربت شوهر ممانعت به عمل آورند، در این صورت است که به سبب این کار و نارضایتی زوج، مورد مذمت و توبیخ قرار می‌گیرند.

1 - اَبی بصیر: از اَبی جعفر عَلَيْهِ السَّلَام از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ للنساء: لا تطولنَّ صلاتكنَّ لئلا تمنعن أزواجكنَّ. به زنها فرمود: نماز را طول ندهید تا از (نزدیکی) شوهرانتان ممانعت به عمل آورید. ²

2 - از ضریس الکناسی، از اَبی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ان امرأة أتت رسول الله (صلى الله عليه وآله) لبعض الحاجة فقال لها: لعلك من المسوفات، قالت: و ما المسوفات يا رسول الله؟ قال: المرأة التي يدعوها زوجها لبعض الحاجة فلا تزال تسوفه حتى ينعس زوجها فينام فتلك التي لا تزال الملائكة تلعنها حتى يستيقظ زوجها. همانا زنی پیش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای بعضی حاجتش آمد، به آن زن فرمود: شاید تو از «مسوفاتی» عرض کرد مسوفات چیست ای رسول خدا، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: زنی که شوهرش او را به بعض کار (آمیزش جنسی و غیر آن) بخواند و او هی بگوید حالا حالا (و به پشت گوش بیندازد) تا مرد را خواب ببرد (و نیازش برطرف نشود) پس او زنیست که مدام فرشتگان او را لعن می‌کنند تا شوهرش از خواب بیدار شود! ³

6 - کراحت حرف زدن هنگام مقاربت!

6 - کراحت حرف زدن هنگام مقاربت! علت و حکمت خیلی چیزهاییان نشده و از آن بی خبریم، از جمله آنها حرف زدن زیاد هنگام همبستری است که در بعض روایات مطرح شده است، اگر اسناد آن روایت‌ها مخدوش نباشد و در آن حال نطفه منعقد گردد، ممکن است در اثر فعل و انفعالات فیزیکی، روی جنین اثر بگذارد ولی در این زمان‌ها که با وسایل گوناگون از انعقاد نطفه جلوگیری می‌کنند و بطور یقین بچه دار نخواهند شد، این کراحت هم منتفی است و جای نگرانی نیست، بلی اگر جلوگیری نمایند باید جانب احتیاط را رعایت کنند.

در این مورد به احادیث ذیل توجه فرمایید.

- 1 - عبد الله بن سنان گفت: أبو عبد الله عليه السلام فرمود: اتقوا الكلام عند ملتقى الختائين فإنه يورث الخرس. پرهیزید از حرف زدن موقع نزدیکی با زن چون باعث لالی (بچه) می‌شود! ^{«1»}
- 2 - حسین بن زید: از امام صادق: از پدرانش عليهم السلام در حدیث المناهی فرمود:

نهی رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أن يكثر الكلام عند المجامعة، و قال يكون منه خرس الولد. رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم نهی نمود از زیاد حرف زدن موقع مقاربت و فرمود: از آن کار بچه لال می‌شود. ^{«2»}

- 3 - و باسندش از ابي سعيد خدری در وصیت نبی صلى الله عليه وآله وسلم به علی عليه السلام فرمود: یا علی لا تتكلم عند الجماع فإنه إن قضی بینكما ولد لا يؤمن أن يكون اخرس. ای علی هنگام جماع حرف نزن که اگر (از آن نطفه) بچه دار

شوید: از لال بودن (بچه) در امان نیستید! ³» 4 - شیخ صدوق در خصال با
سندش از علی علیه السلام در حدیث الأربعمائه - فرمود إذا أتى أحدكم زوجته فليقل
الكلام فإن الكلام عند ذلك يورث الخرس، لا ينظرن أحدكم إلى باطن فرج
امراته فلعله يرى ما يكره و يورث العمى. هر وقت یکی از شما به نزد خانمش
رفت (که همبستر شود): کم حرف زند زیرا در آن هنگام حرف زدن سبب لالی
(بچه) می شود: به باطن اندام جنسی خانم نگاه نکند: ای بسا آنچه را که دوست
ندارد: می بیند و سبب نابینائی می گردد. ¹»

7 - نزدیکی در حال خضاب

7 - مردی که سر و ریش خود را خضاب می‌کند، مکروه است با عیال خویش مقاربت نماید چون در این صورت اگر بچه‌ای از آن مقاربت متولد شود، هم مورد آزار و اذیت جنیان قرار می‌گیرد و هم خود فروش بیار آید! ولی اگر با بستن لوله و غیره از به وجود آمدن بچه جلوگیری شود جای نگرانی نیست.

1 - مسمع بن عبد الملک گفت: شنیدم ابا عبد الله علیه السلام می‌فرمود: لا یجامع المختضب قلت: جعلت فداک لم لا یجامع المختضب؟ قال: لانه محتضر. مرد خضاب دار (و حناگذار با همسرش) نزدیکی نکند! گفتم: فدایت شوم چرا؟ فرمود: چون او در خطر آفت (جنیان و پریان) است. ^{«2»} 2 - ابان از مسمع بن عبد الملک گفت: شنیدم ابا عبد الله علیه السلام می‌فرمود: لا یجامع المختضب، قلت: لا یجامع المختضب؟! فقال: لا. خضاب دار (بازن خود) نزدیکی نکند! (با تعجب) پرسیدم: خضاب کننده جماع نکند؟! فرمود: نه. ^{«3»} 3 - إسماعیل بن أبی زینب از أبی عبد الله علیه السلام آن حضرت به مردی از دوستانش فرمود: لا تجامع أهلک وأنت مختضب فإنک ان رزقتَ ولدًا کان مخننًا. هنگام خضاب گذاشتن، با همسرت نزدیکی نکن زیرا اگر بچه‌ای به وجود آید خود فروش (و لواط دهنده) می‌شود. ^{«1»} 4 - در ضمن حدیثی فرمود: ..ولکن لا یجامع الرجل مختضباً، ولا تجامع امرأة مختضبة ولكن مرد و زن در حال خضاب با همدیگر، جماع نمایند.

«2»

8 - مقاربت در حضور بچه

8 - نگاه بچه اگر چه خیلی کوچک هم باشد، نافذ و هرچه را ببیند در لوح دل و زوایای مغزش متمرکز و ثبت می‌نماید که بعدها، پس از بزرگ شدن، در زندگی و اخلاقیات او اثر گذار و تأثیر مهمی خواهد داشت، بدین جهت در دستورات اسلام اکیداً برای پرهیز از رفتارهای جنسی و آمیزشی در برابر چشمان بچه، روایات متعدد، وارد شده است.

1 - ابن راشد از پدرش گفت: شنیدم ابا عبد الله علیه السلام می‌فرمود: لا یجامع الرجل امرأته و لا جاریته و فی البیت صبیّ فانّ ذلک مما یورث الزنا. مرد در حالی که بچه‌ای در خانه باشد با زن و کنیز خود نزدیکی نکند چون این عمل باعث زنا کاری (آن بچه در آینده) می‌شود. ³ 2 - حسین بن زید: از پدرش: از ابي عبد الله علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود والذی نفسی بیده لو ان رجلاً غشی امرأته و فی البیت صبیّ مستقیظ یراهما ویسمع کلامهما و نفسهما ما أفلح ابداً ان کان غلاماً کان زانیاً أو جاریة کانت زانیة، وکان علی بن الحسین علیه السلام إذا أراد ان یغشی أهله أغلق الباب وأرخی الستور وأخرج الخدم. سوگند به کسی که جان من در دست (قدرت) اوست نجات نمی‌یابد مردی که با همسرش نزدیکی نماید درحالی که بچه‌ای بیدار باشد و آن دو را ببیند و سخن گفتن (و گفتارهای عاشقانه) و نفس نفس زدنشان را بشنود، اگر پسر باشد زنا کننده و اگر دختر باشد زنا دهنده شود، علی بن حسین (امام زین العابدین) علیه السلام هر وقت اراده مقاربت با همسر داشت در را بسته و پرده‌ها را افکنده و خدمتکاران را (بابهانه‌ای) بیرون می‌کرد. ¹ 3 - محمد بن علی بن حسین گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: تعلّموا من الغراب ثلاث خصال: استتاره بالسفاد، و

بکوره فی طلب الرزق، و حذره. سه خصلت را از کلاغ یاد بگیرید، مجامعت پنهانی، و صبح خیزی در طلب رزق، و هوشیاری را. «2» 4 - سکونی گوید: انّ علیاً عليه السلام مرّ علی بهیمة و فحل یسفدها علی ظهر الطريق فأعرض عنه بوجهه فقيل له: لم فعلت ذلك يا أمير المؤمنين؟ فقال: انه لا ینبغی ان تصنعوا ما یصنعون و هو من المنکر، الا ان تواروه حیث لا یراه رجل و لا امرأة.

همانا علی عليه السلام به راهی گذر کرد که دو حیوان (نر و ماده با هم) جفت گیری می کردند، (یا برای جفت گیری بهم رسانیده بودند) حضرت روی خود را گرداند، گفتند: ای امیر مؤمنان چرا این کار را کردی؟! فرمود: سزاوار نیست مانند آنها کاری انجام دهید چون این کار از منکرات است مگر اینکه در جائی بیوشانید که مرد و زنی آن را نبیند (تا سبب تحریک آنها گردد). «3»

5 - سلیمان بن جعفر الجعفری: از امام رضا: از پدرانش عليه السلام از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: تعلّموا من الغراب خصالاً ثلاثاً: استتاره بالسفاد، و بکوره فی طلب الرزق، و حذره. سه خصلت را از کلاغ یاد بگیرید، مجامعت پنهانی، و صبح خیزی در طلب رزق، و هوشیاری (و رعایت جانب احتیاط را). «4» 6 - حنان بن سدر: از پدرش گفت: شنیدم از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: لا یجامع الرجل امرأته ولا جارسته و فی البیت صبی، فانّ ذلك مما یورث الزنا. مرد در حالی که بیچه ای در خانه باشد با زن و کنیز خود نزدیکی نکند چون این عمل باعث زنا کاری (آن بیچه در آینده) خواهد شد. «5»

7 - جابر گوید: ابو جعفر عليه السلام فرمود: ایّاک و الجماع حیث یراک صبیّ یحسن أن یصف حالک قلت: یا ابن رسول الله کراهة الشنعة؟ قال: لا فانک ان رزقت ولداً کان شهرة علماً فی الفسق و الفجور.

مبادا در مقابل بچه‌ای که (چیز فهم است و) می‌تواند احوالات تو را بیان نماید، جماع نمایید گفتیم: ای فرزند رسول خدا ﷺ کراهت بدی (وحرام) است؟! فرمود: نه بلکه اگر فرزندی به وجود آید در فسق و فجور مشهور (و انگشت نما) می‌گردد. «1» 8 - ابي بصير: عن ابي عبد الله عليه السلام ان حضرت فرمود: اياك ان تجامع اهلك وصبي ينظر اليك فان رسول الله ﷺ كان يكره ذلك اشد كراهية. مبادا با عیالت نزدیکی کنی که بچه‌ای به شما نگاه می‌کند چون رسول خدا ﷺ به شدت از این کار کراهت داشت. «2» 9 - در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ می‌خوانیم که فرمود: اياکم و ان يجامع الرجل امرئته و الصبي في المهد ينظر اليهما: مبادا در حالی که کودکی در گهواره به شما می‌نگرد آمیزش جنسی کنید! «3»

9 - در کشتی

9 - اگر در کشتی جای خلوتی باشد که آمیزش جنسی امکان دارد، انجام این عمل مکروه است زیرا پیامدش مشکلاتی دارد از قبیل غسل کردن و غیره اما اگر جای مناسبی وجود ندارد، اساساً صحبتش خنده دار است عملش که هیچ!!

1 - رسول خدا فرمود: ولا تجامع فی السفینة، و در کشتی جماع نکن. «4»

10 - مقاربت بعد از احتلام!

10- بعد از احتلام و پیش از غسل کردن، با عیال خود همبستر شدن مکروه است مگر اینکه: حد اقل ادرار نموده و خود را بشوید.

1 - محمد بن الحسن گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: و یکره ان یغشی الرجل المرأة و قد احتلم حتی یغتسل من احتلامه الذی رأى فان فعل فخرج الولد مجنوناً فلا یلومنّ إلا نفسه. و مکروه است مرد بعد از احتلام و قبل از غسل کردن، با زن خود جماع نماید، اگر این کار را کرد و بچه دیوانه بیرون آید، جز خود کسی را مذمت (و توبیخ) ننماید. «1» 2 - حماد بن عمرو از جعفر بن محمد از پدرش از جدش از علی بن ابی طالب ع، در حدیث طولانی که وصیت رسول خدا ﷺ را بیان می کرد: فرمود: کره ... أن یأتی الرجل أهله وقد احتلم حتی یغتسل من الإحتلام، فان فعل ذلک و خرج الولد مجنوناً فلا یلومنّ إلا نفسه. همانا رسول خدا ﷺ کراهت داشت بعد از محتلم شدن و

(قبل از غسل کردن) با زن خود نزدیکی نماید اگر (کسی) این کار را کرد و بچه دیوانه به وجود آمد، کسی را غیر از خود ملامت نکند. «2»

11 - نزدیکی با انگشتر آیه دار

11- اگر هنگام جماع یا توالت رفتن، قرآن یا انگشتر آیه دار و اسماء متبرکه همراه باشد:

در صورتی که کم احترامی به آنها نباشد و در دست راست باشد مکروه است و گرنه جایز نیست.

1 - علی بن جعفر در کتابش از برادرش موسی بن جعفر رضی الله عنه گفت: سألته عن الرجل يجامع أو يدخل الكنيف و عليه خاتم فيه ذكر الله أو شيء من القرآن أ يصلح ذلك؟ قال لا. از برادرم پرسیدم از مردی که با انگشتر آیه دار و یا نامی از خدا در آن باشد، (بازن خود) جماع نماید و یا به توالت برود آیا مصلحت (و جایز) است؟! فرمود: نه. «1»

12 - هنگام زرد شدن و طلوع آفتاب

12 - عبید الله بن علی الحلبي، از أبي عبد الله عليه السلام فرمود: انى لأكره الجنابة حين تصفر الشمس و حين تطلع و هي صفراء. من كراهت دارم هنگام زرد شدن و موقع طلوع آفتاب در حال زردی آن، جنب شوم. ^{«2»}

13- بازن باردار

13 - مقاربت در ایام بار داری بانوان را، مکروه دانسته‌اند مگر این که مرد با وضو باشد و مراقب حال جنین باشد که صدمه‌ای به او نرسد!
امام رضا از پدرانش عليهم السلام فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله نهی فرمود: از وطی الحبالی حتی یضعن. نزدیکی زن باردار تا وضع حمل نماید (مکروه است). ^{«3»}

14 - مقاربت در جای نبود آب!

14 - مقاربت در جای نبود آب! إسحاق بن عمار گوید: از ابا عبد الله عليه السلام سؤال نمودم از حکم مردی که با عیالش، در مسافرتی است که آب پیدا نمی‌شود آیا می‌تواند با عیالش عمل جنسی انجام دهد؟ فرمود: دوست ندارم این کار را بکند مگر اینکه برای خودش بترسد قلت:

فيطلب بذلك اللذة أو يكون شبقا إلى النساء، فقال: ان الشبق يخاف على نفسه، قال: قلت: طلب بذلك اللذة، قال: هو حلال، قلت: فانه يروى عن النبي صلى الله عليه وآله أن ابا ذر سأله عن هذا فقال: ائت أهلک تؤجر، فقال: يا رسول الله صلى الله عليه وآله آتيتهم واجر؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: كما انک إذا أتيت الحرام ازرت، وكذلك إذا أتيت الحلال اجرت، فقال أبو عبد الله عليه السلام: ألا ترى أنه إذا خاف على نفسه فأتى الحلال اجر؟ گفتم با این لذت می‌خواهد یا هوس سخت به عمل جنسی با زنان دارد؟! فرمود: این به خودش هم ترس (از ضرر) دارد، گفتم: با این حال لذت می‌جوید؟، فرمود: حلال است، گفتم: از پیامبر صلى الله عليه وآله روایت شده است: ابازر از این مسئله سؤال نمود: فرمود: برو پیش عیالت ثواب دارد!، عرض کرد: مقاربت نمایم و اجر هم دارد؟!، فرمود: آن‌گونه که اگر به حرام بیفتی گناه دارد همان‌گونه که حلال اقدام نمائی، ثواب دارد، پس ابو عبد الله عليه السلام فرمود: آیا نمی‌بینی هرگاه به خودش بترسد و به حلال رو آورد، (ثواب دارد و) مأجور است. ¹

15 - با غسل مس میت

15 - اگر کسی غسل مس میت دارد و بخواهد با عیال خود هم مقاربت نماید تا دو غسل را یکی کند، از نظر شرع مانعی ندارد و فقط مکروه دانسته‌اند آن هم با گرفتن وضو بر طرف می شود.

امام رضا علیه السلام فرمود: إذا أردت الجماع بعد غسلک المیت من قبل أن تغتسل من غسله فتوضاً ثم جامع. هرگاه خواستی بعد از شستن میت و پیش از غسل مس میت، جماع نمائی، پس وضو بگیر و سپس نزدیکی بنما. ²

16 - حکم عزل!

16 - لغت عزل: در فقه یعنی ریختن «منی» به بیرون و جلوگیری از انزال به اندام جنسی زن، آیا این عمل از نظر شرع جایز است یا مکروه؟ مورد بحث است؛

برای هردو نظر روایاتی داریم که به بعضی از آنها اشاره می‌نمائیم.

برای جواز. 1 - محمد بن مسلم گوید: از ابا عبد الله علیه السلام از حکم «عزل» سؤال نمودم پس فرمود: ذاک إلى الرجل یصرفه حیث شاء. آن در اختیار مرد است هر جا خواست مصرف می‌نماید. ¹ 2 - عبد الرحمن بن اُبی عبد الله گوید: از ابا عبد الله علیه السلام از حکم عزل پرسیدم؟

فرمود: ذاک إلى الرجل. اختیار آن برای مرد است. ² 3 - محمد بن مسلم، از اُبی جعفر علیه السلام فرمود: لا بأس بالعزل عن المرأة الحرة ان أحب صاحبها وان کرهت لیس لها من الأمر شیء. عزل کردن از زن آزاد ترسی ندارد اگر صاحب

نطفه دوست داشته باشد و اگر زن هم نخواهد، در این کار برای او اختیاری نیست. «3» 4 - محمد بن مسلم گفت: به ابی جعفر علیه السلام: گفتیم: الرجل تكون تحته الحرة أيعزل عنها؟ قال: ذاك إليه ان شاء عزل وان شاء لم يعزل. مردی زن آزاد دارد: آیا می‌تواند از او عزل نماید؟ فرمود: آن حق اوست اگر خواست عزل می‌کند و اگر خواست عزل نمی‌نماید. «4» برای کراهت:

1 - محمد بن مسلم، از یکی از صادقین علیه السلام از حکم عزل سؤال شد فرمود: اما الأمة فلا بأس، فأما الحرّة فأنّی اكره ذلك ألّا ان يشترط عليها حين يتزوجها. اما برده مانعی ندارد و اما زن آزاد، من خوش ندارم مگر اینکه هنگام ازدواج با او شرط کرده باشد. «5» 2 - محمد بن مسلم، از ابی جعفر علیه السلام مانند پرسش قبل نمودند، و در پاسخ فرمود: ألّا أن ترضى أو يشترط ذلك عليها حين يتزوجها. مگر اینکه زن خود راضی شود یا موقع ازدواج با او شرط (عزل) نماید. «6» 3 - یعقوب جعفی گفت: شنیدم أبا الحسن علیه السلام می‌فرمود: لا بأس بالعزل فی ستة وجوه: المرأة التي تيقنت أنّها لا تلد والمسنة والمرأة السليطة والبذية، والمرأة التي لا ترضع ولدها، والأمة.

در شش مورد، مانعی بر عزل نیست، زنی که یقین باردار نمی‌شود، و زن سالخورده و زن سلیطه و بد دهن، و زنی که فرزندش را شیر ندهد و امه (زن برده). «1»

17 - محرّمات جماع

17 - احکام حرمت جماع در موارد گوناگون، در کتاب‌های مفصل فقهی مشروحاً بیان گردیده است که در این مختصر به آوردن همه آنها، نیازی نیست فقط به بعضی از آنها اشاره می‌شود و از آوردن روایاتش هم، صرف نظر کردیم که، طالبین به آن منابع مراجعه نمایند و در آخر این کتاب نیز لازم است به روایت دستورات رسول خدا ﷺ مراجعه فرمائید.

1 - در روزهای ماه مبارک رمضان از اذان صبح تا اذان مغرب؛

2 - در لباس احرام، وقتی برای احرام عمره یا حج، محرم شد، تا پایان اعمال، همبستری و مقاربت با زوجه حرام است؛

3 - اگر برای حرام نمودن زنش، پشت او را به پشت مادرش تشبیه نماید، این را در قرآن به «ظهار»²

تعبیر فرموده است در این صورت زنش به او حرام است و چهار ماه فرصت دارد کفاره این سوگندش که کفاره ماه رمضان است، را بدهد تا زنش حلال شود و اگر نکند، زن به حاکم شرع شکایت می‌کند و حاکم او را به پرداخت کفاره یا طلاق الزام می‌کند چون زن نمی‌شود بلا تکلیف بماند؛

اگر برای فرار از کفاره، بخواهد طلاق دهد و دوباره ازدواج کند، نمی‌تواند، زیرا در آن صورت باید کفاره را بدهد تا بتواند دوباره ازدواج کند.

4 - اگر برای حرام کردن زن برای خودش، قسم شرعی یاد کند که دیگر با تو مقاربت نخواهم کرد که آن را «ایلاء»¹، نامیده است، حکم این نیز عیناً حکم ظهار است؛

5 - در روزهای زایمان که آن را «نفاس» گویند؛

6 - روزهای عادت ماهانه که آن را «حیض» گویند؛

حماد بن عمرو از جعفر بن محمد، از پدر و جدش از علی بن ابی طالب در حدیث طولانی که در آن وصیت پیامبر ﷺ را ذکر می‌کرد و در آن می‌گفت: **إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَرِهَ أَنْ يَغْسِيَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَهِيَ حَائِضٌ، فَانْ فَعَلَ وَخَرَجَ الْوَلَدَ مَجْذُومًا أَوْ بِهِ بَرَصٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ، ...** همانا رسول خدا ﷺ کراهت داشت که مرد با زنش در حال حیض، نزدیکی کند، پس اگر این کار را کرد و بچه، جذامی بیرون آمد، (کسی را) ملامت نکند مگر خود را ..²

فقهاء و مراجع: در این روایت کراهت را در حال حیض به معنای حرام دانسته‌اند.

7 - رو به قبله و پشت به قبله، دستشویی کردن حرام است و شایسته است،

برای حفظ حرمت کعبه هنگام همبستری نیز، رو به قبله نباشد که مکروه است.

1 - رسول خدا ﷺ فرمود: **وَلَا تَجَامِعُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ وَلَا تَسْتَدْبِرُهَا.** و

رو به قبله و پشت به قبله مقاربت منما؛³

2 - غیاث بن ابراهیم: از ابی عبد الله ﷺ: **أَنَّ كَرِهَ أَنْ يَجَامِعَ الرَّجُلَ مُقَابِلَ**

القِبْلَةِ. همانا او دوست نداشت کسی رو به قبله جماع کند.⁴

3 - ابی البختری از جعفر: از پدرش: از علی ﷺ: **أَنَّ كَرِهَ أَنْ يَجَامِعَ**

الرَّجُلَ مِمَّا يَلِي الْقِبْلَةَ. همانا مکروه است کسی رو به قبله جماع نماید.⁵

18 - مسائلی چند!

اصحاب و حاشیه نشینان: از امامان بزرگوار علیهم السلام راجع به مسائل (زنا شوئی) و کارهای زیر لحافی و رفتارهای محرک زوجین، سؤال هائی نموده و بدون رو دربایستی: کنجکاوی کرده‌اند تا از احکام آنها سر درآورده و مطلع شوند،

زیرا کسی که به عقاید مذهبی خود احترام قائل و پای بند اوامر و نواهی آن است، باید با پرس و جو از خواسته و نخواست‌های آن با خبر گردند.

البته می‌دانیم که دانستن احکام این مسائل که، مورد ابتلاء و خواست دوران جوانی است و از ما که یک مبلغ دینی هستیم، مردم کراراً این مسائل را می‌پرسند و دوست دارند از شرعیت آن، سر درآورند تا مورد مؤاخذه خداوند قرار نگیرند، بدینجهت برای آگاهی از حکم بعضی از آنها (با کمال شرمندگی و معذرت) مسائل آتی و روایاتش را می‌آورم امیدوارم در ذکر این احکام به این حقیر، خرده نگیرید که بنا به مثل مشهور «در بیان شرع شرم نیست».

حالت فارغ شدن چند ثانیه بیش نیست: آنچه که طرفین را آماده کامجویی کند، و آرامش دهد، مقدمات آن است: مانند شوخی و سخنان تحریک کننده و بازی‌های متنوع به گونه ای که طرف مقابل هم برای فارغ شدن مهیا شده و خود را تخلیه نماید در غیر این صورت: زن و مرد سر خورده و نادم و ناراحت و عصبی و سر افکنده برخاسته و گرفتار پیامدهای آن مانند عصبانیت و بیماری های روحی و جسمی و افسردگی و پژمردگی، خواهد بود؛

بدین سبب در دستورات دینی به این قسمت زندگی اهمیت زیاد داده و

سفارش های اکید دارد!.

1 - محمد بن علی بن حسین گفت: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: انَّ أَحَدَكُمْ لِيَأْتِي أَهْلَهُ فَيُخْرِجُ مِنْ تَحْتِهِ، فَلَوْ أَصَابَتْ زَنْجِيًّا لَتَشَبَّثَتْ بِهِ فَإِذَا أَتَى أَحَدَكُمْ أَهْلَهُ فَلْيَكُنْ بَيْنَهُمَا مِدَاعِبَةٌ فَإِنَّهُ أَطِيبٌ لِلْأَمْرِ. همانا کسانی از شما با عیال خود مقاربت می کند (و زود فارغ شده و خود را خلاص می نماید ولی در آن حال اگر زن) از او جدا شود حتی یک سیاه زنگی را هم ببیند به او در آویزد! (چون هنوز تخلیه نشده و در حال ولع می باشد)؛

پس وقتی که می خواهید نزدیکی کنید در میان شما بازی و شوخی باشد که این پسندیده ترین کار است. ^{«1»}

2 - اَبی بصیر: از اَبی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: لَيْسَ شَيْءٌ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا الرَّهَانَ وَ مَلَاعِبَةَ الرَّجُلِ أَهْلَهُ. چیزی نیست که فرشتگان در کنار آن حضور پیدا کنند، مگر دو چیز، در مسابقات و هنگام بازی مرد با هم سرش. ^{«2»}

دقت کنید مقدمات کار با چه تعبیر هائی مورد، تشویق قرار گرفته است!

3 - علی بن إسماعیل از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: اَرْمُوا وَارْكَبُوا وَان تَرْمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَرْكَبُوا، ثُمَّ قَالَ: كُلُّ لَهْوٍ الْمُؤْمِنِ بَاطِلٌ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: فِي تَأْدِيبِهِ الْفَرَسِ، وَ رَمِيهِ عَنِ الْقَوْسِ، وَ مَلَاعِبَتِهِ امْرَأَتَهُ فَإِنَّهُنَّ حَقٌّ. (در مسابقات) تیر اندازی کنید و اسب سواری نمائید ولی اگر تیر اندازی کنید از اسب دوانی بیشتر دوست دارم! سپس فرمود: تمامی لهویات مؤمن باطل است (و خوشایند نیست) مگر در سه چیز: تمرین اسبش و تیر اندازی و بازی مرد با عیال خود که آنها همگی حق است (و مورد تأیید). ^{«3»}

4 - اَبی البختری از اَبی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ: از پدرش عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَا: أَنْ يَصْحَبَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَلَا يَسْأَلُهُ عَنِ اسْمِهِ وَ

کنیته، و أن يدعى الرجل إلى طعام فلا يجيب و ان يجيب فلا يأكل، و موقعة الرجل أهله قبل الملاعبة. سه چیز از جفا است؛

الف - کسی باکسی هم سفر شود: اما از نام و فامیل او سؤال نکند!

ب - مرد به طعام (و میهمانی) دعوت شود اما نپذیرد یا بپذیرد و چیزی نخورد؛

ج - نزدیکی مرد با همسرش پیش از بازی (و آمادگی او). «4»

5 - عبد الله بن حسين بن زيد العلوی: از پدرش: از جعفر بن محمد: از پدرانش عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: إذا تجامع الرجل والمرأة فلا يتعريان فعل الحمارين فإن الملائكة تخرج من بينهما إذا فعلا ذلك. زمانی که زن و مرد مقاربت می کنند روباز و مانند الاغها کار انجام ندهند که اگر این گونه کنند: فرشتگان از میان آنها بیرون روند (و رخت بر می بندند). «1»

مکمل شماره 2 - به طور کلی شتاب زدگی در هر کاری: پیامدهای ناگوار و ندامت و پشیمانی در پی خواهد داشت: در تصمیم گیری ها و اقدام ها: نباید عجله کرد چون فرموده اند العجلة من الشيطان شتابزدگی از شیطان است؛ پس نباید در کارها شتاب کرد و عجله نمود.

یکی از مصادیق بارز آن شتاب کردن و زود فارغ شدن هنگام هم بستری است که اخلاقاً پسندیده نیست و خواسته های درونی و نیازهای جنسی طرفین، اشباع نخواهد شد بدین خاطر سفارش شده از مقاربت با همسر مانند پرندگان و حیوانات دیگر: بپرهیزند.

1 - ابن القداح: از أبي عبد الله عليه السلام گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: إذا جامع أحدكم أهله فلا يأتين كما يأتى الطير ليمكث و ليلبث قال بعضهم: وليتلبث. وقتی که یکی از شماها می خواهد با اهلس نزدیکی نماید مانند پرنده

(سریع و شتابان) نکند بلکه آرام و با تأنی (و فراهم ساختن آمادگی روحی و جسمی همدیگر) به پایان رساند. «2»

2 - علی علیه السلام در حدیث الاربعمة - فرمود: إذا أراد أحدكم أن يأتي زوجته فلا يعجلها فإن للنساء حوائج (جوائح). هر وقت خواستید به اهل خود نزدیک شوید زن را شتاب زده ننمایید زیرا آنها کارهای (مقدماتی) دارند که باید انجام دهند (از قبیل رسیدن به خود و استعمال عطر و آرایش کردن و غیره). «3»

3 - از مسمع: از ابي عبد الله علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إذا أراد أحدكم أن يأتي أهله فلا يعجلها. هر وقت کسی خواست به اهلش نزدیکی کند: زن را شتاب زده ننماید. «4»

نگاه کردن به اعضای بدن همسر یکی از کارهای محرک و مشوق برای ارضای غریزه جنسی است در این صورت سؤالی پیش می‌آید که آیا برای این نگاه کردن حد و مرزی وجود دارد یا خیر؟! به روایات ذیل دقت نمایید.

1 - إسحاق بن عمار: از ابي عبد الله علیه السلام فی الرجل ينظر إلى امرأته وهي عریانة، قال: لا بأس بذلک، وهل اللذة إلا ذلک؟! در باره مردی که به زن خود در حال لخت و عریان نگاه کند سؤال نمود؟! فرمود: عیب ندارد آیا لذت جز این است؟! «1»

2 - ابي حمزة گفت: از ابا عبد الله علیه السلام سؤال کردم اینظر الرجل إلى فرج امرأته وهو یجامعها؟ قال: لا بأس. آیا مرد در حال مقاربت: می‌تواند به اندام جنسی زن خود نگاه کند؟! فرمود: مانعی ندارد. «2»

3 - محمد بن علی بن حسین گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

الخيرات الحسان من نساء أهل الدنيا و هنّ أجمل من الحور العين، ولا بأس أن ينظر الرجل إلى امرأته وهي عريانة. زنان با برکت و زیبای اهل دنیا: بهتر از حورعین (بهشت) است و عیبی ندارد که مرد به زن لخت خود، نگاه کند. «3»

بعضی از کارها ممکن است ابتدائاً و در بدو نظر چیزی به نظر نیاید اما با مرور زمان اثرات خود را ظاهر نماید: مانند تأثیر ازدواج فامیلی در بچه ها و خوردن میوه‌های خوشگل در زیبایی اولاد و اثر ناگوار جرو بحث‌های والدین، در جنین و روحيات فرزند و غیره؛

یکی از این موارد، نگاه مرد به پایین تنه همسر است: درست است که از جهت حکم حرام نیست و به ظاهر هم چیزی به نظر نمی آید اما اگر از نطفه آن لحظه بچه منعقد شود، شاید در بعضی‌ها با گذشت زمان عوارض جانبی و اثرات خود را در روی جنین بگذارد و سبب نابینائی و کوری بچه شود، و همچنین حرف زدن زیاد حین عمل جنسی (اگر از آن نطفه بچه منعقد شود) احتمالاً سبب لالی فرزند شود مگر از موانع بچه دار شدن استفاده نکرده باشد، مانند بستن لوله رحم و خوردن قرصهای ضد بارداری و غیره که در این صورت ها کراهتش منتفی است، به روایات ذیل و مطلب بعد از آن دقت بفرمائید.

1 - سماعه گفت: از اباعبدالله عليه السلام سؤال کردم مردی، ينظر في فرج المرأة وهو يجامعها؟ قال: لا بأس به إلا أنه يورث العمى (فی الولد). مرد در حال مقاربت به عورت همسرش نگاه کند؟! فرمود: ترسی نیست (عیب ندارد) مگر این که سبب کوری در فرزند می شود. «1»

2 - باسند خود از ابي سعيد خدری - در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به علی عليه السلام فرمود: ولا ينظر أحد إلى فرج امرأته، وليغض بصره عند الجماع فان النظر إلى الفرج يورث العمى في الولد. کسی در

حال نزدیکی به پایین تنه همسرش نگاه نکند و چشمش را بیوشاند زیرا (در آن حال) نگاه بر عورت زن: سبب ناپینائی در فرزند می شود. ^{«2»}

3 - عبد الله بن حسین بن زید بن علی بن اُبی طالب: از پدرش: از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود: وکره النظر إلى فروج النساء، و قال: إنّه یورث العمی، وکره الکلام عند الجماع. و قال: إنّه یورث الخرس، وکره المجامعة تحت السماء. مکروه است نظر به اندامهای جنسی زنان چون سبب کوری (بچه) می شود: و سخن گفتن در حال همبستری سبب لالی می شود! و مقاربت در زیر آسمان (و در فضای باز) را خوش نداشت! ^{«3»}

4 - جعفر بن محمد: از پدرانش علیه السلام در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی کره الله لأمتی العبث فی الصلاة والمنّ فی الصدقة، وإتیان المساجد جنباً، والضحک بین القبور، والتطلع فی الدور، والنظر إلى فروج النساء لأنّه یورث العمی، وکره الکلام عند الجماع لأنّه یورث الخرس. ای علی علیه السلام خداوند به امت من چند چیز را دوست ندارد: بازی در نماز و منّت در صدقه دادن و جنب به مسجد آمدن و میان قبرها خندیدن و کنجکاوی خانه ها و نگاه نمودن به اندامهای جنسی بانوان: زیرا سبب کوری (بچه) شود و موقع نزدیکی با همسر، حرف زدن را دوست نداشت که سبب لالی فرزند) می گردد! ^{«1»}

5 - اُبی البختری: از جعفر: از پدرش: از علی علیه السلام و ابن عباس هر دو گفتند: النظر إلى الفرج عند الجماع یورث العمی. نگاه به پایین تنه زن هنگام مقاربت، سبب کوری (بچه) می شود! ^{«2»}

ممکن است بعضی ها در اثر ناتوانی جسمی و پیری و یا به علت بیماریها و خوردن داروهای گوناگون، و عوامل دیگر، به ناتوانی جنسی گرفتار آید و نتواند

از طریق معمول همسر خود را ارضاء نماید، آیا شرعاً می‌تواند برای ارضاء همسرش، با راه‌های دیگر اقدام کند یا نه؟!.

1 - عبید بن زرارۀ گوید: کان لنا جار شیخ له جاریة فارهة قد أعطی بها ثلاثین ألف درهم، و کان لا یبلغ منها ما یرید و کانت تقول: اجعل یدک کذا بین شُفْرَیَ فإِنِّیَ أجد لذلك لذةً، و کان یرکھ أن یفعل ذلك فقال لزرارة: سل أبا عبید الله رضی اللہ عنہ عن هذا؟ فسأله فقال: لا بأس أن یرتعی بکل شیء من جسده علیها، ولكن لا یرتعی بغير جسده علیها. ما همسایه ای پیر (و بی حالی) داشتیم: کنیز سرحال (وزیباتی) داشت که به سی هزار درهم خریده بود ولی نمی‌توانست با او مقاربت نماید و کنیز هم به او می‌گفت: (اقلاً) دستانت را میان اندام من قرار ده (یعنی با پائین تنه من بازی کن) من لذت ببرم (و خود را آرام نمایم!) آن مرد (به گمان اینکه این رفتار شرعاً اشکال دارد) از این کار کراهت داشت: به زرارۀ گفت، از امام صادق رضی اللہ عنہ از حکم این کار بپرسد او هم سؤال کرد (حضرت) فرمود: با هر شرایطی از بدن خود با آن (کنیز) بازی کند: عیب ندارد و لکن با (لوازم و وسایل دیگر) خارج از بدن خود انجام ندهد. ^{«1»}

2 - عبید بن زرارۀ گفت: قلت لأبی عبد الله رضی اللہ عنہ: الرجل یکون عنده جوار فلا یقدر علی أن یطأهن یعمل لهن شیئاً یلذذهن به قال: أما ما کان من جسده فلا بأس به. به ابی عبد الله رضی اللہ عنہ عرض کردم: مردی کنیزان زیادی دارد و نمی‌تواند با آنها نزدیکی کند و (آن‌ها را ارضاء نماید) ولی کارهایی می‌کند که از آن‌ها لذت می‌برند؟! فرمود: اگر با اعضای بدن خود باشد: عیب ندارد. ^{«2»}

بعضی‌ها مایلند از اندام جنسی دوم بانوان استفاده کنند!! آیا جایز است یا نه؟! در این باره روایات دوگونه آمده است، گروه زیادی آن را تجویز نموده و حتی در کتاب جواهرالکلام: ج 29 ص 103 ادعای اجماع کرده است؛

و عده‌ای هم تحریم نموده‌اند و دسته‌ای نیز برای حل روایات زیاد، جایز دانسته‌اند اما با کراهت شدید!!، بنا براین برای روشن شدن مطلب چند نمونه از روایات متقابل را می‌آوریم و حکم مسئله را به فتوای مرجع تقلید هرکس، واگذار می‌نماییم.

نمونه هائی از روایات دسته اول:

1 - در روایت صحیح صفوان آمده است به امام رضا علیه السلام گفت: مردی از دوستانت مرا امر کرد مسئله‌ای را از شما سؤال نمایم که خودش از هیبت شما حیا کرد بپرسد، فرمود: آن چیست؟! گفتم: مردی از پشت با عیالش مقاربت نموده است!! فرمود:

این (حق) برای اوست، گفتم: شما خود این کار را می‌کنی؟! فرمود: ما این کار را نمی‌کنیم. ^{«3»}

2 - ابن یعفور گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم از (حکم) مردی که از پشت همسرش نزدیکی کرده! فرمود: آن، یکی از دو محل مجاز مقاربت است. ^{«1»}

ابن اُبی یعفور گوید: از ابا عبد الله علیه السلام از حکم مردی از اندام جنسی دوم سؤال نمود؟! فرمود: لا بأس به. عیب ندارد. ^{«2»}

3 - یونس بن عمار گوید: به ابی عبد الله یا ابی الحسن علیه السلام گفتم: انّی ربما أتیت الجاریة من خلفها یعنی دبرها و نذرت فجعلت علی نفسی إن عدت إلی امرأة هكذا فعلى صدقة درهم وقد ثقل ذلك علی قال: لیس علیک شیء و ذلك لک. من بعضی وقتها با کنیزم از پشت مقاربت می‌نمایم و نذر کرده‌ام اگر این کار را تکرار کنم، یک درهم صدقه دهم و این برایم سنگینی می‌کند؟ فرمود: چیزی برایت نیست و این برای توست. ^{«3»}

4 - از ابن اَبی یعفر نقل شده او گفت: از اَبَا عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ از حکم مقاربت از عقب زنان سؤال نمود فرمود: لا بأس به، ثم تلا هذه الآية (نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ) قال: حيث شاء. عیب ندارد و این آیه را تلاوت نمود، «زنان شما محل بذر افشانی شما هستند پس هر زمان که خواستید، می توانید با آنها آمیزش کنید» فرمود:

هر طور خواست. «4»

نمونه هائی از روایات دسته دوم:

1 - سدیر گوید: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: دُبْرُ (یعنی اندام جنسی دوم) زنها برای امت من حرام است؛ و در خبر دیگر فرمود: دبر زنان امت من به مردان امتم حرام است. «1»

2 - ابان از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال کردم از (حکم) مقاربت زنان از پشت؟ فرمود: او وسیله بازی توست، اذیتش نکن. «2»

3 - علی بن ابراهیم در (تفسیرش): امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر آیه: (فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ) فرمود: ای متی شئتم فی الفرج والدلیل علی قوله فی الفرج قوله تعالی: «نساؤکم حرث لکم» فالحرث الزرع فی الفرج فی موضع الولد. یعنی هروقت خواستید از جلو و دلیل براینکه منظور آیه قسمت جلو است، فرمایش خدای تعالی (سَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ) است زیرا کشت و زرع در فرج در محل فرزند است. «3»

4 - زید بن ثابت گوید: مردی از امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال نمود: أتوتی النساء فی أدبارهن؟ فقال: سفلت سفل الله بك أما سمعت يقول الله: «أتأتون الفاحشة ما سبقكم بها من أحد من العالمين». «4»

آیا مقاربت زنان از عقب جایز است؟ فرمود: خودت را پست کردی خداوند ترا پست نماید، آیا نشنیده‌ای خدا می‌فرماید: «آیا کار بدی را می‌آورید که پیش از شما کسی از عالمیان، آن را نیاورده است».

با توجه به این روایات، فتواها هم بر دو گونه صادر شده است. راه حل: برای حل این مسئله می‌توان اینگونه نظر داد، اگر زن خود به این کار رضایت دهد جایز و در صورت ممانعت و عدم رضایت جایز نمی‌شود زیرا این موضع دوم مانند موضع اول نیست اگر زن رضایت هم ندهد، او را به نزدیکی از جلو می‌شود مجبور نمود اما از پشت اجبار جایز نیست چنانکه در روایتی. ابی‌یعفور گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم مردی با همسرش از پشت (آمیزش جنسی دارد) و مقاربت نموده، فرمود: اگر خود زن راضی باشد مانعی ندارد «1»

اکیداً توصیه می‌شود در این گونه موارد، هرکس به فتوای مرجع تقلید خود رجوع نماید و به آن عمل کند.

آمیزش جنسی انسان‌ها (زن و مرد) به چند شکل صورت می‌گیرد؛

1 - مرد بامرد (لواط یا همجنس بازی)؛!

2 - زن با زن (مباحقه)!!.

3 - مرد با زن مشروع و با ازدواج خود.

4 - بدون ازدواج ونا مشروع).

5 - بصورت جلق (یا استمناء).

6 - انسان با حیوان.

تمامی صورت‌های فوق بجز ازدواج مشروع، حرام و از نظر شرایع آسمانی

مردود و ناپسند و برخلاف مسیر درست می‌باشد!!.

علاوه بر نادرست بودن آنها برای جلوگیری و مهار نمودن آنها، مجازات‌های سنگین و کیفرهای سخت تعیین گردیده است؛

صورت اول: اگر عاملین آن تا رسیدن به محاکم قضائی، توبه نکنند، باید با یکی از راههای ذیل، اعدام و نابود شوند؛
الف: با آتش سوزانده شوند.

ب: سنگسار شوند؛

ج: دست و پایشان را ببندند و از مکان مرتفع رها سازند تا تکه تکه شوند؛
د: به دار آویخته و نابود گردند؛

صورت دوم: اگر زن شوهردار با زن شوهردار، مرتکب این اعمال شوند، بی چون و چرا سنگسار و اعدام یا سوزانده خواهند شد،

اگر دو زن یا دختر بی شوهر این عمل را انجام دهند، در مرحله نخست، برای هر یک در ملاً عام یکصد تازیانه می زنند همچنین در مرتبه دوم و سوم، اگر توبه نکردند در مرتبه سوم اعدام می شوند و اگر یکی از آنها با شوهر و دیگری بی شوهر باشند، شوهردار در مرحله اول و بی شوهر در مرحله سوم نابود می گردند.

صورت سوم: اگر با ازدواج مشروع باشد (موقت یا دائم) که مورد پسند خداوند و برای این گونه آمیزش تشویق زیاد و ثواب بیشتر معین شده است، صورت چهارم: اگر نوع نامشروع و زنا باشد، حکم آن هم مانند مساحقه می باشد، مرد زن دار با زن شوهر دار زنا نمایند، سنگسار و اعدام، مرد بی زن با زن بی شوهر در مرتبه سوم یا چهارم اعدام و اگر یکی بی زن و دیگری شوهردار یا برعکس باشد حکمش در مساحقه بیان گردید.

صورت پنجم: برای عاملین و مرتکبین این عمل هم با صلاح‌دید حاکم شرع تازیانه تعیین گردیده است^۱

صورت ششم: اگر با حیوان حلال گوشت باشد علاوه بر اینکه باید قیمت آن را به صاحب مال پرداخت نماید، باید آن حیوان سربریده و سوزانده شود، و اگر با حیوان حرام گوشت باشد، آن حیوان نفی بلد می شود یعنی باید به محل دیگر برده و بفروش برسانند، و برای عامل این عمل هم، مجازات‌های سنگین، پیش بینی شده و تعیین گردیده است. و باید توجه داشت که احکام مربوط به این اعمال در کتاب‌های فقهی مشروحاً بیان گردیده و فتاوا هم متفاوت است، برای اطلاع بیشتر به آن منابع مراجعه شود فقط در میان صورتهای فوق در مورد «مباحقه» که با موضوع کتاب ارتباط دارد، به چند روایت توجه نمایید.

1 - یعقوبین جعفر گوید: مردی از امام صادق علیه السلام یا امام موسی کاظم علیه السلام سؤال نمود از حکم زنی که با زن دیگر «مباحقه» نماید!! حضرت تکیه داده بود (با شنیدن این سؤال با عصبانیت) نشست و فرمود: ملعونة ملعونة الراكبة و المركوبة ملعونة حتى تخرج من اثوابها، فان الله و ملائکته و اولیائه یلعنونها أنا و من بقى فی أصلاب الرجال و أرحام النساء، فهو والله الزنا الأكبر، ولا والله ما لهنّ توبة قاتل الله الأقیس بنت ابلیس ماذا جائت به، فقال الرجل هذا ما جاء به أهل العراق، فقال و الله لقد کان فی عهد رسول الله قبل أن یكون العراق. از رحمت خدا دوراست از رحمت خدا دور است سوارشونده و سوار شده تا از رختخوابش بیرون آید، همانا خدا و فرشتگان و دوستانش او را لعنت می‌کنند من و هرکس در صلب‌های مردان و رحم‌های زنان باقی مانده است پس به خدا سوگند آن «مباحقه» زناى بزرگ است!، نه به خدا سوگند برای آنها، توبه

نیست! لعنت خدا بر اقیس دختر شیطان، چه آورد او، یعنی بنیان گذار مساحقه دختر ابلیس بود؛

مرد گفت: این کار را عراقی‌ها آورد! فرمود: به خدا قسم در زمان رسول خدا ﷺ هم بود که عراقی وجود نداشت. ^{«1»}

البته اگر پیش از رسیدن به محاکم قضائی، توبه نمایند، حد ساقط می‌شود و توبه شان نیز قبول می‌گردد و گرنه باید حد جاری شود.

2 - و فیهن قال رسول الله ﷺ لعن الله المتشبهین من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال و هم المختنون واللّاتی ینکحن بعضهن بعضاً. در باره این‌زنها، رسول خدا ﷺ فرمود: خدا لعنت کند به مردانی که خود را تشبیه کننده به زنان و تشبیه کنندگان زن خود را بر مردان، آن مردانند لواط دهنده و آن زنانند که بعضی بعضی را، نکاح می‌کنند. ^{«2»}

3 - رسول خدا ﷺ فرمود: السّحق فی النّساء بمنزلة اللّواط فی الرجال فمن فعل ذلك شیئاً فاقتلوهما ثمّ اقتلوهما. به همدیگر مالیدن در زنان مانند لواط در مردان است، هرکس این را کرد، هردوی آنان را بکشید (و بدون گذشت) بکشید. ^{«1»}

4 - محمد بن ابی حمزة و هشام و حفص همگی از امام صادق علیه السلام زنانی بر او داخل شدند و از آن حضرت از (حکم) «سحق» سؤال نمودند؟! فرمود: حدّها حدّ الزّانی فقالت المرأة ما ذکر ذلك فی القرآن! فقال بلی، قال فأین هو؟ قال هنّ أصحاب الرّسّ. حدّ آن حدّ زناکننده است، زن گفت: این در قرآن ذکر نشده است؟! فرمود:

بلی (آمده است) گفت: در کجای (قرآن) فرمود: آنها اصحاب رسّ است. ^{«2»}

5 - سیف تمّار از امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: اُتی أمير المؤمنين عليه السلام بأمرأتین وجدتا فی لحاف واحد و قامت علیهما البینة أنّهما کانتا تتساحقان فدعا بالنّطع ثمّ أحرقتا بالنّار! دو زن را پیش امیرمؤمنان عليه السلام آوردند که در زیر یک لحاف بودند و شاهد هم اقامه شد بر اینکه آنها، مساحقه می‌کردند، پوست (زیر انداز) خواست و سپس هردو با آتش سوزانده شدند. «3»

6- در خبرالمناهی - فرمود: نهی النبی صلی الله علیه و آله و سلم أن یتبایر المرءة المرءة لیس بینهما ثوب.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نهی نمود زن به زن مباشرت کند که میانشان پرده‌ای نباشد. «4»

7 - ابی هاشم، از ابی خدیجة، از بعض صادقین عليهم السلام فرمود: لیس لامرأتین أن تبیتا فی لحاف واحد إلا أن یکون بینهما حاجز، فان فعلتا نهیتا عن ذلك، فان وجدتا مع النهی جلدت کل واحدة منهما حدا، فان وجدتا أيضا فی لحاف جلدتا، فان وجدتا الثالثة قتلتا.

نباید دو زن زیر یک لحاف بخوابد، مگر اینکه میان آنها پرده ای باشد، اگر خوابیدند، نهی شوند اگر باز بعد از نهی (زیر یک لحاف) پیدا شدند، تازیانه زده می‌شوند، باز پیدا شدند باز تازیانه، اگر سومین بار پیدا شدند کشته می‌شوند. «5»
توضیح اینکه ممکن است، این حکم در باره دختران یا زنان مجرد (و غیر محصنه) باشد اما زنان شوهردار (و محصنه) پس ثبوت مساحقه شان در وحله نخست، اعدام می‌شوند، آنگونه که امیرمؤمنان عليه السلام در باره دوزن انجام داد زیرا برابر روایات وارده مساحقه مانند زنا است و در حکم آن.

8 - از امام صادق، از پدرانش عليهم السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لا یتبایر الرجل الرجل إلا و بینهما ثوب ولا تبایر المرءة المرءة إلا و بینهما ثوب.

مرد بامرد زن با زن با همدیگر مباشرت نداشته باشند، مگر اینکه میان آنها لباس
(یا پرده) باشد. ¹»

9 - واز او عَلَيْهَا فرمود: لا تبیت المرأتان فی ثوب واحد إلا أن تضطرّاً إلیه.
دوزن در زیریک لباس (لحاف) نخوابند مگر اینکه ناچار باشند. ²»

19 - خطرات همنشینی با نامحرم

19 - در روایت آمده است که ابلیس به خدمت تعدادی از انبیاء مانند حضرات نوح و موسی و یحیی علیهم السلام شرفیاب می شد و صحبت می کرد!! روزی به خدمت حضرت موسی علیه السلام آمد و گفت: ای موسی وقتی که مناجاتت را با خدا تمام کردی این درخواست مرا به او برسان و بگو: خدایا حالا که از زمان آدم خیلی گذشته است چه می شود که مرا ببخشی و از گناه من در گذری!! سفارش ابلیس را به خدا عرضه داشت، خطاب آمد ای موسی به او بگو اگر می خواهی ترا ببخشم برو به قبر آدم سجده کن! ابلیس که قضیه را شنید پوز خندی زد و گفت: من به آدم زنده سجده نکردم به مرده اش سجده کنم هیئات!! ولی ای موسی به خاطر رساندن سفارش من، من هم چند چیز را به تو سفارش می کنم مواظب باشی!!

1 - متکبر نباش مرا تکبر بیچاره ام کرد اگر تکبر نمی کردم و به آدم سجده می نمودم آن همه عبادات و مقام والای خود را از دست نداده و به این روز نمی افتادم.

2 - در هیچ چیز طمع و حرص نداشته باش، طمع نزدیک شدن به شجره منهیه، سبب رانده شدن آدم از بهشت گردید.

3 - حسود نباش، زیرا حسادت باعث شد قاییل برادرش هابیل را بکشد و لعین دنیا و آخرت گردد.

4 - هیچ وقت با زن نامحرم در جای خلوت ننشین، بدانکه نفر سوم من خواهم بود و شما را از راه ایمان بدر خواهم برد! اقلًا در باز گذارید یا بچه ممیز کنارتان باشد. ¹»

1 - دَرَسْتُ (راوی) از کسی که به او گفته است از امامان عليهم السلام فرمود: ابلیس به موسی عليه السلام گفت: یا موسی لا تخل بامرأة لا تحلّ لك فأنه لا يخلو رجل بامرأة لا تحلّ له إلا كنت صاحبه دون أصحابي.

ای موسی با زنی که بر تو حلال نیست، خلوت نکن، به یقین مرد با زن نامحرمی خلوت نکرد، مگر اینکه من بدون یارانم با او خواهم بود (یعنی خودم سریع، دست بکار می شوم و منتظر بچه هایم نمی باشم).²

سعدان، از ابی عبد الله عليه السلام از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم مانند آن را، روایت کرده است.

2 - نوادر راوندی: باسند خود از موسی بن جعفر از پدرانش عليهم السلام گفت: علی عليه السلام فرمود:

ثلاث من حفظهن كان معصوماً من الشيطان الرجيم ومن كل بلية، من لم يخل بامرأة ليس يملك منها شيئاً، ولم يدخل على سلطان، ولم يعن صاحب بدعة ببدعته. سه چیز است هرکس آن را حفظ نماید، از (خطرات و وسوسه های) شیطان رجیم و از همه بلاها معصوم (و مصون) می شود، هرکس با زنی که مالک آن نیست، خلوت نماید، و برسلطانی داخل نشود (و به دربار او رفت و آمد نکند) و بر بدعت صاحب بدعتی، یاری نرساند.³

3 - مسمع بن ابی سیار گوید: ابی عبد الله عليه السلام فرمود: فیما أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم البيعة على النساء، أن لا يحتببن⁴ ولا يقعدن مع الرجال في الخلاء. در ضمن چیزهایی که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در هنگام بیعت گرفتن از زنها، سفارش کرد این بود که دستها را در زانو حلقه زده (چمباتمه) نزنید و در خلوت با مردان (نامحرم) ننشینید.⁵

4 - موسی بن ابراهیم: از موسی بن جعفر: از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلا یت فی موضع یتسمع نفس امرأة لیست له بمحرم. هر کس به خدا و قیامت ایمان آورده است شب نکند در جائی که نفس زنی شنیده شود که به او محرم نیست. «1»

5 - حسن بن فضل طبرسی در کتاب (مکارم الاخلاق): از امام صادق علیه السلام فرمود:

أخذ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علی النساء أن لا ینحن ولا یخمشن ولا یقعدن مع الرجال فی الخلاء. از جمله شرایط بیعت گرفتن از زنها این بود که نوحه گری نکنند و روی خود را در مصائب نخرانند و بانامحرمان در خلوت همنشین نشوند. «2»

6 - شیخ مفید باسند خود گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: أربعة مفسدة للقلوب: الخلوۃ بالنساء والإستمتاع منهن والأخذ برأیهنّ ومجالسة الموتی فقیل: یا رسول الله وما مجالسة الموتی؟ قال: مجالسة کل ضال عن الايمان وجائر عن الأحكام. چهار چیز دل را به فساد کشد،

1 - خلوت کردن با زنان؛

2 - بهره برداری (از حرام) آنها؛

3 - پذیرفتن رأی آنها؛

4 - هم نشینی با مردگان، گفته شد ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با مردگان نشستن چیست؟! فرمود: همنشینی با گمراهان دور از ایمان و ستمگران در حکم دادن.

3»

20 - دید زدن به خانه همسایه

20 - دید زدن به خانه همسایه در روایات آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: جبرئیل آن قدر حقوق همسایه‌ها را بیان کرد من خیال کردم دستور خواهد داد که همسایه‌ها از همدیگر ارث ببرند؛ تعداد سی و پنج حق برای همسایه در گردن یکدیگر تعیین گردیده است!؛ بدینجهت باید حقوق یک دیگر را رعایت نمایند و آبروی هم را نگهدارند چون همسایه قهراً از اسرار همسایه‌اش، آگاه خواهد شد، پس نباید در صدد دید زدن به خانه همسایه باشد حتی اگر کسی بخواهد به زندگی و اسرار همسایه خود، دید بزند و دزدکی نگاه کند: آن یکی همسایه حق دارد در آن حال بزند و چشم او را در آورد و کور نماید مسؤلیت شرعی و دیه هم ندارد!؛ روی این اصل نباید کسی برای پی بردن و اطلاع یافتن از اسرار درونی همسایه کنجکاوی نماید و به کشف اسرار او پردازد.

1 - (عقاب الأعمال): از رسول خدا ﷺ فرمود: من اطلع فی بیت جاره فنظر إلى عورة رجل أو شعر امرأة أو شیء من جسدها كان حقاً على الله أن یدخله النار مع المنافقین الذین كانوا یتبعون عورات النساء فی الدنيا، ولا یدخله النار من الدنيا حتی یفضحه الله، ویبذی للناس عورته فی الآخرة، و من ملأ عینیه من امرأة حراماً حشاهما الله یوم القیامة بمسامیر من نار، وحشاهما ناراً حتی یقضی بین الناس، ثم یؤمر به إلى النار.

هرکس به خانه همسایه دید بزند و چشمش به عورت مرد یا موی زنی یا به چیزی از اعضای او بیفتد، برای خدا حق است که او را با منافقین به آتش داخل کند، کسانی که در دنیا به عورات زنها تبعیت (وپیگیری) می‌شوند، از دنیا بیرون

نمی‌روند مگر اینکه خداوند او را رسوا می‌نماید و در آخرت آبروی او را می‌ریزد و هرکس چشم‌هایش را از نگاه کردن به زن نامحرم پر نماید، خداوند هر دو چشم او را در روز قیامت از میخ‌های آتشین پر نماید و پیر از آتش کند، تا از قضاوت میان مردم فارغ شود، و سپس دستور دهد تا او را به سوی آتش بکشند.¹

21- لعنت رسول خدا ﷺ

21 - رسول خدا ﷺ در باره سه کس لعنت نموده است.

1 - کسی که به عورت زن حرام نگاه کند.

2 - مردی که به ناموس برادر و دوستش خیانت کند.

3 - کسی که مردم به کمک او احتیاج داشته باشند: او از آنها رشوه

درخواست نماید.

1 - جابر: از ابی جعفر عاشق فرمود: لعن رسول الله ﷺ رجلاً ينظر إلى

فرج امرأة لا تحلّ له، و رجلاً خان أخاه في امرأته، و رجلاً يحتاج الناس إلى

نفعه فيسألهم الرشوة. رسول خدا ﷺ لعنت کرد به کسی که به عورت زنی

نگاه کند که برایش حلال نیست، و مردی که به برادرش در مورد زنش خیانت

نماید، و مردی که مردم به منفعت (و کمک) او نیاز داشته باشند، از آنها،

درخواست رشوه نماید. ¹»

22- دیگر تکرار نکن!!

22 - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخُلُوتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ مِنْ مَعْصِيَتِهَايَ بِنَهَانِي بِيْرَهِيْزِيْد: زیرا (فردای قیامت) شاهد (یعنی خداوند) خود حکم کننده خواهد بود!

با توجه به مفاد این روایت نباید در جاهای خلوت: حد و مرز را شکست و نافرمانی کرد زیرا برای خدا خلوتی وجود ندارد همه جهان آفرینش: محضر خداست هیچ عملی ریز یا درشت: از منظر خدا پنهان نیست و باید حیا کرد.

1 - سعید بن هبة الله راوندی در (الخرائج والجرائج) از ابي كهمس گفت: كنت نازلاً في المدينة وكان فيها وصيفة وكانت تعجبنى فانصرفت ليلة ممسياً فافتحت الباب ففتحت لي فقبضت علي ثديها (فمددت يدي فقبضت علي يدها)، فلما كان من الغد دخلت علي ابي عبد الله عليه السلام فقال: تب إلي الله مما صنعت البارحة. من در مدینه (در منزلی) نزول کرده بودم و در آن کنیزی بود که از او خوشم می آمد (و فکر مرا به خود مشغول ساخته بود)، شبی در را زدم که باز کند او هم در را گشود، و دستم را دراز کرده پستانهای او را گرفته (و دستم را بردم و دستش را گرفتم)؛

فردا که به خدمت امام صادق عليه السلام وارد شدم فرمود: از کاری که دیشب کردی، به خدا توبه کن (و دیگر تکرار نکن).²

2 - مهزم الاسدی گفت: كنا بالمدينة وكانت جارية صاحب الدار تعجبنى واني أتيت الباب فاستفتحت الجارية فغمزت ثديها، فلما كان من الغد دخلت علي ابي عبد الله عليه السلام فقال: أين أقصى أترك؟ قلت: ما برحت بالمسجد (المسجد)، فقال: أما تعلم أن أمرنا (هذا لا يتم) (هنا لا ينال) إلا بالورع.

ما در مدینه بودیم و کنیز صاحب خانه مرا به شگفتی واداشته (و به خود مشغول ساخته بود)، به دم در آمده و در را زدم و او بیرون آمد من پستان‌های او را فشردم، فردا که به محضر امام صادق علیه السلام داخل شدم فرمود: دورترین آثار کجاست (دیشب چکار کردی)؟ گفتم: دیشب در مسجد بودم فرمود: آیا نمی‌دانی این قبول (ولایت ما) تمام نمی‌شود (و به کمال نمی‌رسد) مگر باورع (و تقوی).¹

3 - ابي بصير: گفت: كنت أقرئ امرأة كنت أعلمها القرآن فمازحتها بشيء، فقدمت علي أبي جعفر عليه السلام فقال لي: أي شيء قلت للمرأة؟ (فغطيت وجهي) (و غطی وجهه) فقال: لا تعودن إليها. به زنی درس قرآن می‌دادم، پس با او با چیزی شوخی کردم، به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم فرمود: به زن چه گفتی؟! (از خجالت) رویم را پوشاندم، فرمود:

دیگر تکرار نکن.²

23 - شوخی و گفتگو با نامحرم

23 - در روایت وارد شده است هرکس با زن نامحرم بیش از ضرورت گفتگو نماید برای هرکلمه آن گفتار به سختی معذب خواهد شد و در روز قیامت برای هر کلمه آن: هزار سال در آتش خواهد سوخت.³ و بردهان او لجام خواهند زد به روایت ذیل و روایت فصل بعد دقت فرمائید.

1 - حسین بن زید، از امام صادق، از پدرانش عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در حدیث المناهی فرمود: ونهی أن تتکلم المرأة عند غیر زوجها و غیر ذی محرم منها أكثر من خمس کلمات مما لا بد لها منه. ونهی فرمود که زن، با نامحرم و جز شوهر خودش، بیش از پنج کلمه که ناچار است، حرفی بزند (و سخنی بگوید).⁴

مسعدة بن صدقة: از جعفر بن محمد: از پدرش عليه السلام گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

أربع يُمتن القلب: الذنب على الذنب، و كثرة مناقشة النساء یعنی محادثتهن، و ممارسة الأحمق يقول و تقول و لا (يؤول) (يرجع) إلى خير أبداً، و مجالسة الموتى، قيل (يا رسول الله): و ما الموتى؟ قال: كل غنى مترف. چهار چیز دل را می میراند،

1 - گناه روی گناه کردن،

2 - بازنها زیاد حرف زدن،

3 - با احمقها دهن به دهن گذاشتن هرچه بگوئی و در او تأثیر نداشته باشد (و به خرجش نرود)،

4 - و مجالست با مردگان، پرسیدند ای رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم مردگان کیانند؟! فرمود: همه غنی‌های در رفاه کامل (که از خدا و احوال فقراء بی خبر باشند).¹

24 - دست دادن باخانم نامحرم

24 - هرکس با زن حرام دست دهد و مصافحه نماید: در روز قیامت دست

بسته و به گردن آویخته می‌آورند و به آتش می‌اندازند!

مگر در حال ضرورت، با دستکش یا با لباس دست دهند.

1 - مسعدة بن صدقة: از جعفر بن محمد: از پدرش عليه السلام گفت: رسول خدا

صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: و من صافح امرأة حراماً جاء يوم القيامة مغلولاً ثم يؤمر به إلى النار، و من فاكه امرأة لا يملكها (حبسه الله) (حبس) بكل كلمة كلمها في الدنيا ألف عام. و هرکس با زن نامحرم دست دهد، روز قیامت به زنجیر کشیده شده می‌آید و دستور داده می‌شود که به آتش اندازند، و هرکس با زنی که در اختیارش نیست (زوجه یا کنیز) سخن گوید، خداوند در برابر هر کلمه گفتار که در دنیا با نامحرم گفته است، هزار سال زندانی نماید. ^{«2»}

2 - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: من صافح امرأة تحرم عليه فقد باء بسخط من

الله، و من التزم امرأة حراما قرن في سلسلة من نار مع الشيطان فيقذفان في النار. هرکس با زنی که برایش حرام است، دست دهد، محققاً خود را با غضب خدا مواجه کرده است، و هرکس زن حرام را به آغوش کشد، با شیطان در یک زنجیر آتشین کشیده شده، باهم به آتش اندازند. ^{«1»}

3 - أبو بصير از أبا عبد الله عليه السلام پرسید: هل يصافح الرجل المرأة ليست

بذی محرم؟ قال:

لا إلا من وراء الثوب. آیا مرد با زن نامحرم، می‌تواند دست دهد؟! فرمود: نه

مگر از پشت لباس. ^{«2»}

4 - جابر بن یزید جعفی از ابی جعفر علیه السلام ... و لا يجوز للمرأة أن تصافح
غير ذی محرم إلا من وراء ثوبها، ... جایز نیست با نامحرم دست دهد مگر از
پشت لباس زن. «3»

5 - سماعة بن مهران گفت: از اباعبدالله علیه السلام از دست دادن زن و مرد سؤال
نمودم؟

فرمود: حلال نیست مرد بازن دست دهد مگر با زنی که ازدواج او برایش
حرام است، خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر خواهر یا مانند اینها، اما زنی که
ازدواج با او برایش حلال باشد فلا یصافحها الا من وراء الثوب و لا یغمز کفها با
او مصافحه نکند مگر از پشت لباس و دستش را فشار ندهد. «4»

25 - نگاه تیری از تیرهای شیطان!

25 - در عالم مادیات، برای گشودن هر در بسته‌ای، باید کلیدی باشد تا آن در گشوده شود، و در معنویات نیز همانگونه است مثلاً در روایات آمده است که کلید بهشت رضایت والدین است، اگر فلان عمل را به جا بیاوری، همه درهای بهشت، به رویت گشوده می‌شود، در قسمت منفی هم به همان سیاق است، مثلاً شراب کلید تمام شرهاست و کلید همه نا موفقیت‌ها، سستی و تنبلی است و کلید تمام گرفتاری‌های جنسی و پیامدهای ناگوار آن، نگاه کردن به نامحرم است؛ در روایات هم آمده است «النظرة سهم من سهام الشیطان» نگاه کردن (و دیدن) تیری از تیرهای شیطان است.

ابلیس نیز خود می‌گوید: النساء سهامی لمن رميته أصبته زنها تیرهای من هستند به هر هدفی شلیک کنم می‌زنمش (و خطا نمی‌رود). در روایت آمده است «النساء حبال الشيطان» زنها دام‌های شیطانند (برای هرکس بگستراند، به تور می‌اندازد).

1 - علی بن عقبه: از پدرش گفت: شنیدم ابي عبد الله عليه السلام می‌فرمود: النظرة سهم من سهام إبليس مسموم، وکم من نظرة أورثت حسرة طويلة. نگاه (به زن نامحرم) تیری از تیرهای مسموم ابلیس است، و چه نگاههایی که حسرت طولانی برای آدمی بیار می‌آورد. ^{«1»}

2 - هشام بن سالم از عقبه از پدرش گفت: أبو عبد الله عليه السلام فرمود: النظرة سهم من سهام إبليس مسموم، من تركها لله عزوجل لا لغيره أعقبه الله أمناً و ایماناً يجد طعمه. نگاه به (زن نامحرم) تیری از تیرهای مسموم ابلیس است،

هرکس آن را به خاطر خدای عزوجل ترک نماید، نه برای دیگری، خداوند پیامد امن و ایمان برای او ارزانی داشته و مزه آن را خواهد چشید. «2»

3 - ابن ابی عمیر: از الکاهلی گفت: أبو عبد الله عليه السلام فرمود: النظر بعد النظر تزرع في القلب الشهوة وكفى بها لصاحبها فتنة. نگاه پشت سر هم در دل شهوت (وهوسرانی را) می‌کارد و برای به فتنه انداختن صاحب آن، کفایت می‌کند. «3»

4 - امام صادق عليه السلام فرمود: من نظر إلى امرأة فرفع بصره إلى السماء أو غمض بصره لم يرتد إليه بصره حتى يزوجه الله من الحور العين. هرکس به زنی نگاه کند و سرش را بالا گرفته و به آسمان بنگرد، یا چشمش را فروبندد، چشمش را نگشوده خداوند به او از حورالعین بهشتی تزویج نماید. «4»

وفی خبر آخر: لم يرتد إليه طرفه حتى يعقبه الله إيماناً يجد طعمه. در خبر دیگر است که چشمش را باز نکند تا خداوند ایمانی به او عنایت می‌کند که (فوراً) مزه‌اش را بچشد. «1»

5 - ابن ابی نجران: از کسی که به او گفته از ابی عبد الله عليه السلام: از ابی جمیلة: از ابی جعفر و ابی عبد الله عليه السلام فرمودند: ما من أحد إلا وهو يصيب خطأ من الزنا، فزنا العينين النظر، وزنا الفم القبلة، وزنا اليدين اللمس، صدق الفرج ذلك أو كذب. نیست کسی مگر اینکه او را سهمی از زنا اصابت نماید، پس زناى چشمان نگاه (به زن نامحرم است) و زناى لبها بوسیدن او است، و زناى دستها، لمس است، (بعد از این مقدمات) نر و مادگی آنها را تصدیق نماید (و به زناى عملی مشغول شوند) یا تکذیب نموده و پرهیز می‌نمایند. «2»

6 - امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: من أطلق ناظره أتعب حاضره، من تابعت لحظاته دامت حسراته. هرکس (عضو) نگاه کننده‌اش را رها سازد، خود را به

زحمت انداخته است، و هرکس نگاهش پشت سرهم شود، حسرت هایش ادامه خواهد یافت. «3»

7 - پیامبر ﷺ فرمود: النظر سهم مسموم من سهام إبليس، فمن تركها خوفا من الله أعطاه الله إيمانا يجد حلاوته في قلبه. نگاه تیر زهر آگین از تیرهای ابلیس است پس هرکس آن را از ترس خدا ترک نماید، خداوند برایش ایمانی عطا فرماید که شیرینی آن را در دلش پیدا خواهد نمود. «4»

8 - و فرمود: لكل عضو من ابن آدم حظ من الزنا فالعين زناه النظر، و اللسان زناه الكلام والأذنان زناهما السمع واليدان زناهما البطش، والرجلان زناهما المشى، والفرج يصدق ذلك ويكذبه. بر تمام اعضای فرزند آدم، نصیبی از زناست، پس چشم زنايش نگاه است، و زبان زنايش گفتار (حرام) است، و گوشها زناشان شنیدن (صداها و کلمات حرام) است و دستان، زنايش فشار آوردن (و زدن) است و پاها زنايشان رفتن (به جاهای حرام) است و اندام جنسی آنها را تصدیق و تکذیب می نماید. «5»

9 - در کتاب «زهد النبی» ﷺ شیخ جعفر بن أحمد قمی پیامبر ﷺ فرمود: اشتد غضب الله على امرأة ذات بعل ملأت عينها من غير زوجها. شدید شد غضب خداوند بر زن شوهرداری که چشمانش را از غیر شوهرش پر نماید. «1»

10 - حسین بن زید از جعفر بن محمد، از پدرانش علیه السلام در حدیث المناهی فرمود: ومن ملأ عينيه من حرام ملأ الله عينيه يوم القيامة من النار إلا أن يتوب ويرجع. و هرکس چشمانش را از حرام پر نماید، خداوند روز قیامت چشمهایش را از آتش پر می نماید مگر توبه کرده و برگردد. «2»

11 - سکونی، از امام صادق، از پدرش علیه السلام گفت: رسول خدا ﷺ

فرمود: كلَّ عين باكية يوم القيامة إلا ثلاثة أعين: عين بكت من خشية الله، و عين غضت عن محارم الله، و عين باتت ساهرة في سبيل الله. تمام چشمها روز قیامت می‌گرید مگر سه چشم، چشمی که از ترس خدا بگرید، و چشمی که از حرام‌های خداوند، پوشیده شود، و چشمی که در راه خدا شب را بیدار بماند. «3»

12 - أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: ليس في البدن شيء أقل شكرا من العين، فلا تعطوها سؤلها فتشغلکم عن ذکر الله عزوجل. در بدن کم شکرتر از چشم نیست، پس خواسته هایش را به او ندهید تا شما را از ذکر خدا مشغول نسازد. «4»

13 - سيف بن عميرة: از سعد الاسكاف: از أبي جعفر عليه السلام فرمود: استقبل شاب من الأنصار امرأة بالمدينة وكان النساء يتقنعن خلف آذانهن، فنظر إليها وهي مقبلة، فلما جازت نظر إليها ودخل في زقاق قد سماه بنى فلان فجعل ينظر خلفها واعترض وجهه عظم في الحائط أو زجاجة فشق وجهه، فلما مضت المرأة نظر فإذا الدماء تسيل على ثوبه و صدره، فقال: والله لآتين رسول الله صلى الله عليه وآله و لأخبرنه، فأتاه، فلما رآه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: ما هذا؟ فأخبره فهبط جبرئيل عليه السلام بهذه الآية: (قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك أزكى لهم ان الله خبير بما يصنعون). جوانی از طایفه انصار در مدینه با زنی روبرو آمد و زنها مقنعه را در پشت گوششان می‌بستند جوان درحالی که او می‌آمد به او نگاه می‌کرد تا اینکه رد شده وارد کوچه‌ای گشت که به بنی فلان نامیده شده بود، پس مرتب به او نگاه می‌کرد و (بیخود شده و محو تماشای جمال او بود ناگهان سرش به دیوار خورد و) استخوان یا شیشه‌ای از دیوار به روی او اصابت نمود و رویش پاره شد و خون جاری گشت؛

زن عبور نمود (و گذشت اما جوان تازه متوجه شده بود که) خون به لباس
وسینه‌اش جاری است، گفت: به خدا این قضیه را برای رسول خدا ﷺ خبر
داده (ومی‌رسانم تا فکری در باره این زنهای رو برهنه و آرایش کرده بنماید که
جوانان را به بیراهه نکشند) پیش رسول خدا ﷺ آمد قضیه را گفت، در این
حال جبرئیل نازل شده و این آیات را آورد «به مؤمنان بگو چشمهای خود را
(از نگاه به نامحرم) فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان
پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است و به زنان با ایمان بگو
چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند
و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند و (اطراف)
روسری‌های خود را برسینه خود افکنند (تاسینه و گردن با آن پوشانده شود) تا
آخر آیه». «1»

26 - نگاه اولیّه

26 - در دوران زندگی خیلی پیش می آید که آدمی بطور ناخواسته چشمش به زن زیبا می افتد که او را به اعجاب و شگفتی وامی دارد و از آن خوشش می آید، در این صورت چه باید کرد آیا او را بیاید و زُر بزند یا بر خود مسلط شود و رو به سوی خدا برگرداند!

1 - از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اذا نظر أحدکم الی المرأة الحسنة فلیأت أهله فانّ الذی معها مثل الذی مع تلک، فقام رجل فقال یا رسول الله فان لم یکن له أهل فما یصنع؟! قال فلیرفع نظره الی السماء و لیراقیه و لیسأله من فضله. زمانی که یکی تان به زن زیبایی نگاه کرد، پس به پیش همسرش در آید زیرا آنچه که آن دارد مانند آن را این هم دارد، مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا اگر همسر نداشته باشد چه کند؟! فرمود: نگاهش را به سوی آسمان بلند نماید و بدوزد و از فضل خدا درخواست کند. ¹

2 - امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث اربعمأة فرمود: اذا رأى أحدکم امرأة تعجبه فلیأت أهله فانّ عنده مثل مارأی فلا یجعلنّ للشیطان علی قلبه سبیلاً لیصرف بصره عنها فاذا لم یکن له زوجة فلیصل رکعتین و یحمد الله کثیراً و لیصل علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم ثمّ یسأل الله من فضله فانّ ینتج (بییح - یتیح) له من رأفته ما یغنیه. هرگاه یکی از شما زنی را دید و خوشش آمد پس به پیش همسرش برود همانا در او مانند همان است که دیده، پس شیطان را بردلش راه ندهد و حتماً چشمش را از او برگیرد، اگر همسر ندارد دو رکعت نماز خوانده و ستایش خدا را زیاد بجا آورد و بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستد و سپس از فضل خدا سؤال نماید

چون او از رأفت خود به او نتیجه داده (و فضل خود را به او مباح و عطا فرموده) و بی نیاز می گرداند. «2»

3 - سید رضی در نهج البلاغه: آورده است، امیرمؤمنان علیه السلام با اصحابش نشسته بود زنی زیبا بر آنها گذشت که آنها به او چشم دوختند حضرت فرمود: انّ عیون هذه الفحول طوامح و انّ ذلک سبب هبابها فاذا نظر أحدکم امرأة تعجبه فلیلامس أهله، فانّما هی امرأة کامرأة ففقال رجل من الخوارج، قاتله الله کافراً ما أفقهه فوثب القوم لیقتلوه فقال علیه السلام رویداً فانّما هو سبّ بسبّ أو عفو عن ذنب. همانا چشمان این نرها حریص است و این سبب تحریک آنهاست، پس وقتی که یکی تان به زنی نگاه کرد که او را به تعجب واداشت (و از او خوشش آمد)، همسر خود را لمس نماید (و با او آمیزش جنسی داشته باشد) زیرا آن زنی مانند زن خودش است، یکی از خوارج گفت: خداوند او (یعنی امیرمؤمنان علیه السلام) را با کفر بمیراند!! (ببینید) چقدر آموزنده تر حرف زد، پس اصحاب خیز برداشتند که آن مرد را بکشند امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: آرام باشید، همانا پاسخ آن سخن زشت، مقابله بمثل است یا گذشت کردن (شایسته گی و اخلاق علی علیه السلام هم گذشت است نه انتقام!!). «3»

4 - حمادبن عثمان از امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله زنی را دید که آن حضرت را به اعجاب واداشت، به ام سلمه داخل شد و با او همبستر شد چون روز نوبت او بود و در حالی که آب (غسل) از سرش می چکید به سوی مردم بیرون آمد و فرمود: ای مردم بتحقیق نگاه (ناصواب) از شیطان است، پس برای هرکس همچون کاری پیش آمد به پیش همسر خود برود¹

27 - حدود نگاه به نامحرم

27 - بعضی‌ها خیال می‌کنند که دستورات بازدارنده اسلام در مورد حجاب و پرهیز از خودنمایی و سوسه‌انگیز: نوعی خشونت و عقب‌گرد به عهد عتیق و بربریت و وحشیت عهد بوق است!؛

اما خودمانیم بیا بید منصفانه و بدون تقلید از غرب و پیروی از هوای نفس: کلاهمان را قاضی کنیم اگر بانوان عزیز که خداوند آنها را برای آرامش روح و آسایش جسم و جان مردان آفریده و مورد توجه جنس مخالف خود قرار داده است: خود را در منظر نامحرم قرار نمی‌دادند و در مجامع عمومی و محافل خصوصی: با آرایش‌های فریبنده گوناگون ظاهر نمی‌شدند؛

آیا این همه فساد و تباهی و سردرگمی و خانمان‌های برباد رفته و ویران گشته: بر جوامع و اقشار مختلف مخصوصاً طبقه جوان که در بحران بلوغ و غیره با این مسایل دست و پنجه نرم می‌کنند: حکم فرما می‌شد؟!؛

آیا این گریز پای‌ها و وحشت از اندرون نشستن قسمتی از بانوان و دختران و سر به بیابان و خیابان گذاشتن‌ها و از خانه فرار کردن‌ها و .. محصول بدحجابی و بی‌حجابی نیست؟!؛

آیا اطاعت از دستورات آیات سوره مبارکه «نور» و پرهیز از منهیات آن: جوامع را به ساحل نجات و زندگی ایده‌آل و روح آرام نمی‌رسانید؟!؛

صدها آیا و مگرهای دیگر که شما بهتر از من می‌دانید. خدایا به احترام مقربین درگاهت: تمام اقشار مختلف مخصوصاً طبقه جوان ما را از شرور شیاطین جن و انس و حوادث خانمانسوز محفوظ بدار و آنها را به زندگی آرام

و بی دغدغه و دور از ناراحتی‌های روحی و جسمی: برسان و خودت دست آنها را بگیر و به ساحل نجات برسان آمین.

در سوره مبارکه نور در آیات 30 و 31 حد و مرز حجاب را مشروحاً بیان فرموده است و در روایات فراوان نیز حدود نگاه به نامحرم، با تفاوت‌هایی بیان گردیده است که برای رعایت اختصار فقط تعدادی از آنها را ذیلاً می آوریم.

1 - زرارۃ، از ابی عبد الله علیه السلام در باره آیه (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) و زینت‌های خود را (جز آن مقدار که نمایان است) آشکار نمایند مگر آنچه که ظاهر است «منظور این آیه چیست؟ فرمود: الزينة الظاهرة الكحل والخاتم. زینت ظاهره سرمه و انگشتر است.»¹

2 - باز درباره آیه فوق از ابی عبد الله علیه السلام «إلا ما ظهر منها» فرمود: الوجه والذراعان رو و دو ذراع (بازو).²

3 - ابی بصیر گوید: از ابی عبد الله علیه السلام درباره آیه (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا) پرسیدم؟ فرمود: الخاتم والمسكة وهی القلب انگشتر و مسکه که آن محل دستبند است.³

4 - مروک بن عبید، از بعض اصحاب ما، از ابی عبد الله علیه السلام گفت: به او گفتم ما يحل للرجل أن يرى من المرأة إذا لم يكن محرماً؟ قال: الوجه والكفان والقدمان برای مرد از زن نامحرم چه چیزهایی دیدنش حلال است؟! فرمود: رو و کف دستان و قدمها.⁴

5 - علی بن جعفر از امام موسی کاظم علیه السلام درباره زن نامحرم که برای مرد نامحرم چه چیزهایی نگاه کردنش حلال است سؤال نمود؟ فرمود: الوجه والكف وموضع السوار. رو و کف و محل النگو (یعنی میچ دستها).⁵

- 6 - علی علیه السلام در حدیث الأربعمائة فرمود: لكم أول نظرة إلى المرأة فلا تتبعوها
- بنظرة اخرى واحذروا الفتنة. نگاه اول برای شماست، نگاه دیگری پشت سرش نکنید و از فتنه در حذر باشید. «1»
- 7 - تمیمی از امام رضا، از پدرانش علیهم السلام .
- از رسول خدا فرمود: لا تتبع النظرة النظرة فليس لك إلا أول النظرة نگاه پشت نگاه نکن، نیست برای تو مگر نگاه اول. «2»
- 8 - سکونی: از امام صادق علیه السلام : أول نظرة لك والثانية عليك ولا لك، والثالثة فيها الهلاك نگاه نخست برای توست، و دومی به ضرر توست نه به خیر تو، و سومی در آن است هلاکت (و نابود شدن). «3»
- 9 - عبدالرحمن بن الحجاج گوید: از ابا عبد الله علیه السلام پرسیدم دختری که به بلوغ نرسیده است کی سرش را از نامحرم و برای نماز بپوشاند؟ فرمود: لا تغطّي رأسها حتى تحرم عليها الصلاة. سرش را نپوشاند تا نماز برایش حرام شود (حیض ببیند و به بلوغ برسد). «4»
- 10 - بزنی، از امام رضا علیه السلام فرمود: لا تغطّي المرأة رأسها من الغلام حتى يبلغ الغلام زن از پسر (نامحرم) سرش را نپوشاند تا بالغ شود. «5»
- در مورد حدود پوشش زنان سالخورده به فصل بعد دقت نمائید

28 - حکم حجاب بانوان سالخورده

28 - قال الله عزَّ و جلَّ (وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِرِيئَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) ^{«1»}

وزنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط این که در برابر مردم، خود آرایی نکنند؛ و اگر خود را پوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست.

در باره اصل استثنای حکم حجاب برای زنان سالخورده در میان علمای اسلام محل بحث و گفتگو نیست؛ چرا که قرآن ناطق به آن است؛ ولی در خصوصیات آن گفتگوهائی وجود دارد از جمله اینکه: در مورد سن این زنان و این که تا چه حد برسند حکم قواعد را دارند گفتگو است در بعضی از روایات اسلامی تعبیر به مُسنَه شده (زنان سالخورده).

در حالی که در بعضی دیگر تعبیر به قعود از نکاح (بازنشستگی از ازدواج) آمده اما جمعی از فقهاء و مفسرین: آن را به معنی پایان دوران قاعدگی و رسیدن به حد نازائی و عدم رغبت کسی به ازدواج با آنها دانسته‌اند.

ولی ظاهر این است که همه این تعبیرات به یک واقعیت اشاره می‌کند و آن اینکه به سن و سالی برسند که معمولاً در آن سن و سال کسی ازدواج نمی‌کند: هر چند ممکن است به طور نادر چنین زنانی اقدام به ازدواج بنمایند.

و نیز در مورد مقداری از بدن که جایز است آنها آشکار کنند: در احادیث اسلامی تعبیرات مختلفی آمده: در حالی که قرآن به طور سر بسته گفته است

مانعی ندارد که لباسهای خود را فرو نهند که البته این تعبیر ظاهر در لباس رو است.

در بعضی از روایات در پاسخ این سؤال که کدامیک از لباسهایشان را می‌توانند فرو نهند؟ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: الجلباب (چادر) در حالی که در روایت دیگری تعبیر به جلباب و خمار شده است (خمار به معنی روسری است).

ولی ظاهر این است که این گونه احادیث نیز با هم منافاتی ندارند: منظور این است که مانعی ندارد آنها سر خود را برهنه کنند و موها و گردن و صورت خود را نپوشانند و حتی در بعضی از احادیث و کلمات فقهاء: مچ دستها نیز استثناء شده است: اما بیش از این مقدار: دلیلی درباره استثناء آن نداریم.

و به هر حال همه اینها در صورتی است که آنها خود آرائی نکنند
(غَيْرِ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ) و زینتهای پنهانی خود را که دیگران هم واجب است بپوشانند باید مستور دارند: و همچنین لباسهای زینتی که جلب توجه می‌کند در تن نکنند و به تعبیر دیگر آنها مجازند بدون چادر و روسری با لباس ساده و بدون آرایش بیرون آیند اما با همه اینها این یک حکم الزامی نیست: بلکه اگر آنها مانند زنان دیگر پوشش را رعایت کنند ترجیح دارد: چنانکه در ذیل آیه فوق صریحا آمده است: زیرا به هر حال احتمال لغزش هر چند به صورت نادر در مورد این گونه افراد نیز هست. ^{«1»}

1 - محمد بن مسلم، از ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ (در منظور از آیه «والقواعد من النساء اللاتی لا یرجون نکاحا» چیست که از لباسهایشان را به زمین بگذارند؟ فرمود جلباب. ^{«2»}

در روایت دیگر از حلبی از اَبی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ منظور از (أَنْ يَضَعَنَّ ثِيَابَهُنَّ؟) فرمود:

الخمارة والجلباب روسرى و چادر، گفتم در پیش چه كسانى (مى تواند خمار و جلباب را) بردارد؟ فرمود: جلوى كسانى كه نبايد زينتش را در برابر آنها آشكار نمايد و اگر نكند برايش بهتر است. ^{«3»}

2 - از حريز بن عبدالله، از اَبى عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ (أَنْ يَضَعَنَّ مِنْ ثِيَابَهُنَّ) فرمود:

الجلباب والخمار إذا كانت المرأة مسنة (منظور) چادر و روسرى است اگر زن سالخورده باشد. ^{«4»}

3 - على بن أحمد بن يونس گوید: حسين مى گفت به او (امام عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشت و سؤال نمود از حد زنانى كه به چه سنى رسيد جايز است سرو بازوانش را باز نمايد؟ در جواب نوشت: وقتى كه از نكاح نشستند (يعنى پير شده و از ازدواج افتادند). ^{«5»}

4 - اَبى الصباح الكنانى گفت: از ابا عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال نمودم از «التقواعد من النساء» کدام لباسشان را صلاح است به زمين گذارند؟ پس فرمود: الجلباب إلا أن تكون أمة فليس عليها جناح أن تضع خمارها. چادر است مگر اينكه كنيز برده باشد كه در اينصورت خمارش را هم باز مى كند. ^{«1»}

29 - نگاه پشت سر نامحرم

29 - حرام و نشانه پستی صاحب آن عمل است زیرا آن گونه که او راضی نیست کسی به زن و خواهر و مادر او دید بزنند: نباید پشت سر نوامیس مردم زُر زده و تماشا نماید.

1 - هشام و حفص و حماد بن عثمان همگی از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: ما يامن الذين ينظرون في أدبار النساء أن ينظر (أن يُبتلوا) بذلك في نسائهم. آنانکه پشت سر زنان (نامحرم) نگاه می‌کنند از ابتلاء به مانند آن در زنه‌ای خودشان، در امان نیستند (از مکافات عمل نباید غافل شد).²

2 - صفوان بن يحيى: از ابي الحسن عليه السلام در باره گفته خدای عزّ وجلّ «يا أبت استأجره إن خير من استأجرت القوي الأمين» قال: قال لها شعيب: يا بنية هذا قويّ برفع الصخرة، الأمين من أين عرفته؟ قالت: يا أبت اني مشيت قدّامه، فقال: إمشی من خلفي فان ضللتُ فارشديني إلى الطريق، فانا قومٌ لا ننظر إلى (في) أدبار النساء.

(یکی از آن دو دختر حضرت شعيب عليه السلام به پدرش گفت: پدر او (یعنی موسی) را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که استخدام کنی اوست که قوی و امین است؛

شعيب به دختر گفت: دخترم این (جوان) برای برداشتن صخره نیرومند است، امانتش را از کجا دانستی؟، گفت: پدر من جلوی او راه می‌رفتم، گفت: پشت سر من بیا اگر بیراهه رفتم مرا (بازبان) راهنمائیم کن (زیرا) ما گروهی هستیم به پشت سر زنها نگاه نمی‌کنیم.³

3 - أبي بصير: به امام صادق عليه السلام گفت: الرجل تمرّ به المرأة فينظر إلى خلفها، قال: أيسرّ أحدكم أن يُنظر إلى أهله و ذات قرابته؟ قلت: لا، قال: فارضَ للناس ما ترضاه لنفسك زنى از جلوی مرد عبور می‌کند و او پشت سر او نگاه می‌کند؟ فرمود: آیا از شما کسی خوشحال می‌شود پشت سر زن خود و زنان خویشانش، نگاه کند؟! گفتم: نه، فرمود: پس آنچه را که به خود راضی هستی به مردم نیز راضی باش. ^{«1»}

4 - هشام بن سالم: از أبي عبد الله عليه السلام فرمود: أما يخشى الذين ينظرون في أدبار النساء أن يُبتلوا بذلك في نسائهم؟! آیا نمی ترسند آنان که پشت سر زنان (دیگران) نگاه می‌کنند، خود نیز در زنانشان به این عمل گرفتار شوند؟! ^{«2»}

5 - يونس بن عبد الرحمن، گفت: أبو عبد الله عليه السلام فرمود: من تأمل خلف امرأة فلا صلاة له، قال يونس: إذا كان في الصلاة. هرکس پشت سر زن دقت نماید، برایش نماز نیست، (نمازش باطل است) یونس گفت: یعنی در نماز. ^{«3»}

30 - حکم نگاه به خواهر زن

30 - بعضی‌ها خیال می‌کنند که خواهر زن، مانند خواهر خودش محرم است، در حالی که این طور نیست او هم مانند دیگر بانوان نامحرم است زیرا اگر همسرش را طلاق دهد و یا بمیرد: می‌تواند با او ازدواج نماید پس با زنی که می‌توان ازدواج نمود، نگاه کردن به او، حرام است مگر حدودی در شرع معین گردیده است که تعدادی از آن روایات در فصل شماره 28 «حدود نگاه به نامحرم» همین بخش گذشت.

1 - أحمد بن محمد بن أبی نصر گفت: از امام رضا علیه السلام : سؤال کردم: آیا برای مرد حلال است؟ أن ينظر إلى شعر أخت امرأته؟ فقال: لا إلا أن تكون من القواعد، قلت له: أخت امرأته و الغریبة سواء؟ قال: نعم، اینکه به موی خواهر زنش نگاه کند؟ فرمود: نه، مگر اینکه پیر شود، گفتیم: خواهر زن مانند غریبه است؟! فرمود: بلی،⁴

31 - گریه شدید رسول خدا ﷺ

31- 1 - عبد العظیم بن عبد اللہ الحسنی: از محمد بن علی الرضا از

پدرانش از علی علیه السلام فرمود: دخلت أنا و فاطمة علی رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فوجدته يبکی بكاءً شديداً، فقلت له: فداك أبي و أمي يا رسول اللہ ما الذي أبكاك؟ فقال: يا علی ليلة اسرى بي إلى السماء رأيت نساء من أمّتي في عذاب شديد فأنكرت شأنهنّ فبكيت لما رأيت من شدة عذابهنّ، ثمّ ذكر حالهنّ - إلى أن قال: فقالت فاطمة: حبيبي و قرّة عيني أخبرني ما كان عملهنّ، فقال: أمّا المعلقة بشعرها فإنّها كانت لا تغطّي شعرها من الرجال، و أمّا المعلقة بلسانها فإنّها كانت تؤذى زوجها، و أمّا المعلقة بثديها فإنّها كانت ترضع أولاد غير زوجها بغير اذنه، و أمّا المعلقة برجليها فإنّها كانت تخرج من بيتها بغير اذن زوجها، و أمّا التي كانت تأكل لحم جسدها فإنّها كانت تزین بدنّها للناس، و أمّا التي تشد يداها إلى رجليها و تسلط عليها الحيات و العقارب فإنّها كانت قذرة الوضوء و الثياب، و كانت لا تغتسل من الجنابة و الحيض و لا تتنظف، و كانت تستهين بالصلاة، و أمّا العمياء الصمّاء الخرساء فإنّها كانت تلد من الزنا فتعلقة في عنق زوجها، و أمّا التي كانت تقرض لحمها بالمقاريض فإنّها كانت تعرض نفسها على الرجال، و أمّا التي كانت تحرق وجهها و بدنّها و هي تجر أمعاءها فإنّها كانت قوادة، و أمّا التي كان رأسها رأس خنزير و بدنّها بدن الحمار فإنّها كانت نمّامة كذّابة، و أمّا التي كانت على صورة الكلب و النار تدخل في دبرها و تخرج من فيها فإنّها كانت قنية نواحة حاسدة، ثم قال عليه السلام: وبل لأمرأة أغضبت زوجها و طوبى لإمرأة رضى عنها زوجها. من و فاطمه عليها السلام به محضر رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم داخل شدیم او را در حال گریه شدید یافتیم، به او گفتم:

پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا ﷺ چه چیز ترا می گریاند (سبب گریه ات چیست)؟ فرمود: ای علی علیه السلام شبی که مرا به معراج بردند، از امتم زنانی را در عذاب سخت دیدم، پس گرفتاری آنها را خوش نداشتم و بر سختی عذاب آنها گریستم سپس حضرت احوال آنها را بیان نمود فاطمه علیها السلام پرسید حبیب و روشنی چشم من (بابا) به من خبر بده اعمال آنها چه بود؟!؛

فرمود: اما آنکه از مویش آویخته شده بود، موی خود را از نا محرم نمی پوشانید، و اما آویخته شدگان از زبان، شوهران خود را با زبانشان اذیت می کرده اند، و اما از پستانها آویزان شده ها، بچه های دیگران را بدون اجازه شوهر، شیر می دادند، و اما آویزانان از پاها، از خانه بیرون شدگان بدون اذن شوهر بودند، آنانکه گوشت جسد خود را می خوردند، زنانی بودند که برای مردم آرایش می کردند، و اما آنان که دستهایشان بسته به پایشان بود و مارها و عقرب ها به آنها مسلط شده بود، زنان کثیف بدن و لباس و غسل نکنندگان از جنابت و حیض بودند و نظافت نمی کردند و به خواندن نماز بی اعتنا بودند، و اما کوران و کران و لالان، زنانی بودند که از زنا زائیده و بچه را به گردن شوهرانشان می انداختند و اما آنهایی که گوشت بدنشان را با مقراضها می بریدند، زنانی بودند که خود را به مردان عرضه می داشتند، و اما زنانی که رو و بدنشان می سوخت و روده هایشان را می کشیدند، زنان دو بهم رسان بودند، و اما زنانی که سرشان سر خوک و بدنشان بدن خر بود، زنان سخن چین و دروغ گویان بودند، و اما آنان که به صورت سگ بودند و آتش از پشتشان داخل و از دهانشان خارج می شد، زنان خواننده و نوحه گر و حسود بودند، سپس فرمود: وای بر زنی که شوهرش را به غضب در آورد و پاکی و طوبی بر زنی که شوهرش از او راضی شود.¹

32 - شش ساله‌ها را نبوسید

32 - بیش از هزار و چهارصد سال پیش روایاتی صادر شده است که از بوسیدن شش ساله‌ها و هفت ساله‌ها (ی بچه‌های بیگانه) پرهیز شود: در زمانی که بچه‌ها در سادگی و خامی مطلق فرو رفته بودند و از چیزی سر در نمی‌آوردند: حال که بایشرفت اختراعات و صنایع و علوم و فنون و ارتباطات گوناگون و سی‌دی‌ها و فیلمها و انواع نمایش‌های گمراه‌کننده تلویزیون و عنقریباً تلفن تصویری دار و ...

آگاهی کوچولوها از مسایل جنسی و راز و رمز و پیچ و خم آن از بزرگترها زیاد نباشد کم نیست: بدینجهت باید از بوسیدن اطفال بیگانه در سن کوچک‌تر از آن هم پرهیز کرد و کنار رفت.

حتی برای بوسیدن محارم هم حد و مرزی تعیین گردیده است نه هر طور که دلبخواهش باشد، مانند روایت ذیل.

رسول خدا ﷺ فرمود: إِذَا قَبَّلَ أَحَدُكُمْ ذَاتَ مُحْرَمٍ قَدْ حَاضَتْ: آخته او عمته او خالته فلیقبل بین عینیها و رأسها ولیکف عن خدّها وعن فیها هرگاه از محرمان خود حیض ببیند، خواهر، یا عمّه، یا خاله، (اگر خواست او را ببوسد) میان دوچشمانش و سرش را ببوسد و از بوسیدن رو و لب آنها، خود داری نماید. «1»

در این روایت هنگام حیض بودن محارم را اختصاص داده ولی در روایات دیگر، به طور مطلق پرهیز از بوسیدن لبهای محارم جز همسر و بچه کوچک را به میان آورده که در محلس مشروحاً بیان گردیده است!.

1 - زكريّا المؤمن از ابى عبدالله عليه السلام فرمود: اذا بلغت الجارية ستّ سنين فلا يقبلها الغلام، و الغلام لا يقبل المرأة اذا جاز سبع سنين. وقتى كه دختر به شش سالگى رسيد پسر او را نبوسد، و پسر از هفت سال كه گذشت زن را نبوسد. «2»

2 - عبدالرحمن بن بحر از زرارۀ از ابى عبدالله عليه السلام فرمود: اذا بلغت الجارية ستّ سنين فلا ينبغي لك أن تقبلها. زمانى كه دختر به سن شش سال رسيد، سزاوار نيست، او را ببوسى. «3»

33 - حرمت نگاه به نامحرم نابينا!

33 - شايد بعضى ها خيال كنند كه نابينا جائي و ياكسى را نمى بيند، پس نگاه كردن به آنها چه اشكال دارد و چرا پرهيز نمود!!

1 - أحمد بن أبى عبد الله گفت: استأذن ابن ام مكتوم على النبى صلى الله عليه وآله وسلم و عنده عائشة و حفصة فقال لهما: قوما فادخلا البيت، فقالتا: إنه أعمى فقال: إن لم يركما فأنكما تريانه. ابن ام مكتوم (نابينا)، اجازه خواست به خدمت پيامبر صلى الله عليه وآله وسلم وارد شود و نزد او عايشه و حفصه بودند، حضرت به آنها فرمود: بلند شده و داخل خانه شويد، گفتند: او نابينا است! فرمود: اگر او شما را نمى بيند، شما كه او را مى بينيد. «4»

2 - قال النبى صلى الله عليه وآله وسلم: اشتد غضب الله على امرأة ذات بعل ملأت عينها من غير زوجها أو غير ذى محرم منها، فأنها إن فعلت ذلك أحبط الله عزوجل كل عمل عملته فان أوطت فراشه (فراش) غيره كان حقاً على الله أن يحرقها بالنار بعد أن يعذبها فى قبرها.

بیغمبر ﷺ فرمود: غضب خداوند شدت گرفت بر زن شوهرداری که چشمانش را از غیر شوهر و از نامحرم، پر نماید، اگر او این کار را کرد، خداوند تمام اعمال او را مهر می‌کند! پس اگر غیر از شوهرش کسی به رختخواب او رود، خداوند حق دارد او را با آتش جهنم بسوزاند بعد از آنکه در قبر عذابش نمود. «1»

3 - رسول خدا ﷺ فرمود: ان فاطمة قالت له فی حدیث: خیر للنساء أن لا یرین الرجال، و لا یراهن الرجال، فقال ﷺ: فاطمة منی. وقتی فاطمه علیها السلام در گفتگویی به پدر گفت: برای زنان بهتر است که نه مردها آنها را ببینند و نه زنهای مردها را، آن حضرت فرمود: فاطمه علیها السلام از من است (فرق نمی‌کند مرد نامحرم نابینا باشد یا بینا، نگاه کننده زن است!). «2»

4 - ام سلمه گوید: کنت عند رسول الله ﷺ و عنده میمونة فأقبل ابن ام مکتوم و ذلك بعد أن أمر بالحجاب، فقال ﷺ: احتجبا، فقلنا: یا رسول الله، أليس أعمى لا یرصرنا؟ قال أفعمیاوان، أنتما؟ ألستما تبصرانه؟ ام سلمه گوید: نزد رسول خدا ﷺ بودم و میمونه (زن دیگرش) هم پیشش بود، پس ابن ام مکتوم آمد، این جریان بعد از نزول آیه حجاب بود، فرمود: حجاب گیرید، ما گفتیم: ای رسول خدا ﷺ آیا او نابینا نیست و ما را که نمی‌بیند؟ فرمود: آیا شما هم نابینائید، آیا شما هم او را نمی‌بینید؟! «3»

34 - حجامت پسر نابالغ از خانم‌ها

34 - حجامت کردن و خون حجامت گرفتن، از کارهای رایج در اسلام و ائمه علیهم‌السلام است و در این باره تأکید زیاد هم به کار رفته است، حال سؤال این است که آیا مرد یا پسر نابالغ می‌تواند از زنان خون حجامت بگیرد یا نه؟!

1 - سکونی: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: سئل أمير المؤمنين عليه السلام عن الصبي يحجم المرأة؟ قال: إذا كان يحسن يصف فلا. از امیرمؤمنان عليه السلام پرسیده شد از حکم بچه که زن (نامحرم را) حجامت کند؟! فرمود: اگر خوب توصیف می‌کند (و خوب و بد را تشخیص می‌دهد) نه. ¹

علی (بن جعفر) از برادرش عليه السلام پرسید از (حکم) زنی که مرد او را حجامت نماید؟

فرمود: لا نه. ²

35 - معالجه خانم‌ها وسیله آقایان

35 - معالجه پزشک مرد، زن نامحرم و بالعکس، از مسائل مورد توجه فقهاء و بزرگان دین است که در باره آن سخن‌ها گفته و فتواها داده‌اند: آن چه که مسلم است تا ضرورت ایجاب نکند: نباید نامحرمان: یک دیگر را معالجه نمایند و اندام و بدن‌های همدیگر را لمس نمایند و در معرض دید قرار دهند.

1 - علی بن جعفر در کتابش از برادرش موسی بن جعفر ع سؤال کرد: عن المرأة یكون بها الجرح فی فخذها أو بطنها أو عضدها، هل یصلح للرجل أن ینظر إلیه یعالجه؟ قال لا. از زنی که زخمی در ران یا در شکم و بازو دارد آیا به صلاح و جایز است که مرد به او نظر کند و معالجه نماید؟ فرمود: نه. ^{«3»}
(البته این در صورتی است که خطری آن زن را تهدید نکند، و گرنه مرد می‌تواند او را معالجه نماید به حدیث بعدی توجه نماید).

2 - أبو حمزة الثمالی گوید: از ابی جعفر ع پرسیدم عن المرأة المسلمة یصیبها البلاء فی جسدها إمّا کسر و إمّا جرح فی مکان لا یصلح النظر إلیه یكون الرجل أرفق بعلاجه من النساء، أیصلح له النظر إلیها؟ قال: إذا اضطررت إلیه فلیعالجها إن شاءت. در باره زنی که در بدنش گرفتاری دارد شکستنی و یا زخم، در جائی که دیدن آنجا برای مرد (نامحرم) جایز نیست (و لکن) مرد برای معالجه او بهتر است، آیا جایز است آن مرد به او نگاه کند؟ فرمود: اگر ناچار باشد، (می‌تواند) او را معالجه نماید. ^{«4»}

3 - قال: و سألته عن الرجل یكون بطن فخذہ أو إلیتیه الجرح هل یصلح للمرأة أن تنظر إلیه و تداویه؟ قال: إذا لم یکن عورة فلا بأس. علی بن جعفر گفت: از برادرم سؤال کردم؟

مردی زخمی در داخل ران یا گوشت رانش دارد، آیا جایز است زن به او نگاه کند و مداوا نماید؟ فرمود: اگر عورت نباشد، عیب ندارد. ^{«1»}

4 - أبوالبختری، از امام صادق، از پدرش از علی صلوات الله عليهم أجمعين في المرأة يموت في بطنها الولد فيتخوف عليها قال: لا بأس أن يدخل الرجل يده فيقطعها فيخرجه إذا لم ترفق به النساء. درباره زنی که بچه در شکمش مرده و به سلامتی زن خطر دارد؟! فرمود: عیب ندارد مرد دستش را فروبرده و بچه را تکه نموده و بیرون آورد اگر زنی نتواند این کار را انجام دهد. ^{«2»}

36 - کراهت سلام مرد به خانم‌ها

36 - سلام کردن از مستحبات مؤکد و مهم است زیرا این عمل در میان مردم ایجاد الفت و محبت می‌نماید و نشانه شخصیت و ادب و معرفت سلام‌کننده است اما امیرمؤمنان علیه السلام با آن عصمتش فرمود: من دوست ندارم بانوی جوان به من سلام کند 1 - مسعدة بن صدقة: از ابي عبد الله علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: لا تبدأوا النساء بالسلام و لا تدعوهنَّ إلى الطعام، فانَّ النبي صلی الله علیه و آله و سلم قال: النساء عی و عورة فاستروا عیهنَّ بالسکوت و استروا عوراتهنَّ بالبیوت. به زنها ابتدائاً سلام نکنید (یعنی اگر آنها سلام کردند جواب دهید) و آنها را به طعامی دعوت ننمایید، زیرا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

زنها عاجز و ناتوانند و عورت، پس ناتوانی آنها را با سکوت و عورات آنها را به وسیله خانه‌ها بیوشانید. «3»

2 - غیاث بن ابراهیم: از ابي عبد الله علیه السلام فرمود: لا تُسَلِّم علی المرأة. زن سلام کرده نشود (یعنی ابتدائاً به زن سلام نکنید). «1»

این در صورتی است که از شنیدن صدای آنها، احتمال ربه و گناه و تغییر حال در آدم پیدا شود، و گرنه در مواردی رعایت ادب و احترام ضرورت دارد، به روایت بعدی توجه نمایید.

3 - ربعی بن عبد الله: از ابي عبد الله علیه السلام فرمود: کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یُسَلِّم علی النساء و یرددن علیه علیه السلام ، و کان امیر المؤمنین علیه السلام یُسَلِّم علی النساء و کان یکره أن یُسَلِّم علی الشابة منهنَّ و یقول: أتخوف أن یعجنبی صوتها فیدخل علیَّ أكثر مما طلبت من الأجر. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به زنها سلام می‌کرد و آنها نیز جواب سلام را بر او رد می‌کردند و امیرمؤمنان علیه السلام به زنها

سلام می‌کرد و از سلام کردن به زن جوان، کراهت داشت و می‌فرمود: می‌ترسم صدای او مرا خوش آید، پس داخل شود بر من بیش از اجری که می‌خواستم (گناهش از ثواب آن بیشتر شود).²

4 - عمار الساباطی: از ابي عبد الله عليه السلام پرسید: عن النساء، كيف يسلمن إذا دخلن على القوم؟ قال: المرأة تقول: عليكم السلام، و الرجل يقول: السلام عليكم. از وظیفه زنان وقتی که به جمعی داخل می‌شوند چگونه سلام کنند؟ فرمود: زن بگوید: بر شما باد سلام، و مرد گوید: سلام بر شما باد.³

37 - حرمت اختلاط آقایان و بانوان

37- اختلاط نامحرمان در مجلس و یا هر محلی، از امور حرام و ناپسند است مخصوصاً در بازارها و اماکن عمومی که یقیناً فاجعه بیار خواهد آورد.

1 - غیاث بن ابراهیم: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: امير مؤمنان عليه السلام فرمود: يا اهل العراق، بُنيتُ ان نساءكم يدافعن الرجال في الطريق، أما تستحون؟ (لعن الله من لا يغار). اي اهل عراق به من خبر دادند كه زنان شما در راه با مردان بهم مي خورند (و به همدیگر تنه مي زنند)؟! آيا حيا نمي كنيد؟ لعنت خدا بر بي غيرتان. ^{«1»}

2 - كليني گوید: و در حدیث دیگر آن امیر المؤمنین عليه السلام قال: أما تستحيون و لا تغارون نساءكم يخرجن إلى الأسواق و يزاحمن العلوج. همانا امیر مؤمنان عليه السلام فرمود: آيا حيا نمي كنيد (و خجالت نمي كشيد) درباره زنانتان غيرت به خرج نمي دهيد، به بازار مي روند و با فرومايه گان مزاحمت مي كنند؟! (و با شارلاتانها بهم تنه مي زنند). ^{«2»}

38 - بانوان از پیاده روها!

38 - 1 - امام کاظم علیه السلام فرمود: «لا ینبغی للمرأة أن تمشی فی وسط الطريق ولکنها تمشی إلى جانب الحائط. شایسته نیست زنان از وسط راه بروند ولکن آنها از (کنار جاده) بغل دیوار رهسپار شوند (تا با مردان در راه تلاقی نداشته باشند)». ³

2 - ولید بن صبیح گوید که امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لیس للنساء من سروات الطريق شیء تمشی فی جانب الحائط والطریق؛ برای زنان لزومی ندارد تا از وسط راه‌ها راه بروند، بلکه از کنار دیوار و راه رهسپار شوند». ⁴

3 - ابن ابی عمیر از قول هشام بن سالم گوید: که امام صادق علیه السلام از قول جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لیس للنساء من سرة الطريق ولکن جنبیه؛ برای زنان (صحیح نیست) از بلندی‌های جاده راه بروند، بلکه از دو طرف جاده (هموار یا پایین) راه بروند». ⁵

4 - جابر بن یزید جعفی گوید که شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود: «ولیس للنساء من سروات الطريق شیء ولهن جنبتاة؛ برای بانوان حقی نیست که از وسط راه (جاده و خیابان) راه بروند و دو طرف راه مخصوص آنهاست». ¹

هشام بن سالم گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «لیس للنساء من سروات الطريق شیء ولکن یمشین فی وسط الطريق. برای زنان (صحیح یا جایز) نیست از بلندی‌ها راه بروند، بلکه از میانه راه (پایین‌ترین قسمت) راه بروند (تا اعضایشان مشخص و دیده نشود)». ²

این روایت به ظاهر با روایات بالا تفاوت دارد و می‌توان کلمه وسط را به پایین‌ترین قسمت راه معنا کنیم و گرنه روایات بالا راه رفتن بانوان از وسط راه را نهی می‌کند

39 - خداوند با سه گروه حرف نمی‌زند!

39 - خداوند متعال در روز قیامت به سه کس نظر رحمت نخواهد کرد و به عذاب دردناک گرفتار خواهند شد.

1 - محمد بن مسلم: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة ولا يزكّهم و لهم عذاب اليم: الشيخ الزاني، و الديوث، و المرأة توطئ فراش زوجها. سه گروهند خداوند در روز قیامت با آنها حرف نمی‌زند (و نظر رحمت نیندازد) و آنها را تزکیه نمی‌کند و برای آنهاست عذاب دردناک؛ 1 - پیر زناکار 2 - و دیوث (کسی که زن خود را در معرض فروش قرار دهد)؛ 3 - و زنی که به رختخواب شوهرش دیگری را راه دهد. ³

2 - عبد الله بن ميمون القداح: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود:

40 - حکم خوابیدن زیر یک لحاف!

40 - در شریعت اسلام، گروهی از زنان برای مردانی مانند پدر و برادر و پسر و ... محرم و حلال است، اما این محرمیت حد و مرزی دارد، مخصوصاً برای کسانی که در سنین جوانی و حتی در سن پیری هم در صورت عدم مهار خود از بعضی رفتارها، باید خود داری نمایند و کارها و رفتارهای تحریک کننده، نمایند، زیرا انسان جایز الخطا و پر از شهوات نفسانی است که اگر به دستور زیر عمل نشود، آن سرش ناپیداست!

1 - امام علیه السلام فرمود: لا ینام الرجلان فی لحاف واحد إلا أن یضطرا فینام کل واحد منهما فی إزاره ویكون اللحاف بعد واحدا، والمرأتان جميعاً كذلك، ولا تنام ابنة الرجل معه فی لحافه ولا امه. دو مرد در یک لحاف نخواهد مگر ناچار شوند، در این صورت هرکس بایران خود بخوابد و لحاف یکی، و دو زن هم این طور است و دختر مرد با او زیر یک لحاف نخواهد و همچنین مادر، (یعنی با مادر هم زیر یک لحاف نخواهد).¹

2 - امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم گفت: لا ینام الرجلان فی لحاف واحد إلا أن یکون دون ذلك ثوب فینام کل واحد فی إزاره وكذلك المرأتان، ولا ینام الرجل مع ابنته فی لحاف إلا أن یضطراً إلى ذلك. دو مرد زیر یک لحاف نخواهد مگر اینکه میانشان لباسی باشد که (در این صورت) هرکس با شلوار خود بخوابد و همچنین دو زن؛

و مرد با دخترش زیر یک لحاف نخواهد مگر اینکه مضطرب شود.²

41 - قسمتی از احکام خاص بانوان

41 - راجع به وظایف و احکام خاص بانوان، از بزرگان دین روایات جامع متعدد وارد شده است که ذیلاً بعضی از آنها را می آوریم.

1 - جابر بن یزید الجعفی گفت: شنیدم ابا جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام می فرمود لیس علی النساء اذان ولا إقامة، ولا جمعة، ولا جماعة، ولا عیادة المريض، ولا اتباع الجنائز، ولا إجهار بالتلیبة، ولا الهرولة بین الصفا والمروة، و لا استلام الحجر الأسود، و لا دخول الكعبة، و لا الحلق و إنما یقصرن من شعورهن، و لا تولی المرأة القضاء، و لا تلی الأمانة، و لا تستشار، و لا تذبح إلا من اضطرار، و تبدأ فی الوضوء بباطن الذراع والرجل بظاهره، و لا تمسح كما یمسح الرجال بل علیها أن تلقی الخمار عن موضع مسح رأسها فی صلاة الغداة و المغرب و تمسح علیه فی سائر الصلوات تدخل اصبعها فتمسح علی رأسها من غیر أن تلقی عنها خمارها،

1 - برای زنان اذان و اقامه و جمعه و جماعت نیست؛

2 - عیادت بیماران و تشییع جنازه نیست؛

3 - (و همچنین) هروله میان صفا و مروه و استلام حجر اسود و بلند گفتن

تلیبه و سر تراشیدن نیست فقط تقصیر (مو کوتاه) می کنند؛

4 - تولی (و مباشرت به سمت) قضاوت نباشد،

5- متولی فرمانداری (و حاکمیت) نشود،

6 - طرف مشورت قرار نگیرد

7 - ذبح حیوانات نکند مگر در ضرورت،

8 - در وضو گرفتن از باطن بازو شروع کند و از ظاهر آن، مانند مردان مسح نماید بلکه در نماز صبح و شام، روسری را از محل مسح کنار بزند و مسح کند و در سایر نمازها انگشتانش را بدون این که روسری را کنار بزند، مسح نماید؛

فإذا قامت في صلاتها ضمت رجليها و وضعت يديها على صدرها، و تضع يديها في ركوعها على فخذيهما، و (تجلس) إذا أرادت السجود سجدت لأطية بالأرض وإذا رفعت رأسها من السجود جلست ثم نهضت إلى القيام، وإذا قعدت للتشهد رفعت رجليها، و ضمت فخذيهما، وإذا سبحت عقدت الأنامل لأنهن مسؤولات، وإذا كانت لها إلى الله حاجة صعدت فوق بيتها، و صلّت ركعتين، و رفعت (كشفت) رأسها إلى السماء، فإنها إذا فعلت ذلك استجاب الله لها ولم يخيبها،

9 - وقتی زنها برای نماز می ایستند، پاها را به همدیگر بچسباند و دستانش را به سینه گذارد و در رکوع دستها را به رانهایشان بگذارد، وقتی که به سجده رود خود را به زمین بچسباند و سر از سجده برداشت، بنشیند و سپس بلند شود، وقتی که برای تشهد نشست، دوپایش را بلند کنند و ران هایش را به همدیگر بچسباند (به صورت چمباتمه بنشیند)، و هنگام تسبیح گفتن انگشتانش را به هم بچسباند، زیرا آنها مورد سؤال قرار خواهد گرفت؛

10 - اگر به خدا حاجتی داشت به پشت بام رود و دو رکعت نماز بخواند: و سرش را برهنه نموده و رو به آسمان کند (و حاجت خود را بخواهد) اگر این کار را انجام دهد خداوند حاجتش را برآورد و محرومش ننماید؛

و ليس عليها غسل الجمعة في السفر وليس يجوز لها تركه في الحضر، ولا تجوز شهادة النساء في شيء من الحدود، و لا تجوز شهادتهن في الطلاق، ولا في

رؤية الهلال، و تجوز شهادتهنّ فيما لا يحلّ للرجل النظر إليه وليس للنساء من سروات الطريق شيء ولهنّ جنبتهنّ ولا يجوز لهنّ نزول الغرف و لا تعلّم الكتابة، و يستحبّ لهنّ تعلّم المغزل و سورة النور، و يكره لهنّ (تعلم) سورة يوسف، و إذا ارتدّت المرأة عن الإسلام استتبيت فإن تابت و إلا خلّدت في السجن و لا تقتل كما يقتل الرجل إذا ارتدّ، و لكنها تستخدم خدمة شديدة و تمنع من الطعام و الشراب إلّا ما تمسك به نفسها، و لا تطعم إلا خبيث (جشب) الطعام و لا تكسى إلا غليظ الثياب و خشنها، و تضرب على الصلاة و الصيام، و لا جزية على النساء،

- 11 - برای زنان در سفر غسل جمعه نیست ولی در حضر آن را ترک ننمایید،
- 12 - شهادت آنها درمسایل حدود، و در طلاق و رؤیت هلال، جایز نیست،
- 13 - ولی شهادتشان در چیزهایی که برای مرد نگاه کردن به آن حلال نباشد جایز است،
- 14 - زنها نباید از وسط راهها (و خیابانها) راه روند بلکه ازدو طرف (پیاده روها) راه روند؛
- 15 - نباید در بالاخانهها (که مشرف به کوچه و خیابانها است) نزول کنند (و ساکن شوند)؛
- 16 - نوشتن را یاد نگیرند؛¹
- 17 - مستحب است (کارهای هنری از قبیل) نخ ریزی و سوره نور را یاد گیرند، و مکروه است یاد گرفتن سوره یوسف،
- 18 - اگر زن مرتد شود و از اسلام برگردد، باید توبه داد اگر توبه نکرد حبس ابد می شود و مانند مردان مرتد، کشته نمی شود ولیکن به کارهای سخت وادار می گردد، و به اندازه ضرورت (و زنده ماندن) خوردن و آشامیدن، داده

می‌شود، و غذای ناگوار و لباس خشن و غلیظ برایش می‌پوشانند و برای بجا آوردن نماز و روزه (تنبیه شده و) زده می‌شوند،

19 - برای زنها جزیه نیست؛

وإذا حضر ولادة المرأة وجب اخراج من فى البيت من النساء كيلا يكن أول ناظر إلى عورة (عورتها)، و لا يجوز للمرأة الحايض و لا الجنب الحضور عند تلقين الميت لان الملائكة تتأذى بهما، و لا يجوز لهما إدخال الميت قبره، و إذا قامت المرأة من مجلسها فلا يجوز للرجل أن يجلس فيه حتى يبرد، و جهاد المرأة حسن التبعل و أعظم الناس حقا عليها زوجها و أحق الناس بالصلاة عليها إذا ماتت زوجها، و لا يجوز للمرأة أن تنكشف بين يدي اليهودية و النصرانية لأنهن يصفن ذلك لأزواجهن، و لا يجوز لها أن تتطيب إذا خرجت من بيتها، و لا يجوز لها أن تتشبه بالرجال لان رسول الله ﷺ لعن المتشبهين من الرجال بالنساء، و لعن المتشبهات من النساء بالرجل

20 - هنگام ولادت بچه، واجب است زنهاى ديگر را از خانه بيرون نمايند، تا اول كسى نباشند كه به عورت (زاینده) نگاه كنند،

21 - بر زن حايض و جنب جايز نيست، موقع تلقين ميت در كنار او بنشينند، زيرا فرشتگان حاضر، از حضور آن دو اذيت مى‌شوند، و همچنين آن دو نبايد، ميت را در قبر بگذارند؛

22 - هنگامى كه زن از جايش بلند شد براى مرد جايز نيست در جاي او بنشينند تا سرد شود،

23 - جهاد زن، خوب شوهر داری اوست، و بزرگ‌ترین حق در گردن زنها برای شوهران آنهاست، و صاحب حق‌ترین نماز گذار برای زنها بعد از مرگشان، شوهران آنهاست؛

24 - جایز نیست برای زنها نزد زنهای یهود و نصارا، خود را باز کنند، زیرا آنها برای شوهران خود توصیف (و تعریف) می‌کنند،

25 - جایز نیست برای آنها، هنگام بیرون رفتن از خانه: خود را خوشبو نمایند،

26 - جایز نیست خود را به صورت مردان در آورند، زیرا رسول خدا ﷺ زنی را که خود را به مردان و مردانی که خود را بصورت زنان تشبیه می‌کنند (و در آورند) لعنت کرده است؛

و لا يجوز للمرأة أن تعطل نفسها ولو أن تعلق في عنقها خيطاً، و لا يجوز أن تری أظافيرها بيضاء ولو أن (تمسها بالحناء مساً) (تمسحها بالحناء مسحاً)، و لا تخضب يديها في حيضها، لأنه يخاف عليها الشيطان، و إذا أرادت المرأة الحاجة و هي في صلاتها صفت يديها، و الرجل يؤمئ برأسه و هو في صلاته و يشير بيده و يسبح (جهراً)، و لا يجوز للمرأة أن تصلی بغير خمار إلا أن تكون أمةً فإنها تصلی بغير خمار مكشوفة الرأس و يجوز للمرأة لبس الديباج و الحرير في غير صلاة و إحرام، و حرم ذلك على الرجال إلا في الجهاد و يجوز أن تتختم بالذهب و تصلی فيه، و حرم ذلك على الرجال،

27 - جایز نیست بر زن که خود را معطل نماید (و از زینت و آرایش محروم) کند اگرچه با آویختن نخ‌ی برگردن باشد.

28 - جایز نیست انگشتانش سفید دیده شود اگر چه (لا اقل) با حنا خود را مس کند (ورنگین نماید)،^{«1»}

29 - در ایام حیض خود را خضاب نکند، زیرا برای او از (صدمات) شیطان

ترسیده می‌شود،

30 - هر وقت زن سر نماز به کاری احتیاج پیدا کرد، دستهایش را به هم زند

ولی مرد با سر و دستش: اشاره می‌کند و تسبیح را بلندتر می‌گوید، (تا بفهمند که

کاری دارد) 31 - برای زن جایز نیست بدون روسری (و روباز) نماز بخواند، اما

برای کنیزان بدون اینها و سر برهنه جایز است،

32 - برای زن پوشیدن لباس دیباچ و حریر در غیر نماز و احرام، جایز

است، اما اینها برای مردان حرام است مگر در جهاد،

33 - جایز است زنها با انگشتر طلا نماز بخواند ولی برای مردان حرام است؛

و قال النبی ﷺ : یا علی، لا تتختم بالذهب فإنه زینتک فی الجنة، و لا

تلبس الحریر فإنه لباسک فی الجنة، و لا يجوز للمرأة فی مالها عتق و لا برُّ إلیا

باذن زوجها، و لا يجوز لها أن تصوم تطوعاً إلیا باذن زوجها، و لا يجوز للمرأة أن

تصافح غیر ذی محرم إلا من وراء ثوبها، و لا تبایع إلا من وراء ثوبها، و لا يجوز

أن تحجّ تطوعاً إلا باذن زوجها، و لا يجوز للمرأة أن تدخل الحمام فان ذلك

محرمٌ علیها، و لا يجوز للمرأة ركوب السرج إلا من ضرورة أو فی سفر، و میراث

المرأة نصف میراث الرجل، و دیتها نصف دية الرجل، و تعاقل (تقابل) المرأة

الرجل فی الجراحات حتی تبلغ ثلث الدية فإذا زادت علی الثلث ارتفع الرجل و

سفلت المرأة، و إذا صلّت المرأة وحدها مع الرجل قامت خلفه ولم تقم بجنبه و

إذا ماتت المرأة وقف المصلی علیها عند صدرها، و من الرجل إذا صلّى علیها عند

رأسه، فإذا ادخلت المرأة القبر وقف زوجها فی موضع يتناول وركيها، و لا شفيع

للمرأة أنجح عند ربها من رضا زوجها الحديث

- پیغمبر ﷺ فرمود: ای علی علیه السلام انگشتر طلا به دست نزن چون آن زینت تو در بهشت است و حریر نپوش، چون آن لباس بهشتی توست،
- 34 - برای زن جایز نیست در مال او، به آزاد کردن برده و کار نیک (و صله دادن)، اقدام نماید مگر با اذن شوهرش،
- 35 - بر زن روزه مستحبی جایز نیست مگر با اذن شوهرش،
- 36 - جایز نیست با غیر محرمش، مصافحه کند مگر از پشت لباس،
- 37 - خرید فروش نکند مگر از پشت لباس (یا با دستکش)
- 38 - بدون اجازه شوهر به حج مستحبی نرود،
- 39 - برای زن جایز نیست به حمام (عمومی) برود، چون برایش حرام است،
- 40 - زن سوار زین نشود، مگر در حال ضرورت و یا در سفر،
- 41 - ارث زن نصف میراث مرد است، و دیه او نصف دیه مرد است،
- 42 - زن در دیات جراحات با مرد مساوی است تا یک سوم مرد وقتی که از یک سوم بیشتر شد، دیه مرد بالا می‌رود و دیه زن پایین می‌آید،
- 43 - وقتی زن با مرد به تنهایی نماز خواند، پشت سر مرد بایستد، و در طرف پهلوی (راست یا چپ) نه ایستد،
- 44 - وقتی که زن فوت کرد، برگذارکننده نماز میت مساوی با سینه زن بایستد، ولی در نماز مرد نزد سرش بایستد؛
- پس زمانی که زن را به قبر گذاشتند، شوهرش مساوی با رانهای او بایستد، و برای زن شفاعت چی خوب پیش خداوند، بهتر از رضایت شوهرش نیست. (تا آخر حدیث).¹

2 - هشام: از ابي عبد الله علیه السلام فرمود: کان أمير المؤمنين علیه السلام یحتطب ویستقی ویکنس وکانت فاطمه علیه السلام تطحن وتعجن وتخبز. امیر مؤمنان علیه السلام

هیزم جمع می‌کرد و آبیاری می‌نمود و جارو می‌کشید و فاطمه علیها السلام آرد می‌کرد و خمیر می‌ساخت و می‌یخت (کارهای داخل خانه با فاطمه علیها السلام و بیرون از خانه با امیر آزادگان علیها السلام بود).»

42 - برای بانوان جمعه و جماعت نیست

42-1 - انس بن محمد از پدرش از جعفر بن محمد از پدرانش علیه السلام در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی، لیس علی النساء جمعة و لا جماعة، و لا أذان، و لا إقامة، و لا عيادة مریض، و لا اتباع جنازة، و لا هرولة بین الصفا و المروة، و لا استلام الحجر، و لا حلق، و لا تولى القضاء، و لا تستشار، و لا تذبح إلا عند الضرورة، و لا تجهر بالتلیة، و لا تقیم عند قبر، و لا تسمع الخطبة، و لا تتولى التزویج بنفسها، و لا تخرج من بیت زوجها إلا بإذنه، فان خرجت بغير اذنه لعنها الله عزوجل و جبرئیل و میکائیل، و لا تعطی من بیت زوجها شیئا إلا بإذنه، و لا تبیت و زوجها علیها ساخط و إن كان ظالماً لها.

ای علی علیه السلام برای زنان جمعه و جماعتی نیست و اذان و اقامه و عیادت بیماران و تشییع جنازه نیست (وهمچنین) هروله میان صفا و مروه و استلام حجر (اسود) و سرتراشیدن و قاضی شدن و طرف مشورت قرار گرفتن و ذبح حیوانات نیست مگر در ضرورت، و تلییه را بلند نگوید و در نزد قبری نه ایستد و خطبه نشنود و خودسرانه ازدواج نماید و از خانه شوهر بدون اجازه بیرون نرود، پس اگر بی اجازه بیرون رود، خدای عزوجل و جبرئیل و میکائیل به او لعنت نمایند، و از خانه شوهرش بدون اجازه چیزی به کسی ندهد، و شب نخوابد در حالی که شوهرش به او غضبناک است اگرچه به او ظلم نماید.¹

43 - دستورات کلی رسول خدا ﷺ

43 - در باره حدیث شریف ذیل به این نکته توجه داشته باشید، رسول خدا ﷺ که این توصیه‌ها را به علی علیه السلام نموده است از باب (ایاک أعنی و اسمعی یا جارة، دخترم به تو می‌گویم، عروسم تو بشنواست) یعنی به عنوان تعلیم، مخاطب آن حضرت، علی علیه السلام بود اما به همه امت سفارش می‌کرد و گر نه احترام فیما بین آنها خیلی بالاتر از این بود که مسائل زیر لحافی این گونه با صراحت به میان کشیده شود.

1 - حدیث کرد به ما محمد بن ابراهیم أبو العباس الطالقانی رحمه الله گفت: أبو سعید الحسن بن علی العدوی خبر داد او هم گفت: یوسف بن یحیی الاصبهانی أبو یعقوب گفت: أبو علی اسماعیل بن حاتم گفت: أبو جعفر احمد بن صالح بن سعید المکی گفت: عمر بن حفص حدیث نمود از اسحاق بن نجیح از حصین از مجاهد از ابی سعید خدری قال: اوصی رسول الله ﷺ علی بن ابی طالب علیه السلام فقال:

مجاهد از ابوسعید خدری روایت کرده است که رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام وصیت کرد و فرمود:

یا علی إذا دخلت العروس بیتک فاخلع خفها حین تجلس وأغسل رجلیها وصب الماء من باب دارک إلى أقصى دارک فانک إذا فعلت ذلك اخرج الله من دارک سبعین (ألف) لونا من الفقر وأدخل فیها سبعین (ألف) لونا من البركة وأنزل علیک سبعین رحمة ترفرف علی رأس العروس حتی تنال برکتها کل زاویة فی بیتک وتأمّن العروس من الجنون والجذام والبرص أو یصیبها ما دامت فی تلک الدار،

ای علی علیه السلام! زمانی که عروس به خانه ات داخل شد، و نشست کفش‌های او را از پایش در آور و پاهایش را بشوی و بر دَرَت تا دورتر آب پاش (به دمِ دَر آب پاشی کن)، هرگاه این کار را کردی، خداوند هفتاد (هزار) نوع فقر (و نداری) را از خانه ات بیرون راند و هفتاد (هزار) رنگ از برکت را داخل نماید، و هفتاد گونه رحمت بر تو فرود آورد که بر سر عروس، پر می‌زند تا همه زوایای خانه ات از برکت آن بهره‌مند شود و عروس مادام که در آن خانه است از اصابت (امراض ناگوار) دیوانگی و جذام و پیسی در امان باشد

وامنع العروس فی اسبوعها من الألبان والخل والكزبرة والتفاحه الحامضة من هذه الأربعة الأشياء. فقال علی علیه السلام: یا رسول الله ولأی شیء أمنعها هذه الأشياء الأربعة؟ قال: الرحم تعقم وتبرد من هذه الأربعة الأشياء عن الولد وحصيرة فی ناحية البيت خیر من امرأة لا تلد،

و عروس را در هفته اول از خوردن البان¹ و سرکه و گشنیز و سیب ترش، از این چهار چیز ممانعت نما، علی علیه السلام عرض کرد ای رسول خدا صلی الله علیه و آله برای چه او را از این چهار چیز مانع شوم؟! فرمود: رَحِمٌ از این چهار چیز نازا و سرد می‌شود و حصیری در کنار خانه بهتر از زن نازا است!

فقال علی علیه السلام: یا رسول الله فما بال الخلّ تمنع منها؟ قال: إذا حاضت علی الخلّ لم تطهر أبداً بتمام، والكزبرة تثير الحيض فی بطنها وتشدّد علیها الولادة. والتفاحه الحامضة تقلع حیضها، فیصیر داء علیها،

پس علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا از سرکه ممنوع شود؟ فرمود: زمانی که (عروس بعد از خوردن) سرکه حیض شود، دیگر پاک

نمی‌شود و گشنیز (خون) حیض را در شکم او به هیجان (و فوران) می‌آورد و زائیدن برایش سخت می‌شود و سیب ترش حیض او را می‌کند (و از بین می‌برد) پس برایش (مایه) درد (و دردسر) می‌شود، فرمود:

یا علی لا تجامع امرأتک فی أول الشهر و وسطه و آخره، فان الجنون و الجذام والخبل یسرع إليها و إلى ولدها.

ای علی بازنت در اول ماه و وسط ماه و آخر ماه، نزدیکی نکن، زیرا دیوانگی و جذام و سفاهت به سوی خود زن و فرزندش، شتاب می‌کند.

یا علی لا تجامع امرأتک بعد الظهر، فانه ان قضی بینکما ولد فی ذلک الوقت یكون أحول والشیطان یفرح بالحول فی الإنسان. ای علی با خانمت بعد از ظهر جماع نکن! زیرا اگر در آن وقت بچه دار شدید، لوچ (وچپ چشم) می‌شود و شیطان نیز از (وجود) انسان لوچ خوش حال می‌شود.

یا علی لا تتکلم عند الجماع کثیراً فانه ان قضی بینکما ولد لا یؤمن أن یكون أخرس، ولا تنظر إلى فرج امرأتک و غضّ بصرک عند الجماع، فان النظر إلى الفرج یورث العمی یعنی فی الولد ای علی هنگام هم بستری، زیاد حرف نزن! زیرا اگر برایتان در آن حال فرزندی از قضا گذشت، لال می‌شود، و موقع جماع، به عورت بانویت نگاه نکن و چشمت را فرو نه! زیرا نگاه کردن به عورت (زن)، سبب کوری بچه می‌شود.

یا علی لا تجامع امرأتک بشهوة امرأة غیرک فأننی أخصی ان قضی بینکما ولد ان یكون مختناً مؤتناً مخبلاً. ای علی با همسرت به فکر زن دیگر، مقاربت نکن (و در حین جماع زن دیگر را در نظرت مجسم منما) زیرا می‌ترسم اگر (در آن حال) بچه دار شدید (خود فروش) و خنثی و ناقص عقل می‌شود.

یا علی إذا كنت جنبا في الفراش مع امرأتك فلا تقرأ القرآن، فاني اخشى أن ينزل عليكما نار من السماء فتحرقكما. ای علی وقتی که در رختخواب با خانمت، جنب شدید از خواندن قرآن، خود داری کن، زیرا من می ترسم آتشی از آسمان به سوی شما فرود آید و هر دو را بسوزاند.

یا علی لا تجامع امرأتک إلا ومعك خرقه ومع امرأتک خرقه ولا تمسحاً بخرقه واحدة، فتقع الشهوة على الشهوة، وإن ذلك يعقب العداوة بینکما ثم یؤدیكما إلى الفرقة والطلاق. ای علی با خانمت جماع نکن مگر اینکه هریک از شما به تنهایی دستمالی داشته باشید و با یک دستمال، خودتان را پاک نکنید که شهوت روی شهوت بریزد و سبب بروز عداوت در میان شما باشد که پیامد آن به جدائی و طلاق منجر خواهد شد.

یا علی لا تجامع امرأتک من قیام فان ذلك من فعل الحمير وان قضی بینکما ولد یكون بوالاً فی الفراش كالحمير البواله فی كل مكان. ای علی با خانمت سرپائی (و ایستاده) مقاربت نکن چون این کار درازگوش هاست، اگر فرزندی به شما داده شود، به شب ادراری گرفتار آید آن گونه که الاغها به همه جا بول می کنند.

یا علی لا تجامع امرأتک فی لیلة الفطر فانه ان قضی بینکما ولد فیکبر ذلك الولد ولا یصیب ولدا إلى (علی) کبر السن. ای علی در شب عید فطر جماع نکن زیرا اگر بچه دار شدید آن بچه بزرگ می شود (اما) او تا بزرگسالی بچه دار نمی شود.

یا علی لا تجامع امرأتک لیلة الأضحی فانه ان قضی بینکما ولد یكون له ست أصابع أو أربع. ای علی شب عید قربان جماع نکن اگر بچه دار شدید، شش انگشت یا چهار انگشت می شود (یک انگشتش زیاد یاکم می شود).

یا علی لا تجامع امرأتک تحت شجرة مثمرة فانه ان قضی بینکما ولد یکون
جلاداً قتالاً عریفاً. ای علی زیر درخت میوه دار نزدیکی نکن، اگر بچه دار
شدید، جلاد و آدم کش و غارتگر می شود.

یا علی لا تجامع امرأتک فی وجه الشمس وتلاؤها إلیا ان ترخی علیکما
ستراً، فانه ان قضی بینکما ولد لا یزال فی بؤس و فقر حتی یموت. ای علی در
زیر تابش آفتاب جماع نکن مگر این که پرده ای باشد زیرا اگر بچه دار شوید
همیشه (و مادام العمر) فقیر و (تنگ دست) می شود تا مرگش فرارسد!

یا علی لا تجامع اهلک بین الاذان والإقامة، فانه ان قضی بینکما ولد یکون
حریصاً علی اهراق الدماء. ای علی میان اذان و اقامه جماع نکن چون اگر بچه
دار شدید، به خونریزی حریص می شود.

یا علی إذا حملت امرأتک فلا تجامعها إلا وأنت علی وضوء، فانه ان قضی
بینکما ولد یکون اعمی القلب، بخیل الید. ای علی اگر بانویت حامله شد دیگر
بی وضو با او مقاربت نکن، زیرا اگر بچه به دنیا آید کور دل و بخیل می شود.

یا علی لا تجامع اهلک فی النصف من شعبان، فانه ان قضی بینکما ولد یکون
مشوهاً ذا شامة فی شعره ووجهه. ای علی در نیمه شعبان جماع نکن زیرا اگر
بچه دار شدید زشت و در مو و رویش (علامت) سفیدی پیدا شود. یا علی لا
تجامع اهلک فی آخر درجة منه یعنی إذا بقی یومان فانه ان قضی بینکما ولد
کان مقدماً. ای علی دو روز به آخر شعبان مانده جماع نکن چون اگر بچه دار
شدید بی باک (و خون ریز) می شود.

یا علی لا تجامع اهلک علی شهوة أختها فان قضی بینکما ولد یکون عشاراً
أو عوناً للظالم ویکون هلاک فتام من الناس علی یدیه. ای علی با خیال خواهر

زن مقاربت نکن زیرا اگر بچه دار شوید، ده یک گیرنده (و مالیات بگیر و راه زن می‌شود) و یار ستمگر و با دست او گروه هائی از مردم به هلاکت می‌رسند.

یا علی لا تجامع اهلک علی سقوف البنیان فانه إذا قضی بینکما ولد یکون منافقاً ممارياً مبتدعاً. ای علی در پشت بام جماع نکن زیرا اگر فرزندی آورید، دو رو و لجباز (و ریا کار) و بدعت گذار می‌شود.

یا علی وإذا خرجت فی سفر فلا تجامع اهلک تلک الیلة فانه ان قضی بینکما ولد، فانه ینفق ماله فی غیر حق. و قرأ رسول الله ﷺ (ان المبذّرين کانوا اخوان الشیاطین) ¹. ای علی زمانی که برای مسافرتی بیرون روی شب آن روز جماع نکن، زیرا اگر بچه دار شوید، (در آینده) مالش را در غیر راه حق، خرج کند، و رسول خدا ﷺ آیه «اسراف کاران برادران شیطان‌ها هستند» را قرائت نمود.

یا علی لا تجامع اهلک إذا خرجت إلى مسیرة ثلاثة ایام ولیالیهنّ فانه إن قضی بینکما ولد یکون عوناً لكلّ ظالم علیک. ای علی اگر به مسافت سه روز راه مسافرت کردی روزها و شب‌های آن (سه روز) جماع نکن، چون اگر بچه دار شوید یاور ستمگران شود.

یا علی علیک بالجماع لیلة الإثنین فانه إن قضی بینکما ولد یکون حافظاً لکتاب الله راضياً بما قسم الله عزّوجلّ

ای علی شب دوشنبه مقاربت کن زیرا اگر بچه‌ای به دنیا آید، حافظ قرآن و به داده‌های خدای عزّوجلّ راضی می‌شود.

یا علی ان جماعت اهلک فی لیلة الثلاثاء، فانه یرزق الشهادة بعد شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله ولا یعذبّه الله عزوجل مع المشرکین و یکون طیب النکهة من الفم رحیم القلب سخیّ الید طاهر اللسان من الغیبة، والکذب

والبهتان. اگر شب سه شنبه جماع کنی، (و بچه دار شویدی) بچه بعد از اقرار به شهادتین (در راه خدا) شهید می شود و خداوند او را با مشرکان عذاب نکند و دهانش خوشبو و رحم دل و سخاوتمند و زبانش از غیبت و دروغ و بهتان پاک باشد.

یا علی وان جامعته اهلک لیلة الخمیس فقضی بینکما ولد فانه یكون حاکماً من الحکام أو عالماً من العلماء وان جامعتهای یوم الخمیس عند زوال الشمس عن کبد السماء فقضی بینکما ولد فان الشیطان لا یقر به حتی یشیب، ویكون فهماً، ویرزقه الله السلامة فی الدین والدنیا، وان جامعتهای لیلة الجمعة وكان بینکما ولد یكون خطیباً قوَّالاً مفوَّهاً. وان جامعتهای یوم الجمعة بعد العصر فقضی بینکما ولد فانه یكون معروفاً مشهوراً عالماً. وان جامعتهای لیلة الجمعة بعد العشاء الآخرة فانه یرجى أن یكون الولد بدلاً من الأبدال إن شاء الله. ای علی اگر شب پنجشنبه مقاربت کنی (و بچه ای متولد شود)، حاکمی از حکام و عالمی از علماء می شود، و اگر روز پنجشنبه نزدیک ظهر جماع کنی (و بچه ای به دنیا آید) شیطان تا زمان پیری به او نزدیک نشود و شخص فهمیده ای می شود و خداوند سلامتی دین و دنیا را به او روزی نماید، و اگر شب جمعه هم بستر شوی و بچه دار شدید، خطیب و سخنگوی چیره دست می شود، و اگر روز جمعه بعد از عصر جماع کنی، بچه معروف و دانشمند مشهور می شود، و اگر شب جمعه بعد از نماز عشاء جماع کنی، امید هست که آن بچه بزرگی از بزرگان شود ان شاء الله

یا علی لا تجامع اهلک فی أول ساعة من اللیل فانه ان قضی بینکما ولد لا یؤمن أن یكون ساحراً مؤثراً للدنیا علی الآخرة. ای علی با اهلت در ساعت اول شب جماع نکن، اگر بچه دار شویدی: در امان نمی ماند که ساحر و اختیار کننده دنیا بر آخرت باشد.

يا على احفظ وصيتي هذه كما حفظتها عن جبرئيل عليه السلام. اي على اين
وصيت مرا حفظ كن آن گونه كه من از جبرئيل حفظ کرده‌ام. «1»
الحمد لله أولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و الصلوة و السلام على خاتم رُسُله
محمد بن عبد الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و على آله غرالميامين المنتجبين و اللعنة الدائمة الأبدية
على أعدائهم أجمعين من الان الى لقاء يوم الدين آمين يا رب العالمين

مصادر و منابع

- 1 - قرآن كريم.
- 2- نهج البلاغة: سيّد رضى.
- 3- اصول كافي: محمد بن يعقوب كليني.
- 4- الأمالى: ابوجعفر محمد بن على بن بابويه شيخ صدوق.
- 5- الأمالى: شيخ طوسى.
- 6- الإمامة و التبصرة: ابوالحسن على بن حسين بن بابويه القمى.
- 7- التّهذيب: محمد بن حسن (شيخ طوسى).
- 8- التحفة السنّية (مخطوط) - السيد عبد الله الجزائرى:
- 9- الجامع الصغير ج 1- جلال الدين السيوطى:
- 10- الخرائج و الجرايح: سعيد بن هبة الله قطب راوندى.
- 11- الخصال: شيخ صدوق.
- 12- الحدائق الناضرة: شيخ يوسف بحراني.
- 13- الدروس: شهيد اول.
- 14- السرائر: محمد بن ادريس.
- 15- السنن الكبرى: للبيهقى.
- 16- الرجال: محمد بن عمر بن عبد العزيز الكشى.
- 17- الغايات: شيخ جعفر بن احمد القمى.
- 18- الفتاوى الميسرة: السيّد على السيستانى.
- 19- الفصول المهمّة فى أصول الأئمّة: شيخ حرّ العاملى.
- 20- الفصول المهمّة فى معرفة الأئمّة: نور الدين ابن الصباغ المالكى.
- 21- القواعد و الفوائد: شهيد اول.
- 22- المجازات النبوية: محمد بن حسين السيد الرضى.
- 23- المحكم و المتشابه: شيخ صدوق.

- 24- المحاسن: احمد بن عبدالله برقى.
- 25- المعنى: عبدالله بن قدامة.
- آداب ازدواج و زندگى خانوادگى، ص: 270
- 26- المقنعة: محمد بن محمد (شيخ مفيد).
- 27- المقنع: شيخ صدوق.
- 28- المهذب البارع: ابن فهد الحلبي.
- 29- الميزان: علماً محمد حسين الطباطبائي.
- 30- المهذب البارع: ابن فهد الحلبي.
- 31- المناقب: موفق الخوارزمي.
- 32- المنجد: لويس معلوف.
- 33- الهداية: شيخ صدوق.
- 34- الوافي فى شرح اصول الكافي: ملا صالح مازندراني.
- 35- احياء العلوم: امام غزالي.
- 36- أعلام الدين: شيخ ابو محمد حسن بن محمد ديلمي.
- 37- امالي: شيخ طوسي.
- 38- امالي: شيخ صدوق
- 39- بحار الأنوار: محمد باقر مجلسي.
- 40- تاريخ مدينة دمشق ج 16: ابن عساكر.
- 41- تحرير الأحكام: علّامه حلّي.
- 42- تحف العقول: ابن شعبة الحرّاني.
- 43- تذكرة الفقهاء: علّامه حلّي.
- 44- تفسير العياشي: ابوالنضر محمد بن مسعود العياشي سمرقندی.
- 45- تفسير صافي: فيض كاشاني.
- 46- تفسير قمى: على بن ابراهيم قمى.
- 47- تفسير كنز الدقائق: ميرزا محمد المشهدى.
- 48- تفسير مجمع البيان: طبرسى.
- 49- تفسير: نعماني.
- 50- تفسير نور الثقلين: شيخ جمعة الحويزى.

- 51- تفسير نمونه: جمعی از نویسندگان.
- 52- تنبيه الخواطر: ورّام بن ابی فراس.
- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: 271
- 53- ثواب الأعمال: شیخ صدوق.
- 54- جامع الشتات: میرزا ابوالقاسم قمی (الجيلانی).
- 55- جامع الصغیر: طبرانی.
- 56- جامع الصغیر: جلال الدین سیوطی.
- 57- جامع المقاصد: محقق کرکی.
- 58- جواهر الکلام: محمدحسن النجفی.
- 59- حواريات فقهية: سيد سعيد حكيم.
- 60- دعائم الإسلام: قاضی نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حيون التميمی المغربی.
- 61- دعوات: للراوندى.
- 62- رياض المسائل: سيدعلى طباطبائی.
- 63- روضة الواعظین: الفتال النيسابورى.
- 64- زهدالنبي: شيخ جعفر بن احمد القمى.
- 65- سرچشمه حیات: محمد امینی گلستانی.
- 66- سنن: ابی داود.
- 67- سنن: ابن ماجه.
- 68- سنن: الدارمی.
- 69- شرايع الإسلام: محقق اول.
- 70- شرح الاخبار: قاضی نعمان مغربى.
- 71- شرح اللّمة: شهيد ثانى.
- 72- صحاح اللّغة: جوهرى.
- 73- صحيفة الرّضا: طبرسى.
- 74- صحيح البخارى: محمد بن اسماعيل بخارى.
- 75- صحيح مسلم: مسلم بن الحجاج القشيري.
- 76- طبّ الأئمّة: ابى عتاب عبدالله بن بسطام بن سابور زيات.
- 77- عقاب الأعمال: صدوق.

- 78- عوالى اللئالى: شيخ احمد بن جمهور احسائى.
آداب ازدواج و زندگى خانوادگى، ص: 272
- 79- علل الشرايع: شيخ صدوق.
- 80- عيون الأخبار: شيخ صدوق.
- 81- غريب الحديث: ابو عبيد هروى.
- 82- فيض القدير شرح الجامع الصغير ج 2: المناوى.
- 83- قرب الأستاد: عبدالله بن جعفر الحميرى.
- 84- قصص الأنبياء: سيد نعمة الله الجزايرى.
- 85- كشف الغمة: على بن عيسى اربلى.
- 86- كشف الخفاء ج 1: العجلونى.
- 87- كشف الخفاء ج 2: العجلونى.
- 88- كشف الظنون ج 1: حاجى خليفة.
- 89- كنز العمال: متقى هندى جونبورى.
- 90- كنز الفوائد: ابو الفتح كراچكى.
- 91- كنز العرفان: فاضل مقداد.
- 92- كنز العمال ج 3: المتقى الهندى.
- 93- كفاية الأصول: آخوند خراسانى.
- 94- لئالى الأخبار: شيخ محمد نبى توسيركانى.
- 95- مجمع الزوائد ج 7: الهيثمى.
- 96- مرآت العقول: علامه محمد باقر مجلسى.
- 97- مسائل: على بن جعفر.
- 98- مسالك الأفهام: شهيد ثانى.
- 99- مستدرک الوسائل: محمد حسين التورى.
- 100- مستطرفات السرائر: محمد بن ادريس الحلى.
- 101- مسند: امام شافعى.
- 102- مسند: احمد بن حنبل.
- 103- مسند: ابى داود.
- 104- مشكات الأنوار: طبرسى.

- 105- معانى الأخبار: شيخ صدوق.
آداب ازدواج و زندگى خانوادگى، ص: 273
- 106- معجم أحاديث الإمام المهدي شيخ على الكوراني العاملي.
107- مكارم الأخلاق: حسن بن فضل الطبرسى.
108- منتهى المطلب: علامه حلى.
109- منهاج الأحكام: سيد يوسف مدنى تبريزى.
110- منهاج الصالحين: سيد ابوالقاسم الخوئى.
111- من لا يحضره الفقيه: شيخ صدوق.
112- نهج البلاغة: سيد رضى.
113- مولد فاطمة: ابوالحسن على ابن بابويه قمى والد شيخ صدوق.
114- وسائل الشيعة: شيخ حرّ عاملى.
115- والدين دوفرشته جهان آفرينش: محمد امينى گلستانى.

کتاب هائی که از مؤلف به چاپ رسیده است.

1 - سیمای جهان در عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دو جلد قطع وزیری 1267 صفحه.

کتابیست تحقیقی و تحلیلی در باره کیفیت امامت و مدیریت حضرت بقیة الله الأعظم روحی و أرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء، کشوری به وسعت کره زمین را، از نظر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، و قضائی و ... با مطالب و پرسش‌های نو و نیاز روز و پاسخ آنها که به علت استقبال شایان دوستان و عاشقان آن حضرت واقشار مختلف جامعه، در مدت یک سال دو مرتبه با تیراژ بالا 16 هزار جلد، توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران به چاپ رسیده است علاقمندان از آنجا تهیه نمایند.

2 - از مباهله تا عاشوراء: وزیری یک جلد 684 صفحه.

در باره مباهله نصارای نجران و مقایسه رفتار نهائی آنها و رفتارهای مسلمان نماها با پنج تن آل عبا علیهم السلام.

3 - سرچشمه حیات: وزیری یک جلد 402 صفحه.

در این کتاب مطالب ارزنده علمی و دینی و فلسفی و طبی، در باره آب و آفرینش مخلوقات از آن از نظر قرآن و روایات و کلمات بزرگان فن که مورد استقبال دانشمندان و محققان داخل و خارج کشور قرار گرفت که در مدت کوتاه 4 مرتبه چاپ شد و فعلاً کمیاب می باشد

4- والدین دو فرشته جهان آفرینش: وزیری یک جلد 320.

در باره والدین و وظایف اولاد در برابر آنها ووظایف والدین در برابر اولاد و تربیت آنها و مطالب متنوع که در جامعه کنونی نیاز شدید بر آن دیده می شود.

5- فلسفه قیام و عدم قیام امامان علیهم السلام جیبی 199 صفحه.

این کتاب در پاسخ سؤالات فراوان کسانی است که «امام حسین علیه السلام روحی له الفداء که در برابر دشمن تعادل قوا نداشت و با آن نفرات کم که به شهادت رسیدن خود و یارانش و اسارت اهل حرم، قطعی بود، چرا اقدام به قیام و مقابله با یزید و یزیدیان نمود؟!»

6- آغلار ساوالان: رقی 50 صفحه.

کتاب سوز دل و اشک چشمی است که با زبان ترکی در باره زلزله 1375 اردبیل و ویرانی‌های به وجود آمده از اثرات آن و زیر آوار ماندن 77 نفر از عزیزان و فامیل‌ها و کشته شدن آنها در روستای گلستان اردبیل شهرستان نیراست که توسط مؤلف سروده شده و این اشعار تا شهر باکو پایتخت کشور آذربایجان راه یافته 7- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی: وزیری 276 صفحه.

این کتاب در باره ازدواج جوانان عزیز و راهنمایی آنها در انتخاب همسر و کیفیت زندگی مادام العمر، از

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: 275

منظر آیات و اخبار و ... که در واقع مکمل کتاب والدین دو فرشته جهان آفرینش می باشد.

کتاب‌های آماده به چاپ و در دست تألیف

1- یک صد سؤال مهم در باره امام زمان علیه السلام .

2- «آیا و چرا» محاکمه و به زیر سؤال بردن برادران اهل سنت نسبت به

ولایت و خلافت امیرمؤمنان علیه السلام و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم .

3- عتابات قرآن، درباره مذمت و عتاب و سایر مطالب مربوط به انبیاست.

4- دعای عرشیان بر فرشیان که دعای فرشتگان بر اولاد آدم علیه السلام است.

5- «شب» کتابی است در باره برکات شب و ...

6- 200 منبر در چندین مجلد فشرده سخنرانی‌های پنجاه سال مؤلف در شهرها و قصبات و روستاها در داخل و خارج که به علت حجم زیاد و گستردگی مطالب، ناتمام و در دست تألیف است.

7- نشانه‌هایی از او در بیان آیات «و من آیاته» در قرآن کریم و توضیح آیه‌ها.

8 - کتاب مهم «اسلام فراتر از زمان» در باره پاسخ به کسانی است که ایراد نموده و اشکال می‌گیرند، دین اسلام چگونه می‌تواند تا دامنه قیامت، دنیای رو به ترقی روزانه را اداره نماید و اساساً رهبران این دین چه جایگاهی از علم و دانش داشتند و .. که مدیریت جهان را تا آخر دنیا به دست گیرند، در این کتاب قسمت مهمی از احادیث و اخبار غیبیه بزرگان اسلام آورده شده است (مانند فرمایش امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به کمیل: یا کمیل بن زیاد هاهنا موضع قبرک ثمّ أشار بيده المباركة يميناً وشمالاً و قال ستبني من هاهنا و هاهنا دور وقصور ما من بيت في ذلك الزمان الا و فيه شيطاناً أريـل).

کلمه آرپل لغت انگلیسی است که به آنتن آرپال گویند، حضرت 1400 سال پیش نه‌انگلیسی بود و نه از صنعت آنتن اثری این بیان را داشتند.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: سیأتی: زمان علی اُمّتی یُخربون قباب الأئمّة بالبنادیق به زودی می‌آید زمانی بر امت من، قبه (و گنبد) های قبرهای امامان را با بندق‌ها (یعنی بانارنجک یا بمب) ویران می‌سازند!! دقت بفرمائید این کلام در زمانی گفته شده است نه امامی شهید شده و در جائی مدفون شده بود و نه از گنبد حرّمها و اختراع بمب خبری بود که پس از قرن‌ها در سامرا و قبلأ نیز در بقیع اتفاق افتاد. یاروایت مشهور یکتفی الرجال بالرجال والنساء بالنساء درباره همجنس بازان و یا در مورد ازدواج آنان یتزوّج الرجال بالرجال ویتزوّج

النساء بالنساء، وروایت لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال در باره تغییر جنسیت دهندگان و صدها مثال این روایتها، و مقایسه و تطبیق آنها با زمان فعلی، که سعی و کوشش حقیر در اتمام این کتاب و تقدیم آن به خواستاران عزیز آن است انشاء الله.

9 - رحمت واسعة یا بخشش فراگیر: تحقیق و تحلیل پیرامون آیات مبارکات

«وسعت رحمته کلشیء و کتب علی نفسه الرحمة» و ...

فهرست مطالب

| | |
|----|---------------------------------------|
| 4 | بخش یکم آداب ازدواج و راهنمایی‌های آن |
| 4 | پیشگفتار |
| 7 | مقدمات ازدواج |
| 7 | آیات |
| 11 | دستور ازدواج |
| 12 | ترغیب به ازدواج آسان |
| 15 | نکته‌ها: |
| 23 | اخبار |
| 27 | 1 - توبیخ تجرد |
| 30 | 2 - نکوهش فرار از تزویج |
| 33 | 3 - تشویق به ازدواج |
| 38 | 4 - نهی از ترک ازدواج! |
| 41 | 5 - راهنمایی ناتوانان از ازدواج! |
| 42 | 6 - واسطه‌گری میان دو جوان! |
| 45 | 7 - سه چیز بی حساب |
| 46 | 8 - آرامش مؤمن |
| 48 | ازدواج با چه کسانی |
| 49 | 1 - رسول خدا ﷺ چه فرمود؟! |
| 51 | 2 - بهترین بانوان |
| 56 | 3 - تاج کرامت بر سر!! |
| 57 | 4 - ازدواج با آن که دوست داری! |

- 5 - شتاب در ازدواج با هم کفو 58
- 6 - معنای هم کفو بودن 62
- 7 - خواستگار شایسته را رد نکن! 66
- 8 - خانم گردن بند مرد است 69
- 9 - ازدواج با دختران باکره 72
- 10 - ازدواج با فراخ چشمان گندمگون و 74
- 11 - ازدواج با خوشبویان 75
- 12 - ازدواج با سفید اندام و 75
- 13 - ازدواج با خنده رویان مو بلند! 77
- 14 - ازدواج با خانم ولود 79
- پرهیز از وصلت چه کسانی! 81
- 1 - عدم ازدواج با خانم نازا 82
- 2 - عدم ازدواج با خانم پیر 84
- 3 - بدترین بانوان 85
- 4 - خطرناک ترین دشمن 90
- 6 - کراهت ازدواج فامیلی! 92
- 7 - ندادن دختر به شرابخوار 94
- 8 - به بد اخلاقان دختر ندهید 96
- 9 - بابانوان کم فهم ازدواج نکنید!! 97
- 10 - کراهت ازدواج با خانم دیوانه! 98
- 11 - فریب مال و جمال را نخور! 99
- 12 - سبک کردن مهریه و 102
- 13 - ثواب بخشیدن مهر! 105
- 14 - گناه ندادن مهر! 107

- 109 15 - حکم اختیار در تعیین مهر!
- 111 آداب عروسی و ورود عروس به خانه!
- 112 1 - حکم نگاه به خانم با قصد ازدواج
- 115 2 - اجازه عقد دست کیست!
- 120 3 - دانستنی های شب زفاف!
- 123 4 - رفتن عروس به خانه شوهر در شب
- 126 5 - شادی نمودن و شعر خواندن در عروسی ها!
- 128 6 - ادای شکر خدا!
- 133 7 - ولیمه دادن
- 135 8 - ازدواج ساده سروربانوان دو عالم ﷺ
- 139 9 - کراهت ازدواج در ساعات گرم!
- 140 10 - کراهت زفاف در شب چهارشنبه!
- 141 11 - استحباب خواندن خطبه!
- 142 12 - استحباب اعلان عقد!
- 143 13 - حکم ازدواج با دختر کم سن و سال!
- 145 14 - عروس این چیزها را نخورد
- 146 15 - تفاوت غرایز جنسی زن و مرد!
- 149 17 - قلّت هم بستری!
- 151 18 - مقاربت در حال میل بانوان!
- 154 بخش دوم رفتار در خانواده!
- 154 1 - عشق و علاقه ات را اظهار کن!
- 156 2 - تأکید به دوست داشتن همسر
- 158 3 - شوهر دوستی!
- 160 4 - شوهر آزاری!

- 5 - جهاد بانوان 163
- 6 - پاداش خدمت به شوهر 164
- 7 - خوش رفتاری در خانواده 166
- 8 - پاداش تأمین معاش 169
- 9 - کمک به اندازه خرج 171
- 10 - تقدیر المعیشة 172
- 11 - میوه برای خانواده 173
- 12 - کمی اولاد! 174
- 13 - خوشا به حال دخترداران! 175
- حقوق متقابل زن و شوهر 178
- 1 - حقوق مرد بر خانم 178
- 2 - حقوق خانمها بر آقایان 181
- 3 - ثواب صبر به اخلاق بد همسر! 185
- 4 - بیرون رفتن خانم بی اجازه شوهر! 188
- 5 - غیرت زنانه! 190
- 6 - حسادت چه کارها که نکند!! 191
- 7 - اگر سجده به غیر خدا جایز بود 193
- 8 - تقسیم وظایف 194
- 9 - وجوب اطاعت خانم از شوهر 196
- 10 - مراقبت بر آزادی خانمها! 197
- 11 - حکم زدن خانم! 203
- 12 - مشاوره بابانوان! 205
- 13 - اطاعت از بانوان! 207
- 14 - احسان خانم از مال شوهر 208

- 15 - اشتغال بانوان! 209
- 16 - نسبت زنا بر خانم!! 213
- 17 - بی غیرتان! 214
- 18 - ضایع کردن خانواده حرام است 216
- 19 - کراهت خوابیدن دور از خانه 216
- بخش سوم آداب معاشرت و مباشرت! 218
- 1 - آداب خانوادگی 218
- 2 - آداب ورود به جایگاه خصوصی والدین 220
- 3 - ورود به خلوتگاه والدین و ..! 226
- 5 - فلسفه استیزان و مفاسد عدم رعایت آن 231
- 6 - آرایش خانم و آقا برای همدیگر 234
- 7 - روایت حفظ زیبایی! 237
- 8 - زینت برای ناینایان! 239
- 9 - حکم وصل مو برای زیبایی 240
- 10 - حکم چیدن موی صورت 242
- 11 - بلند گذاشتن ناخن! 242
- 12 - از کیفیت موی خانم بپرسید! 243
- 13 - احترام به داماد!! 244
- بخش چهارم قسمتی از منهیات 245
- مکروهات مقاربت 245
- 1 - هنگام وزیدن باد سیاه و 246
- 2 - ترک مقاربت بیش از چهار ماه! 248
- 3 - گناه بی توجهی به همسر! 249
- 4 - خطر نزدیکی باشکم پُر! 250

- 5 - بهانه گیری برای عدم تمکین 251
- 6 - کراهت حرف زدن هنگام مقاربت! 252
- 7 - نزدیکی در حال خضاب 254
- 9 - در کشتی 258
- 10 - مقاربت بعد از احتلام! 258
- 11 - نزدیکی با انگشتر آیه دار 259
- 12 - هنگام زرد شدن و طلوع آفتاب 260
- 14 - مقاربت در جای نبود آب! 261
- 15 - باغسل مس میت 262
- 16 - حکم عزل! 262
- 17 - محرّمات جماع 264
- 18 - مسائلی چند! 266
- 19 - خطرات همنشینی با نامحرم 281
- 20 - دید زدن به خانه همسایه 284
- 21 - لعنت رسول خدا ﷺ 286
- 22 - دیگر تکرار نکن!! 287
- 24 - دست دادن باخانم نامحرم 290
- 25 - نگاه تیری از تیرهای شیطان! 292
- 26 - نگاه اولیة 297
- 27 - حدود نگاه به نامحرم 299
- 28 - حکم حجاب بانوان سالخورده 302
- 29 - نگاه پشت سر نامحرم 305
- 30 - حکم نگاه به خواهر زن 307
- 31 - گریه شدید رسول خدا ﷺ 308

- 310 32 - شش ساله‌ها را نبوسید
- 311 33 - حرمت نگاه به نامحرم نابینا!
- 316 36 - کراهت سلام مرد به خانم‌ها
- 318 37 - حرمت اختلاط آقایان و بانوان
- 319 38 - بانوان از پیاده روها!
- 320 39 - خداوند باسه گروه حرف نمی‌زند!
- 321 40 - حکم خوابیدن زیر یک لحاف!
- 322 41 - قسمتی از احکام خاص بانوان
- 325 19 - برای زنها جزیه نیست؛
- 330 43 - دستورات کلی رسول خدا ﷺ
- 338 منابع و مصادر
- 343 کتاب‌هایی که از مؤلف به چاپ رسیده است
- 347 فهرست مطالب